

# گروگان گیری

## چکیده:

حق آزادی تن از اساسی ترین حقوق افراد است. رعایت این حق از سوی خداوند در قرآن کریم ضروری دانسته شده، همچنین مواد 1 و 9 و 13 اعلامیه جهانی حقوق بشر و بسیاری از دیگر اسناد بین المللی و نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از قوانین عادی به صراحت، رعایت حق آزادی تن افراد را برای همه لازم دانسته و تعدی نسبت بدان را سزاوار سرزنش می دانند. با وجود این، معدودی از افراد با تعدی و تجاوز نسبت به این حق حیاتی و سلب آزادی تن افراد ملت اقدام نموده و باعث جرائمی نظیر گروگان گیری، آدم ربایی، توقیف غیرقانونی و ... می شوند. جرم گروگان گیری از جمله جرائمی محسوب می شود که در چند دهه اخیر بطور خاص در نظام های قانونگذاری کیفری نمود پیدا کرده است. این جرم با وجود شباهتهای بسیاری که با دو جرم آدم ربایی، حبس و توقیف غیرقانونی دارد، دارای ویژگی های خاص و متمایزی بوده به نحوی که در این جرم، مرتکب بدون اینکه همانند جرم آدم ربایی، قربانی را نقل مکان دهد، آزادی تن و رفت و آمد آنها را سلب کرده و جسم و جان، حیثیت و آزادی قربانی را وثیقه ای برای تضمین خواسته خود در انجام یا عدم انجام اقدامی خاص توسط شخص ثالثی می داند. کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری 1979 میلادی، مهمترین سند بین المللی در مبارزه با اقدامات تروریستی گروگان گیران محسوب می شود. براساس مفاد این کنوانسیون «هر فردی که نسبت به در اختیار گرفتن و یا نگه داشت، تهدید به قتل، جراحت و یا تداوم در اختیار نگه داشتن فرد دیگری اقدام نماید و به منظور مجبور نمودن یک طرف ثالث، آزادی گروگان ها را بخاطر یک شرط صریح و یا ضمنی منوط بر انجام یک عمل و یا عدم انجام عمل نماید، مجرم محسوب می شود. ماده 1 این کنوانسیون در تعریف گروگان گیری بیان می کند «هر شخصی که به توقیف و یا بازداشت و تهدید به کشتن، مصدوم کردن و یا ادامه توقیف شخص دیگر (که از این پس بعنوان «گروگان» نامیده می شود) بمنظور وادار کردن شخص ثالثی - یعنی یک

کشور، سازمان بین‌الدولی بین‌المللی، شخص حقیقی یا حقوقی و یا گروهی از افراد - جهت انجام و یا پرهیز از انجام اقدامی به عنوان شرط صریح و یا ضمنی برای آزادی گروگان مبادرت نماید در چهارچوب مفهوم این کنوانسیون مرتکب جرم گروگان‌گیری شده است.» لازم به ذکر است که کشورمان در سال 1385 با تصویب قانون الحاق دولت ایران به این کنوانسیون، مقررات آن را مطابق با ماده 9 قانون مدنی، لازم‌الاجراء دانسته است. با وجود این در مقررات مذکور هیچ تصریحی از عنصر قانونی جرم گروگان‌گیری و تعیین مجازات برای آن نشده است. هر چند مطابق با ماده 2 این کنوانسیون مذکور تعیین مجازات متناسب نسبت به اعمال مجرمانه ارتكابی مطرح در این کنوانسیون به عهده دولت‌ها واگذار شده از این رو شایسته است قانونگذار ایران با تأکید بر تمایز آشکار جرم گروگان‌گیری با سایر جرائم مشابه آن و لزوم تعیین عنصر قانونی و مجازاتی مجزا نسبت به آنها در تصویب قانون مجازات مرتکبین گروگان‌گیری اقدام نماید. لازم به ذکر است که هدف از انجام این تحقیق تشخیص و تحلیل دقیق جرم گروگان‌گیری و بررسی تمایز آن با سایر جرائم مشابه و همچنین نظام حقوق کیفری ایران در رابطه با این جرم بوده است و نتایج حاصله از تحقیق نیز شامل دستیابی به اهداف فوق‌الذکر است. همچنین روش کار در این تحقیق نیز روش تحقیق کتابخانه‌ای و شامل مراجعه به منابع مکتوب اعم از کتاب، پایان‌نامه، مقاله، آراء محاکم و غیره بوده است.

## واژگان کلیدی :

**گروگان:** قربانی‌ای که آزادی تن او توسط فرد گروگان‌گیر محدود شده و سلامت جسم و روح وی وثیقه و تضمین تحقق خواسته گروگان‌گیر قرار گرفته است.

**آزادی تن:** به معنی آزادبودن و رها بودن در حرکت یعنی فرد بتواند تن خود را آزادانه نقل مکان دهد و در پرتوی این حرکت فعالیت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره داشته باشد.

**تروریسم:** روش ایجاد ترس و وحشت در بین مردم جهت دستیابی به اهداف سیاسی و غیرقانونی مرتکبین.

**آدم ربایی:** ربودن انسان زنده بر خلاف رضایت وی یا اولیاء یا کسانی که برای نگهداری او مسئولیت دارند.

**حبس و توقیف غیرقانونی:** جرم سلب آزادی تن افراد بدون مجوز قانونی و برخلاف رضایت قربانی.

## بسمه تعالی

صفحه	عنوان
1.....	مقدمه
7.....	* بخش اول : کلیات
7.....	فصل اول : مفاهیم و پیشینه گروگان گیری
7.....	مبحث اول : بررسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی در گروگان گیری
7.....	گفتار اول) گروگان
7.....	الف) معانی لغوی
8.....	ب) مفهوم اصطلاحی
9.....	گفتار دوم) گروگان گیری
9.....	الف) معانی لغوی
9.....	ب) مفهوم اصطلاحی
12.....	گفتار سوم) آزادی تن
12.....	الف) معانی لغوی
12.....	ب) مفهوم اصطلاحی
17.....	گفتار چهارم) تروریسم
17.....	الف) معانی لغوی
18.....	ب) مفهوم اصطلاحی
22.....	گفتار پنجم) آدم ربایی
22.....	الف) معانی لغوی
23.....	ب) مفهوم اصطلاحی

24.....	مبحث دوم : بررسی پیشینه تاریخی و تقنینی گروگان گیری
24.....	اول) پیشینه تاریخی
28.....	دوم) پیشینه تقنینی
34.....	فصل دوم : بررسی جرم گروگان گیری از منظر جرم شناسی
35.....	مبحث اول : نقش عوامل سیاسی و اقتصادی در ارتکاب گروگان گیری
52.....	مبحث دوم : نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در ارتکاب گروگان گیری
	<b>* بخش دوم: بررسی جرم گروگان گیری در فقه جزایی اسلام و اسناد</b>
64 .....	بین المللی
65.....	فصل اول : بررسی جرم گروگان گیری در فقه جزایی اسلام
65.....	مبحث اول : تشخیص گروگان گیری در غالب عناوین مجرمان فقهی
65.....	الف) سرقت انسان
70.....	ب) محاربه و افساد فی الارض
76.....	ج) تعزیرات
85 .....	مبحث دوم : مجازات گروگان گیری با توجه به فقه جزایی اسلام
86.....	فصل دوم : بررسی جرم گروگان گیری در اسناد بین المللی
88.....	مبحث اول : کنوانسیون ها و پروتکل های در ارتباط با گروگان گیری
93.....	مبحث دوم : قطعنامه های سازمان ملل متحد در ارتباط با گروگان گیری
99.....	<b>* بخش سوم : بررسی جرم گروگان گیری در نظام حقوق کیفری ایران</b>
99.....	فصل اول : اجزاء تشکیل دهنده جرم گروگان گیری و جرائم مرتبط با آن
99.....	مبحث اول : عناصر سه گانه جرم گروگان گیری

100.....	الف) عنصر قانونی
101.....	ب) عنصر مادی
103.....	ج) عنصر معنوی
105.....	مبحث دوم : بررسی جرائم مرتبط با گروگان گیری
105.....	الف) توقیف غیرقانونی
107.....	ب) آدم ربایی
121.....	ج) نوزاد ربایی
122.....	د) قاچاق انسان
124.....	فصل دوم : سیاست کیفری قانونگذار ایران نسبت به جرم گروگان گیری
124.....	مبحث اول : بررسی قوانین قبل از انقلاب اسلامی
124.....	گفتار اول) قوانین ماهوی
139.....	گفتار دوم) قوانین شکلی
140.....	مبحث دوم : بررسی قوانین پس از پیروزی انقلاب اسلامی
140.....	اول) قوانین ماهوی
149.....	دوم) قوانین شکلی
152.....	نتیجه
156.....	منابع



دانشگاه قم  
دانشکده حقوق  
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

موضوع :

# بررسی جرم گروگان گیری در حقوق ایران، اسلام و اسناد بین المللی

استاد راهنما :

جناب آقای دکتر ابوالفتح خالقی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر علی اشرف طهماسبی

نگارنده :

محمد خلیج زاده

زمستان 1387

## تشکر و قدردانی

حمد و ستایش خداوند تبارک و تعالی را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا برخود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم.

از استاد بزرگوار و ارجمند جناب آقای دکتر ابوالفتح خالقی که همواره باروی گشاده، پاسخگوی مشکلات و پرسشهای من بوده اند و از ارایه راهنمایی های مفید و ارزنده دریغ ننموده و راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

از جناب آقای دکتر علی اشرف طهماسبی به عنوان مشاور که با راهنمایی خود مرا مورد لطف قرار داده اند کمال تشکر را دارم.

## مقدمه :

تاریخ حیات انسان گویای این واقعیت است که انسانها در جریان ارتباط، برخورد و اصطکاک با یکدیگر به خصومت و نزاع گراییده و به کشتار همدیگر و به انتقام و ... می پرداختند و این تسلسل تا بدانجا ادامه می یافت که یا یکی از طرفین نزاع نابود شده و یا کاملاً تسلیم و در طرف دیگر استحاله می شد و بعضی از افراد در اثر سست شدن عقاید و غالب شدن نفسانیات به آنها به جهت دسترسی به امیال مادی با انگیزه های مختلف اقدام به ربودن افراد یا گروگان گیری می نمودند که مسلماً و به طور کلی این اعمال اثرات زیان باری از نظر اجتماعی و امنیت جامعه داشت. با توجه به این که انسان از نظر حقوق الهی و طبیعی دارای آزادی تن است که از حقوق و آزادی های شخصی به شمار رفته و جزء شخصیت و حقوق فردی وی قرار می گیرد، ربودن و به گروگان گرفتن افراد، یکی از مهمترین جرائم جنائی می باشد و جامعه بشری همواره در قبال آن از خود واکنش نشان داده است. به همین منظور عنوان مجرمانه مشخص از جمله گروگان گیری در حقوق کیفری بین المللی تأسیس شده است و جوامع نیز به همین مبنا به وضع مقررات کیفری و جرم انگاری نسبت به این عمل و در صد پیشگیری و مقابله با این اقدام مجرمانه بوده و هستند.

## 1 - بیان مسأله :

امروزه با توجه به خطراتی که به جهت سازمان یافتگی جرائم بخصوص نسبت به گروگان گیری، جوامع مختلف را تهدید می کند، بررسی و اصلاح قوانین موجود متناسب با نیازهای روز، امری اجتناب ناپذیر است. در نظام حقوقی ایران مقرراتی در خصوص آدم ربایی در قانون مجازات عمومی وجود داشته است، که در زمان تصویب قانون مجازات اسلامی، با اندک تغییر مجدداً در قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته شد، و در مورد جرم گروگان گیری قانون خاصی مورد تصویب قرار نگرفته است.



بررسی نظام حقوقی موجود و ارائه راهکارهای دقیق که بتواند مبارزه صحیحی را در قوانین ایران پیش بینی کند، جز با انجام تحقیق نسبت به ابعاد مختلف این جرم امکانپذیر نیست. ارتکاب جرائم بر ضد آزادی- حیثیت و حتی تمامیت جسمانی اشخاص در قالب عناوین مجرمانه ای از قبیل گروگان گیری، آدم ربایی، توقیف و بازداشت غیرقانونی، در بیشتر نظام‌های عدالت کیفری در جهان، از گذشته و به ویژه در دهه های اخیر با ضمانت اجرای قاطع قانونی و جزایی مواجه بوده است. در ایران متأسفانه در قبال یکی از پدیده های شوم هزاره سوم میلادی یعنی گروگان گیری، سیاست جنایی قانونی، قضایی خاص اتخاذ نگردیده است. جرم یاد شده در حال حاضر موضوع بسیاری از کنوانسیونها- موثقیق و موازین بین المللی اند و تلاش تحسین برانگیز بسیاری از کشورها و به ویژه حقوقدانان در جهان در راستای مقابله نظام مند، قانونی و در عین حال فراگیر و قاطع با آن تنظیم یافته است.

از جمله به مهمترین آنها می توان به کنوانسیون علیه گروگان گیری مصوب 1979 میلادی و کنوانسیون شورای اروپا علیه گروگان گیری مصوب 1976 و نیز کنوانسیون سازمان کشورهای آمریکایی برای مقابله با گروگان گیری مصوب 1971 میلادی و نیز قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به شماره 579 مصوب 1985 میلادی به منظور محکومیت گروگان گیری و همچنین قطعنامه دیگر شورای امنیت سازمان ملل متحد به شماره 638 مصوب 1989 میلادی و نیز قطعنامه 674 همین سازمان مصوب 1990 میلادی همگی به منظور محکومیت گروگان گیری اشاره نمود، مضافاً اینکه در بعضی از اعلامیه های جهانی از جمله در مورد هواپیما ربایی مصوب 1978 میلادی به این موضوع مستقیماً اشاره ای داشته اند.

در ایران، به ویژه بعد از انقلاب اسلامی که با چالشهای عدیده حقوقی و قانونی مواجه بوده است، عدم انفکاک قانونی و حقوقی و در عین حال دقیق عنوان مجرمانه گروگان گیری با آدم ربایی و توقیف و حبس غیرقانونی از یک سو و نیز عدم اتخاذ یک سیاست راهبردی و موثر در قبال این پدیده شوم با عنایت به آمار فزاینده آن، از سوی دیگر سبب می گردد که در راستای برون رفت از این بحران رو به رشد و تأثیر عمیق آن بر ساختار امنیتی و حتی وجاهت بین المللی کشور، تحقیق بنیادینی بر پایه داده های حقوقی و رویکرد قانونی چه از منظر قوانین موضوعه داخلی و چه در پرتو اسناد و موازین بین المللی صورت پذیرد.

تحلیل ارکان عناصر و مولفه های اساسی عنوان مجرمانه یاد شده و نیز تبیین آثار مترتب بر آن، ضرورتی است که ما را بر انجام و اجرای علمی این طرح ترغیب نموده و بر شناخت جنبه های مجهول فراروی آن، تحریض می نماید.

ارتکاب جرائم بر ضد آزادی، حیثیت و اساساً تمامیت جسمانی اشخاص در قالب عناوین مجرمانه ای از قبیل گروگان گیری، حبس و توقیف غیرقانونی افراد و آدم ربایی در قالب نظام های عدالت کیفری در جهان، از گذشته و به ویژه در دهه های اخیر، با ضمانت اجرای قاطع قانونی و جزایی مواجه بوده است. در ایران و پیش از انقلاب اسلامی، قانونگذار در قانون مجازات عمومی و برخی از قوانین جزایی ماهوی دیگر به تبیین عنوان مجرمانه آدم ربایی و توقیف غیرقانونی و نیز آثار مترتب بر آن پرداخته بود. این در حالی است که بعد از انقلاب اسلامی با حاکمیت اندیشه های دینی و در پرتو آموزه های فقهی، ضمانت اجرای قاطعی در قبال بسیاری از جرائم در حوزه جرائم بر ضد اشخاص، اموال و حتی امنیت و آسایش عمومی برقرار گردید. اما متأسفانه در قبال یکی از پدیده های شوم هزاره سوم میلادی یعنی گروگان گیری و اقدامات تروریستی مرتبط با آن سیاست جنایی، قانونی و قضایی خاص اتخاذ نگردیده است.

## 2 - سابقه و پیشینه تحقیق :

شاید از آنجا که جرم گروگان گیری از جرائمی است که در دهه های اخیر رشد پیدا کرده به همین جهت در رابطه با تحلیل حقوقی این عمل مجرمانه کتاب، پایان نامه و حتی مقاله ای یافت نشده و نوشته هایی نیز که موجود است عموماً جنبه تحلیل سیاسی دارند. از این رو، اقدام محقق در انجام این تحقیق امر تازه ای محسوب می شود.

## 3 - ضرورت انجام تحقیق :

با وجود توسعه روز افزون گروگان گیری و ارتباط نزدیک آن با «تروریسم»، مقابله ای نظام مند و مناسب با این جرم خاص در قوانین موضوعه ایران ضروری به نظر می رسد. محقق با انجام این تحقیق سعی در تبیین این ضرورت ها را نیز دارد.

باید در نظر داشت که تحلیل ارکان و عناصر اساسی جرم گروگان و نیز تبیین آثار مترتب بر آن، نیازی است که ما را بر انجام و اجرای علمی این طرح، ترغیب نموده و برای شناخت جنبه های مجهول و چالش های فراروی این موضوع تشویق می کند.

همچنین چالش های قانونی موجود و عدم اتخاذ یک سیاست کیفری قاطع از سوی قانونگذار سبب تورم پرونده های جزایی و آمار فزاینده ارتکاب جرائم گروگان گیری و آدم ربایی گردیده است. علت این امر تا حدودی به واسطه عدم اتخاذ یک سیاست جنایی و کیفی راهبردی در قبال عنوان گروگان گیری و عدم همگامی با سایر نظام های عدالت کیفری در جهان در پرتو اسناد و کنوانسیون ها و موازین بین المللی بوده و از طرفی نیز با توجه به الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه با گروگان گیری در خرداد ماه 1385 و قانونی شدن این کنوانسیون در ایران، با این وجود متأسفانه در قانون جزایی ایران، عنوان مجرمانه گروگان گیری (با تعیین مجازات خاص بر آن) پیش بینی نشده است. و با عنایت به چالش های قانونی در خصوص گروگان گیری، عنوان مجرمانه آدم ربایی و حتی حبس و توقیف غیرقانونی، مصادیق متعددی از گروگان گیری را پوشش نمی دهد.

#### 4 - سؤال های اصلی و فرضیه های تحقیق :

سوال های اساسی در این تحقیق عبارتند از :

- 1- ماهیت جرم گروگان گیری چیست و در حقوق کیفری شامل چه اعمالی می گردد؟
- 2- نحوه عکس العمل جامعه حقوق ایران، فقه اسلامی و جامعه بین المللی نسبت به جرم گروگان گیری چگونه است؟

در مقابل سوالهای طرح شده، فرضیات تحقیق بشرح ذیل می باشند :

- 1- جرم گروگان گیری جزء جرائم علیه آزادی تن محسوب شده و با وجود شباهت هایی که با جرائم دیگر از جمله آدم ربایی و توقیف غیرقانونی دارد، از نظر حقوقی دارای ویژگی های خاص خود می باشد.
- 2- با وجود اینکه توسعه جرم گروگان گیری در دوره های اخیر نمودار شده، ولی در مقررات حقوقی دهه های گذشته ایران و همچنین فقه جزایی اسلام، مستقیماً تصریح نشده است. با وجود این تعدادی، کنوانسیون ها و پاره ای اسناد بین المللی در سالهای اخیر بر محوریت گروگان گیری صادر یا تنظیم گردیده و دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در سال 1385 به کنوانسیون علیه گروگان گیری مصوب 1979 میلادی ملحق شده است.<sup>1</sup>

<sup>1</sup> - روزنامه رسمی شماره 385932 ، مورخ 85/12/26

## 5 - هدف ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق :

با انجام این تحقیق سعی می شود تا با تبیین جرم گروگان گیری و بیان تفاوت های آن با دیگر جرائم علیه آزادی تن، مخصوصاً آدم ربایی و توقیف غیرقانونی، با تکیه بر قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون علیه گروگان گیری، ضرورت جرم انگاری «گروگان گیری» به عنوان جرمی خاص در قوانین موضوعه ایران بیان شده و این تحقیق در راستای هدف مذکور موثر واقع گردد.

## 6 - بیان روش تحقیق :

مسئله هر کار تحقیقی باید بر مبنای روش و اصول صحیح آن انجام گیرد. بکار بردن روش خاص در هر پژوهش باعث پیدایش شاخه های متعدد در این روش ها می شود. روش کار در نگارش این تحقیق، استفاده از منابع کتابخانه ای و روش توصیفی و تحلیلی می باشد، که با مطالعه منابع بین المللی در خصوص گروگان گیری و قوانین کیفری در خصوص آدم ربایی و جرائم مشابه آنها، به بررسی چالش های موجود در نظام عدالت کیفری ایران می پردازد.

در این تحقیق تلاش شده است که با توجه به نوع ماهیت جرم گروگان گیری که در حقوق کیفری جزء جرائم علیه اشخاص، طبقه بندی شده، به شناخت و بیان ویژگی های این عمل مجرمانه، جایگاه آن در حقوق کیفری و نظام حقوقی ایران و اسناد و کنوانسیون های بین المللی پرداخته شود و نحوه عکس العمل کیفری جامعه و قانونگذاری نیز نسبت به گروگان گیری از گذشته تا حال مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و در نهایت با تبیین ویژگی های این جرم، ارکان و عناصر آن نیز مورد تحقیق قرار گرفته و مشروحاً بیان شود.

**سابقه تحقیق :** هر چند در موضوع جرم آدم ربایی، حبس و توقیف غیرقانونی در حقوق کیفری، تحقیقاتی صورت گرفته که در جای خود قابل تحسین است، از جمله مقالات و پایان نامه ها، با وجود این راجع به جرم گروگان گیری، متأسفانه تحقیق قابل توجهی اعم از مقاله یا پایان نامه یا کتاب یافت نشد. در هر حال محقق بر آن است تا با استفاده از کتب، مجلات، مقاله ها، پایان نامه ها و تحقیقات دیگر، از طریق مراجعه به کتابخانه ها، پژوهشگاهها، دانشگاه ها و حتی محاکم دادگستری در جهت رسیدن به این اهداف و ارائه یک تحقیق مفید جهت استفاده دانشجویان و محققان و افزایش آگاهی های حقوق کیفری در زمینه جرم گروگان گیری، گام موثری بردارد.

**سامانه پژوهش :** برای رسیدن به اهداف مورد نظر این تحقیق به سه بخش تقسیم شده که در بخش اول به تبیین ماهیت و سابقه جرم گروگان گیری و بررسی عوامل ارتکاب آن از منظر جرم شناسی پرداخته می شود و در آن به بررسی مفاهیم و پیشینه جرم گروگان گیری (فصل اول) و بررسی جرم گروگان گیری از منظر جرم شناسی (فصل دوم) پرداخته و در بخش دوم ، به بررسی جرم گروگان گیری در فقه جزایی اسلام و اسناد بین المللی می پردازیم که در آن به بررسی جرم گروگان گیری در فقه جزایی اسلام (فصل اول)، و بررسی جرم گروگان گیری در اسناد بین المللی (فصل دوم) خواهیم پرداخت. و در نهایت در بخش سوم این تحقیق جرم گروگان گیری در حقوق کیفری ایران را به طور دقیق مورد مطالعه قرار داده و در آن اجزاء تشکیل دهنده جرم گروگان گیری و جرائم مرتبط با آن (فصل اول) و سیاست کیفری قانونگذار ایران نسبت به جرم گروگان گیری (فصل دوم) را بررسی خواهیم کرد.

## 7 - روش تجزیه و تحلیل داده ها :

در این تحقیق جهت رسیدن به اهداف مورد نظر و اخذ نتایج مطلوب سه بخش اصلی تعیین شده است،

1) تبیین ماهیت و سابقه جرم گروگان گیری و بررسی عوامل ارتکاب آن از منظر جرم شناسی.

2) بررسی جرم گروگان گیری در فقه جزایی اسلامی و اسناد بین المللی.

3) بررسی جرم گروگان گیری در نظام حقوق کیفری ایران.

## بخش اول : کلیات

در این بخش به تشریح و تبیین جرم گروگان گیری پرداخته و به طور خاص تلاش می‌شود تا تعریف، مفهوم و سابقه عکس العمل نسبت به این جرم، به نحو مطلوب ارائه شده و با بررسی عوامل ارتکاب آن از منظر جرم شناسی، این موضوع مورد تحقیق قرار گیرد. از این رو این بخش به دو فصل مجزا تقسیم شده است.

### فصل اول : مفاهیم و پیشینه تاریخی

با توجه به اینکه نتیجه مستقیم جرم گروگان گیری، سلب آزادی تن مجنی علیه خواهد بود، در این فصل ابتدا به بررسی و تبیین مفهوم آزادی و جرائم ناقض آن پرداخته و سپس گروگان گیری را از جهت لغوی و اصطلاحی و همچنین ماهیت آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم و جهت روشن شدن ظهور و بروز این جرم و عکس العمل جوامع نسبت به آن را نیز مورد تحقیق قرار خواهیم داد. لذا این فصل دارای دو مبحث به شرح ذیل است.

### مبحث اول : بررسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی گروگان گیری

#### گفتار اول - گروگان :

#### الف) معانی لغوی

در جرم گروگان گیری می‌توان گفت کلمه «گروگان»<sup>1</sup> به معنی گروکشی کردن و چیزی را جهت بدست آوردن یا بازیافتن چیز دیگر نزد خود نگاه داشتن یا شرط اجرای کاری دانستن، متصور می‌شود.

<sup>1</sup> - Hostage :

1.a) A person held by one party in a conflict as a pledge that promises will be kept or terms met by the other party.

b). A person taken by force to secure to secure the taker demands.

2. One that is involuntarily controlled by an outside influence.

3. A person who is captured and held prisoner by a person or group, and who may be injured or killed if people do not do what the person or group is asking.

4. فرد بیگانه‌ای که در اسارت است و در معرض تهدید مرگ یا صدمات جسمی قرار داده شده تا خواسته‌ی فرد یا افرادی که او را

اسیر کرده‌اند شود. کسی که به دشمن در زمان جنگ سپرده شده تا آزادی او (یا کشتن او) تضمینی باشد برای اجرای شرط یا قولی

که طرف‌های محاربه داده‌اند. کسی که به عنوان تضمین وثیقه نگاه داشته شده است.

همچنین توقیف کردن نیز در لغت نامه دهخدا به معنی نگه داشتن و ضبط کردن، بازداشت کردن، حبس کردن، زندانی کردن، به زندان کردن و بازداشتن آمده است.<sup>1</sup> و در فرهنگ فارسی عمید نیز به معنی بازداشت کردن، از حرکت بازداشتن و درجایی واداشتن، واقف گردانیدن و ضبط کردن آمده است.<sup>2</sup>

### ب) مفهوم اصطلاحی

در این مفهوم می توان گفت: «گروگان عبارت است از شخص و گاه چیزی که به عنوان ضمانت اجرای یک امر و یا انجام دادن شرایط مندرج در پیمانی، تحویل متقاضی می شود. افراد غیرنظامی یک ملت مغلوب که فاتحین آنها را دستگیر می کنند نیز گروگان نامیده می شوند.»<sup>3</sup> همچنین اصطلاح «توقیف» در فرهنگ اصطلاحات حقوقی کیفری چنین تعریف شده است: «توقیف به معنی از حرکت بازداشتن و سلب آزادی است. در حقوقی کیفری توقیف افراد عبارت است از بازداشتن شخص به دلایل کیفری و قانونی است.»<sup>4</sup>

و همچنین «اخفاء» به معنی پنهان کردن و پوشیده داشتن است و در اصطلاح برای پنهان کردن شخص با هدف مجرمانه به کار می رود و به نحوی از انحاء پنهان کردن اشخاص، جاسوسان و فرد زندانی یا تحت تعقیب یا متهم، مجرم و یا جسد متوفی و مقتول و طفلی که تازه متولد شده است و اسناد دولتی و سرانجام مخفی کردن مال مسروق ارتکاب می یابد.

همچنین در تعریف «اخفاء شخص» آورده شده که عنوان مجرمانه ای است به معنی آنکه شخصی را عنفاً در محلی مخفی کنند، حال به هر منظور و توسط هر کسی که باشد. خواه مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح که بدون حکم قانونی اقدام به آن نمایند یا غیر آنها.»<sup>5</sup>

1. الف) شخصی که توسط گروه یا دسته ای طی کشاکشی به عنوان گرو و ضمانت فاقد اراده که توسط یک نیرو و نفوذ خارجی کنترل می شود.

ب) شخصی که به زور جهت تأمین نیازهای فرد گیرنده گرفته می شود.

2. شخصی فاقد اراده که توسط یک نیرو و نفوذ خارجی کنترل می شود.

(Merriam- Webster's Collegiate Dictionary, Tenth Edition, 2003)

3. شخصی که دستگیر شده و به صورت زندانی به وسیله ی فردی یا گروهی نگهداری می شود، و اگر طرف مقابل، آنچه را که آن فرد یا گروه خواستار هستند انجام ندهند ممکن است مجروح شود یا به قتل برسد.

Oxford Advanced Learners' Dictionary, Seventh Edition, 2005)

4. فرهنگ حقوقی بهمین، بر اساس Black's Law Dictionary چاپ دوم، 2003.

<sup>1</sup> - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد 15، چاپخانه دانشگاه تهران، 1343، ص 48

<sup>2</sup> - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ 22، 1381، ص 94

<sup>3</sup> - خلعتبری، عبدالحسین، گروگان گیری، موسسه انتشاراتی جام جم، چاپ اول، 1384، ص 34

<sup>4</sup> - ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، انتشارات نامه هستی، چاپ دوم، 1386، ص 171

<sup>5</sup> - ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، انتشارات نامه هستی، چاپ دوم، 1386، ص 34

## گفتار دوم - گروگان گیری :

### الف) معانی لغوی

از نظر لغوی گروگان گیری مرکب است و تشکیل شده از گروگان یعنی فردی که موضوع عمل مرتکب قرار می گیرد (قربانی) و عمل به گرو گرفتن و وثیقه قرار دادن قربانی یا قربانیان مذکور به منظور تحقق خواسته گروگان گیر. گروگان گیر به فردی اطلاق می شود که با سوء نیت و برخلاف قانون و برخلاف رضایت مجنی علیه وی را با اکراه و اجبار در محلی نگه داشته و آزادی، حیات، تمامیت جسمانی و حیثیت گروگان را وثیقه تحقق خواسته خود مبنی بر انجام یا عدم انجام کاری توسط طرف ثالثی قرار خواهد داد.

### ب) مفهوم اصطلاحی

گروگان گیری از جرائمی است که در چند دهه اخیر رواج یافته و قبل از آن سوابق قابل توجهی در مورد آن، قابل ذکر نیست. در گروگان گیری همانطور که از نامش پیداست فرد یا افرادی به صورت هماهنگ و معمولاً با طرح و نقشه قبلی در مکانی که معمولاً یک مکان عمومی است، با استفاده از زور و اسلحه کافی افرادی (اعم از زن و مرد و کوچک و پیر) که در آنجا قرار دارند را محبوس کرده و آزادی رفت و آمد و تغییر مکان را از آنان سلب می کنند و با اعمال خشونت شدید نسبت به این افراد که در آن موقعیت گروگان فرد محسوب و باعث اضطراب و تشویش خاطرشان (در حد بالا) می گردند. جان و تمامیت جسمانی آنان را وثیقه و گروی اجابت درخواستی میدانند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از مقامات دولتی یا حکومتی، گروهها، انجمن ها یا افراد خاص و یا حتی خانواده قربانیان صورت می گیرد. مبنی بر این که می بایست در ظرف مهلت معینی برای گروگان گیر یا گروگان گیران، پول یا مال با ارزشی فراهم شده و به آنها داده شود و یا این که فرد، گروه، سازمان و یا مقامی دولتی یا حکومتی عمل مورد درخواست گروگان گیر را انجام دهد یا از اجرای فعالیت یا اقدامی خودداری ورزد و البته مسلماً تهدید خواهد کرد که در صورت عدم تحقق این خواسته ها، گروگان ها را یکی پس از دیگری از بین خواهد برد که گاهی هم اعمال تروریستی گروگان گیران باعث قتل و ایراد صدمه شدید بدنی به گروگان ها می شود. «از این رو



گروگان گیری یکی از شیوه های غیرقانونی با هدف دستیابی سریع و نامشروع به خواسته های گروگان گیر و گروگان گیران است.<sup>1</sup>

پس با این توصیفات گروگان گیری عبارت است از یکی از شیوه های مبارزاتی به منظور اعمال فشار برای تأمین هدف های عمدتاً سیاسی از قبیل هواپیما ربایی، تسخیر سفارتخانه ها و نظایر اینها.

جرم گروگان گیری در زمره جرائم تروریستی قرار دارد. از این رو در حقوق بین الملل از جرم گروگان گیری فراوان صحبت می شود. همانطور که می دانیم گروگان گیری می تواند در نتیجه جرائمی مانند توقیف غیرقانونی، حبس و آدم ربایی صورت گیرد. به عبارتی گروگان گیری از جمله جرائم تروریستی متعارف و سنتی است که آدم ربایی به عنوان مقدمه ای بر آن می باشد. که خود گروگان گیری هم از مصادیق تروریسم است. پس از آنجا که گروگان گیری یکی از وسایل و ابزارهای مورد استفاده تروریست ها می باشد و در واقع به عنوان ابزاری جهت نیل به اهداف تروریستی ای که اکثراً سازمان یافته اند، مورد استفاده قرار می گیرد. و همچنین جرم گروگان گیری در کنوانسیون هایی که برای مبارزه با تروریسم وضع شده اند، خودنمایی می کند. به همین دلیل لازم به نظر می رسد که در این تحقیق به تعریف تروریسم نیز بپردازیم.

گروگان گیری اگرچه به عنوان جرم علیه اشخاص مطرح می شود اما به نوعی مخل نظم و امنیت عمومی کشور است و آثار و عواقب آن فراتر از لطمه به آزادی و حقوق انسانی اشخاص است و در گروگان گیری هایی که در سطح بین المللی انجام می شود معمولاً مجنی علیه به عنوان یک وثیقه نگه داشته شده و در قبال آن یک امتیاز سیاسی و یا آزادی انجام فعالیت برای یک گروه سیاسی و یا اعمالی از این قبیل خواسته می شود.

در نهایت در جمع بندی مطالب فوق باید تصریح کرد که گروگان گیری و آدم ربایی از جرائم مشابه یکدیگر هستند اما در مورد وجه تمایز این دو جرم در رابطه با موضوع مورد بحث می توان گفت که گروگان گیری جرمی است که همه جرائم توقیف، دستگیری، حبس، مخفی کردن افراد و نگه داشتن آنها به عنوان گروگان برای رسیدن به اهداف مورد نظر صورت می گیرد. از طرفی این جرم همانطور که گفته شد به آدم ربایی بسیار نزدیک است. عده ای

<sup>1</sup> - صادقی، میرمحمد، «ملاحظات در باب تروریسم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 34، سال 33، 1380، ص 35

معتقدند تفاوت آدم ربایی و گروگان گیری در این است که هدف گروگان گیری عمدتاً سیاسی است. در حالی که در آدم ربایی، اهداف مالی، انتقام و ... دخیل اند و شاید به همین خاطر است که بیشتر، واژه گروگان گیری در این موارد استفاده می گردد. امروزه حتی کنوانسیون هایی برای مقابله با گروگان گیری در سطح بین المللی تصویب گردیده است. به علاوه در دیوان کیفری بین المللی، جرم گروگان گیری در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی آمده است. (ماده 8 اساسنامه دیوان کیفری بین المللی).

در حقوق جزای ایران با وجود قانون «الحاق دولت ایران به کنوانسیون علیه گروگان گیری» عنوان مجرمانه خاصی با نام گروگان گیری نداریم. اما بنا به نظری شاید بتوان گفت: «آدم ربایی در جایی که قصد خاص در آن دخیل باشد، همان گروگان گیری است.»<sup>1</sup>

«در حقوق فرانسه در ماده 4-224 آمده است: 1- اگر شخص توقیف شده و یا ربوده شده مانند یک گروگان باشد، برای تهیه یا تسهیل یک جرم یا جنحه، خواه برای ممکن ساختن فرار یا مطمئن ساختن مباشر یا شریکش برای عدم مجازات باشد یا برای مهیا ساختن یک مجوز یا ایجاد شرایطی باشد، بخصوص پرداخت یک مبلغی، در این صورت جرم مذکور در ماده 1-224 مجازاتش تا 30 سال حبس است.»<sup>2</sup>

ماده 1 کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری در سال 1779 میلادی نیز گروگان گیری و گروگان گیر را چنین مشخص می کند: «هر شخصی که نسبت به در اختیار گرفتن و یا نگه داشتن، تهدید به قتل، جراحت و یا تداوم در اختیار داشتن فرد دیگری اقدام نماید یا به عنوان معاون جرم در ارتکاب آن مشارکت نماید، مجرم شناخته می شود.»

گروگان گیری امروزه همانطور که گفتیم از مصادیق جرائم تروریستی به حساب می آیند و با خشونت، انجام می پذیرند و هم به دنبال مقاصد سیاسی و یا حتی اقتصادی بوده و در گروههای سازمان یافته صورت می گیرد. لازم به ذکر است که جرم هواپیما ربایی که آن هم جزء جرائم تروریستی است، می تواند همراه با جرم گروگان گیری صورت گیرد. چون اولاً این جرم بر هواپیماهای مسافربری معمولاً اعمال می شود که در آن افراد انسانی زیادی قرار دارند و ثانیاً ربودن افراد داخل هواپیما از ربودن خود هواپیما مهمتر می باشد و ثالثاً عموماً ربودن

<sup>1</sup> - محمدی فیروزجایی، رسول، مطالعه تطبیقی جرم آدم ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه و حقوق بین الملل، پابان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه امام صادق، 1381، ص 27

<sup>2</sup> - همان، ص 28

هواپیما با اهداف سیاسی و با گروگان گیری افراد خاصی در داخل هواپیما انجام می شود و نفس گروگان گیری افراد تأثیر مهمی در رسیدن به اهداف سیاسی شان دارد.

ربودن، با هواپیما خود می تواند از علل مشدده باشد که تصویب قوانین و کنوانسیون های خاص در این مورد نشان دهنده این امر است. در نهایت باید در نظر داشت که اصطلاح «گروگان گیری» یک عنوان عامیانه است که مفاهیم مختلف دارد گاهی منظور موردی است که مرتکب شخص یا اشخاصی را در اختیار و در قبال آزادی آنها خواهان امتیازی است.

در این موارد صرف بازداشت و مطالبه را نمی توان گروگان گیری به حساب آورد مگر ارکان قانونی این جرم محقق باشد که گاهی مترادف آدم ربایی به کار می رود. به عنوان مثال اگر کسی با اسلحه وارد منزلی شود و اهالی آن را به گروگان گیرد و آزادی آنها موکول به انجام خواسته هایش نموده و تهدید نماید که در صورت عدم اجابت خواسته اش، گروگان ها را خواهد کشت. حسب مورد ممکن است عمل ارتكابی را آدم ربایی، بازداشت غیرقانونی و تهدید به قتل به حساب آورد. با این وجود باید توجه داشت که قانونگذار در مقابله و عکس العمل نسبت به جرائم آدم ربایی به معنی اخص و توقیف یا حبس غیرقانونی و یا در مواردی به طور ضمنی نسبت به گروگان گیری، قوانین کیفری مختلفی را به مرحله تصویب و اجرا رسانده است که در جای خود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### **گفتار سوم - آزادی تن :**

#### **الف) معانی لغوی**

آزادی همیشه و در طول تاریخ مورد توجه بشر بوده و بحث های زیادی درباره آن شده است. از نظر لغوی آزادی تن به معنی آزاد بودن و رها بودن در حرکت است یعنی فرد بتواند تن خود را آزادانه نقل مکان دهد. بحث های آتی پیرامون مفهوم آزادی، محدوده آزادی و حق داشتن آزادی باعث شفاف سازی بیشتر موضوع می شود.

#### **ب) مفهوم اصطلاحی**

در ترمینولوژی حقوق، دکتر جعفری لنگرودی «آزادی فردی به معنی خاص» را چنین تعریف می کند: «آزادی بدنی هر فرد به طوری که بتواند از هر نقطه کشور به نقاط دیگر آن

مسافرت نمود یا نقل مکان دهد یا از کشور خود خارج شده و به آن مراجعت نماید و از توقیف بدون جهت محفوظ و مصون باشد.<sup>1</sup>

همچنین منتسکیو در «روح القوانين» می گوید «آزادی عبارت از این است که انسان حق داشته باشد، هر کاری را که قانون اجازه می دهد انجام دهد و آن چه که قانون منع کرده و صلاح او نیست، مجبور به انجام آن نشود. در این صورت اگر مرتکب اعمالی شود که قانون منع کرده، دیگر آزادی وجود نخواهد داشت. این است معنی استقلال و آزادی که باید در افکار و آراء مردم رسوخ یابد.»<sup>2</sup> و نیز گفته اند: «آزادی به معنی حق داشتن اختیار و به طور کلی مستقل و مختار بودن شخص در گزینش اعمال و رفتار خود می باشد. مانند آزادی رفت و آمد، آزادی عقیده (بیان) آزادی قلم، آزادی اجتماعات، آزادی کار و غیره»<sup>3</sup>

بحث آزادی و داشتن حق آزادی همواره در بحث حقوق عمومی و آزادی ها، مطرح شده و منشاء این بحث در آراء اندیشمندان در بحث حقوق فطری نیز مطرح شده است. «مقصود از آزادی، داشتن اختیار تن و روان در حدودی است که در قوانین اساسی و عادی بر اشخاص شناخته اند.»<sup>4</sup>

خداوند در قرآن نیز انسان را بسیار تکریم نموده و در آیه 70 سوره اسراء می فرماید «و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» یعنی «ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب دریا و خشکی سوار کردیم و از هر غذای پاکیزه روزی دادیم و ایشان را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم.» آزادی انسان در روایات ائمه معصومین نیز جزء خلقت و سرشت انسان دانسته شده است که انسان بدون آن معنی ندارد.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و شهروند فرانسه سال 1789 میلادی، آزادی چنین تعریف شده است: «آزادی عبارت است از توانایی انجام دادن هر کاری که به دیگران زیان نرساند.» پس تعاریفی که از آزادی می آوریم، همگی محدود به قانون و حقوق دیگران و قوانین اجتماعی، در نظر گرفته می شود. همچنان در تعریفی آمده است: «آزادی عبارت است از اینکه

<sup>1</sup> - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ 16، 1385، ص 181

<sup>2</sup> - منتسکیو، روح القوانين، انتشارات دانشگاه تهران، 1352، ص 38

<sup>3</sup> - طباطبائی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، انتشارات تهران، 1370، ص 5

<sup>4</sup> - پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، 1352، ص 215

اشخاص بتوانند هر کاری را که صلاح و مقتضی بدانند، انجام دهند، مشروط بر این که اقدامات و عملیات آنها صدمه ای به حق دیگران وارد نسازد و با حقوق جامعه منافات نداشته باشد.<sup>1</sup> به هر حال برای تبیین محدوده آزادی فردی و ضرورت رعایت آن در زندگی اجتماعی در این مقام می توان گفت: از آنجا که انسان فطرتاً موجودی است نیازمند و به تنهایی قادر به رفع نیازهای خود نیست و به حکم احتیاج، زندگی جمعی را خواه از روی ناچاری و یا از روی عقل و حسابگری می پذیرد. اما وجود محدودیت نسبت به اعمال آزادی های فردی موجب خواهد شد که بعضی از افراد به خاطر جلب منفعت و یا مقاصد خاص، حریم آزادی تن سایر هموعان خود را مورد تعدی و تجاوز قرار دهند. برای جلوگیری از این قبیل تعرضات و ادامه حیات جمعی، نظامات اجتماعی و قانون اساسی و عادی بعضی از این قبیل اعمال مجرمانه را ممنوع و قابل مجازات اعلام می نمایند. پس در این رابطه مقصود از آزادی مورد حمایت قانونگذار و حق انتخاب انجام دادن یا خودداری از انجام دادن امور متعارف و مباح زندگی اجتماعی است که نظامات دینی یا قوانین اساسی و عادی آن را برای اشخاص پیش بینی کرده اند.

بدون تردید قلمرو آزادی های تن و روان آدمی در ارتباط با حیات جمعی و همچون سایر آزادی های سیاسی، اقتصاد و فرهنگی و غیره، مطلق و بی قید و شرط نیست بلکه قلمرو آن در ارتباط با آزادی سایر اشخاص و رعایت مصالح و منافع جامعه محدود خواهد شد. پس در هر صورت مقصود از آزادی تن که مانند آزادی روان یکی از موهبت های الهی و مهمترین آزادی فردی و مدنی می باشد، این است که هر شخص در رفت و آمد و اقامت و ترک اقامت چه در داخل و چه در خارج از کشور آزاد و مختار باشد. با وجود این آزادی و داشتن اختیار تن و روان در حدودی است که قوانین اساسی و عادی برای اشخاص شناخته اند.

یک حداصلی آزادی در هر فرد، آزادی فردی اشخاص و حد دیگر آن مصالح عمومی اجتماع است. در اوایل قانونگذاری ایران، قبل از انقلاب اسلامی، مبنای آزادی های فردی که به آزادی های مدنی و سیاسی نیز معروف بود، متمم قانون اساسی و مواد چند از قانون عادی بود. اصول نهم، و چهاردهم متمم قانون اساسی بدین شرح پیش بینی شده بود.

اصل نهم: «افراد مردم از حیث جان، مال، مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد مگر به حکم و ترتیب که قوانین مملکت تعیین

<sup>1</sup> - قربانی، زین العابدین، اسلام و حقوق بشر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، 1366، ص 184

نمایند.» اصل دهم : «غیر از مواقع ارتکاب جنحه یا جنایات تقصیرات عمده، هیچ کس را فوراً نمی توان دستگیر نمود مگر به حکم کتبی محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتها ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود.»

اصل چهاردهم : «هیچیک از ایرانیان را نمی توان نفی بلد یا منع اقامت در محلی یا مجبور به اقامت در محل معینی نمود، مگر در مواردی که قانون تصریح می کند، ضمانت اجرای اصول فوق مواد 83 تا 91 و ماده 193 قانون مجازات عمومی (مصوب 1304) و ماده 124 آیین دادرسی کیفری مصوب 1290 بوده است.

پس آنچه از مجموع احکام و نظامات بشری بر می آید این است که هتک حرمت و آزادی تن افراد ممنوع است و افراد ملت از این حق برخوردارند و هیچ کس بدون علت، حق تعرض به حقوق و آزادی های فردی اشخاص را ندارد. اما از آنجایی که اعمال و استفاده از آزادی فردی، محدود به حقوق و آزادی های دیگران و منوط به حفظ مصالح و منافع اجتماعی است، لذا سوء استفاده افراد از آزادی های اساسی ممنوع و ضمانت اجرای آن در قانون پیش بینی و برقرار گشته است. از همین رو بحث آزادی به تدریج در قوانین اساسی و عادی کشورها وارد شد و سرانجام پس از پیدایش حقوق بین الملل و تأسیس جامعه ملل و سازمان ملل و تشکیل کشورهای دموکراتیک، موضوع آزادی در اعلامیه های حقوق بشر مطرح شد.

در ایران نیز بند 6 اصل دوم قانون اساسی، کرامت و ارزش والای انسان توأم با مسئولیت و در برابر خدا را از پایه های اساسی جمهوری اسلامی ایران می داند و همچنین تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون در بند 7 اصل سوم قانون اساسی، از اهداف دولت جمهوری اسلامی ایران بیان شده است و بر اساس آن دولت موظف است برای نیل به این اهداف، امکانات خود را برای این منظور بکار برد. در اصل 22 قانون اساسی آمده است: «حیثیت، کار، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» آزادی اندیشه و عقیده هم در اصل 23 قانون اساسی آمده است. اصل برائت نیز که در اصل 39 آمده است، دلیل بر پذیرش آزادی افراد است. در اصل 32 آمده است «هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند.»

در عرصه بین المللی نیز اسناد در کنوانسیون های مختلفی، آزادی را مطرح و مورد پذیرش قرار داده اند. از جمله آزادی تن در مواد 1 و 9 و 13 اعلامیه جهانی حقوق بشر 1948،

مورد حمایت قرار گرفته است. در اعلامیه حقوق بشر 1948 در ماده 12 شرافت، حیثیت، اسم و رسم اشخاص مصون از تعرض شناخته شده است. در حال حاضر اکثر قوانین اساسی کشورهای جهان احترام به آزادی انسان، مانند آزادی تن را حق طبیعی و قانونی افراد شناخته و تعرض به آن را طبق قانون به عنوان عملی مجرمانه و ممنوع می دانند.

همانطور که گفته شد یکی از حقوق اساسی افراد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز پیش بینی شده است، حق آزادی تن می باشد که بارزترین مصداق آزادی های شخصی می باشد. این حق را اصل 33 قانون اساسی چنین بیان می کند: «هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.» پس هر کسی حق دارد آزادانه در کوچه، خیابان و مکان های مجاز راه برود و از آزادی تن بهره مند باشد. «آزادی رفت و آمد که آزادی تن مصداقی از آن است از حقوق طبیعی و بنیادین هر انسانی است که به موجب آن، شخص در رفت و آمد، اقامت و ترک هر نقطه چه در داخل از کشور و چه خارج از آن، باید آزاد باشد و از توقیف بدون دلیل مصون و محفوظ بماند.»<sup>1</sup>

ماده 9 اعلامیه حقوق بشر در تضمین این حق مقدر می دارد: «احدی را نمی توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود.» همچنین مواد فراوانی از اعلامیه های حقوق بشر و شهروند فرانسه (1789) و اعلامیه اسلامی حقوق بشر (1990) بر آزادی انسان بخصوص آزادی تن او تصریح دارد.<sup>2</sup>

از این رو سوء استفاده افراد از این نوع آزادی های اساسی ممنوع و ضمانت اجرای آن در قوانین داخلی کشورها پیش بینی و برقرار گشته است. البته همانطور که می دانیم قانون اساسی، ضمانت اجرای مهمی برای تأمین این حق و بسیاری از حقوق اساسی دیگر ندارد. بلکه قانون عادی باید اجرای اصول قانون اساسی را تضمین نماید که در این راستا، قانون مجازات اسلامی تحت عناوین سلب آزادی شخصی افراد ملت (ماده 570 قانون مجازات اسلامی)، توقیف یا دستور بازداشت (ماده 575 قانون مجازات اسلامی)، توقیف، حبس یا اختفاء (ماده 583 قانون مجازات اسلامی)، آدم ربایی و مخفی کردن افراد (ماده 621 قانون مجازات اسلامی) و دیگر مواد، موضوع مورد نظر را مطرح کرده و نسبت به متجاوزین به حق آزادی تن افراد، مجازات تعیین نموده است. پس از آنجا که مجرمان به دلایل و انگیزه های مختلف به حقوق اساسی

<sup>1</sup> - مدنی، جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نشر همراه، 1370، ص 76

<sup>2</sup> - برای اطلاعات بیشتر رک. ناصر زاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر، دفتر اول

دیگران در مورد آزادی تن، تجاوز کرده و مرتکب توقیف یا حبس غیرقانونی، آدم ربایی و یا گروگان گیری می شوند، همانطور که گفته شد قوانین مختلف کیفری در جهت مقابله با این تجاوزات به جرم انگاری این اعمال مجرمانه پرداخته اند که از جمله آنها می توان به قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب 1335 و قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب 1353 و قانون تعزیرات مصوب 1362 و قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 و قوانین دیگر نام برد.

لازم به ذکر است که نقش و اهمیت جرم گروگان گیری در رابطه با آزادی های فردی در حیات اجتماعی بشری بسیار مهم و تعیین کننده است. تا آنجا که در برخی از اوقات وقوع یک جرم، فقدان امنیت در منطقه یا یک شهر را تحت الشعاع خود قرار می دهد و جرائم آدم ربایی و گروگان گیری بعد از قتل و ایراد صدمات شدید بدنی، از مهمترین جرائم علیه اشخاص محسوب می گردند. در جوامع بشری ارتکاب افراد به جرم گروگان گیری با انگیزه های مختلف شیوع یافته است و با پیشرفت صنعت و تکنولوژی، نحوه ارتکاب آن تغییر یافته است و به لحاظ اهمیت جنبه های اجتماعی آن، دولت ها سعی نموده اند که با وضع قوانین خاص علاوه بر تعیین مجازات برای مرتکبین این اعمال، به نوعی عمل نمایند که اثر آن از نظر پیشگیری در آحاد جامعه تأثیرگذار باشد.

#### **گفتار چهارم - تروریسم :**

#### **الف) معانی لغوی**

همواره پرسش هایی در زمینه مفهوم تروریسم مطرح بوده که پاسخ گفتن به آنها به سادگی میسر نیست از جمله اینکه آیا باید تعریف تروریسم کلی باشد یا موارد یا مصادیق را معین کند یا هر دو مقصود را بر آورده سازد؟ آیا این تعریف باید محدود به افراد و گروهها باشد یا تروریسم دولتی را نیز شامل گردد؟ آیا باید اقدامات گروههای آزادی بخش را نیز دربر گیرد یا نه؟ آیا باید قصد و انگیزه مجرمانه را نیز به عنوان اجزاء ضروری تروریسم تلقی کرد یا خیر؟<sup>1</sup> با توجه به مشکلات فوق برای دستیابی به یک برداشت کلی از موضوع برخی تعاریف را که در فرهنگ های زبان فارسی یا حقوق ایران موجود است و نظر برخی حقوقدانان غرب و نیز تعاریفی را که در برخی اسناد منطقه ای و بین المللی آمده است، به اجمال مرور خواهیم کرد.

<sup>1</sup> - برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به ، هاشمی، کامران، «حقوق اسلامی در تقابل با تروریسم بین المللی»، مجله راهبرد، شماره 21، 1380، ص 135



واژه ترور از ریشه لاتینی «TERROR = ترس» به معنای ترس و وحشت است.<sup>1</sup> واژه های «تروریسم» و «تروریست» به نسبت واژه هایی نوپا و از مشتقات واژه ترور است. در زبان فرانسوی ابتدا این واژه به معنای ترس و نگرانی شدید بوده که اغلب در اثر تهدیدی مبهم و مأنوس، غیرقابل پیش بینی ناشی می گردد. فرهنگ لغت آکادمی فرانسه ترور را احساس روحی عمیقی می داند که در اثر حضور، اعلام یا ترسیم یک خطر بزرگ به وجود می آید. در این ارتباط باید توجه داشت که صرفاً ترور زاده عمل انسان نیست؛ به عبارتی همان قدر انسان ها می توانند موجد ترس و وحشت باشند، عوامل طبیعی نظیر آتشفشان ها، زمین لرزه ها یا حضور حیوانات وحشی می توانند دلیلی برای ترس و وحشت باشند.<sup>2</sup>

در لغت نامه دهخدا آمده است: «ترس مأخوذ از فرانسه و به معنی قتل سیاسی با اسلحه، تروریست طرفدار خشونت عمل و ایجاد رعب و ترس است.»<sup>3</sup>

در فرهنگ معین نیز می خوانیم «ترور، ترس زیاد، بیم، هراس، خوف و وحشت و در اصطلاح سیاسی کشتن و از بین بردن مخالفان و ایجاد رعب مخالفان و ایجاد رعب و وحشت میان مردم.»

تروریست: عامل ترور، طرفدار ترور، آدم کشی آن که برای رسیدن به هدف خود کسی را به طور غافلگیر بکشد یا ایجاد هراس و وحشت نماید.

#### **ب) مفهوم اصطلاحی :**

تروریسم روش کسانی است که آدم ربایی و تهدید مردم و ایجاد خوف و وحشت را به هر طریقی که برای رسیدن به هدف های سیاسی خود، از قبیل تغییر حکومت و یا در دست گرفتن زمام امور، لازم و مباح می دانند.<sup>4</sup>

یکی از جامع ترین تعاریف آکادمیک از تروریسم که مکرراً نقل شده ، تعریف آکس پ، اشمید می باشد. وی نتیجه می گیرد: «تروریسم شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره،

<sup>1</sup> - طیب، علیرضا، همان، ص 19 .

<sup>2</sup> - هاشمی ، کامران، «حقوق اسلامی در تقابل با تروریسم بین المللی»، مجله راهبرد، شماره 21، 1380، ص 31

<sup>3</sup> - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر دکتر معین، چاپخانه ارشاد، 1361، ص 32

<sup>4</sup> - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1376، ص 431

رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه ورزی، جنایی و یا سیاسی توسط گروههای مختلف بکار گرفته می شود.<sup>1</sup>

تعریف فوق حاصل ترکیب 109 تعریف است که در آن 16 عنصر قابل تعریف از 22 عنصر اصلی مورد نظر اندیشمندان مختلف آمده است اما با تلفیق عناصر مختلف شناخته شده، می توان تعریف زیر را ارائه نمود. «کاربرد مکرر خشونت با انگیزه سیاسی به همراه قصد ارباب، به وسیله عاملان غیردولتی که بر بیش از یک دولت اثر می گذارد.»<sup>2</sup>

طرح کمیسیون حقوق بین الملل در خصوص مجموعه مقررات در مورد جنایات بر ضد صلح و امنیت بشری، مقرر می دارد: هر کس به عنوان عامل یا نماینده یک دولت، مرتکب یکی از اعمال غیرمشروع زیر گردد یا دستور ارتکاب آن را بدهد، پس از ثبوت مجرمیت به ... محکوم خواهد شد. عهده دار شدن، سازمان دادن، کمک کردن، تأمین مالی، ترغیب یا نادیده گرفتن ارتکاب اعمالی علیه کشور دیگر با هدف از بین بردن اشخاص یا اموال، به طوری که در نتیجه اعمال مزبور جو وحشت میان شخصیت های مملکتی، گروهها یا عامه مردم ایجاد شود. «اشلاگهک» نیز با اشاره به اینکه تاکنون قریب به صد تعریف از تروریسم ارائه شده ولی هنوز توافقی بر سر یک تعریف مشخص وجود ندارد، سعی کرده است عناصر مشترک در میان همه تعاریف را بیان دارد. به اعتقاد وی این عناصر از این قراراند، نخست، تروریسم، مشتمل بر کاربرد خشونت یا تهدید به خشونت است. دوم، خشونت تروریسم غیرقابل پیش بینی است. سوم، قربانیان تروریسم غالباً ارزش نمادین دارند. چهارم، تروریسم در پی تبلیغات، جنگ روانی و جنگ ایده ای خاص است.

پنجم، تروریست ها دارای اهداف سیاسی هستند که غالباً می تواند متنوع باشند. ششم، تروریسم مسأله بسیار پیچیده ای است.<sup>3</sup>

با توجه به نظرات فوق می توان عناصر مشترک در تعاریف مختلف از مفهوم تروریسم بین المللی را به شرح ذیل برشمرد: 1- رفتار خشونت بار توأم با ارباب و ایجاد ترس و ناامنی 2- دارا بودن هدف و انگیزه سیاسی 3- دارا بودن یک عنصر بین المللی.

<sup>1</sup> - جی بری، توماس، «تعریف تروریسم بین المللی: نگرش عملی، مترجم سیدرضا میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی شماره 5 و 6، 1378، ص 249

<sup>2</sup> - جی بری، توماس، «تعریف تروریسم بین المللی، نگرش عملی، مترجم سید رضا میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 5 و 6، 1378، ص 251

<sup>3</sup> - همان، ص 249

گروگان گیری های شرورانه که نموده‌های داخلی تروریسم هستند، در حیطه حقوق جزای داخلی کشورها قرار می‌گیرد و اقدام قانونی آنها بر عهده مقامات ذیصلاح همان کشورهاست و حقوق بین‌المللی تلاش خود را معطوف به تروریسم (گروگان گیری) بین‌المللی و فرامرزی می‌نماید. آن هم در مواردی که دولت ذینفع از تعقیب مساله امتناع می‌نماید.

واژه تروریسم در طول تاریخ همیشه جنبه منفی نداشته است. در طول انقلاب فرانسه ژاکوبین‌ها<sup>1</sup> گاه در سخنان و نوشته‌های خود، این اصطلاح را با برداشتی مثبت، درباره خودشان بکار می‌برده‌اند. اما پس از نهم ترمیدور و سقوط روبسپیر، واژه تروریست به صورت ناسازیی درآمد که حکایت از یک عمل بزهکارانه داشت. در آن زمان منظور از تروریسم فرازی از انقلاب فرانسه بود که تقریباً از مارس 1793 تا ژوئیه 1794 را در بر می‌گرفت. مجمع ملی انقلابیون فرانسه در سی ام اوت 1793 در برابر تجاوز بیگانه و تهدیدات داخلی، با تصویب ترور به عنوان یک قانون، در کشور حالت ترور اعلام کردند. نتیجتاً در همان سال 1793 در حمله قانون بنام ترور اول رقمی بیش از 20 هزار نفر از جمله تعداد فراوانی روحانی مسیحی و هوادار سلطنت خودکامه در سراسر فرانسه کشته شدند.<sup>2</sup> بدین ترتیب ترور تبدیل به یک شیوه حکومت می‌شود شیوه ای که از سوی «کمیته نجات ملی» و تحت ترور تبدیل به یک شیوه حکومت می‌شود؛ شیوه ای که از سوی «کمیته نجات ملی» و تحت سرپرستی «روبسپیر» به اجرا در آمد. به همین دلیل در پیوست تکمیلی فرهنگ لغات فرهنگستان علوم فرانسه، تروریسم به «نظام یا رژیم وحشت» معنا شده است. تروریست کسی بود که می‌کوشید به کمک قوه نظامی از هراس افکنی مبتنی بر قهر، دیدگاه‌های خود را پیش برد. از این دیدگاه است که مرحوم علی اکبر دهخدا تروریسم را به «اصل حکومت وحشت و فشار... و اصل دفاع از قتل‌های سیاسی و ترور» معنا کرده است.<sup>3</sup>

در اواخر سده نوزدهم واژه ترور، با ظهور دسته‌های سیاسی آنارشیست و نهیلیست در روسیه و سپس در اروپا مفهوم جدیدی یافت. سوء قصد علیه رهبران سیاسی، بمب گذاری و تخریب با هدف ایجاد تزلزل در ارکان دولت روشهای معمول و مجاز در جریان فعالیتهای

<sup>1</sup> - Jacobins: از گروه‌های تندرو در انقلاب فرانسه. این گروه پس از سقوط روبسپیر در نهم ترمیدور شوکت و نفوذ خود را از دست داد.

<sup>2</sup> - جی بری، توماس، «تعریف تروریسم بین‌المللی، نگرش عملی»، ترجمه سیدرضا، میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 1، 1382، ص 48

<sup>3</sup> - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ ارشاد، تهران، 1361، جلد 3، صفحه 98. ذیل واژه‌های ترور و تروریسم.

انقلابی شناخته شد. از این پس ترور «ایسم»<sup>1</sup> نه تنها نوعی سیاست سرکوب سازمان یافته دولت، بلکه جریان فکری علیه دولت نیز تلقی گردید. هر دو مفهوم همچنان در فاصله دو جنگ اول و دوم جهانی، مستمراً به کار می رفت.<sup>2</sup>

داریوش آشوری نیز همین معنا را از تروریسم در دانشنامه سیاسی کرده است: «در سیاست به کارهای خشونت آمیز و غیرقانونی حکومت ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنها ترور گویند. ترورگری روش حکومت هایی است که با بازداشت و شکنجه و اعدام و انواع آزارهای غیرقانونی از راه پلیس مخفی، مخالفان خود را سرکوب می کنند و می هراسانند و یا روش دسته های راستی یا چپی است که برای برافکندن یا هراساندن دولت به آدم کشی و آدم ربایی و خرابکاری دست می زنند.»<sup>3</sup>

تحولات پایانی قرن بیستم و گسترش حوادث تروریستی علیه دولتها بویژه در آغاز قرن جدید سبب شده است تا اقدامات پنهانی و سازمان یافته دولتها علیه شهروندان و مخالفان سیاسی خود، کمتر مورد توجه قرار گیرد.<sup>4</sup> تا حدی که شاید بتوان گفت؛ امروزه اقدامات تروریستی محدود شده است به اقدامات انجام گرفته بر ضد مقامات دولتی.

بنابراین می توان گفت: تروریسم به اعتبار عامل آن به تروریسم فردی- گروهی و تروریسم دولتی تقسیم می شود. برای تروریسم فردی نمونه های فراوانی می توان یافت، امکان دارد توسط گروههای بزرگ و کوچک ملی گرایان، جدایی طلبان، مبارزین آزادیخواه و غیره مورد استفاده قرار گیرد. در اینجا ممکن است استفاده از خشونت توسط فرد یا گروهی برای رسیدن به اهداف سیاسی علیه یک حکومت را تروریسم قلمداد نمود. تروریست ها در جستجوی موجبات فروپاشی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده و برای نیل به این اهداف غالباً در برنامه یا قتل های کور مشارکت می جویند و ممکن است به شکل مبارزات سیاسی یا

---

<sup>1</sup> - ism - در زبان انگلیسی و isme - در لاتین و آن از ismos - در زبان یونانی گرفته شده است. پسوند «ایسم» در زبانهای اروپایی کاربرد گوناگونی دارد. این پسوند گاه برای نامیدن یک فرایند و یا روش، کردار و گاه برای نامیدن یک گرایش فکری، فلسفی، علمی و سیاسی بکار می رود، از این رو، تروریسم ممکن است به یک مشرب و عقیده سیاسی نیز اطلاق شود. اما در این مفهوم کمتر کاربرد دارد. به نقل از فرهنگ webster، ص 511.

<sup>2</sup> - اردبیلی، دکتر محمدعلی، مقاله «مفهوم تروریسم» در مجموعه: تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مجله تحقیقات، حقوقی، شماره 34، 1380، ص 18.

<sup>3</sup> - آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، صص 98-99.

<sup>4</sup> - اردبیلی، محمدعلی، مفهوم تروریسم «در مجموعه تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 34، 1380، ص 19

عملیات جنگی توسط گروه‌های ملی یا مذهبی چپ و راست دولت‌های بین‌المللی نمایان شوند.<sup>1</sup>

در برابر تروریسم فردی یا گروهی، تروریسم دولتی واقع شده که بطور سنتی اشاره به اعمال ترور دارد. بسیاری از نویسندگان به این توافق رسیده‌اند که تروریسم واژه‌ای است که برای هر دو خشونت فرو دولتی و دولتی می‌تواند بکار برده شود با اینهمه عده‌ای فقط به تروریسم فرو دولتی معتقدند و اقدام به ترور توسط دولت را رد کرده‌اند.<sup>2</sup>

بهرحال برخلاف تروریسم فردی که معمولاً ضد دولتی و هدف آن سرنگونی دولت حاکم می‌باشد، هدف تروریسم دولتی رفع موانع کنترل دولت در یک کشور بوسیله هدف قرار دادن، حبس، سرکوب، قطع پشتیبانی و نقض ساختارهای متعارف و ممانعت از کمک‌رسانی جمعیت شهرها می‌باشد.<sup>3</sup>

### گفتار پنجم - آدم ربایی :

#### الف) معانی لغوی

جرم آدم ربایی در کنار جرم گروگان‌گیری جزء جرائم علیه آزادی تن می‌باشد که بازداشت و توقیف غیرقانونی و همچنین حبس غیرقانونی نیز جزء این گروه جرائم به شمار می‌رود. در رابطه با تعریف آدم ربایی باید گفت که در حقوق کشورهای کامن‌لا عبارت "kidnapping" برای جرم آدم ربایی بکار می‌رود.

از نظر لغوی نیز کلمه آدم ربایی مرکب است از «آدم» به معنی انسانی زنده که اعم از زن و مرد و کوچک و بزرگ و همچنین «ربودن» به معنی سرقت کردن و جابجا کردن و نقل مکان دادن خواهد بود در بررسی کلمه آدم ربایی در لغت نامه دهخدا<sup>4</sup> و همچنین در ترجمه المنجد<sup>5</sup> موردی یافت نشد. در مبسوط در ترمینولوژی حقوق نیز کلمه آدم ربایی تصریح نشده است.<sup>6</sup>

<sup>1</sup> - Laqueur, Walter, The Age of Terrorism, Printed in the U.S.A, 1987, pp.72-73.

<sup>2</sup> - Schmid, Alex, Political Terrorism: a research Guid to consepts, teories, Data Bases and literature, 1999, pp. 103-104 .

<sup>3</sup> - Paul gilbert : terrorism, Security and Nationalality, west/ weds worth 1995, p. 125 .

<sup>4</sup> - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد 2، چاپخانه مجلس، 1325

<sup>5</sup> - رحیمی، مصطفی، ترجمه المنجد، جلد اول و دوم، چاپ دوم، انتشارات بعثت، 1380

<sup>6</sup> - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد اول تا پنجم، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، 1378

«آدم ربایی واژه ای مرکب است و از واژه آدم و ربایش تشکیل شده است. «آدم» در لغت همان مردم است که منظور در اینجا انسان است. «ربایش» هم اسم مصدر است و اصل آن از ربودن است. «ربودن» به معنی چیزی را با تردستی و چابکی بلند کردن و در بردن و همچنین به زور و سرعت چیزی را از شخص بردن است.»<sup>1</sup>

### ب) مفهوم اصطلاحی :

در تعریف این اصطلاح آمده است، «ربودن و دزدیدن و منتقل نمودن شخص است از کشورش به کشور دیگر یا ایالت دیگر بدون رضایت وی، در حقوق آمریکا قصد انتقال و فرستادن و بردن مجنی علیه به خارج از کشور شرط اساسی این جرم نمی باشد. توقیف و نقل مکان یک شخص با عنف و برخلاف رضایت مجنی علیه، عناصر تشکیل دهنده این جرم، است.»<sup>2</sup>

در حقوق «کامن لا» آدم ربایی عبارت است از : ربودن یا دزدیدن انسان و نقل مکان دادن او از محلی به محل دیگر برخلاف میل و اراده وی. به عبارت دیگر، استیلا یافتن بر یک شخص و نقل مکان دادن او از یک کشور به کشور دیگر به صورت غیرقانونی و برخلاف میل و اراده وی را آدم ربایی می نامند. در حقوق آمریکا، قصد انتقال دادن و بردن قربانی به خارج از کشور، عنصر لازم برای آدم ربایی نیست؛ بلکه گرفتن و جابجا کردن غیرقانونی و توأم با زور و فریب یک انسان، یا به خطر انداختن او به رغم میل و اراده اش، عناصر اساسی جرم آدم ربایی است. یک شخص زمانی به اتهام ارتکاب جرم آدم ربایی مقصر شناخته می شود که به صورت غیرقانونی دیگری را از محل اقامت یا کسب و کارش به محل دیگری ببرد یا از مجاورت محلی که آنجا بوده دور نگهدارد یا اینکه دیگری را برای مدت قابل توجهی در یک محل مجزایی به یکی از منظوره‌های زیر نگهدارد:

الف) برای باج خواهی یا پاداش و یا به عنوان گروگان؛

ب) به منظور فراهم کردن امکانات ارتکاب هر نوع جنایت نسبت به مجنی علیه؛

ج) به منظور ایراد صدمات جسمانی یا ترور قربانی یا دیگری؛

د) به منظور مداخله در هر نوع اقدامات حکومتی یا سیاسی.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات ابن سینا، چاپ اول، 1342، ص 623

<sup>2</sup> - زنگویی، فرشید، آدم ربایی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزاء و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، 1381، ص 34

<sup>3</sup> - Henry, Campbell, Black, M.A. Black's Law Dictionary, p.870.

البته در قانون گذاری جدید برخلاف آنچه در «کامن لا» معمول بود، برای تحقق جرم آدم ربایی ضرورتی ندارد که مجنی علیه به کشور دیگر انتقال داده شود. به طور کلی، برای تحقق جرم آدم ربایی دو عنصر «استیلا یافتن غیرقانونی بر انسان» و «نقل مکان دادن اجباری و بدون رضایت وی از محلی به محل دیگر» ضروری است. تهدید و اجبار می تواند زور و خشونت لازم برای این جرم را تشکیل دهد. رضایت زمانی موثر است که رضایت دهنده اهلیت داشته باشد. بنابراین اطفال و نوجوانان و اشخاصی که فاقد اهلیت هستند نمی توانند قانوناً به عمل نقل و انتقال رضایت بدهند.<sup>1</sup>

در تعریف آدم ربایی از نظر حقوقی می توان گفت «ربودن انسان زنده بر خلاف رضایت وی یا اولیاء یا کسانی که برای نگهداری او مسئولیت دارند» یا «ربودن یک شخص، همان با خود بردن، تغییر مسیر دادن (دزدیدن) و جابجا کردن از مکانی است که شخص در آن است، البته بدون رضایت وی.»<sup>2</sup>

## مبحث دوم : بررسی پیشینه تاریخی و تقنینی گروگان گیری

### گفتار اول) پیشینه تاریخی :

همانطور که قبلاً هم ذکر آن رفت، انسان در طول حیات خود و در دوران های مختلف تاریخی همواره خواهان آزادی بوده و به طور طبیعی در مقابل عواملی که باعث محدود شدن یا از بین رفتن آزادی تن او می شدند، مقابله و مقاومت می کرده است. هر چند با تشکیل جوامع انسانی و ایجاد مجموعه ای نظام مند و برقراری هنجارهای مختلف، انسان اجتماعی تا حدودی به محدود کردن این آزادی در قبال زندگی در اجتماع تن در می دهد، با این وجود جامعه نظام مند جهت حمایت از اعضای خود در مقابل متجاوزانی که با ارتکاب اعمال مختلف از جمله حبس و توقیف غیرقانونی، آدم ربایی و گروگان گیری، آزادی مردم را خدشه دار می کنند، مقابله کرده و به دفاع از اعضای خود پرداخته است.

منابع حقوقی جرم توقیف و حبس غیرقانونی، آدم ربایی و گروگان گیری، اصول و ضوابطی است که به طور نسبی در حقوق عموم ملل دنیا وجود دارد. النهایه مبنا و منشاء فلسفی آن در حقوق هر یک از ملل، ممکن است با حقوق سایرین متفاوت باشد. این قبیل

<sup>1</sup> - ام اسچب، جان- ام اسچب دوم، جان، گزیده متون حقوقی «حقوق جزای آمریکا»، ترجمه؛ پیروز امیرسماواتی، ص 265.

<sup>2</sup> - جعفری، لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، واژه آزادی تن

مسائل در فقه اسلامی، به طور وسیعی مورد بررسی و اظهارنظر قرار گرفته، ولی چون مقررات آن جز در برخی موارد جزء امور تعزیری است، لذا می توان اساساً جرم گروگان گیری را همچون حبس غیرقانونی را از منظر ماهیتی ناشی از فقه اسلامی و از نظر شکلی، اصطلاحاتی که در بعضی از موارد آن صورت پذیرفته را ناشی از نظام حقوق عرفی دانست.

در دهه های اخیر گروگان گیری اتباع کشورهای خارجی به انگیزه های سیاسی و اقتصادی و یا تحت فشار گذاشتن دولت ها به آزاد ساختن زندانیان از امور رایج در کشورها قرار گرفته است. به علاوه ربودن افراد به قصد مطالبه پول و یا ربودن افراد خانواده خریداران مواد مخدر و عدم پرداخت وی بابت مواد مزبور در مهلت تعیین شده که گاهی منتهی به کشته شدن فرد ربوده شده می گردد، از مشکلات جوامع امروزی است. ربوده شدن دختران نیز توسط پسران به قصد ازدواج، از امور گسترش یافته در جامعه است که دستگاه قضایی در صورت احراز

عنف و تهدید به تعیین مجازات برای پسر مبادرت می ورزد. زیرا معمولاً دختران ربوده شده، توافق و تبنای قبلی خود را از ترس عکس العمل خانواده خود، انکار می کنند و دادگاه ها هم عملاً برای جلوگیری از شایع شدن این قبیل رفتارها، خود را ملزم به کشف حقیقت نمی دانند. با توجه به همه این مسائل، جوامع و کشورهای مختلف از ابتدای قانونگذاری خود نسبت به جرائم علیه آزادی اشخاص از جمله محدود کننده آزادی تن از قبیل آدم ربایی و گروگان گیری، مقررات و قواعد مختلفی وضع کرده اند که از طریق آن به مقابله با مجرمین و متجاوزین به حقوق اساسی افراد جامعه می پردازند. پس همانطور که گفتیم «یک تقسیم بندی در جرائم علیه آزادی اشخاص بر این مبنا است که جرائمی آزادی تن و آزادی رفت و آمد اشخاص را مورد هجوم و در معرض آسیب و خدشه قرار می دهند و گروگان گیری از جمله جرائم علیه آزادی تن است و در کنار جرائمی مانند آدم ربایی، توقیف غیرقانونی، حبس غیرقانونی و... قرار می گیرد.»<sup>1</sup>

گروگان گیری را همچنین می توان پدیده ای نوظهور و زائیده شرایط خاص دوران معاصر دانست به همین لحاظ در قوانین اکثر کشورها جرائمی مانند آدم ربایی، توقیف و حبس غیرقانونی، سابقه بیشتری از جرم گروگان گیری دارا هستند.

<sup>1</sup> - همان، ص 37



مطابق با مطالب گذشته و با توجه به ارتباط کامل جرم گروگان گیری با تروریسم و قرار گرفتن این جرم با تحقق شرایط، در زمره اعمال تروریستی در اینجا مفید به نظر می رسد که در مورد تاریخچه واژه تروریسم و سابقه این اعمال در خور مبحث مورد تحقیق، مطالبی ارائه شود.

آنگونه که فرهنگ انگلیسی آکسفورد بیان می کند، این واژه برای اولین بار در سال 1795 میلادی برای توصیف حکومت ترس و وحشت که در فرانسه در فاصله انقلاب سالهای 1789-94 حاکم بود، به کار رفت. البته واژه ترور به معنی عام آن از اواخر قرن چهارم بکار رفته و نمایانگر حالت ترس و وحشت شدید بوده است. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، به علاوه توضیح داده شده است که واژه تروریست در حدود سال 1866 میلادی توسط ویلیام فینز پاتریک<sup>1</sup> به معنی کسی که برای اشاعه نظراتش از یک نظام وحشت و ارعاب استفاده می کند، بکار رفته است.<sup>2</sup>

در سطح حقوق بین الملل، اصطلاح «تروریسم» برای اولین بار در سومین کنفرانس بین المللی کردن حقوق جزا در بروکسل در سال 1930 به کار رفت.

در هر صورت باید به این واقعیت اشاره کرد که در سالهای اخیر تروریسم، افزایش قابل ملاحظه ای داشته است برای مثال در حالی که در انگلستان و ویلز رشد جرائم خشونت آمیز علیه اشخاص در سال 1975 یازده درصد، در سال 1976 ده درصد و در سال 1978 شش درصد نسبت به سال ماقبل آن بوده است.

تروریسم بین المللی از حدود 100 حادثه به بیش از 400 حادثه در فاصله سالهای 76-1974 و بیش از هزار حادثه در سال 1978 بالغ گشته است. از این میان بیشترین افزایش مربوط به بمب گذاری و ترورهای سیاسی بوده که سالانه حدود سی درصد افزایش داشته است. گروگان گیری نیز طی دهه های اخیر یکی از عملیات تروریستی کثیرالوقوع بود که اولین مورد قابل ذکر آن در 21 دسامبر 1975 با گروگان گیری یازده وزیر اوپک رخ داد.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - William Fitzpatrick

<sup>2</sup> - R.M.Pearstein, the mind of the political terrorist- Wilmington: SR book

به نقل از میرمحمدصادقی، محمدحسین، «ملاحظات در باب تروریسم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 34، 1380، ص 188  
<sup>3</sup> - طبق آمار موجود در فاصله سالهای 1968-1933 در آسیا درصد عملیات تروریستی مختلف به شرح زیر بوده است :  
بمب گذاری (46درصد)، حمله و تهاجم (22درصد)، هواپیما ربایی (12درصد)، سوء قصد (9/5درصد)، آدم ربایی (6درصد)، گروگان گیری (1درصد)، به نقل از میرمحمدصادقی، محمدحسین، همان منبع، ص 194.

از جهت بررسی تاریخی در فقه اسلام نیز باید تصریح کرد که آموزه های شریعت اسلامی آشکار کننده یک مجموعه از اقدامات ممنوعی است که بطور مستقیم با تروریسم بین الملل ارتباط دارند. بطور مشخص حقوق اسلامی بر حفاظت گسترده از دیپلمات ها تصریح داشته، گروگان گیری را محدود ساخته و انهدام غیرضروری دارایی واقعی یا شخصی دشمن را قدغن کرده است. صرفنظر از اینکه هدف های سیاسی تروریست ها هر چقدر شریف باشد شریعت اسلام بکارگیری این ابزارهای خشونت بار را نمی پذیرد.

نخست اینکه فقهای اسلام حقوق دیپلمات ها را غیرقابل نقض می دانند. از لحاظ تاریخی، اسلام ربودن یا کشتن فرستادگان خارجی را ممنوع شناخته است. تاریخ اسلامی شاهد آن است که بنی امیه و بنی عباس به کرات با نمایندگان بیزانس آداب و تشریفات دیپلماتیک را بجای می آوردند و خود حضرت محمد نیز سفیرانی را که از دارالاسلام دیدار می کردند را پذیرا می شد حتی به آنها هدیه می داد. نکته قابل توجه اینکه برخی از فرستادگان و سفرای پیامبر به قتل رسیدند، برخی دیگر تحقیر شدند و مورد آزار قرار گرفتند ولی مصونیت رسولان خارجی هیچگاه از سوی پیامبر مورد تعرض قرار نگرفت.<sup>1</sup> در این خصوص شیبانی در سیر کبیر نقل می کند؛ روزی فرستاده ای از یک ملت بیگانه به حضور پیامبر بار یافت و هنگام ابلاغ پیام، سخنان توهین آمیزی بر زبان آورد. پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: «اگر رسول نبودی دستور می دادم تو را به قتل برسانند.»<sup>2</sup> نتیجه این قواعد روشن است هیچ تروریستی و در واقع هیچ کس نمی تواند به آزادی نمایندگان کشور دیگر تجاوز کند. ایمنی و احترام دیپلمات ها امری مقدس است.

شریعت اسلام، برای اسرای جنگی نیز محدودیت های چندی وضع کرده است. می توان افراد را دستگیر و در طول ایام جنگ بازداشت کرد ولی باید آنها را با اسرای مسلمان مبادله کرد و یا به عنوان حسن نیت بطور یکجانبه آزاد نمود و جز به تلافی کشتار خیانت بار زندانیان مسلمان نباید آنها را کشت. البته جاسوسانی که دستگیر می شوند، از چنین حمایتی برخوردار نیستند. ابویوسف فقیه برای آنها که از تغییر مذهب سرباز می زنند مجازات مرگ و برای آنان که پناه بردن به آغوش اسلام را انتخاب نمی کنند، حبس و حتی شکنجه را مجاز می شمارد.

<sup>1</sup> - شوارتز، دیوید ارون، مقاله «تروریسم و حقوق بین الملل اسلامی»، ترجمه زهراکسمتی، مجموعه «تروریسم، ...» صص 380-383.

<sup>2</sup> - عمیدزنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، حقوق و تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، ص 320.

ولی مطابق نظر شیبانی<sup>1</sup> جاسوسی از حیث اهمیت نازل تر از دزدی است و مادام که فرد جاسوس شهروند یک دولت اسلامی باشد مسلماً هیچ دلیلی برای مرگ او وجود ندارد.<sup>2</sup> در هر حال هر گونه استفاده از اسرا به عنوان سپر انسانی به صراحت قدغن شده است یعنی از هیچ زندانی نمی توان به عنوان سپر محافظ نگهبانش در طول حمله دشمن استفاده کرد.

احترام به زندگی انسان و دارایی شخصی از اصول اساسی شریعت سمحه اسلامی است. از سوی دیگر هیچ فرد غیرجنگجویی<sup>3</sup> را نمی توان کشت مگر عمداً از وی به عنوان سپر دشمن استفاده شده باشد یا آنکه بطور غیرعمد در جریان یک حمله شبانه یا حمله ای از راه دور به کمک منجنیق هدف قرار گیرد. اگر ضروری یا لازم نباشد نباید علفزارها را ضایع کرد و جنگلها را از بین برد و از همه مهمتر حتی برای کسانی که خود فعالانه مشغول جنگند در تمام اوقات حمایت های اساسی وجود دارد. تعرض جنسی، اخته کردن، گردن زدن، کشتن از راه سوزاندن یا قتل عام غیرضروری مطلقاً ممنوع است. بر اساس یک تحریم جامع که به ابوبکر، خلیفه نخستین، باز می گردد باید از هرگونه افراط و شرارت متعصبانه پرهیز کرد. حکم اساسی واحد رفتار منصفانه با تمام اشخاص حتی در زمان جنگ است. طبق دستور حضرت محمد خداوند مقرر کرده است که در هر کاری جانب انصاف را نگهدارید. پس حتی اگر قرار است کسی را بکشید باید این کار را به شکل منصفانه ای انجام دهید. این فرمان قانونی شاید پایدارترین ابراز نظر اسلام درباره ترور و خشونت باشد.<sup>4</sup>

### گفتار دوم) پیشینه تقنینی :

از آنجا که گروهان گیری جزء جرائم جنایی محسوب می شود و به علل گوناگون و انگیزه های مختلف صورت می گیرد که موجب سلب آزادی و گاهی حیات فرد قربانی می گردد و از لحاظ عنصر معنوی جرم علاوه بر این که اثرات مخرب و آسیب روانی و خسارت های مادی در فرد ربوده شده و بستگان وی ایجاد نموده ، جنبه عمومی آن نیز بسیار مهم می باشد چرا

<sup>1</sup> -- شیبانی (805-749 بعداز میلاد) یکی از فقهای حنفی مذهب بود که به دلیل و تنقیح فقه حنفی شهرت دارد.

Encyclopedia of Islam, 271 (1913)

<sup>2</sup> - به نقل از دیوید آرون شوآرتز، ترجمه زهرا کسمتی، تروریسم بین المللی و حقوق اسلامی، ص 387 .

<sup>3</sup> - اصطلاح «غیرجنگجو» شامل کشاورزان، تاجران، بازرگانان، پیمانکاران دشمن می شود. یعنی کسانی که عملاً در جنگ شرکت ندارند؛ ولی کمک هایشان به قدرت جنگی دشمن، هم آشکار و هم تعیین کننده است.

<sup>4</sup> - Mohammad- Un- Nasir, Muslim Conduct of State (As Expounded by Dr.H.Uk kah). 12-14 (1973)

که خیلی سریع اثرات و تبعات منفی روانی آن بر روی جامعه و آحاد مردم منتقل می شود و از حیث تأثیری که در روابط اجتماعی و بی اعتباری معاملات و مبادلات تجاری و اقتصادی و سایر شئون اجتماعی دارد، جرم گروگان گیری در امنیت جامعه نقش و تأثیرات بسزایی دارد. با محرز بودن همه این تأثیرات و تلاش دولت ها در تمام زمان ها برای مقابله با این پدیده شوم، قوانین کیفری ایران نیز در این جهت تا حدودی گام برداشته اند.

در حقوق کیفری ایران قبل از تصویب قانون مجازات عمومی مصوب 1304، طرحی تحت عنوان «قانون جزای عرفی» در تاریخ پنجم جمادی الاولی 1335 هجری قمری تدوین و به وسیله نصرت الدوله، وزیر دادگستری وقت پیشنهاد شده که به تصویب مجلس نرسید. ماده 27 این قانون در خصوص ربودن اطفال اشعار می داشت: «کسی که طفلی یا صغیری یا دختری را که زیاد از 15 سال نداشته باشد، به حيله یا عنف بر باید یا بدزدد یا مخفی کند یا ناپدید نماید یا طفلی را به جای طفلی دیگر قلمداد نماید یا زنی را که دارای طفل نشده، به اشتباه دارای طفل به خرج دهد، محکوم به حبس مجرد خواهد شد. هرگاه طفلی که موضوع تقلبات مذکور واقع شده، زنده بودنش مسلم نشده باشد، مجازات مقصر از یک ماه تا سه ماه حبس است و اگر مسلم شود که طفل مزبور متوفی بوده، مجازات مقصر زیادتر از دو ماه حبس نخواهد بود و کسی که مأمور به حفظ و حضانت طفلی بوده و در موقع مطالبه اولیاء طفل از رد طفل امتناع کند و نتوان طفل را آزاد دریافت کرد، محکوم به حبس مجرد خواهد گردید.

از جمله قوانین و مقررات مرتبط با گروگان گیری، آدم ربایی، توقیف غیرقانونی به ترتیب تاریخ آن به موارد ذیل می توان اشاره کرد: 1- قانون مجازات عمومی (مصوب 1304) و اصلاحات بعدی آن 2- ماده واحده «طرح قانون مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف» (مصوب 1335) 3- قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص (مصوب 1353) 4- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب 1362) 5- قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب 1375) 6- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری (مصوب 1385). حال به مضمون مواد قانونی در خصوص موضوعات مورد بحث به طور مختصر اشاره ای می کنیم.

در فصل سوم قانون مجازات عمومی (مصوب 1304) تحت عنوان جنحه و جنایت نسبت به اطفال، مواد 195 و 196 آن به ربودن و اخفاء اطفال تازه متولد شده، اختصاص داشت و در

موارد 202 و 203 این قانون ربایش اطفالی که عنوان تازه متولد شده به آنها صادق نبود، مورد حکم قرار گرفته بود. تا این که این دو ماده در تاریخ 1337/9/17 اصلاح گردید که مهمترین تغییر در میزان و نوع مجازات مرتکب صورت گرفت به طوری که تحت شرایطی مجازات رباینده یا مخفی کننده، حبس دائم با اعمال شاقه و حتی اعدام در نظر گرفته شد و این در حالی بود که حداکثر مجازات در مواد 202 و 203 سابق، 5 سال حبس تادیبی تعیین گردیده بود.

مواد 202 و 203 قانون مجازات عمومی نیز مقرر می داشت: «هر کس شخصاً یا توسط دیگری طفلی را که به سن 15 سال تمام نرسیده، به قصد انتقال یا فروش یا مطالبه وجه یا مال یا به هر منظور سوء دیگری بدزد یا به حيله یا اکراه بر باید یا مخفی کند، به حبس مجرد از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد. و در این حال اگر مرتکب شخصاً یا توسط دیگری به مجنی علیه آزار یا آسیب جسمانی یا حیثیتی برساند، مجازات مرتکب حبس با اعمال شاقه از پنج تا پانزده سال خواهد بود و هرگاه آسیب وارده، منتهی به یکی از نتایج در ماده 172 قانون کیفر عمومی بشود، مرتکب به حبس دائم با اعمال شاقه محکوم خواهد شد و در صورتی که مجنی علیه به سب ربوده شدن یا اخفاء یا آسیب های وارد شده، فوت کند، مجازات مرتکب اعدام است.» و ماده 203 نیز مقرر می داشت: «هر گاه مجنی علیه مذکور در ماده 202 بیش از پانزده سال داشته باشد، مجازات مرتکب حداقل مجازات مذکور در آن ماده خواهد بود مگر در صورتی که آسیب وارده موجب فوت مجنی علیه گردد که در این صورت مجازات مرتکب اعدام است.»

همچنین ماده 209 قانون مجازات عمومی که در تاریخ 1312/6/29 به موجب قانون اصلاح مواد 207 الی 216 قانون مجازات عمومی به تصویب رسیده بود، جرم آدم ربایی و اخفاء اشخاص را مورد حکم قرار داده بود. این ماده که در ذیل فصل پنجم تحت عنوان «در جنحه و جنایات بر ضد عفت و اخلاق عمومی و تکالیف خانوادگی» در چهار بند تنظیم گردیده بود، در بند «الف» و «ب» ربودن و اخفای اشخاص بالاتر از 18 سال را مورد توجه قرار داده که در بند «الف» به ربودن و مخفی کردن اشخاص جهت عمل منافی عفت یا وادار کردن به عمل مزبور، پرداخته و مجازات حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال را برای این جرم تعیین کرده بود. در بند «ب» این ماده نیز به ربودن و اخفاء زنان جهت ازدواج اشاره شده و حبس جنحه ای یک تا سه سال برای مرتکبین در نظر گرفته شده بود.

همینطور در این دو بند از عوامل مخففه ای صحبت شده بود که باعث تخفیف مجازات شده و از شدت آن کاسته است و از طرف دیگر در همین دو بند عوامل شدت مجازات، فقرات 1 تا 6 بند «الف» ماده 207 همان قانون ذکر گردیده بود. در بند «ج» و «د» نیز ربودن و اخفاء جهت عمل منافی عفت و ازدواج اشخاص که سن آنها بیشتر از پانزده سال و کمتر از هجده سال می باشد، مورد حکم قانونگذار قرار گرفته و در ذیل بند «ر» نیز حکم ربایش و اخفاء اشخاص کمتر از پانزده سال سن مورد حکم بود.

هر چند این مقررات بیشتر در موضوع خاص جرم آدم ربایی است، اما راجع به جرم گروگان گیری نیز با توجه به اینکه ماده 193 قانون مجازات عمومی راجع به سلب آزادی اشخاص و توقیف و حبس غیرقانونی اشاره کرده است، پس با این وجود می توان گفت که در این موارد ماده مذکور قابل اعمال بود. ماده 193 قانون مجازات عمومی چنین مقرر می داشت: «هر کس اعم از حکام و نواب و سایر مأمورین دولتی و غیرآنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت دار در غیر مواردی که قانون، جلب، توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید، محکوم به حبس تادیبی و محرومیت از خدمات دولتی خواهد بود...»

در رابطه با همین موضوع آدم ربایی، ماده واحده «طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف» مصوب 1335/10/5 هم مورد تصویب قرار گرفت که جرائم مندرج در آن را جزء جرائم جنایی محسوب می کرد. این ماده واحده مقرر می داشت: «هر راننده ای اعم از آن که شغل او رانندگی باشد یا نباشد، شخصاً یا با شرکت دیگری به قصد قتل یا سرقت اموال یا هتک ناموس، مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه است، بشود، در صورت وقوع قتل محکوم به اعدام است و داد رسانی حق ندارند مجازات را حتی یک درجه تخفیف دهند. در صورت وقوع سرقت و یا هتک ناموس به عنف به حبس دائم و در صورت شروع به قتل یا شروع به سرقت و یا شروع به هتک ناموس به عنف به حبس جنایی درجه یک از پنج تا پانزده سال مجازات خواهد شد.»

در این ماده واحده، قانونگذار برخلاف اصل مسلم حقوق جزا، گذشت شاکی خصوصی و یا سایر جهات مخففه را ممنوع اعلام کرده بود و عده ای از حقوقدانان را بر آن داشت که به این تصمیم مقنن ایرادی وارد نموده که چرا قانونگذار تحت تأثیر افکار عمومی قرار گرفته و گذشت

شاکی خصوصی و یا سایر جهات مخففه را ممنوع داشته است. ولی در پاسخ به چنین سوال می‌توان گفت: «این واقعیتی است که تا زمانی که بیم وقوع این گونه حوادث می‌رود، چنین مقرراتی ضروری، بلکه جنبه حیاتی دارد و کسانی که فرمان اتومبیل را در دست و جان عده ای را در اختیار می‌گیرند، باید چنین مقرراتی را هم پشت سر خود ببینند.

کامل‌ترین قانونی که در خصوص آدم ربایی در حقوق کیفری ایران به تصویب رسیده و تمامی موارد مبتلابه را به نحوی مورد حکم قرار داده است، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب 1353/12/18 می‌باشد. حتی می‌توان گفت با توجه به عنوان قانون و مواد دوازده گانه اش، علت تصویب آن مبارزه با ربایندگان اشخاص و آدم ربایی بوده است.<sup>1</sup>

ولیکن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مقنن در تصویب قانون تعزیرات مصوب 1362 بر اساس شریعت اسلام توجه نموده وقوانین صادره جنبه شرعی داشته و به مانند قوانین سابق به حقوق کشورهای خارجی توجهی ننموده است. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب 1362/5/18 نیز ضمن این که در بحث دفاع مشروع طی بند 3 ماده 96 به موضوع ربودن انسان اشاره کرده بود، ماده 97 این قانون نیز به ربودن طفل تازه متولد شده اختصاص یافته بود.

در هر صورت به نظر می‌رسد مقررات قانون تعزیرات مصوب 1362 و بعضی از مواد قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب 1353 به وسیله ماده 621 قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب 1375 نسخ ضمنی شده است. زیرا در موضوع واحد نمی‌توان فرض نمود که قوانین متعدد وجود داشته باشد.

همچنین در مورد جرم گروگان‌گیری نیز در حال حاضر با وجود تصویب قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری مصوب 1385، از آنجایی که در این قانون برای جرم گروگان‌گیری تعیین مجازات نشده است به نظر می‌رسد که عنصر قانونی جرم گروگان‌گیری که می‌تواند در مفهوم و معنی جرائم توقیف، بازداشت یا حبس غیرقانونی بگنجد، قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب 1375 و به طور خاص مواد 621 و 631 و 583 و 570 آن باشد که در ماده 631، دزدیدن، مخفی کردن و همچنین قلمداد کردن طفل تازه متولد شده متعلق به زنی به زن دیگر غیر از مادر طفل،

<sup>1</sup> - صبری، نورمحمد، «جرم آدم ربایی در حقوق کیفری ایران و اسلام» ماهنامه دادرسی شماره 24، سال چهاردهم، 1371، ص 74

مورد حکم قانونگذار قرار گرفته و در ماده 621 نیز ربودن، مخفی کردن سایر اشخاص، مورد توجه مقنن بوده است و ماده 583 این قانون نیز که به صراحت اعلام می‌دارد: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آن بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر از مواردی که در قانون، جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده است، شخص را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید، به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.» این ماده قانونی در کنار ماده 621 قانون مجازات اسلامی می‌تواند عنصر قانونی جرم گروگان‌گیری را در حال حاضر فراهم نماید.



## فصل دوم : بررسی جرم گروگان گیری از منظر جرم شناسی

در جرم شناسی اصطلاحاً به هر یک از عناصر پدید آورنده رفتار بزهکاران «عامل» گفته می شود. در بروز بزه همواره عوامل گوناگونی دخالت دارند که به آنها «عوامل جرم زا» گفته می شود. هیچ یک از عوامل جرم زا به تنهایی نمی توانند موجب ارتکاب بزه شوند. بلکه جرم نتیجه اجتماع عوامل متعددی است که در یک تقسیم بندی کلی می توان آنها را به عوامل درونی و عوامل بیرونی بزهکاری تقسیم نمود. منظور از عوامل درونی بزهکاری، کلیه عوامل مربوط به خود شخص بزهکار است، اعم از عوامل جسمی (مانند سن، جنس، ژن) و عوامل درونی (از قبیل بیماری های روانی، هوش، اختلال شخصیت) که خود آدمی را مستعد جرم قرار می دهد.

عوامل بیرونی بزهکاری هم تمام عناصر محیطی (مثل آب و هوا، شهر و روستا، شغل، معاشرین، اقتصاد) موثر در بروز جرم را شامل می شود. بدیهی است تاثیر همه عوامل در بروز یک پدیده مجرمانه یکسان نیست و گاه علیرغم گردآمدن چندین عامل، باز بزهی به وقوع نمی پیوندد. چنانچه در چنین شرایطی با اضافه شدن عاملی دیگر جرمی واقع شود، عامل اخیر را در اصطلاح «عامل تعیین کننده» می نامیم.

در مقابل عوامل جرم زا ، عناصر دیگری وجود دارد که در برابر بزهکاری نقش مانع را بازی می کند و اصطلاحاً عوامل بازدارنده گفته می شود. عوامل بازدارنده نیرویی متضاد در فرایند بزهکاری اعمال می نمایند از این رو تحقق و تکوین جرم مستوجب غلبه نیروی جرم زا بر عوامل بازدارنده است که در غیر اینصورت بزهی رخ نخواهد داد. هر پدیده ای ، پدید آورنده ای دارد که علت نامیده می شود به عبارت دیگر برای هر معلولی، علتی است و جرم (یا پدیده مجرمانه) نیز به عنوان یک معلول از این قاعده مستثنی نیست. علت در جرم شناسی عبارت است از مجموعه ای از عوامل جرم زا که در صورت نبودن عوامل بازدارنده نتیجه اش ارتکاب بزه است. در جرم شناسی (که علم شناخت علت ها است) علت ها به نحو انضمام و نه به طور

انفراد مد نظر قرار می گیرند، خطای جرم شناسی قدیم نیز در همین امر (یعنی توجه به فقط یک سری علل مثلاً علت های جسمی یا روانی بزهکاری، بدون در نظر گرفتن سایر عوامل) بود.<sup>1</sup>

هر گاه در تحقیقات به عمل آمده راجع به ریشه یابی یک نوع بزه، همیشه به یک امر واحد برخورد نماییم، می توانیم آن را علت جرم مزبور معرفی کنیم. به عنوان مثال در جرائم آدم ربایی با انگیزه تجاوز به عنف، میل جنسی بیمارگونه یا کنترل نشده مرتکبین، موضوع و دلیل مشترک می باشد و می توانیم آن را علت جرم یاد شده بدانیم. یا در جرم گروگان گیری کسب مال یا اهداف سیاسی می تواند علت جرم مذکور قرار بگیرد.

### **مبحث اول: نقش عوامل سیاسی و اقتصادی در ارتکاب گروگان گیری**

در برخی از جوامع اختلاف طبقاتی باعث بروز جرائمی نظیر گروگان گیری و آدم ربایی می شود و افرادی که پایبند قوانین و اعتقادات نیستند، جهت رسیدن به مادیات می خواهند یک شبه راهی صد ساله طی نمایند و لذا به شیوه های مختلف اقدام به ربودن و به گروگان گرفتن افراد نموده و با تهدید از بستگان فرد، اموال و یا وجوهاتی را درخواست نموده که در صورت اخذ خواسته مادی خود فرد به گروگان گرفته شده را آزاد نماید. در این راستا بی شک تا مشکلات اقتصادی و اختلاف طبقاتی و بیکاری و تأمین شغل مناسب برای آحاد جامعه بخصوص قشر جوان مرتفع نگردد، ارتکاب به جرم گروگان گیری متصور خواهد بود و حتی بر حسب سوابق موجود، بسیاری از افراد جوان که مرتکب جرم آدم ربایی شده اند، فاقد هرگونه پیشینه و سوابق کیفری بوده اند و به علت این که قادر نبوده به روش و شیوه مجرمین حرفه ای و سابقه دار عمل نمایند، علاوه بر اینکه در اخذ وجه ناتوان هستند به راحتی توسط پلیس شناسایی و دستگیر شده و در بسیاری از موارد به علت ترس از شناسایی توسط فرد به گروگان گرفته شده، اقدام به قتل وی نموده که در این صورت حکم اعدام درباره این دسته از مجرمین غیر حرفه ای اجرا می گردد.

<sup>1</sup> - مظلومان، رضا، حقوق جزا و جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1353، ص 36

«سوابق و آمارهای موجود موید این مطلب است که یکی از شیوه های متداول در رابطه با آدم ربایی و گروگان گیری با انگیزه های اخذی توسط ربایندگان صورت می گیرد که از اصلی ترین مصادیق آدم ربایی می باشد.»<sup>1</sup>

که به طرق مختلف نسبت به وضعیت مالی خانواده بزه دیده اطلاع حاصل نموده و پس از کسب اطلاع و شناخت کامل نسبت به فرزند خانواده که غالباً دختر یا پسر بچه های بین سنین 7 تا 15 سال هستند، اقدام به ربایش و به گروگان گرفتن فرد نموده و با سلب آزادی فرد و در حبس نگاه داشتن او در پاره ای از موارد با اذیت و آزار جسمی و روحی بستگان او را تحت فشار روانی قرار داده تا در اثر آن، خانواده را وادار به تسلیم و پرداخت وجه مورد تقاضا نموده که در قبال آزادی و رهایی فرد به گروگان گرفته شده، قرار گیرد. با توجه به اقدامات مجرمانه باند های آدم ربایی و گروگان گیری، امنیت اقتصادی و جانی فرد و خانواده وی به مخاطره افتاده و غالباً افراد ثروتمند در معرض این نوع تهدید قرار دارند. «معمولاً گروگان گیری ها و آدم ربایی ها با دو شیوه صورت می گیرد: الف) با روش اتفاقی؛ که مرتکبین با خودرو فرد مورد نظر خود را به عنوان مسافر سوار نموده و پس از طی مسافتی با تهدید سلاح گرم یا سرد، وی را ربوده و پس از انجام اقدامات مجرمانه و سرقت اموال وجوه نقد وی را در محلی دیگر و نقاط خلوت و کم تردد رها نموده و متواری می شوند که فراوانی این شیوه بیش از شیوه های دیگر است.

ب) با سبق تصمیم و طرح نقشه قبلی: در این روش از قبل اطلاعات کافی درباره خانواده فرد، مستقیماً از طریق تبادلات کاری و یا داد و ستد و معاملات روزمره اخذ شده و یا توسط بستگان و یا خدمه اطلاعات به فرد یا افرادی که انگیزه آدم ربایی و گروگان گیری را دارند، منتقل شده و بر آن اساس طرح ریزی نسبت به چگونگی ربایش فرد و به گروگان نگه داشتن وی و اخذی از بستگان وی صورت می گیرد.»<sup>2</sup>

با این وجود بعضی از آدم ربایی ها و گروگان گیری ها با هدف تسویه حساب های مربوط به معاملات غیرقانونی صورت می گیرد. این اقدامات معمولاً ناشی از اختلافات در معاملات

<sup>1</sup> - غفاری، همایون، آدم ربایی در حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، 1377، ص 35

<sup>2</sup> - کریمی، حسین، آدم ربایی در حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، 1378، ص 82

مربوط به قاچاق مواد مخدر است که به لحاظ نوع معاملاتی که اولین گروه‌های تبهکار و اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر رایج است و از هر نظر، جنبه غیرقانونی داشته، قابل طرح در مراجع دولتی و قانونی و همچنین نهادهای اجتماعی دیگر نمی باشد. البته این انگیزه غالباً در سطوح کلان معاملات مواد مخدر و کالاهای قاچاق و سایر معاملات پنهان غیرقانونی وجود دارد و کیفیت و شدت آن بستگی به توانایی فرد یا افراد طلبکار و میزان و ارزش معامله و مهمات و تجهیزاتی که در اختیار دارند، دارد. در این رابطه معمولاً گروه طلبکار بدواً در جهت انجام تسویه حساب، یک سری تهدیدات را انجام داده و زمانی که از تهدیدات نتیجه لازم حاصل نشد، عمل آدم ربایی و گروگان گیری صورت می گیرد و با توجه به اطلاعاتی که از قبل تحصیل شده، اقدام به ربایش فرد و یا یکی از اعضای خانواده وی نموده و معمولاً خانواده فرد ربوده شده و به گروگان گرفته شده که حالت انفعالی داشته، سعی در اجابت درخواست طرف مقابل و یا گروه طلبکار داشته و بسیاری از موارد این تسویه حساب بدون درگیری خاتمه می پذیرد و گاهی دیده شده که خانواده فرد ربوده شده، استطاعت مالی جهت تسویه حساب را نداشته که در این موارد یا اموری که به احتمال دیگری که خسارات جانی و مالی بیشتری متصور بوده، موضوع به دستگاه قضایی و پلیس جهت پیگیری و اقدام، گزارش شده است.

البته بعضی از گروگان گیری ها و آدم ربایی ها نیز با هدف تسویه حساب های مشروع صورت می گیرد. در این موارد معمولاً زمانی که مرتکبین از راه قانونی و توسل به دستگاه قضایی و پلیس موفق به اخذ طلب و حقوق قانونی خود نشده و مذاکره نیز نتیجه ای را در بر نداشته باشد، اقدام به ربایش فرد می کنند و معمولاً افرادی که بدهی مالی در حد قابل توجه دارند، در معرض این اقدامات قرار می گیرند و مرتکبین با توجه به شناخت کافی، خود فرد و یا فرزند وی را در زمان و مکان مناسب، ربوده و به مکانی که از قبل در نظر گرفته شده، منتقل می نمایند و درخواست گرفتن طلب را به خود فرد یا خانواده وی اعلام می کنند و سعی نموده با استمرار تماس ها که توسط خود فرد ربوده شده و به گروگان گرفته شده و یا مرتکبین صورت می گیرد، به خواسته های مادی خود دست پیدا کنند و به هر تقدیر شرایط و امکان پرداخت بدهی توسط خانواده فرد ربوده شده و یا دوستانش مهیا گردد و غالباً پس از دریافت مطالبات خود و اخذ مدارک لازم به صورت چک یا سفته، فرد ربوده شده و به گروگان گرفته شده را رها نموده اند.

گروگان گیری و آدم ربایی با هدف باج خواهی از دستگاههای دولتی نیز صورت می گیرد. مدیران و مسئولین ارشد دستگاه حکومتی در سطح ملی، استان و منطقه ای، افراد خارجی مقیم و ... ، افرادی هستند که معمولاً گروههای قدرتمند مسلح برای دریافت باج های کلان، آنها را به گروگان گرفته و در ازای رهایی همراه با سلامتی آنها، مبادرت به درآمدزایی کلان می نمایند.

این گونه عملیات مجرمانه مستلزم داشتن قدرت نبرد مسلحانه چریکی قابل توجه ، امکان جابجایی قوی، شناخت کامل جغرافیایی پنهان بین شهرها و دولت ها، قدرت خروج از کشور و اسکان پنهان در کشورهای همسایه و هم مرز، ارتباطات مخابراتی برون مرزی و ماهواره ای و خروج کامل از دسترس عناصر امنیتی ، نظامی و انتظامی حاکمیت سیاسی کشور محل وقوع جرم علیه قربانیان داخلی و خارجی می باشد. مرتکبین این گونه جرائم علاوه بر اهداف درآمدزایی جهشی، دارای تمایلات ماجراجویانه قوی به همراه انگیزه اعمال اذیت و آزار علیه حاکمیت سیاسی جامعه در ابعاد منطقه ای ، ملی و یا هر دو حالت آن بوده و در موارد نادر نیز تحریک دشمنان برون مرزی، مبادرت به نمایش قدرت تخریبی خود به منظور و هدف واقعی نمایش ضعف امنیتی و انتظامی حاکمیت سیاسی کشور محل ارتکاب عملیات مجرمانه می نمایند.<sup>1</sup>

این افراد رقم باج اعلامی خود را تناسب با وزن، جایگاه و ارزش حکومتی گروگان خود و توان عملیاتی گروه خود، تنظیم و اعلام خواهند کرد. مرتکبین این نوع از جرم غالباً از اهالی بومی و ساکنین منطقه ارتکاب جرم نمی باشند. این افراد از نقاط دیگر به منطقه مورد نظر آمده و با استفاده پنهان و موثر از همکاران بومی خود، به جمع آوری اطلاعات کاربردی، شناسایی و تعیین مسیرهای عادی قابل استفاده برای انتقال گروگان خود و خروج از منطقه ، تعیین و شناسایی مسیرهای مربوط به وضعیت اضطراری و غیرعادی احتمالی، شناسایی و تخمین قدرت ساختارهای امنیتی و انتظامی محل وقوع و تعیین نقاط قوت و ضعف آنها پرداخته، بعد از آن با توجه به قدرت واقعی گروه، امکانات پنهان سازی، امکانات خودروئی و لجستیکی، روابط انسانی قابل بهره برداری برای اختفاء ، انتقال و نگهداشت گروگان ، نحوه انجام و ارتکاب جرم را طراحی و به مرحله اجرا در می آورند. گروههای دارای روابط برون

<sup>1</sup> - برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به معارفی، مهرزاد، بررسی مسأله گروگان گیری در حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، 1380، ص 84

مرزی، این گستره عملیاتی پنهان و امکان حضور در کشور خارجی را مضاعف بر طراحی درون مرزی خود، تعیین نموده و با استفاده از حسن روابط قبلی با طرف خارجی مبادرت به مذاکره نموده، بعد از نیل به توافق، مقدمات حضور گروه رباینده و گروگان مذکور را در آن کشور فراهم می آورند.

قابلیت و سهولت ارتکاب این گونه جرائم دقیقاً در تبعیت از ثبات امنیتی منطقه وقوع جرم قرار دارد. شهرها و مناطق دارای ثبات و ضریب امنیتی بالا، مناطق دارای ساختارهای مسلط و مقتدر امنیتی، نظامی، انتظامی و اجتماعی و مناطق فاقد بحران های سیاسی برخوردار از ثبات و استحکام بازدارنده همه جانبه، عرصه مناسب و قابل بهره برداری برای این گونه جرائم نمی باشند. برعکس آن، مناطق دارای بحران های سیاسی افسار گسیخته، مناطق فاقد حاکمیت سیاسی مقتدر و مدافع، شهرها و آبادی های فاقد ثبات امنیتی، انتظامی و اجتماعی، محیط های مناسب، رغبت آور و مساعد برای این گونه خاص از جرائم هستند که محور اصلی آن ایجاد اخلال و نمایش خلاف جدی در ساختار حکومتی منطقه وقوع جرم است.

پس تحت شرایط حاد سیاسی، عدم وجود ثبات و اقتدار کامل حاکمیت و در اوج رقابتهای شدید جهت کسب تمام قدرت یا افزایش سهم از قدرت نیز، افراد و گروههای دارای تمایلات ماجراجویانه که امکانات انجام عملیات مسلحانه علیه افراد و توانایی انتقال، نگهداشت و پنهان سازی غیرقابل افشاء گروگان ها را به نحو اطمینان آوری در اختیار دارند. با گروگان گیری از بین افرادی که رقیب سیاسی شان نسبت به تأمین اهداف گروه اقدام کننده خواهد بود و برای تأمین منافع سیاسی و کسب قدرت بیشتر مبادرت به آدم ربایی و گروگان گیری و نگهداشت افراد دارای ارزش عملیاتی خواهند کرد.

این گونه اقدامات مجرمانه با پشتوانه اهداف و انگیزه های سیاسی و دارای خطر مرگ ، اگر توسط گروه های افراطی و تند رو، دارای تمایلات ماجراجویانه و خشونت بار با اعضای جوان و احساساتی انجام شود و در صورتی که در روند کار، انسداد ایجاد شده و تأمین خواسته رباینندگان تضعیف یا منقضی شود، خطر جانی برای گروگان به طور جدی و به احتمال قوی مطرح خواهد شد و به هر اندازه که تعقل ، میانه روی و سنجش مصلحت در گروه گروگان گیرنده بیشتر باشد، احتمال مرگ و آزار جسمانی گروگان کمتر خواهد بود.

گروه سیاسی عامل اگر از ارتباطات برون مرزی (صرف نظر از مثبت یا منفی بودن آن) برخوردار بوده و اعضاء آن بتواند گروگان یا گروگان ها را به بعد از خطوط مرزی منتقل نمایند، ترجیحاً گروگان ها را در کشور دوست و همکار و هم رأی خود نگاه خواهند داشت. این نوع نگهداری، وجود تضمین قطعی عدم دسترسی عناصر حکومتی متبوع افراد به گروگان گرفته شده را در پی دارد و در چنین حالتی که گروه گروگان گیرنده به عدم دسترسی قطعی طرف مقابل به خود و به گروگان یا گروگان ها، اطمینان قطعی دارد، مذاکرات را از موضع بالا دستی، قوی تر، موثرتر و با ابتکار عمل بیشتر و بدون عقب نشینی و تخفیف انجام خواهد داد.<sup>1</sup>

در این حالت از نزاع سیاسی، به علت خصومت منعقد شده ناشی از اقدامات مسلحانه ای که یک طرف قضیه انجام داده، احتمال سازش، ائتلاف و کنار هم نشینی سیاسی بسیار ضعیف بوده و نبرد همه جانبه سیاسی، اطلاعاتی، تبلیغاتی، اقتصادی و مسلحانه تا حد حذف رقیب تداوم خواهد یافت. هرگروه خود را ذیحق و طرف مقابل را باطل و مستحق حذف و نفی دانسته و تلاش تا حذف رقیب به تحصیل قدرت کامل حاکمه ادامه خواهد یافت.

مسأله کسب قدرت سیاسی و حذف رقیب به منظور افزایش قدرتمندی در ساختار سیاست و مدیریت حاکم بر یک جامعه، اگر هم در نبرد گرم، مقابله مسلحانه و گروگان گیری به منظور افزایش سهم از قدرت قرار گیرد، نشانه آن است که تمامی روش های متعارف رقابت سیاسی عادی، طبیعی و مسالمت جویانه، نبرد پارلمانی، حزبی و تبلیغاتی، مذاکرات همراه با تخاصمات کمرنگ و قابل تحمل و مرحله نبرد سرد تخریبی غیرمسلحانه، قابلیت تأثیرگذار خود را از دست داده اند و این احتمال مطرح خواهد شد که تمام یا قسمت هایی از این نوع رقابت های سیاسی متعارف از سوی طرفین به مرحله اجرا در آمده و هیچ گونه تأثیر و تغییری را ایجاد نکرده و یا این که ظرفیت، قابلیت، روش و سیاست یک یا دو طرف موضوع و عناصر تأثیرگذار جانبی، ایجاب نموده که بعد از ایجاد انسداد اولیه در رقابت سیاسی و تضعیف یا طرد یکی از طرفین و بدون این که روش های مسالمت جویانه، آرام، مذاکرات رو در رو و روش های متعارف دیپلماسی را در معرض امتحان قرار دهند، یک سره وارد مرحله تخاصم جدی و نبرد گرم شده اند.

<sup>1</sup> - همان، ص 94

در هر صورت در موضوع گروگان گیری با هدف و نیت افزایش قدرت سیاسی و ایجاد تغییرات مورد نظر در ساخت سیاسی جامعه، این واقعیت مطرح است که هر گونه اقدام انجام شده و به ویژه گروگان گیری باید در مذاکرات طرفین مطرح شده، متناسب با آن، دستور مذاکرات تعیین شود. بعد از طرح در جلسه مذاکره و در حالی که رهایی و اعاده گروگان از یک طرف و تغییر در شرایط سیاسی و قدرت خواهی بیشتر مد نظر در این زمینه از طرف دیگر مطرح خواهد شد. مسلم است که همه اقدامات و هرگونه تغییری که یک طرف قضیه در شرایط ایجاد کند، قطعاً به مذاکره خواهد انجامید و با مذاکرات است که تکلیف وقایع مجرمانه و جرائم ارتكابی مرتبط با مسائل سیاسی معین خواهد گشت. گروههای سیاسی متمایل به قدرت بیشتر که برای افزایش قدرت از ارتكاب رفتارهای مجرمانه علیه رقیب، استفاده می کنند، در نهایت باید برای تحقق هدف طراحی شده و ایده آل خود و ایجاد تغییر در شرایط سیاسی گروه خودی و با استفاده از شرایط ایجاد شده ناشی از گروگان گیری، در اتاق مذاکره حاضر شده و به انجام مذاکرات تعیین شده بپردازند.

«این ویژگی دنیای سیاست و مفاهیم سیاسی است و اگر اقدام مجرمانه انجام شده از نوع آدم ربایی و گروگان گیری و هر نوع اقدام دیگر که از سوی یک طرف علیه منافع طرف مقابل انجام شده، در انسداد غیرقابل گشایش قرار گرفته و به مذاکره منتهی نشود، قطعاً منافع هیچ یک از طرفین تأمین نخواهد شد. نه گروگان در معرض خطر، آزاد و اعاده می گردد و نه تغییرات سیاسی مورد نظر گروه گروگان گیرنده، تأمین خواهد شد. شدت تخاصم، کیفیت منازعه تا سرحد حذف تداوم یافته و در این میان سرنوشت گروگان نیز دچار وخامت و به احتمال قوی به «مرگ فجیع» منجر خواهد گردید.»<sup>1</sup>

ایجاد تغییرات سیاسی در ابعاد منطقه ای کاملاً محدود یا وسیع و در ابعاد ملی و فرمانطقه ای قابل طرح و اجراست، بدین ترتیب اقدامات مجرمانه مسلحانه علیه اصل حیات و سلامت افراد سیاسی به منظور ایجاد تغییرات در شرایط سیاسی، می تواند در محدوده یک شهر، استان و منطقه ای خاص از یک کشور انجام شده و در نتیجه تغییر در شرایط نیز محدود به همان منطقه وقوع جرم، مدنظر قرار گیرد و همچنین متصور است که با همان شکل و

<sup>1</sup> - همان، ص 91



کیفیت در سطح ملی و با ابعادی فراتر از اندازه های منطقه ای و محلی نیز طراحی و اجرا گردد.

شرط ایجابی و الزامی دیگر که برای وجود زمینه انجام این گونه اقدامات مجرمانه مطرح است، قرار داشتن منطقه محل وقوع جرم در حالت فقدان یا تزلزل ثبات سیاسی، اجتماعی، امنیتی و انتظامی است. در جامعه دارای ثبات، استحکام، و اقتدار سیاسی، اجتماعی و امنیتی (مفهوم واقعی امنیت با ثبات پایدار و همه جانبه مدنظر است) قطعاً این گونه باج خواهی های جنایی - سیاسی قابلیت انجام نداشته و اگر هم با صرف انرژی و تحمل هزینه فراوان و همه جانبه، در ارتکاب جرم موفقیت حاصل شود، قطعاً برای تداوم روند مجرمانه و ختم موفقیت آمیز آن برای گروه مرتکب، هیچ احتمالی وجود نخواهد داشت.

«گاهی نیز گروگان گیری و آدم ربایی با هدف آزاد نمودن افراد زندانی، دستگیر شده و ... نیز صورت می گیرد»<sup>1</sup>

این نوع آدم ربایی و گروگان گیری در دو شکل کاملاً سیاسی و غیرسیاسی قابلیت انجام داشته و سوابق عدیده ای از تحقق هر دو حالت آن در دست است. در این نوع از جرم که سازمان یافتگی، انسجام و اقدام تشکیلاتی، اصل لایتغیر و اصلی آن می باشد، افراد مرتکب در قالب گروه متضرر از یک دستگیری و یا در حبس بودن فرد یا افراد خاص و بعد از این که به علت ایجاد انسداد غیرقابل حل در چاره گشایی های متعارف و شناخته شده، مأیوس می شوند، با شناسایی افرادی که مراتب ربودن، اسارت و به گروگان گرفتن آنها و همچنین ارزش فردی و اجتماعی آنها بر سرنوشت افراد دستگیر شده و یا محبوس تأثیر خواهد گذاشت و با طراحی یک عملیات واقعی مبادرت به ربودن و گروگان گیری افراد مورد نظر و منتخب نموده تا شرایط خود را تحمیل نمایند.

از این روش توسط گروه قاچاقچی مسلح که دارای توان انجام عملیات مسلحانه موثر، امکان انتقال افراد ربوده شده و به گروگان گرفته شده و نگهداشت غیرقابل دسترس آنها را داشته باشند، به دفعات استفاده شده است. در این گونه موارد عناصر ارزشمند حکومتی، افراد مطرح در افکار عمومی، فرزندان مسئولین و صاحب منصب های حکومتی، اتباع کشورهای

<sup>1</sup> - ملک اسماعیلی، عزیزا...، «آدم ربایی»، مهنامه شهربانی، شماره 498، 1355، ص 3

خارجی، اصلی ترین قربانیان هستند که به عنوان گروگان نگه داشته شده تا در یک توافق دوجانبه با افرادی که ربایندگان و گروگان گیران، رهایی آنها را تقاضا می کنند، مبادله شوند. در شکل سیاسی نیز روش اقدام و فرایند کار و نحوه انجام عملیات همانند روش غیرسیاسی بوده و در این نوع از اقدام افراد دارای تمایلات سیاسی، گروهها و احزاب دارای توان انجام اقدامات مسلحانه برای تحقق هدف و تأمین منافع سیاسی خود که با سرنوشت افراد زندانی و دستگیر شده از اعضای گروه خود و آزادی آنها، ارتباط مستقیم دارد، وارد عمل شده و با ربودن، گروگان گیری و نگهداشت افراد موثر، مبادرت به طرح خواسته ها که همان آزادی افراد همفکر و هم گروه خود می باشد، می نمایند.

در موارد غیرسیاسی و عادی، افراد مرتکب از معرفی و افشاء هویت خود امتناع ورزیده، به طور کلی و غیرقابل دسترس و بدون ذکر هویت دقیق، شرایط خود را برای آزادی افراد به گروگان گرفته شده، اعلام و برای تحقق خواسته خود اصرار می ورزند. این افراد به ربوده شده ها و گروگان ها آسیب وارد نکرده و چون واقف هستند که در نهایت امر چه با نیل به توفیق در رهایی گروگان ها و چه با شکست در تحقق نیت خود، افراد ربوده شده و گروگان های مذکور، آزاد شده و مسئولیت جدی متوجه آنها خواهد شد، معمولاً از آزار و اذیت افراد تحت اسارت خود و گروگان های مذکور، خودداری نموده و به شدت مراقب سلامت گروگان هستند تا بتوانند با حفظ او در هنگام مبادله، آزادی هم گروه و هم فکران خود را بدست آورند.

«نوع دارای انگیزه سیاسی این جرم که با هدف آزادی سازی افراد سیاسی هم گروه، طراحی و اجرا می شود و در مواقع زیر امکان دارد مسبوق به سابقه باشد: الف) رقابت های افراطی سیاسی که کار از مرحله رقابت قانونی و متعارف گذشته و در مرحله خصومت مسلحانه و در حالت تلاش برای حذف قطعی رقیب قرار دارد. ب) اشغال سرزمین توسط دشمن خارجی ج) اشغال منطقه جغرافیایی متعلق به یک قومیت در حال تخاصم و تمرد توسط نیروی حکومتی.

در نوع سیاسی این جرم، گروگان گیران به منظور نمایش اقتدار گروهی و حزبی برای تعمیق در معرفی ماندگار و به یادماندنی گروه، فکر و اندیشه خود در اذهان عمومی و به عنوان

یک اقدام مقتدرانه گروهی، مسئولیت کار انجام شده را بر عهده گرفته و به صراحت اعلام وجود و مسئولیت می نمایند.»<sup>1</sup>

افراد دارای انگیزه های سیاسی به طور مطلق نسبت به احتمال رد مشروعیت اقدامات خود از دیدگاه دیگران، بی اعتقاد و بر آن ارزش بازدارنده قائل نبوده و به صرف وجود اعتقاد درون گروهی به مشروعیت خود معتقد و بر اساس دیدگاه و تصمیم درون گروهی، مبادرت به ارتکاب عملیات گروگان گیری می نمایند. تجربه نشان داده است که در میان انواع قربانیان ارتکاب عملیات ربودن و گروگان گیری، قربانیان خارجی (اعم از جهانگرد، رهگذر، متخصصین و مشاورین مقیم) دارای قدرت تأثیر، نفوذ و التهاب زایی بیشتری بوده و احتمال تسلیم طرف مخاطب واقعه مجرمانه به مراتب بیشتر از ارتکاب جرم علیه سایر انواع قربانی ها می باشد.

انواع تبعات برون مرزی، فشارهای سیاسی و انعکاس های منفی اجتماعی، امنیتی و سیاسی درون و برون مرزی ناشی از ارتکاب جرم علیه اتباع خارجی، از دلایلی است که احتمال برتری گروه دارنده گروگان را به طور جدی افزایش داده و طرف مقابل را در مقام و موقعیت برتر و دارای قدرت چانه زنی و تحمیل شرایط موثرتر و دارای ابتکار عمل قابل تحمیل قرار می دهد. اتباع خارجی معمولاً قربانی های موثر و دارای تاثیرات جدی بر دارندگان هر نوع انگیزه سیاسی و غیرسیاسی هستند.

در مواردی نیز گروگان گیری در پی اشغال سرزمین توسط دولت ها و گروهها و نیروهای بیگانه اعم از داخلی و یا خارجی به اشغال در آمده و مردم سرزمین تحت اشغال، ضمن طراحی و اجرای انواع نبردها و مقابله های نظامی، اقتصادی، سیاسی برای رفع اشغال و اخراج اشغال گران، ربودن و به گروگان گرفتن افراد و اعضای نیروی اشغال گر و طرفداران آنها را نیز در دستور کار قرار داده تا به اخذ امتیاز و برقراری مسیر تدریجی منتهی به رفع اشغال و آزادسازی سرزمین اشغال شده بیانجامد. گروههای مقاومت در سرزمین تحت اشغال، با توجه به اینکه در سرزمین مادری خود و با تسلط مطلق جغرافیایی مشغول فعالیت هستند، ضمن بهره برداری از حمایت مطلق، مساعدت و امکانات آحاد مردم و برخورداری از امکان تحرک غیرقابل مهار، گروگان ها را در نقاط غیرقابل دسترسی سرزمین خود قرار داده و از آنها به عنوان وثیقه ای گران قیمت در راستای تأمین اهداف حقه خود استفاده می کنند.

<sup>1</sup> - همان، ص 81

تحمیل شرایط از نوع آزادی اسراء و دستگیر شده های خودی در قبال رهایی گروگان های عضو لشکر اشغال گر، اخذ امتیازات مدیریتی به نفع عناصر بومی و تغییر شرایط سخت و آزار دهنده اجتماعی و سیاسی وضع شده به شرایط آسانتر و قابل تحمل تر، رفع بسیاری از تنگناهای اجباری ناشی از اراده اشغال گران، کاهش میزان اذیت و آزار اشغال گران نسبت به مردم سرزمین تحت اشغال، تلاش برای رفع تدریجی اشغال و عقب نشینی مرحله به مرحله، از امتیازاتی است که مردم سرزمین تحت اشغال می توانند در قبال رهایی همراه با سلامت گروگان های خود بدست آورند. در این نوع از اقدام که در واقع جزئی از مقابله شرافت مندانه در سرزمین تحت اشغال است، احتمال مرگ گروگان در اثر بی توجهی اشغال گران به خواسته گروگان گیران، ضرب و جرح شدید گروگان ها برای تخلیه اطلاعاتی کامل آنها، به طور جدی متصور است. این اقدامات معمولاً توسط گروههای زیرزمینی با شیوه های نبرد چریکی پنهان و با تحرک فراوان، از تأثیرگذارترین روش ها محسوب شده، نوعی نبرد که علاوه بر اراده ربایندگان و گروگان گیران، حمایت موثر، پنهان و همه جانبه بدنه اصلی مردم نیز به عنوان پشتوانه کارآمد آن را قرین موفقیت خواهد کرد.

قربانیان این گونه گروگان گیری ها، به ترتیب اهمیت، تأثیر و جایگاه سازمانی از بین اعضاء اصلی نیروهای اشغال گر، بومیان طرفدار آنها، افراد، گروهها و سازمان های بین المللی حاضر در سرزمین تحت اشغال، اتباع خارجی از ملیت های طرفدار و وابسته به نیروهای اشغال گر، انتخاب شده و در دستور عملیات ربایش، نگهداری و گروگان گیری و مذاکره قرار می گیرند. میزان برتری احتمال پیروزی گروه گروگان گیر در سرزمین اشغالی، به علت توان تحرک، جابجایی و پنهان سازی غیرقابل کنترل و مهار، برخورداری از انواع حمایت های متصور و مقدور در لایه های عمیق و غیرقابل دسترس جامعه تحت اشغال، شناخت همراه با تسلط کاربردی بر تمام جغرافیای سرزمین تحت اشغال و استفاده از تمامی زوایای پنهان جغرافیای خودی و عدم وجود هیچ یک از این شرایط برای گروه مقابل در قوی ترین شکل آن مطرح است و تجربه های مکرر در سرزمین های تحت اشغال نیز همین نظریه را تایید و تثبیت می نماید.

واقعیت و تجربه موید این مهم است که اقدام به آدم ربایی و گروگان گیری از این نوع که به عنوان یک واقعه جدی و مرگ آور، اصل حیات، سلامت و وجود افرادی از گروه اشغال گر

را در معرض خطر قرار می دهد، در ایجاد تعدیل و تخفیف در رفتارهای اشغال گران، اصلاح رفتارهای آزار دهنده، توهین آمیز و ناعادلانه، تسریع در ختم اشغال، بسیار موثر است. در برخی مواقع دیده شده که مردم سرزمین تحت اشغال با ربودن و نگهداشت و گروگان گیری یک فرمانده یا مسئول مهم و با ارزش از گروه اشغال گران، قادر به بهره برداری وسیع و امتیازگیری دور از انتظار شده اند. آزادی تعداد زیادی از مردم عادی، حذف مجازات سنگین گروهی از مبارزین محلی، واگذاری و رهاسازی قسمتی از سرزمین اشغالی و عقب نشینی سرزمینی، واگذاری قسمتی از مناصب و مسئولیت های محلی به عناصر و افراد سرزمین تحت اشغال و حذف، تسهیل و ایجاد تغییرات در مقررات سختگیرانه قبلی به نفع مردم از نتایجی است که مردم سرزمین های تحت اشغال می توانند با گروگان گیری طراحی شده و هدفمند از بین عناصر اصلی و ارزشمند گروه اشغال گر و بدون توسل به خونریزی و کشتار بدست آورند. در بعضی موارد نیز گروگان گیری به منظور ناامن جلوه دادن جامعه صورت می پذیرد. این نوع از گروگان گیری از موارد نادر جرائم گروگان گیری است که صرفاً به منظور تضعیف و نمایش ضعف ثبات و استحکام امنیتی جامعه محل وقوع جرم، طراحی و اجرا می گردد. در واقع وقوع این گونه جرائم نیازمند وجود زمینه های مساعد برای انجام بدون خطر و بدون وجود ساز و کارهای بازدارنده حکومتی است.

این گونه از گروگان گیری ها در هنگام افول کلی قدرت سیاسی حکومتها، بحران ناشی از جابجایی و انتقال قدرت، بحران پدید آمده از نفوذ و تسلط اطلاعاتی، تبلیغاتی دشمن خارجی، استقرار بی ثباتی و هرج و مرج ناشی از غلبه رقیب سیاسی داخلی و بومی بر اصل اقتدار حکومت رسمی، کاهش تسلط امنیتی، انتظامی منطقه ای به واسطه ضعف های حاصله با منشاء های مختلف و چند جانبه، امکان بروز و تحقق می یابد.

در واقع در صورتی که ثبات امنیتی و اقتدار بازدارنده حکومتی در یک جامعه، بدون ایراد و اخلال برقرار باشد، زمینه بروز چنین جرائمی به شدت کاهش یافته و معمولاً هیچ فرد یا گروهی مرتکب اقدامی که مقابله سریع و موفق حکومتی را احتمال مجازات آزردهنده و غیرقابل جبران بعدی را برای او در پی داشته باشد، انجام نخواهد شد. مرتکبین این دسته از جرائم معمولاً گروههای چریکی مزدور بومی، عناصر سیاسی جوان افراطی، بومیان مسلح دارای منافع ناشی از استقرار بی ثباتی و ناامنی، ناراضیان نهفته و پنهان سیاسی مهاجر بومیان و

ناراضیان سیاسی مهاجر مستقر در نزدیکی خطوط مرزی (در خارج از کشور) بوده که مستقیم و غیرمستقیم اعمال مختلف ضدامنیتی - از جمله ربایش افراد و گروگان گیری آنها را به منظور ایجاد بی ثباتی منجر به تضعیف، سوء استفاده و استقرار هرج و مرج، طراحی و اجرا می نمایند. این افراد متأثر از نیت درونی و اعتقادات خود، در قبال رهایی گروگان ها، تقاضاهایی مطرح می کنند که به طور کلی شامل تقاضای یک وجهی، چندوجهی و تلفیقی است. باج کلان، تغییر مسئولان بومی و منطقه ای، ایجاد تغییر در شرایط اداری، حکومتی و منطقه ای، آزادی زندانی ها از جمله تقاضاهایی است که غالباً در این گونه از گروگان گیری ها مطرح می شود.

در موارد متعددی نیز ربایندگان با صرف نظر از امتیازاتی که می توانند در قبال رهایی گروگان از طرف درگیر (که مسئولیت حفظ جان و امنیت گروگان ها را بر عهده داشته و دارد) کسب کنند، جهت نمایش اوج قدرت تخریبی و میزان تسلط منطقه ای خود و به منظور تأثیرگذاری بر فضای سیاسی، امنیتی جامعه و وارد کردن ضربات تبلیغی، روانی مخرب بر رقیب خود، قتل فجیع همراه با نمایش جنازه را به عنوان سیاست کاری خود انتخاب و اجرا می نمایند. لازم به ذکر است که گروگان ها و قربانیان این دسته از جرائم جنایی، از عناصر و افراد عضو گروه حاکم سیاسی جامعه (گروه هدف برای گروگان گیران)، وابستگان و هواداران آنها و همه افرادی که سلامت و سرنوشت آنها برای گروه هدف حائز اهمیت و موجب تضعیف، تخریب و عقب نشینی است، انتخاب می شوند و لذا به هر میزان که وابستگی حکومتی، سیاسی و میزان تأثیرگذاری فرد در ساختار امنیتی و سیاسی گروه هدف، بیشتر باشد، خطر جانی متوجه او نیز افزایش خواهد یافت.

گروگان گیری می تواند به عنوان راهی برای چانه زنی زورگویانه مورد تحلیل قرار گیرد. بیش از بیست سال پیش، توماس شلینگ (Thoms Schelling) در این باره نوشته است: «گروگان ها [برای ربایندگان] مظهری از یک قدرت محض برای ضربه زدن [به حریف] به حساب می آیند.»<sup>1</sup>

از این منظر، تروریست ها بدین علت به گروگان گیری مبادرت می ورزند که در هنگام چانه زنی، قدرت برتر دولت، امتیازی برای سردمداران حکومت محسوب نمی شود. روی آوردن گسترده به این شکل از تروریسم پس از سال 1968، سالی که جامعه ی بین الملل شاهد بروز و

<sup>1</sup> - Schelling, Arms and Influence (New Haven, conn.: Yale University press, 1966),6.

ظهور اصلی آدم ربایی های دیپلماتیک و هواپیماربایی های متعدد بوده است، پاسخی قابل پیش بینی به رشد قدرت کشورها به نظر می آید. آدم ربایی، هواپیماربایی و تسخیر سفارت خانه ها و ساختمان های عمومی و محبوس کردن افراد داخل آنها تلاش هایی است که برای تحت تاثیر قرار دادن تصمیمات سیاسی یک دولت صورت می پذیرد.

تحلیل استراتژیک تروریسم چانه زنی (فرصتی برای مذاکره با دولت که تروریست ها با اقداماتی چون گروگان گیری برای خود به وجود می آورند) بر اساس این فرضیه بنا شده است که گروگان گیران در اصل به دنبال توافقات مورد نظر خود هستند. به عبارت دیگر، چنین تصور می شود که آنها رضایت و موافقت دولت را به مقاومت ترجیح می دهند. البته این تحلیل نه مجوزی برای فریب کاری می باشد و نه دال بر این احتمال است که گروگان گیری، چون می تواند باعث هیاهو و تبلیغات شود، خود می تواند به عنوان یک هدف مطرح گردد. از آنجایی که ممکن است این فرضیات، صحت و تأثیر نظریه ی تروریسم چانه زنی را مخدوش نماید، بجاست که آنها را مورد مطالعه و شناسایی قرار دهیم.

به طور کلی چانه زنی تروریستی را می توان نوعی باج گیری و اخاذی دانست<sup>1</sup>. تروریست ها به منظور اثرگذاری بر تصمیم های دولت به گروگان گیری مبادرت می ورزند، ناگفته نماند که انتظارات و توقعات مختلف از نتیجه ی عمل (این که تروریست ها واکنش دولت را چگونه پاسخ خواهند داد) و اولویت های پذیرفته شده ی دولت (مانند ارزش های انسانی) به نوعی بر گزینه های دولتمردان تاثیرگذار خواهد بود. برای دولت نتیجه ای که به تحقق تهدید تروریست ها ختم می گردد- مرگ گروگان ها- به مراتب بدتر از پذیرش خواسته های تروریست هاست.<sup>2</sup> تروریست ها دو انتخاب در پیش رو دارند که لزوماً هیچ یک دیگری را نفی نمی کند: تهدید را به صورت وحشتناک تر و شدنی تر جلوه دهند، یا برای پذیرش دولت (نسبت به خواسته هایشان) پاداش و امتیاز قایل شوند، موضوعی که تروریست های استراتژیک اغلب آن را نادیده می گیرند. توضیح بیشتر این که ممکن است خساراتی که به سبب پذیرش خواسته های تروریست ها متوجه دولت شود کمتر از خسارات مقاومت در برابر آنان باشد.

<sup>1</sup> - Daniel Ellsberg, The theory and practice of Blackmail (Santa Monica : Rand Corporation, 1968).

<sup>2</sup> - David A. Baldwin, "Bargaining with Airline Hijackers," in The 50% Solution, edited by William I. Azrtman, 404-29 (Garden City, N.Y.: Doubleday, 1976), argues that promises have been sufficiently stressed. Analysts tend to emphasize threats instead, surely because of the latent violence implicit in hostage taking regardless of outcome.

تهدید به کشتن گروگان ها باید از سوی دولت باور کردنی و دردناک تلقی شود. در این جا تروریست ها با یک پارادکس مواجهند. به راستی چگونه می توان اعتبار این تهدید را تضمین نمود، در حالی که تروریست ها به این نکته واقفند که دولت ها دریافته اند تسلط تروریست ها بر اوضاع به زنده ماندن گروگان ها بستگی تام دارد. یکی از راه های تضمین این اعتبار تقسیم کردن تهدید است، یعنی در یک زمانبندی متوالی هر بار یک گروگان به قتل برسد. این گونه تاکتیک ها همچنین تروریست ها را در فرایند ایجاد و ابراز تعهد نسبت به عملی کردن تهدیدشان یاری خواهد کرد. با وجود این، زمانی که تروریست ها مرتکب جنایت می شوند، به طور کلی انگیزه ی آنان برای تسلیم داوطلبانه کاهش می یابد. تروریست ها بارها بر بهای تسلیم شدن خود افزوده اند تا دولت را متقاعد کنند که قصد آنها در کشتن همه ی گروگان ها واقعی است. مبادرت به ایجاد سنگر (حبس گروگان ها در یک مکان امن و ممانعت از نفوذ نیروهای دولت به آن مکان) به جای انجام یک عملیات آدم ربایی، از دیگر راههای مهمی است که افراد را ملزم به یک استراتژی تروریستی می کند. تروریست هایی که با گروگان ها به دام می افتند عقب نشینی را مشکل تر می یابند (چون نیروهای دولت همه ی راههای فرار را در کنترل دارند) و به دلیل قرار گرفتن در بن بست کمتر می توانند گزینه های دولت را تحت تاثیر قرار دهند. زمانی که تروریست ها همراه گروگان ها در یک مکان سنگربندی شده قرار می گیرند. تعهدی مشهود و قطعی را از خود به نمایش می گذارند، تعهدی که «شلینگ» آن را یک ضرورت قطعی در چانه زنی می داند. از آنجایی که تروریست ها برای اثبات قاطعیت مقاصدشان احتمال شکست خود را افزایش داده اند، دولت باید منتظر هر نوع رفتار خشن و بی رحمانه ای از سوی آنان باشد. علاوه بر این، از نظر فنی سنگربندی در یک مکان آسان تر از آدم ربایی است.

تروریست ها همچنان تلاش می کنند «آخرین شانس ممکن» یا شرایط اجتناب از وقوع فاجعه را بر دولت تحمیل کنند و در نهایت این دولت است که باید مسوولیت نپذیرفتن خواسته های تروریست ها که منجر به مرگ گروگان ها می شود را تقبل کند. در این بازی، اسیر کردن گروگان ها اولین قدم است و قدم بعدی - تعیین سرنوشت گروگان ها - کاملاً به واکنش دولت بستگی دارد. ارتباطات نامشخص می تواند این استراتژی را تسهیل کند.<sup>1</sup> تروریست ها می توانند

<sup>1</sup> - See Roberta Wohlstetter's case study of Castro's seizure of American marines in Cuba: "Kidnapping to Win Friends an Influence People," *Survry* 20 (1974):1-40 .



وانمود کنند پیام های دولت را دریافت نکرده اند، پیام هایی که ممکن است تعهد آنان را نسبت به اهدافشان تحت تاثیر قرار دهد. گروگان گیران همچنین با اصرار بر این که صرفاً عوامل یک سازمان مخالف هستند و مجاز نیستند ذره ای از خواسته های اعلام شده تعلق ورزند، می توانند خود را در چارچوب خواسته هایشان محصور کنند. تروریست ها برای این که به دولت بفهمانند تهدیدی که در پیش گرفته اند به خود ویرانگری ختم می شود ممکن است آگاهانه در یک نقش نامعقول ظاهر گردند، چه از طریق رفتار مغایر و نامتعادل و چه از راه انتظارات و اولویت های غیرواقعی.

گروگان گیری یک بازی دنباله دار است که بر بعضی جنبه های رفتار تروریستی جامه ی توجیه می پوشاند، بدون این جامه، جنبه های مورد بحث، متناقض با اصول اساسی و استراتژیک به نظر می آید. اگر این بازی تنها در دور اول خاتمه یابد، کشتن گروگان ها عاقبت دردناکی برای تروریست ها به همراه خواهد داشت، زیرا آنان به خواسته هایشان دست نخواهند یافت و اراده ی دولت نیز برای تنبیه آنها تشدید خواهد شد. اما در یک چشم انداز وسیع و بلندمدت، کشتن گروگان ها باعث می گردد که در حوادث تروریستی بعدی بر اعتبار تهدید (تروریست ها) افزوده شود، حتی اگر تروریست ها موفق به فرار نشوند. در واقع، هر ماجرای تروریستی بخشی از یک سریال بازی میان دولت و تروریست ها به حساب می آید.

این امکان نیز وجود دارد که گروگان گیران با وعده پاداش برای پذیرفته شدن خواسته هایشان بتوانند تصمیم دولت را تحت تأثیر قرار دهند. با یادآوری این نکته که تروریسم یک بازی زنجیره ای و دنباله دار را به نمایش می گذارد، آزادی ایشان از سوی دولت، وعده های آینده ی تروریست ها (مبنی بر آزادی گروگان ها) را تضمین می نماید. آزاد شدن مرحله ای گروگان های انتخاب شده به وعده های تروریست ها اعتبار می بخشد. مخفی نگه داشتن مصالحه با دولت پاداش دیگری است که از سوی تروریست ها در قبال پذیرش خواسته هایشان به دولت ارایه می شود.

ممکن است تروریست ها تلاش کنند خواسته هایشان را به صورت معقول و موجه جلوه دهند، در این صورت به نظر می رسد دولت ها به جای برآورده ساختن امیال و خواسته های تروریست ها، به رفع اعتراضات عمومی خواهند پرداخت. به همین ترتیب، امکان دارد توزیع غذا میان قشر فقیر جامعه به عنوان یکی از خواسته های تروریست ها مطرح گردد.

مشکل گروگان گیران این است که پاداش به دولت (در قبال پذیرش خواسته هایشان) با اعتبار بخشیدن به تهدیدات چندان سازگاری ندارد. برای مثال، ممکن است تروریست ها به منظور تاکید بر تهدیدشان مبنی بر کشتن گروگان ها افکار عمومی را از عمل خود با خبر سازند (که معمولاً چنین است)، در این صورت با جلب توجه مردم به آن واقعه ی خاص، هزینه ای که دولت برای قبول خواسته ها متحمل خواهد شد افزایش می یابد.

هر دو طرف (تروریست ها و دولت) برای محاسبه ی نتیجه ی عمل خود باید هزینه های مربوط به فرایند چانه زنی را مدنظر قرار دهند.<sup>1</sup> طولانی کردن بحران گروگان گیری باعث افزایش هزینه های دو طرف می گردد. سوالی که در اینجا مطرح می گردد این است که کدامیک بیشتر متضرر می شود و زودتر به تسلیم تن می دهد. احتمالاً هر یک از دو طرف سعی می کنند تاخیر در ختم بحران را به عاملی هزینه ساز برای طرف مقابل تبدیل نمایند. به نظر می رسد در اختیار داشتن گروگان های متعدد برای گروگان گیران امتیاز محسوب می شود، چرا که آنان با کشتن نوبتی گروگان ها می توانند موقعیتی فراهم آورند تا تهدیداتشان جدی و واقعی تلقی شود. خلاف این قضیه نیز قابل تصور است، یعنی تعداد بیشتر گروگان ها، هزینه های (امنیتی) نگهداری آنان را مضاعف نماید. همچنین فشار روانی و خستگی مفرط ناشی از هواپیماربابی یا محبوس کردن گروگان ها در یک مکان سنگربندی شده، هزینه های انتظار گروگان گیران را شدت می بخشد، در حالی که آدم ربایان کمتر با فشارهایی از این دست مواجهند. با این همه، این تصور منطقی از تروریست ها بعید نیست که اگر پیشرفت ها در بحران (گروگان گیری) آشکار و قابل رویت باشد، چه بسا فشارهای بین المللی و افکار عمومی هزینه های تحمیل شده به دولت را سنگین تر نمایند. علاوه بر این، آدم ربایان می توانند با انتشار پیام های قربانیان خود، هیجان و توجه افکار عمومی به آن بحران را حفظ کنند.

شناسایی موانع موجود در مقابل چانه زنی موثر در یک بحران گروگان گیر از اهمیت به سزایی برخوردار است. مهمتر از همه، چانه زنی و مذاکره به منافع مشترک میان دو طرف بستگی تام دارد. به درستی مشخص نیست که جان گروگان ها به عنوان یکی از منافع مشترک به حدی برای هر دو طرف با اهمیت باشد که بحران را با یک نتیجه ی بینابین خاتمه دهد، چه این که گاه برای هر دو طرف این نتیجه به مراتب از نبود توافق بهتر است.

<sup>1</sup> - Scott E. Atkinson, Todd Sandler, and John Tschirhart, "Terrorism in a Bargaining Framework," *Journal of Law and Economics* 30 (1987):1-21 .

علاوه بر این، بیشتر نظریه های چانه زنی ناظر به این اصل است که اولویت های هر یک از دو طرف در خلال مذاکرات ثابت باقی بماند. اما معمولاً ماهیت و جدیت اولویت ها در یک ماجرای گروگان گیری تغییر می یابد.

ناگفته نماند نظریه ی چانه زنی با این فرض قابل پیش بینی است که تنها دو طرف در بازی شرکت کنند. هر گاه تروریست ها اتباع یک دولت را برای نفوذ بر تصمیمات یک دولت دیگر به گروگان بگیرند، وضعیت به شدت پیچیده خواهد شد. گاه افراد در حین میانجی گری یا شرکت در مذاکرات به گروگان گرفته می شوند. البته ناگفته نماند که با نظریه های چانه زنی مبتنی بر روابط عادی سیاسی نمی توان تحولاتی از این دست را پیش بینی کرد. علاوه بر این، هرگاه یک دولت بخواهد به جای تن دادن به خواسته های تروریست ها، همه ی خسارت ناشی از تهدیدات آنان را بجان بخرد، محلی برای طرد نظریه ی چانه زنی وجود نخواهد داشت. در واقع، گزینه های دولت تنها به مقاومت یا تسلیم در برابر تروریست ها خلاصه نمی شود، عملیات مسلحانه ی نجات از سوی دولت می تواند به عنوان تلاشی برای خارج کردن چانه زنی از بن بست مورد استفاده قرار گیرد. احتمال می رود تلاش تروریست ها برای معتبر جلوه دادن تهدیدهایشان - برای مثال، با کشتن نوبتی گروگان ها - باعث تحریک دولت به دخالت نظامی گردد. بنابراین، اگر تروریست ها بخواهند ضمن آزار و اذیت دولت همچنان در بازی باقی بمانند، با محدودیت هایی مواجه خواهند بود.<sup>1</sup>

## مبحث دوم: نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در ارتکاب گروگان گیری

جرم شناسی اعمال ضد اجتماعی را بر حسب وجود مجازات ها مورد مطالعه قرار نمی دهد، بلکه سعی می کند تا با تحقیقات وسیعی که در اطراف عوامل مختلف انجام می دهد، پی ببرد که کدامیک زمینه مساعدی برای ایجاد ناراحتی های اجتماعی دارد و چه عواملی در فراهم کردن آشوب و اختلال و به هم خوردن نظم اجتماع موثر است. بنابراین جرم از نظر جرم شناسی تنها به آنچه که قانون بر حسب مجازات ها، تعیین می نماید، محدود نمی شود. لذا بهتر می تواند عوامل آفت زای اجتماعی را بشناسد و اجتماع را در مقابله با آنها به طرقی

<sup>1</sup> - ریشه های تروریسم / والتر رایش، ترجمه حسین محمدی نجم - تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، 1381. ص 40

صحیح مسلح نماید و «در حقیقت جرم شناسی عاملان جرم و عوامل به وجود آورنده آن را مورد بررسی قرار می دهد.»<sup>1</sup>

از نظر اجتماعی عواملی مانند محیط، خانواده، دوستان و همسالان در رشد شخصیتی فرد بسیار مهم است چرا که اگر بستگان به رفتارهای جوان در خانواده و اجتماع توجهی ننموده باشند و جهت کنترل و تربیت صحیح وی بر نیامده باشند، فرد بی بند و بار و لاقید بار آمده و در محیطی که دوستان ناباب و گروههای جوان که دارای رفتار ضد اجتماعی هستند، وجود دارد، بی شک تأثیرات منفی خود را بر روی خود گذاشته و او را به قهقرا و اعمال خلاف، سوق می دهد که در این رابطه 1- اختلاف طبقاتی بین اقشار مختلف جامعه 2- عدم دسترسی مشروع به منابع اقتصادی، اجتماعی و خواسته های فرد از دیگر عوامل اصلی به شمار می رود.

طبق نظریه انتقال فرهنگی «ادوین ساترلند» نیز رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب یعنی داشتن روابط اجتماعی با انواع خاصی از مردم مانند «منحرفان و جنایتکاران» آموخته می شود. این مفهوم در واقع بیان دقیق تری است از فرمول «معاشران بد» چنانکه گفته می شود «تا وقتی که با آن گروه معاشرت نداشت، آدم خوبی بود.»

این فرد نیز ممکن است در اثر معاشرت با دوستان ناباب و با تحریک و همفکری آنها به این انحراف کشانده شده باشد. سوابق نشان می دهد، مهمترین علل در وقوع جرائم آدم ربایی و گروگان گیری، علل اجتماعی، سیاسی و مادی است که بستر ارتکاب جرم را برای مجرمین آماده می سازد که در سالهای اخیر به دلیل تأثیرات نامطلوب تهاجم فرهنگی در بین نسل جوان ارتکاب به جرم آدم ربایی و به گروگان گرفتن قربانی با انگیزه های مختلف بخصوص با انگیزه تجاوز به عنف و اخذ مال تشدید یافته است و موجب ناامنی برای خانواده شهروندان گردیده است. معمولاً متهمین در ارتکاب جرم مذکور در باندهای سه یا چهارنفره و با استفاده از وسیله نقلیه اقدام به ربایش افراد خصوصاً دختران و زنان نموده و پس از تجاوز و سرقت اموال گروگان و فرد ربوده شده، وی را رها می نمایند.

جهت تبیین نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی و تأثیر خانواده در وقوع جرائم آدم ربایی و حتی گروگان گیری به عنوان مثال نگاهی به پرونده معروف باند «کرکس های سیاه» در تهران می کنیم. این افراد با ربودن زنان و دختران اقدام به زنا به عنف و سرقت از آنان می نمودند.

<sup>1</sup> - مظلومان، رضا، حقوق جزا و جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1353، ص 36

اعتیاد، شرب خمر و بی بند و باری و رها شدن از خانواده و عدم توجه و کنترل بستگان و والدین نسبت به آنها که عدم اعتقاد و ایمان نیز موید بر علت شده و به صورت مستمر بر جرائم ارتكابی خود ادامه داده و بسترهای اجتماعی (نقش خرده فرهنگ های گروهی در اعمال خلاف) تمایل متهمین را به ارتكاب جرائم آدم ربایی، گروگان گیری و تجاوز به عنف را تشدید نمود که علل و عوامل فردی و خانوادگی غالباً موارد مشروحه ذیل هستند:

- ۱- تسویه حساب های شخصی با افرادی که به هر عنوان حقی را از فرد ضایع کرده باشد.
- ۲- خاصیت تحریک پذیری برای رباینده و مجنی علیه که در مواردی از حد گذشته است.
- ۳- حل عقده های روانی ناشی از تمایلات سرکوب شده .
- ۴- دستیابی به مال و ثروت و خواسته های نامشروع .
- ۵- از هم گسیختگی خانواده و ...

با توجه به تحقیقات صورت گرفته، متهمین موصوف اقدام به نگهداری دختران فراری از منزل در خانواده خود نموده و همواره نیز از طرف والدین ایرادی به کار پلید آنها وارد نشده و لذا آنها ترغیب و تشویق بدین عمل شده که در مرور زمان اقدام به ربودن زن ها و دختران جوان با زور و تهدید نموده که اعمال پلید و شیطانی خود را در حاشیه شهرها انجام می دادند و متأسفانه خانواده علاوه بر نداشتن نقش کنترلی، آنها را در ارتكاب به اعمال خلاف آزاد گذاشته اند و با لواقع متهمین هیچ مانعی بر سر راه خود در ارتكاب به جرائم فوق ندیده اند.

با بررسی شرایط زندگی مجرمین پرونده باند کرس های سیاه می توان به این موضوع پی برد که به علت نبودن انضباط اجتماعی در خانواده آنها، نهاد این دسته از افراد به علت اینکه تابع اصل لذت بوده و بی حد، خواسته هایشان اجابت شده است و وجدان اخلاقی آنها درست تربیت نشده است و در محل زندگی خودشان به علت فقدان کنترل بر جوان ها به اعمال خلاف گرایش پیدا نموده اند و بر حسب بی تفاوت بودن خانواده، ضمن اعتیاد به مواد افیونی و شرب خمر، آنها را با تشکیل خرد فرهنگ های گروهی و پایبند بودن به ارزش های ناصحیح، در ادامه، مرتکب ربودن دختران و زنان و در حالتی غیرمتعادل اقدام به تجاوز به عنف نموده اند.<sup>1</sup>

با خروج از موضوع این پرونده به بیان این نکته می پردازیم که گاهی آدم ربایی و گروگان گیری با اهداف مختلف ترکیبی (مثل سرقت، اعمال ضد اخلاقی و ...) محقق می شود.

<sup>1</sup> - برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به غفاری، همایون، آدم ربایی در حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، 1377، ص 82

این نوع از آدم ربایی و گروگان گیری که توسط مجرمین خطرناک از گروه فعالین در جرائم علیه جان اجرا می گردد، معمولاً توسط گروههای 2 یا 3 نفره انجام می شود که غالباً سابقه دار بوده و انواع اقدامات مجرمانه و جرائم مختلف را تجربه کرده اند و تجارب قابل توجهی در ارتکاب جرائم با رعایت جوانب حرفه ای آن دارند.

قربانیان این گونه آدم ربایان معمولاً زنان و دخترانی هستند که بواسطه احتمال وجود طلاجات و زیورآلات در بدن خود، وجود کیف همراه دارای وجه نقد و اشیاء گرانبها به عنوان «قربانی جنسی درآمدزا» مطرح بوده که ضمن ایفای نقش «درآمدزایی» به علت وجود قابلیت بهره گیری و التذاذ جنسی به عنوان «قربانی جنسی» کاملاً تسلیم شده اجباری نیز مطرح هستند. بدین ترتیب این نوع جرم یکی از بارزترین زمینه های مجرمانه ای است که مجرمین با انجام یک عملیات واحد و به کار بردن یک انرژی واحد، دو نوع جرم علیه جان، مال و حیثیت افراد، توأمان انجام می دهند.

گاهی نیز آدم ربایی و گروگان گیری با هدف انتقام جویانه صورت می گیرد. انتقام جویی همیشه تابع اختلافات پنهان و آشکاری است که در روابط بین افراد شکل گرفته، اختلافاتی که بعضاً دو طرف از آن مطلع بوده و احتمال شکل گیری آن را می دهند و در برخی اوقات نیز فرد بدون اینکه طرف مقابل او بداند و یا احتمال دهند بر اثر اقدامات عملی و یا گفتارهای آزاردهنده غیرعمدی و نامحسوس در معرفی کدورت، کینه و دشمنی قرار گرفته، عقده های لاینحل شکل گرفته و به مرحله تکوین خواهد رسید. این گونه اقدامات که معمولاً در مرحله سلب آزادی اولیه (بدون تحقق مرحله تکوینی آن یعنی اسارت، حبس و به گروگان گرفتن فرد و باج خواهی) متوقف مانده و تعداد کم شماری از آن به مرحله نگهداری، اسارت و گروگان گیری طولانی مدت می انجامد.

در پی بروز اختلافات فردی و رقابت های پنهان بین افراد، رقابت های فامیلی، تحصیلی، رشد همراه با سقوط افراد هم طراز و رقیب و بالعکس، بروز خسارت های شدید ناشی از اقدامات افراد (با قصد و نیت قبلی و بدون قصد و نیت) و همه رفتارها و گفتارها، روابط و پدیده های رفتاری و گفتاری، منتهی به انعقاد کینه ای می شود که معمولاً می تواند به انتقام جویی بیانجامد.

در آدم ربایی ها یا گروگان گیری های با پشتوانه انتقام جویی فقط در انواع مرتبط با مسائل اقتصادی و پولی آن، به باج گیری و تسویه حساب مالی منتهی می شود و در سایر شقوق آن معمولاً اخذ پول در قالب باج و یا ما به ازاء مطالبات مطرح نمی باشد.

«گروگان گیری و آدم ربایی دارای انگیزه های انتقام جویانه معمولاً دو هدف را دنبال می کند. اولین هدف آنها که به صورت ارضایی - اقماعی مطرح است، ایجاد لطمات روحی و جسمی شدید و وخیم در قربانی جرم و گروگان مذکور پدید آوری آثار ماندگار و به یاد ماندنی در روح و جسم فرد مورد نظر به عنوان تخلیه عقده و تسکین روح انتقام جوی نهادینه شده درونی و دومین هدف در این گونه جرائم، ایجاد تنش جدی و عصبانیت آزار دهنده روحی در بستگان، عزیزان و خانواده قربانی جرم به عنوان مکمل آزار جسمی و روحی بکار رفته علیه قربانی و گروگان است که معمولاً هم مورد شناخت مرتکبین بوده و به انحاء مختلف قادر به رویت و لمس آثار اقدامات تخریبی خود در روح آنان می باشند.»<sup>1</sup>

گروگان گیران و آدم ربایان فعال در انتقام جویی در مدتی که گروگان را در اختیار دارند در نهایت حد ممکن است آن را اذیت و آزار نموده، با توجه به شناختی که از حساسیت های منتهی به تخریب روحیه و نقاط ضعف و قوت و ظرایف روحی و روانی طرف خود دارند، انواع آزارها را به اجرا خواهند گذاشت. چهره دارای نقاب، تعویض و تغییر لهجه، عدم استفاده از تکه کلام های اختصاصی و استفاده از ادبیات جدید و غیرقابل شناسایی، ساخت هویت جعلی و معرفی خود با همان هویت غیرقابل دسترسی، اجرای وضعیت های کاذب از قبیل بازجویی توسط مأمورین اطلاعاتی و امنیتی به منظور ایجاد انحراف در تلقی و برداشت قربانی و گروگان، مجموعه اقداماتی هستند که معمولاً ربایندگان و گروگان گیران انتقام جو برای ایجاد استحکام در روند کار خود، عدم بروز مقاومت از سوی گروگان و ایجاد انحراف در روند پی جویی احتمالی، طراحی و اجرا می نمایند. این دسته از مجرمین غالباً قربانیان خود را به حاشیه شهرها، مناطق بیابانی، در داخل خانه های خلوت و خالی از سکنه متعلق به خود منتقل نموده و بعد از نیل به مقصود، در نقاط دور افتاده فاقد امکان و احتمال برقراری ارتباط منطقی و تحقیقاتی با تمام اماکن و مناطق مرتبط با فرد مرتکب، رها می نمایند. در نوعی دیگر از انتقام جویی که به انواع موفقیت های تحصیلی، عشقی، حرفه ای و اقتصادی ربط دارد، افراد مرتکب

<sup>1</sup> - کریمی، حسین، آدم ربایی در حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، 1378، ص 91

اصل سلامت و کارایی های قربانی خود را به عنوان موفقیت ساز وی در معرض خطر و آسیب جدی و منتهی به تضعیف و یا ختم کارایی قرار داده و با انجام اقدامات مختلف جسمی و روحی در مدت کوتاه اسارت و گروگان گیری وی، سعی در ایجاد تخریب و توقف جدی در روند موفقیت آمیز فرد می نمایند.

حتی ممکن است بعضی از گروگان گیری ها و آدم ربایی ها با هدف تحمیل شرایط و تغییر اوضاع نیز صورت گیرد. این نوع اقدامات معمولاً در پی بروز بحران در مناطق اقتصادی و عمومی افراد واقع شده اند و افراد متضرر از وضعیت پدید آمده برای ایجاد تغییر در شرایط به منظور تأمین منافع در خطر قرار گرفتن خود، مبادرت به چاره جویی می نمایند. این افراد نیز غالباً بعد از مدتی تحمل و انتظار برای تغییر شرایط به صورت عادی، چنانچه تغییر مورد نظرشان محقق نگردد، روش های مختلفی را برای ایجاد تغییرات لازم در شرایط موجود آزمایش کرده و اگر بعد از این مرحله نیز شرایط دلخواه و نزدیک به دلخواه و قابل قبول فرد تحقق پیدا ننماید، در موارد نادری دیده شده که افراد دارای تمایلات مجرمانه از نوع خطرناک که در انجام جرائم علیه جان از استعداد و توانایی بالفطره و درونی برخوردارند، مبادرت به طراحی یک آدم ربایی یا گروگان گیری پنهان با ظاهر مجرمانه و درآمدزا نموده و در طول کار با حفظ ظاهر و پوشش اصلی کار (آدم ربایی و گروگان گیری واقعی) به صورت تلویحی و نانوشته، برای تغییر شرایط خود اقدام می کنند. نمونه های دیگری از این دست اقدامات که با محوریت تمایل به ایجاد تغییر در شرایط موجود و بهینه سازی آن به نفع خود طراحی و اجرا می گردد نیز قابل تصور است. بارزترین زمینه آن، زمینه های مربوط به مسائل اقتصادی و بحران های ایجاد شده در منافع افراد است. در همین نوع از جرائم در سطح کلان و ملی و بعضاً فراملی و منطقه ای اقداماتی علیه جان افراد در مقابل ربودن و به گروگان گرفتن افراد سیاسی، صاحب نام و ارزشمند در گروه مقابل انجام می شود تا طرف متخاصم که منافع یک قوم و ملت یا افراد خاصی را تضییع نموده، مجبور به تغییر شرایط، ترک محل و ختم اقدامات خود بنماید. این حالت بیشتر در سرزمین های اشغال شده و در بین ملت ها تحت سلطه و قومیت های فاقد قدرت سیاسی دیده شده است. نوع دیگری از آدم ربایی نیز به صورت ساختگی و همراه با طرح و نقشه قبلی صورت می گیرد (خودربایی). این اقدام با اهداف متفاوت محقق می شود و فردی که در حقیقت عامل آن است با طرح و نقشه قبلی تصمیم به انجام عملی نموده که نزد بستگان



خود وانمود سازد که یک واقعه آدم ربایی حادث شده و بر حسب اطلاعاتی که از بستگان خود دارد، در هر نوبت تماس می تواند وضعیت ظاهری را بر حسب مورد تغییر دهد که کاملاً خانواده اش تحت تأثیر قرار گیرند و فرد خود را به اهداف خود دست پیدا کند و با توجه به اینکه در انجام آن غالباً فرد یا افرادی با فرد خود ربا همکاری داشته ، سعی می کنند تا جایی خانواده را تحت تأثیر قرار دهند که تلاش های آنان منجر به نتیجه شود.

گاهی بعضی از گروگان گیری ها و آدم ربایی ها با هدف کسب اطلاعات بیشتر از مخاطب یا اطرافیان او صورت می گیرد. این نوع گروگان گیری و آدم ربایی به صورت غافلگیرانه انجام شده است، مدت نگهداشت قربانی و به گروگان گرفتن او بسیار کوتاه و غالباً به منظور کسب اطلاعات بیشتر درباره افراد دیگر و برای پرسش و دریافت اطلاعات بیشتر پیرامون موضوعی است که مطمع نظر فرد یا گروه ذینفع باشد. این حرکت، سریع و کوتاه مدت و با انتقال فرد به بیابانهای مجاور شهرها، آبادی های خلوت و یا به داخل منازل از قبل تمهید شده، تکمیل گردیده و بعد از اخذ اطلاعات مورد نظر و تخلیه کامل، قربانی را رها خواهند کرد. زمینه بروز این نوع جرم بیشتر در امور مربوط به بدهکاری های با ارقام بالا و کلاهبرداری های کلان که فرد مرتکب به منظور عدم پرداخت بدهی ها و نفی امکان دستگیری و پاسخگویی، زندگی مخفیانه اتخاذ کرده، مطرح و رایج است.

قربانیان این گونه جرائم کوتاه مدت، معمولاً از بستگان فرد در حال اختفاء و فرار، از گروه دوستان ، معاشین و مطلعین از امکان احتمالی اختفاء و حضور وی هستند که معمولاً نیز در صورت بروز مقاومت و عدم اجرای خواسته افراد رباینده و گروگان گیر، با ضرب و جرح و تهدیدات جدی و خشن تر روبرو خواهند شد و چنانچه اطلاعات و جزئیات مطلوب نظر گروه را ارائه ندهند، غالباً با شکنجه و ضرب و جرح شدید افراد رباینده و گروگان گیر در قبال عدم توفیق در تحقق نیت خود برای تخلیه عقده و ناراحتی لاینحل آنها قرار خواهد گرفت.

در اینجا لازم است به تأثیر عامل جنسی در ارتکاب گروگان گیری به دلیل اهمیت آن در این مبحث پرداخته شود. گروگان گیری هایی که در آن بزهکار، مرتکب تجاوز جنسی می شود علاوه بر اینکه همزمان ، روح، جان، روان، حیثیت، آزادی و اسایش فردی، خانوادگی، اصل عفت جمعی و افکار عمومی جامعه را هدف تخریب و اخلاص قرار می دهند، از نوع جرائم شدید و آزار دهنده ای است که افراد دارای تمایلات درونی مجرمانه از نوع کثیف با افکار انحرافی و

محتویات فکری و ذهنی بیمار مرتکب می شوند. این افراد با وجود دسترسی آسان و بدون دردسر به طرف جنسی مشروع و همچنین طرف جنسی نامشروع از نوع راغب، داوطلب و بعضاً بدون هزینه و یا با هزینه غیرقابل توجه و با صرف نظر از چنین موقعیت های جنسی، مبادرت به تشکیل گروه، تهیه مقدمات و اجرای فرایند مجرمانه نمایند که در آن اسارت همراه با تضرع و زاری قربانیان، بهره گیری جنسی و به جای گذاشتن قربانیان جرم و آزار دیده های فراوان صورت می گیرد. به دفعات دیده شده که این افراد به شرط نیاز به ارضاء جنسی و شهوانی، دارای امکانات و تسهیلات قابل توجهی بوده، به نحوی که اصلاً نیاز به اعمال زور و برقراری تمهیدات آدم ربایی، گروگان گیری و رفتارهای غیرانسانی نداشته اند.

«اینگونه از مجرمین معمولاً در رقمی بالاتر از 90% به صورت گروهی مبادرت به اعمال مجرمانه کثیف خود کرده و معمولاً بیش از آن که از آمیزش و دخول لذت برند، از اسارت قربانی و تسلط بی نهایت خود بر وی محظوظ شده و به جای آنکه به عنوان یک هممنوع از حرکات همراه با ترس، زاری و التماس های پی در پی هممنوع خود آزرده و متأثر شوند، در مقام درک لذت بی نهایت که قطعاً حکایت از بیماری و انحراف اخلاقی درونی نهادینه شده دارد، بر اقدامات مجرمانه غیراخلاقی خود اصرار می ورزند.»<sup>1</sup>

قربانیان زن بعضاً نسبت به مردان هم توجه نشان داده، لیکن غالباً مرتکبین جرائم جنسی علیه افراد مذکر، تمایلی برای برقراری رابطه جنسی با غیرهمجنس نداشته و حتی با وجود امکان بهره گیری از قربانی مونث از تماس با وی امتناع و با قبول زحمت و مشقت جدی برای دسترسی به قربانی مذکر اقدام کرده اند. مدت زمان نگهداشت و به گروگان گرفتن قربانی نزد این افراد متفاوت است. لیکن در اکثر اوقات در کمتر از 12 ساعت و بعد از بهره گیری آزاردهنده و اجباری جنسی قربانی را رها نموده اند.

مرتکب آدم ربایی و گروگان گیری با انگیزه انجام مسائل ضداخلاقی، به صورت قطعی دارای خودرو و منزل مجزایی هستند که صرفاً برای همین کار تهیه شده، منزل این افراد غالباً در حاشیه شهر و نقاط دارای خلاء امنیتی و انتظامی قرار دارند و برای ارتکاب آدم ربایی از تمهیدات خاص عملیاتی از قبیل جعل عنوان مأمورین امنیتی و اطلاعاتی، استفاده از تجهیزات مشابه تجهیزات واقعی پلیس و از اقدامات بازدارنده و شوک آوری از قبیل بستن چشم ها،

<sup>1</sup> - افلاطون، ارسطو، «دزدیدن دختر بچه ها»، مجله کانون وکلای دادگستری، شماره 80، ص 21

دستان و پنهان سازی قربانی استفاده می کنند تا ضمن سهولت در انتقال قربانی و عدم مشاهده توسط عابریین و رهگذران، امکان هرگونه مقاومت منتهی به افساء اقدام مجرمانه در حال انجام و یا نیل به فرار از سوی قربانی و گروگان مذکور را منتهی سازد.

«در نتیجه بررسی های دقیق که درباره چندین مورد از پرونده های آدم ربایی و گروگان گیری های با انگیزه تجاوز جنسی به عمل آمده وجود وسایل عیش و نوش نامشروع شامل مشروبات الکلی، وسایل و لوازم مربوط به استعمال مواد مخدر و لوازم تصویری نامشروع، مبتذل و مستهجن در بین چنین افرادی به عنوان مکمل اقدامات مجرمانه لذت جویانه و همچنین زینت محفل مربوط به ارتکاب جرم به شدت موسوم است.<sup>1</sup> که معمولاً مجرمین با اصرار جدی و همراه با آزار قربانیان و گروگان های مونث و به منظور ایجاد حالات مستی و اخلال در رفتارهای طبیعی آنها، تبدیل آنها به موجودات فاقد اختیار و کنترل، قربانی را وادار به استفاده از آنها می نمایند تا با در اختیار گرفتن زنی که در حالت مستی کامل و بدون هیچ گونه مقاومت و محدودیتی خود را عرضه نموده و در تکمیل آن با استعمال مواد مخدر، تطویل مدت آمیزش و تأخیر در انزال را مد نظر دارند، در رفتارهای مجرمین جنسی از نوع متوسلین به زور و اجبار، ضرب و جرح، توهین و فحاشی رکیک، انواع آزارهای روحی و جسمی در صورت بروز کمترین نشانه مقاومت و عدم همراهی از سوی قربانی، امری رایج و مشترک است. این افراد به دلیل اهداف انحرافی درونی نهادینه شده خود، از اسارت مطلق و اطاعت پذیری کامل و بدون مقاومت قربانیان احساس لذت مضاعف نموده و تحت هر شرایطی اختلال در این حالات وقوع این نوع آدم ربایی و گروگان گیری که با قصد تجاوز به عنف صورت می گیرد، از نظر آماری در شهرهای بزرگ قابل توجه می باشد. علاوه بر اینکه تأثیرات نامطلوب جسمی و روحی و روانی بر خود وارد می سازد، عفت عمومی و افکار جامعه را نیز جریحه دار می سازد و نقش عوامل خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی در وقوع آنها موثر می باشد. معمولاً افرادی که مرتکب این گونه جرائم می شوند دارای شخصیت ناپهناجر بوده و یا افراد به علت افکار انحرافی در دام گروههای بزهکار گرفتار شده و تحت فشار گروه تبهکار و سر کرده باند در اثر داشتن باورهای غلط مرتکب این گونه جرائم جنایی می گردند و نیازهای جسمی و جنسی خود را مرتفع کرده، در مواردی که فرد مجرم دارای اختلالات شخصیتی یا روان پریشی باشد، در استمرار جرائم

<sup>1</sup> - گرامی، محمود، آدم دزدی، مهنامه قضایی، شماره 14، سال 1346، ص 22

ارتكابی آدم ربایی، گروگان گیری و تجاوز به عنف حتی در پاره ای موارد مرتكب قتل می گردد. ولی در اغلب موارد گروههای سه تا پنج نفره جهت رسیدن به نیات شیطانی خود، زنان جوان را به عنوان مسافر سوار نموده و سپس با تهدید وی را ربوده و پس از غافلگیر کردن و بستن چشم فرد ربوده شده را به نقاط خلوت و مکان هایی که از قبل در نظر گرفته ، منتقل نموده و به تضرع و التماس های فرد ربوده شده و گروگان مذکور هیچ گونه توجهی ننموده و اعمال جنسی خشونت بار خود را که توأم با اذیت و آزار بدنی و جسمی می باشد را مرتكب می شوند. در گروه های مجرمین عده ای علاوه بر آدم ربایی و تجاوز به عنف، مرتكب سرقت اموال افراد ربوده شده نیز می نمایند و به این باورند که اگر به افراد ربوده شده تجاوز نمایند آنها به خاطر آبروی اجتماعی و خانوادگی خود اعلام شکایت نخواهند کرد.

در نهایت به گروگان گیری ها و آدم ربایی هایی که با هدف قاچاق انسان و فروش دختران صورت می گیرد، اشاره می کنیم. این نوع از گروگان گیری بدون تحقق امر «ربایش» و «ربودن» و بدون اجرا شدن مرحله دستگیری، انتقال اجباری و برخلاف اراده و میل آنها به مرحله دوم آن یعنی «نگهداشت» و «سلب آزادی» و «حبس برخلاف میل» و «به گروگان گرفتن» افراد می انجامد. این جرم از سری جرائمی است که تابع شرایط فی مابین طرفین دخیل در حرفه قاچاق است.

«قاچاق انسان به عنوان یک امر جزئی که در تابعیت از امر کلی مهاجرت و نقص های منجر به مهاجرت فردی و گروهی و ترجیح سرزمین دیگری به سرزمین خودی قرار داشته و در تمام سرزمین های مهاجرپذیر مرسوم است.

زمانی که از نظر تعداد به حالت کثرت قابل توجه در آید که در سرزمین مطلوب مهاجرین ، مقررات بازدارنده و سختگیری های حکومتی و اجتماعی مضاعف وضع شده و چرخه مهاجرت، اسکان، اقامت در حالت فشار و سختی نگرانی آور قرار گیرد.»

در چنین مواقعی گروههای سازمان یافته فعال در امر قاچاق انسان، که مرتكب از افراد کشورهای مبدأ و مقصد و بین آنها بوده است و امکانات و تسهیلات قابل توجهی در دو سوی خطوط مرزی تا اعماق غیرقابل تخمین در کشور را در اختیار دارند، افراد متقاضی مهاجرت را با روش های مختلف پنهان به مقاصد مطلوب آنها رسانده و دستمزد کلانی دریافت می کنند. این گروهها به واسطه هزینه هایی که برای حذف انواع موانع قانونی پنهان و آشکار و برای برخی از هزینه های غیرقانونی دارای ظاهر و جلوه قانونی در قالب حذف و نفی رفتارهای آزاردهنده

عناصر دستگاه ها و سازمان های دولتی که مطلقاً قصد اعمال قانون و اجرای مقررات را نداشته، بلکه با استفاده سودآور و ابزارها و هویت قانونی الزام آور و اطاعت آور خود و تظاهر شدیداً سختگیرانه قانونی، سعی در بازدارنده جلوه دادن و موثر قلمداد کردن خود به منظور واقعی کسب درآمد غیرقانونی و اخذ رشوه دارند. برای انتقال افراد در مسیرهای پرخطر بین دو کشور و برای گذر از خطوط مرزی و تردد در کشوری که حضور و تردد افراد در حال انتقاد در آن، منع قانونی دارد، دستمزدهای بالایی را تقاضا می کنند و موسوم است که نیمی از مبلغ مورد توافق را قبل از انتقال و با سپردن تعهد کتبی و یا اخلاقی و با طرح وعده وجود انباشته پولی در سرزمین موعود، پرداخت پول را به رسیدن و استقرار در نقطه جغرافیایی مورد نظر خود اجازه می کنند. در چنین بستری از اقدامات سازمان یافته مجرمانه درآمدزا، اگر افراد انتقال یافته از تحقق کامل وعده قطعی در امر پرداخت مبلغ هزینه انتقال، تغذیه، تردد و اسکان موقت (بین راهی) خود تخلف نمایند. توسط گروه قاچاقچی به اسارت در آمده و از آزادی شان جلوگیری خواهد شد. «گروه های قاچاقچی انسان معمولاً دارای مکان های از قبیل تمهید شده ای برای نگهداشت پنهان افراد مختلف از توافق بوده و با نگهداری پنهان همراه با آزار و اذیت فرد و برقراری تماس تلفنی و انجام مذاکره با بستگان دو سوی مرز فرد در اسارت و با اضافه نمودن هزینه های مضاعف نگهداری بعد از مرحله رسیدن به مقصد، مبادرت به مطالبه دستمزد خود و خسارت های بعدی آن می نمایند.»<sup>1</sup>

قربانیان این گونه جرائم و بستگان آنها به علت این که حضور قربانی در سرزمین مهاجرت و محل وقوع جرم ثانوی (گروگان گیری) کاملاً غیرقانونی و موجبات بازخواست، محاکمه، مواخذه، مجازات و در حداقل شکل آن (طرد و دعوت) است، هرگز نمی توانند و در عین حال تمایل هم ندارند که در قالب قربانی جرم به دادخواهی، طرح شکایت و احقاق حق خود بپردازند و در نتیجه این چرخه پنهان شبه مافیایی همچنان در حیات پنهانی خودتداوم یافته و تا وصول اصل مطالعه و اضافه بعد از اسارت شامل دستمزد اولیه، ادامه داشته و در اکثر موارد منتهی به تسویه حساب به نفع گروه قاچاقچی خواهد شد. در موارد نادری نیز قربانیان بر اثر شکنجه و اذیت و آزار، کهولت سن، بیماری های وخیم مستلزم مداخله پزشک که به علت پنهانی و غیرقانونی بودن روند انتقال و حضور قربانی امکان مداوا توسط پزشک عملاً وجود ندارد. فقر، تغذیه نامطلوب و ناکافی و شرایط بد نگهداری دیده شده است.

قاچاق انسان در صورتی که به حالت خصومت ناشی از گروگان گیری قربانی همراه با دریافت دستمزد کلان و اضافه های بعدی آن و یا به مرگ قربانی منتهی می شود، قطعاً دارای تبعات مجرمانه بعدی نیز خواهد بود. در این گونه مواقع دیده شده، قربانی یا بستگان وی برای

<sup>1</sup> - احمدی، عبدا...، جرم قاچاق، نشر میزان، چاپ دوم، 1382، ص 54

انتقام جویی از گروه قاچاقچی انسان، مرتکب سلسله جرائم انتقامی علیه اعضاء گروه قاچاقچی شده و در نتیجه یک امر ثانوی، دور و تسلسلی از جرم علیه یکدیگر برقرار نموده و تداوم خواهد یافت. جرائم انتقامی در هر سرزمین انجام شده و افراد منتقم در هر نقطه ای از جغرافیای خودی و بیگانه که اقتضا نماید و مهلت و امکان ارتکاب جرم علیه طرف مقابل را بدست آورند، جرائم تلافی جویانه خود را به مرحله اجرا می گذارند که به گسترش انواع ناامنی شدید از نوع جرائم نگران کننده علیه جان، از نوع پنهان و فاقد احتمال کشف منجر خواهد شد.

## بخش دوم : بررسی جرم گروگان گیری در فقه جزایی اسلام و اسناد بین المللی

از آنجا که جرم گروگان گیری برگرفته از جرائم آدم ربایی، حبس و توقیف غیرقانونی بوده و در دهه های اخیر توسعه پیدا نموده است. از همین رو جرم آدم ربایی به واسطه این که از جهت تاریخی سابقه طولانی تری از جرم گروگان گیری دارد و از زمانهای گذشته به طور مکرر مورد بحث قرار می گرفته است. چه در نظرات فقها بر مبنای اصول و قواعد و منابع دین مبین اسلام و چه در اسناد و کنوانسیون های بین المللی، با توجه به مبتلا بودن کشورها به این جرم خطرناک و فرار متهم از کشور یا گروگان گیری های مرتبط با دو یا چند کشور و همچنین موضوع ارتکاب گروگان گیری و آدم ربایی توسط گروههای سازمان یافته و حتی فراملی، این موضوع دارای سوابق مقابله و عکس العمل قابل توجهی در فقه اسلام و اسناد بین المللی است. باین وجود جرم گروگان گیری با توجه به ماهیت نو و جدیدتر بودن آن و اینکه رشد و توسعه این عمل مجرمانه در دهه های اخیر افزایش یافته و باعث نگرانی شدید دولت ها و کشورهای مختلف نسبت بدان شده است، در این بخش سعی می شود تا به بررسی جرم گروگان گیری در فقه جزایی اسلام و اسناد بین المللی پرداخته شود.

## فصل اول : بررسی جرم گروگان گیری در فقه جزایی اسلام

همانطور که گفته شد با توجه به جدید بودن جرم گروگان گیری به عنوان یک مبحث مستقل و درگیر شدن حکومتها و جوامع با آن در دهه های اخیر، به ندرت بتوان راجع به موضوع خاص گروگان گیری به طور دقیق در فقه اسلام و نظرات فقهای این دین مقدس، مطلب مستقیمی یافت. با این وجود از آنجا که در فقه، بحث ربودن انسان کاملاً مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. لذا جرم گروگان گیری را از این منظر (ربودن انسان) در مباحث فقهی به تحقیق خواهیم پرداخت.

### مبحث اول : تشخیص جرم گروگان گیری در عناوین مجرمانه فقهی

مسلم است که فقه اسلام با استفاده از منابع مسلم خود از جمله قرآن و سنت و عقل و ... و بکارگیری قواعد و اصول کلی، نسبت به افرادی که باعث سلب آزادی انسان می شوند، عکس العمل نشان داده و در سرزنش کردن آنان تردید به خود راه نداده است با توجه به این که سابقه عمل آدم ربایی و در واقع ربودن یک انسان دارای سابقه بیشتری بوده و در جامعه اسلامی مورد ابتلاء بیشتری قرار گرفته تا بحث گروگان گیری و راجع به این که شخصی، دیگران را به خاطر رسیدن به اهدافی خاص در جایی محبوس کرده و جان آنها را وثیقه و گرو تحقق خواسته خود قرار دهد. با این وجود از آنجا که محبوس کردن افراد یا ربودن آنها از مصادیق نواحی و اعمال ناپسندی است که در فقه اسلام مستلزم نکوهش و سرزنش است. از این رو می توان جایگاه جرم گروگان گیری و ربودن افراد را در فقه جزایی اسلام تحت دو عنوان «سرقت» و «محرابه و افساد فی الارض» مورد بررسی قرار داد.

#### الف) سرقت انسان :

عنوانی که در کتاب های فقهی برای ربودن قهری انسان به صورت گسترده به کار می رود، عنوان «غصب» است. با این وجود از نظر فقه جزایی در باب سرقت، تقریباً تمامی فقهای شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که شرط تحقق سرقت آن است که موضوع سرقت مال باشد. بنابراین سرقت انسان امکان ندارد و در نتیجه نمی توان مجازات سرقت را در مورد آن اجرا کرد و از این جهت تفاوتی نمی کند که مجنی علیه کودک باشد یا بالغ باشد. اما اگر عبد بالغ باشد، در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد. همچنین در مورد دیوانه، اختلاف نظر است. بنا بر نظری، اگر عبد نابالغ یا مجنون را بدزدد، دستش قطع می شود. زیرا عبد نابالغ و مجنون مال



محسوب می شوند و امکان سرقت آنها وجود دارد. اما اگر کبیر و عاقل باشند، دست رباینده قطع نمی شود زیرا سرقت امکان ندارد و اگر کسی با زور ایشان را برباید سرقت محسوب نمی شود بلکه غصب است مگر اینکه مجنی علیه خواب باشد که در این صورت دست سارق قطع می گردد زیرا سرقت چنین شخصی امکان دارد.<sup>1</sup>

در نظریه فوق و نظریه های دیگر ملاحظه می کنیم که ملاک اجرای حد سرقت امکان و عدم امکان تحقق عنوان سرقت است و این در مواردی صدق می کند که آنچه که ربوده می شود، مال باشد. بنابراین نباید میان صورتهای مختلف تفاوت گذاشت. زیرا انسان چه خواب باشد و چه بیدار، چه کودک باشد و چه بالغ، نام انسان بر او صدق می کند و این تفکیک قابل انتقاد است. اما در مورد شخص دیوانه شاید بتوان تأمل کرد، زیرا هدف ممنوعیت جرم آدم ربایی، تضمین آزادی تن می باشد و شخص دیوانه از این نظر مانند شخص محترم عاقل، مورد حمایت قانون نیست. بنابراین ربودن شخص دیوانه نباید مجازات ربودن شخص عاقل را داشته باشد. توجیهی که برای رد این ادعا می توان مطرح کرد آن است که آزادی تن، اختصاص به جسم انسان دارد و جسم انسان عاقل و غیرعاقل هم تفاوتی با هم ندارند و به صورت یکسان در حمایت قانون می باشند و فقدان قوه ناطقه، تأثیری در این خصوص ندارد.

سپس در پاسخ به این سوال که آیا آدم ربایی از جهت فقه جزایی اسلام جرم سرقت تلقی می شود؟ و به فرض این که سرقت باشد، آیا موجب قطع ید است یا این که تعبیر سرقت بر ربودن انسان، استعمال مجازی است؟ در این مورد شیخ طوسی در کتاب المبسوط فرموده است: «آدم ربایی مطلقاً قطع ید دارد.»<sup>2</sup> و آن را مصداق سرقت گرفته و در این خصوص به قرآن کریم، آیه شریفه سرقت استناد کرده است. ایشان در کتاب «النهایه» هم بر این نظرند ولی در «النهایه» قطع ید را از باب فساد گرفته اند و نه به دلیل سرقت. به این صورت که گفته اند: «من سرق حراً فباعه وجب علیه القطع لانه من المفسدین فی الارض».<sup>3</sup>

ایشان در کتاب «التهدیب» نیز معتقد است که حد قطع در آدم ربایی از جهت سرقت نیست، زیرا در سرقت، نصاب و حرز و امور دیگری لازم است. «بلکه این حد از جهت آن است

<sup>1</sup> - ابن قدامه، الکافی فی الفقه، کتاب الحدود، چاپخانه علمیه، تهران، 1369، ص 38

<sup>2</sup> - طوسی، ابوجعفر محمد، المبسوط فی الفقه الامامیه، چاپ مرتضوی، جلد 8، ص 31

<sup>3</sup> - طوسی، ابوجعفر محمد، النهایه، جلد دوم، چاپ مکتبه نینوی، تهران، 1369، چاپ اول، ص 43

که آدم ربایی که مرتکب فروش انسان می شود «مفسد فی الارض»<sup>1</sup> ولی ایشان در کتاب «الخلاف» برخلاف آنچه که در آن کتب گفته شده، فرموده است: «لاقطع علیه» یعنی هر گاه شخصی، کودکی را برباید، دست او را قطع نمی کنند» و این مطلب را اصحاب ما نیز روایت کرده اند. (قاتل مالک علیه القتل و قد روی ذلک اصحابنا)<sup>2</sup> و در ادامه دلیل آن را اجماع علمای شیعه و روایات آنان دانسته اند مبنی بر اینکه حد قطع ید واجب نمی شود.<sup>3</sup> مگر اینکه مال دزدیده شده ربع دینار یا بیشتر باشد و شخص حر در هر حال قیمت ندارد و نیز سخن پیامبر اکرم<sup>4</sup> که فرموده اند: «قطع کردن دست دزد در سرقت ربع دینار می باشد» دلالت بر مطلب ما می کند زیرا مقصود ایشان از ربع دینار چیزی بوده است که قیمتش ربع دینار باشد و شخص حر قیمت ندارد.

شهیدین (شهید اول و ثانی) در کتاب لمعه، حد قطع در آدم ربایی را از جهت سرقت ندانسته اند بلکه گفته اند که از باب «افساد» است یعنی از جهت این که چنین سارقی مفسد فی الارض است و جزای مفسد قطع است. نه این که قطع دست، حد باشد و به سبب سرقت باشد. (لايقطع سارق الحرّ و ان كان صغيراً فان باع، قطع لفساده فی الارض لاحداً و يقطع للسارق المملوك الصغير). منتها شهید ثانی در «شرح لمعه» اشکال می کند که اگر چنین فردی مفسد باشد لازم می آید که مجازاتهای چهارگانه در مورد او اعمال شود و حاکم مخیر باشد بین قتل او و قطع دست و پای او از خلاف. (الی غیرذلک من احکام المفسد) نه این که فقط قطع، متعین باشد. وی پس از طرح این اشکال می گوید: «اثبات حکم به این گونه موارد مطلوب نیست لذا شهید اول آن را با لفظ «قیل» مطرح کرده است.»<sup>5</sup>

محقق حلی نیز در کتاب «مختصر النافع» می گوید: «دست چنین شخصی برای افساد، قطع می شود نه از باب اجرا حد»<sup>6</sup> و مرحوم احمد خوانساری در شرح عبارت ایشان می گوید: «دلیل آن روایت سکونی از امام صادق (ع) است که فرمود: ان امیرالمومنین برجل قد باع حراً

<sup>1</sup> - طوسی، ابوجعفر محمد، تهذیب الاحکام، جلد اول، چاپ مرتضوی، تهران، چاپ اول، 1371، ص 23

<sup>2</sup> - حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، جلد 18، باب 20، از ابواب سرقت، حدیث 2، داراحیاء التراث العربی بیروت، بی تاریخ، ص 2

<sup>3</sup> - مرحوم شیخ طوسی در کتاب «النهایه» چنانچه گفته شد و فاضل مقداد در «تنقیح»، فتوی به بریدن دست کسی که حر را بفروشد، داده است و این فتوی را به مشهور نسبت داده اند.

<sup>4</sup> - طوسی، ابوجعفر محمد، الخلاف، جلد سوم، مساله 19 از کتاب سرقت، انتشارات مکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ص 198

<sup>5</sup> - شهید ثانی، شرح لمعه، جلد دوم، ص 251

<sup>6</sup> - محقق حلی، مختصر النافع، ص 325

فقطعه یده»<sup>1</sup> یعنی مردی را نزد امیرالمومنین آوردند که انسان حر و آزادی را فروخته بود. حضرت دستش را قطع کرد و نیز در روایت نسان بن ظریف از امام صادق است که فرمود «فیها اربعه حدود اما اولها فسارق تقطع یده و اما ما ذکر من ان القطع لیس حدّاً بل للفساد»<sup>2</sup>

شیخ در کتاب «مختلف» باب حدود، آدم ربایی را از باب افساد، قابل مجازات قطع می داند و «علامه» در «قواعد» در شرایط مسروق می گوید: «ان یکون مالاً فلا یقطع سارق الحر الصغیر حدّاً اذا باعه بل لفساد» یعنی از شرایط مسروق آن است که مال باشد. پس دست سارق که حر صغیری را سرقت کرده و فروخته است، به خاطر سرقت قطع نمی شود، بلکه به خاطر فساد قطع می شود.<sup>3</sup> ابوصلاح حلبی نیز می گوید: من باع حره زوجه او اجنبیه قطع لفساد فی الارض»<sup>4</sup>

بنابراین مشاهده می شود در بحث سرقت حر و فروش او، عنوان «مفسد فی الارض» در کلمات فقها صراحتاً ذکر شده است و شهید ثانی هم که آدم ربایی را از باب افساد نمی داند، هیچ گونه اشاره ای به نفی خود بر عنوان «افساد فی الارض» ندارد و از استدلالی که بیان کرده است نیز استنباط می شود که «شهیدین» عنوان مفسد را پذیرفته اند ولی در مصداق آن اختلاف دارند.<sup>5</sup> «صاحب جواهر» در رد این نظر که مجازات مفسد همان مجازات محاربه است. می گوید «این اشکال، اجتهاد در مقابل نص است. اگر از باب افساد باشد چون آدم ربایی محاربه و افساد خاصی است که با توجه به دلیل خاص حکمش فقط قطع است»<sup>6</sup>.

از فقهای معاصر «امام خمینی» در کتاب «تحریر الوسیله» می فرماید: «احوط عدم قطع است و حاکم شرع چنین کسی را طبق مصلحتی که می بیند، تعزیر می کند.» ایشان طی مساله 13 از شرایط مسروق چنین فرموده است: «لوسرق حرّاً کبیراً او صغیراً، ذکراً او انثی لم

<sup>1</sup> - حر عاملی، وسایل الشیعه، جلد 18، باب 20، حدیث 2، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تاریخ، ص 514

<sup>2</sup> - خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، جلد 7، باب سرقت، ص 145

<sup>3</sup> - ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، جلد 4، ص 520 به نقل از حبیب زاده، محمدجعفر، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، 1374، ص 50

<sup>4</sup> - حلبی، ابوصلاح، الکافی فی الفقه، دار التراث العربی، بیروت، بی تاریخ، ص 42

<sup>5</sup> - فیض کاشانی نیز در کتاب مفاتیح الشرایع، جزء ثانی، ص 93، بدون اظهار نظر هر دو بیان کرده است که نشاندهنده آن است که منکر عنوان «مفسد فی الارض» نیست، ایرادی که ایشان و شهید ثانی گرفته اند که مجازات مفسد همان مجازاتهای چهارگانه است، صرف نظر از صحت و سقم آن تأثیری در اصل موضوع ندارد، به نقل از حبیب زاده، محمدجعفر، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض،

<sup>6</sup> - نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، جلد 41، المکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، 1367، ص 510

يقطع حداً ، فهل يقطع دفعاً الأفساد؟ قيل: نعم و به روايه، ولا احوطه ترك القطع و تعزير، بمائره الحاكم.»<sup>1</sup>

يعنى اگر كسى انسان حر را بدزدد، چه كبير باشد و چه صغير، چه زن باشد و چه مرد، به عنوان سرقت، دستش قطع نمى شود. حال آيا به عنوان فساد قطع مى شود يا نه؟ بعضى گفته اند قطع مى شود و روايتى هم طبق اين فتوى وجود دارد، ليكن نزديك تر به احتياط ترك قطع دست است و حاكم هر طور كه مصلحت بداند او را تعزير مى كند.

البته قول امام خمينى (ره) كه در مسأله ياد شده قائل به تعزير شده و منكر مفسد بودن آدم ربا شده است. نافى عنوان «افساد فى الارض» نمى باشد. چنانكه حجه الاسلام فاضل لنكرانى در كتاب «تفصيل الشرايع فى شرح تحرير الوسيله» در شرح نظر امام خمينى مى گويد: «قطع مذكور مستند به سرقت نيست بلكه ظاهر اين است كه دليل آن، همان فساد و مفسده است.»<sup>2</sup>

در جرم گروگان گيرى نيز از آنجا كه فرد خاطى اقدام به ربودن كسى نمى كند. سپس ممكن است از باب فقهى سرقت خارج شود. چون لازمه ارتكاب جرم سرقت ربودن است و اين در حالى است كه شخص گروگان گير، قربانيان خود را در همان مكاني كه هستند محبوس كرده و آزادى تن آنان را سلب كرده و اجازه خروج به آنان نمى دهد. با اين توصيف و امكان خروج موضوعى گروگان گيرى از مبحث سرقت به بررسى اين جرم (گروگان گيرى) در باب محاربه و افساد فى الارض از منظر فقه جزايى اسلام پرداخته و روشن خواهيم ساخت كه در مباحث فقه جزايى اسلام جرم محاربه و افساد فى الارض (كشيدن سلاح براى رعب و وحشت مردم) با جرم گروگان گيرى بيشترين تشابه و نزديكى را دارد و در بسيارى از موارد مى توان اقدام كسى را كه به جهت ايجاد رعب و وحشت در ميان مردم و رسيدن به مقاصد خاص دست به اسلحه برده و فرد يا عده اى را به گروگان مى گيرد،، كاملاً مصداقى از جرم محاربه و افساد فى الارض باشد.

<sup>1</sup> - موسوى خمينى، روح الامم، تحرير الوسيله، جلد 2، ترجمه على الاسلامى، انتشارات وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ اول، 1368، ص 439

<sup>2</sup> - فاضل لنكرانى، محمد، تفصيل الشرايعه فى شرح تحرير الوسيله، كتاب الحدود، چاپخانه علميه، ص 501

## ب) محاربه و افساد فی الارض :

محاربه از ریشه «حرب» گرفته شده است که متضاد کلمه «سلم» به معنی صلح می‌باشد. «محاربه در اصل به معنی سلب و گرفتن است و از این جهت در مورد کسی که برای جنگیدن با دیگران یا ترسانیدن آنها سلاح می‌کشد، به کار می‌رود که وی قصد گرفتن جان و مال یا امنیت دیگران را دارد.»<sup>1</sup>

در حقوق اسلام جهت تحقق هر جرمی و قابل مجازات بودن آن لازم است که عنصر قانونی وجود داشته باشد. در جرائم مستلزم حد که ویژگی آن مخصوص بودن آنهاست، این قاطعیت به طور روشن وجود دارد. بر اساس روایات وارده در این زمینه و اجماع فقهای عظام، رکن قانونی جرم محاربه و افساد فی الارض، آیه 33 از سوره مائده است. «انما جزاء الذین یحاربون ا... و رسوله و یسعون فی الارض فساداً أن یقتلوا او یصلبوا او تقطع أیدیهم و ارجلهم من خلاف أو ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذابٌ عظیم.» یعنی «همانا کیفر کسانی که به محاربه با خدا و رسولش برخیزند در فساد روی زمین کوشند قتل یا به دار آویختن یا بریدن دستها و پاهایش به طور مخالف و یا تبعید آنهاست. این مایه خواری و رسوایی آنان در این جهان است و در آخرت نیز عذاب بزرگی خواهند داشت.»

«این آیه از مهمترین آیات مربوط به احکام جزایی قرآن و مهمترین آیه در خصوص جرائم علیه امنیت جامعه به شمار می‌رود و مباحث مفصلی در کتب فقهی و تفسیری و آیات الاحکام پیرامون آن صورت گرفته است.»<sup>2</sup>

شیخ طوسی، در النهایه در تعریف محارب چنین فرموده اند: «المحارب هو الذی یجرد السلاح ویكون من اهل الریبه فی مصر کان أو غیر مصر فی بلاد الشرك کان او فی بلاد الاسلام لیلاً کان او نهاراً...»<sup>3</sup> «یعنی محارب کسی است که سلاح می‌کشد و اهل فساد است، خواه در شهر باشد یا در غیر شهر، خواه در بلاد شرک باشد یا در دارالاسلام، چه در شب و چه در روز...» .

<sup>1</sup> - مرتضوی، سعید، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات مجد، چاپ اول، 1385، ص 43

<sup>2</sup> - شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد سوم، جرائم بر ضد مصالح عمومی کشور، انتشارات ژوبین، چاپ پنجم، 1385، ص 39

<sup>3</sup> - شیخ طوسی، المبسوط، چاپ مرتضوی، جلد 8، ص 47

همانطور که ملاحظه می شود شیخ طوسی اهل فساد و تجرید سلاح را از ارکان تعریف دانسته است. ایشان در مورد انگیزه محارب در کتاب «المبسوط» بیان کرده است: «قال جميع الفقهاء انّ المراد بها قطاع الطريق و هومن شهر السلاح و اخاف السبيل لقطع الطريق و الذی رواه اصحابنا انّ المراد بها کل من شهر السلاح و اخاف الناس فی البرّ كانوا اوبحر و او فی الصحرا ، و روا ان اللص ایضاً محارب و فی بعض روایتنا انّ المراد بها قطاع الطريق كما قال الفقهاء»<sup>1</sup> شیخ طوسی در این تعریف قول فقها را ذکر نمود، که غالباً محاربه را سلاح کشیدن برای قطع طریق و راهزنی و ناامنی راه ها دانسته اند که ظاهراً آن را نپذیرفته، بلکه مطابق روایات شهیر سلاح و اخافه مردم را موجب تحقق محاربه دانسته و سرقت را نیز مطابق روایات از مصادیق محاربه تلقی کرده و معتقد است، فقط پاره ای از روایات چنانچه فقها گفته اند، محاربه را قطع طریق دانسته اند.

محقق حلی در «شرایع»، تجرید سلاح را برای اخافه مردم، محاربه دانسته است و در مورد اینکه آیا لازم است محارب اهل ربه و فساد باشد، تردید کرده و قول اصح را عدم اشتراط دانسته بلکه فرموده با قصد اخافه و علم به آن، محاربه محقق است. ایشان توانایی بر اخافه را نیز دخیل نشمرده و در مورد کسی که سلاح بکشد ولی به علت ضعف، قدرت اخافه نداشته باشد، تردید کرده و شبه اقول را ثبوت عنوان محاربه در این خصوص دانسته است.<sup>2</sup>

در لمعه آمده است «و هی تجرید السلاح برأ اوبحرأ ، لیلاً او نهارأ، ل اخافه الناس فی مصر و غیره من ذکر او انثی، قوی او ضعیفاً...»<sup>3</sup> در روضه البهیه در شرح آن افزوده است «من اهل الریبه ام لا قصد ل اخافه او لا علی اصح الاقوال.» در این تعریف «شهید» تجرید سلاح و قصد اخافه را از ارکان محاربه دانسته اند و شهید ثانی اخافه را از آنان حذف کرده اند و ظاهراً صرف تجرید را با قصد اخافه یا بدون آن محاربه دانسته اند، اعم از آنکه با این عمل مرتکب اهل فساد و ربه باشد و یا نباشد. فیض کاشانی نیز در «مفاهیم الشرایع» تجرید سلاح و قصد اخافه را در تحقق محاربه کافی دانسته است و تحقق خوف یا عدم آن و توانایی بالقوه بر اخافه و نیز اهل فساد و اتهام بودن را شرط ندانسته اند.<sup>4</sup>

<sup>1</sup> - شیخ طوسی، المبسوط، چاپ مرتضوی، جلد 8، ص 47

<sup>2</sup> - محقق حلی، شرایع الاسلام، جلد 4، انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، 1371، ص 180

<sup>3</sup> - شهید ثانی، اللعه دمشقیه، جلد 9، دفتر انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، 1372، ص 290

<sup>4</sup> - رک. فیض کاشانی، مفاتیح الشرایع، جزء ثانی، مکتبه الاسلامیه، تهران، 1369، چاپ اول، ص 98

پس در رابطه با مطلق یا مقید بودن جرم محاربه در ایجاد رعب و هراس در مردم در متون فقهی دو تفسیر وجود دارد: 1- در جواهر الکلام آیت ا... نجفی و تحریر الوسیله امام خمینی آمده است که ترسیدن مردم به طور کامل شرط تحقق محاربه است یعنی اگر کسی نترسد، محاربه مصداق پیدا نمی کند. در واقع حتی حداقل یک نفر باید بترسد. 2- همین که مرتکب قصد اخافه داشته ولو اینکه کسی هم نترسد برای صدق عنوان محاربه، کافیست که به نظر می رسد نظر اول، نظر غالب باشد.

نکته قابل توجه این که آیه شریفه 33 سوره مائده لفظ محاربه و افساد را توأمأ استعمال نموده «انما جزاء اللذین یحارون ا... و رسوله و یسعون فی الارض فساداً» و جایز است که «فساداً» مفعول له برای فساد باشد.<sup>1</sup>

آیت ا... فاضل لنکرانی در پاسخ به این اشکال که چرا فقها متعرض تعریف «مفسد فی الارض» نشده اند، می گوید: «مفسد عنوان جرم خاصی نیست که لزومی به تعریف آن باشد و تمام جرائم موجب قتل، مصادیق افسادند به علاوه بحث از عنوان محاربه در حقیقت بحث از عنوان افساد است. زیرا اراده در مفهوم محارب اخذ شده است و بحث از احکام محاربه، بحث از احکام مفسد است.»<sup>2</sup> ولی به نظر می رسد که «انطباق تعریف محارب بر مفسد، تعریف اخص بر مفهوم اعم است و در واقع اخص از مدعاست و این موضوع از ترتب حکم قرآن و وجه ثبوت آن قابل اثبات است. به این بیان که محارب از حیث این که مفسد فی الارض است. موضوع حکم قرار گرفته است.»<sup>3</sup>

این موضوع نیز قابل ذکر است که عده ای برای افساد فی الارض عنوان و تعریفی مجزا از محاربه قائل شده و گفته اند: «افساد فی الارض عبارت است از هرگونه رفتار آگاهانه و عمدی هر کس یا کسانی برای بر هم زدن امنیت و سلامت نظام جامعه اسلامی به قصد براندازی و یا ضربه زدن به آن و یا علم به موثر بودن این رفتار در مقابله با آن.»<sup>4</sup>

«با این اوصاف در مورد محاربه باید گفت که محاربه بر طبق آنچه که از دقت در متن آیه 33 سوره مائده بدست می آید اقدام به ایجاد ناامنی در جامعه اسلامی و مبارزه علیه

1- رک. جوامع الجامع، جلد اول، ص 326

2- فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، کتاب الحدود، چاپخانه علمیه، ص 501

3- الهام، غلامحسین، بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و قوانین موضوعه، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره 10، سال سوم، 1372، ص 79

4- نعنکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، انتشارات مرسل، چاپ اول، 1377، ص 60

حکومت اسلامی است. این اقدام به هر شکل و یا هر وسیله ای که انجام گیرد از محدوده این جرم خارج نبوده و کیفر محاربه بر آن جاری می شود. همچنین «افساد فی الارض» به معنای ایجاد فساد و تباهی گسترده در جامعه است و موارد «افساد فی الارض» در خارج همان موارد «محاربه با خدا و رسول» می باشد. به عبارت دیگر «در مفهوم محاربه با خدا و رسول» و «سعی در فساد در زمین» در مقام بیان یک واقعیت خارجی می باشند که با دو لفظ و دو عبارت بیان گردیده است. بنابراین در این زمینه یک عنوان جزایی وجود دارد و نه این که دو جرم با مجازات واحد وجود داشته باشد.<sup>1</sup>

پس چنین طرز تلقی از این جرم که «محاربه» متفاوت از جرم «افساد فی الارض» بوده و این که آیه 33 سوره مائده در مقام بیان دو عنوان جداگانه محاربه و افساد فی الارض می باشد، موجه نیست و از عبارت ارائه شده در تحریر الوسیله که تاکید شده «محارب هر آن کسی است که شمشیرش را برهنه کند یا آن را تجهیز نماید تا مردم را بترساند و می خواهد که در زمین افساد نماید.» چنین برداشت می شود که نفس محاربه به تنهایی مستلزم اعمال مجازات های چهارگانه نیست بلکه محاربه بر وجه فساد مستلزم این چنین مجازاتی می باشد. چرا که اکثر فقهای عظام برای تحقق محاربه علاوه بر قصد به کار بردن سلاح به منظور ترساندن مردم، قصد افساد در زمین را هم شرط دانسته اند.<sup>2</sup>

بنابراین منع حکم آیه 33 از سوره مائده در باب محاربه دو جزء دارد: محاربه و افساد فی الارض یعنی عنوان جرم محاربه بر وجه افساد داریم و نه محاربه به تنهایی و چنانچه هر یک از دو علامت محاربه و افساد فی الارض حاصل نشود، موضوع حکم آیه مذکور تحقق نیافته است. به عبارت دیگر محاربه و افساد، هر یک جزئی از یک سبب هستند و مجازاتهای چهارگانه مسبب می باشند. لذا مقوله آنها سبب و مسبب است. یک جزء سبب بدون جزء دیگر موجب مجازات نمی شود، تنها وقتی که محاربه و افساد با هم وجود پیدا کنند به دنبالش مجازات اعمال خواهد شد که مسبب است. بنابراین جرم محاربه عبارت از هر نوع فساد است که در

<sup>1</sup> - رازینی، علی، محاربه و افساد فی الارض در قرآن، حدیث و فقه اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، 1377، ص 328

<sup>2</sup> - برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد 3، جرائم برضد مصالح عمومی کشور، نشر ژوبین، چاپ 5، 1385، ص 44



زمین ایجاد شود. یعنی اخلال در امنیت عمومی جامعه با ایجاد ترس و هراس که عادتاً جز با بکارگیری سلاح و تهدید میسر نمی شود.

یکی از نکاتی که در تبیین معنی اصطلاحی «افساد» حائز اهمیت است. توجه به تعبیر «افساد فی الارض» می باشد. مسلماً افزودن قید «فی الارض» به دنبال «فساد» بایستی موجب تغییری در مفهوم کلمه گردد.

دکتر علیرضا فیض در این باره می گوید: «فساد در زمین قید دیگری است که در آیه وجود دارد. فساد در زمین با توجه به قید «زمین» جنبه عمومی جرم را می رساند. هر معصیت و جرمی فساد است. ولی فساد در زمین نیست. آنچه به عنوان مصادیق محارب نام برده می شود مانند ناامن کردن شهرها، راه ها و ایجاد اغتشاش در جامعه و سلب امنیت از مردم به وسیله قوه قاهره و سلاح همه مصادیق آشکار افساد فی الارض است.<sup>1</sup> بنابراین نظر افزودن قید «فی الارض» نشاندهنده گستردگی و وسعت فساد حاصل از عمل فرد است یعنی منظور از «افساد فی الارض» افسادی است که دامنه آن وسیع بوده و منطقه قابل توجهی از زمین را شامل می شود. در غیراینصورت هر چند افساد بر آن صدق کند ولی «افساد فی الارض» تلقی نمی شود. همانطور که قبلاً نیز گفتیم، با توجه به این که فرد گروگان گیر با هدف ایجاد رعب و وحشت در بین مردم و برای رسیدن به اهداف خاص از جمله بدست آوردن مال یا اهداف خرابکارانه و مقابله با حکومت و ... با کشیدن اسلحه بر مردم و افراد عادی البته در یک محیط بسته، آنها را به اسارت گرفته و آزادی آنها را سلب کرده و با ایجاد وحشت در بین گروگان ها و تهدید افراد یا مقامات خاص به برآوردن اهداف و خواسته های گروگان گیر و تهدید گروگان ها به مرگ و ایراد صدمه شدید بدنی و حتی قتل یک یا چند تن از گروگان ها برای نشان دادن جسارت و قاطعیت خود در تصمیم اتخاذی و جدی بودن تهدید انجام شده، می تواند کاملاً با مفهوم و معنی و «تجرید السلاح لاخافه الناس» صدق کرده و گروگان گیری مصداقی از جرم محاربه و افساد فی الارض قرار گیرد. همانطور که گفتیم هر چند اقدام به گروگان گیری و در واقع محبوس کردن قربانی یا قربانیان در یک محل خاص برای رسیدن به اهداف مانند کسب مال، تحت فشار قرار دادن مقامات دولتی برای انجام یا عدم انجام عملی و یا حتی در مواردی مبارزه علیه حکومت در زمان های دورتر، کمتر مصداق پیدا کرده است.

<sup>1</sup> - فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، جلد دوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1382، ص 99

به همین دلیل این نوع اقدامات و احکام شرعی و فقهی در رابطه با مقابله با آن و مجازات مرتکبین گروگان گیری مورد بحث مستقیم فقها قرار نگرفته است و در کتب فقهی به صراحت صحبتی از آن نشد. ولی همانطور که گفته شد با استفاده از قواعد کلی و احکام پذیرفته شده فقه اسلام و ورود موضوع گروگان گیری در مبحث جرم محاربه و افساد فی الارض و انطباق مصادیق این عمل با این جرم که مجازات آن از نوع حد تعیین شده است، می توان مرتکب گروگان گیری را با کامل شدن شرایط جرم محاربه و افساد فی الارض به عنوان محارب به مجازات حد تعیین شده ، محکوم کرد که مجازات آن بر طبق آیه 33 سوره مبارکه مائده عبارت است از : 1- قتل 2- آویختن به دار 3- بریدن دست و پا 4- نفی بلد .

لفظ «أو» در آیه فوق الذکر در میان مجازات ها این تردید را می رساند و می فهماند که نباید همه و یا دو تا از این مجازات ها در آن واحد به مورد اجرا گذاشته شود. تردید گاهی برای افاده ترتیب به کار رفته و به نحوی که آن چهار مجازات ترتیبی دارد که یکی قبل از دیگری است. گاهی برای افاده تغییر است و می رساند که انتخاب هر یک به اختیار و تشخیص حاکم شرع است.

در کیفر محارب و افساد فی الارض قول مشهور و قوی تر این است که قاضی در انتخاب هر یک از چهار مجازات ذکر شده، مخیر است و می تواند با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی و خصوصیات فردی مجرم، هر یک از آنها را که در تهذیب فرد و اجتماع موثر ببیند، مورد حکم قرار دهد. از قائلین به این قول می توان به نظر علامه حلی<sup>1</sup> ، شهید اول<sup>2</sup> ، شهید ثانی<sup>3</sup> ، صاحب جواهر<sup>4</sup> و نظر حضرت امام خمینی (ره) که بیان نمود: «حاکم در این حد، بنا به اقوی بین قتل و به دار آویختن و قطع به طور مخالف و نفی بلد مخیر است و بعید نیست که برای حاکم بهتر باشد که جنایت را ملاحظه کند و آنچه که مناسب آن است، اختیار نماید. پس اگر کشته است حاکم، قتل یا صلب را اختیار کند و اگر مال برداشته است، قطع را انتخاب کند و اگر شمشیر کشیده و فقط ترسانده است. نفی بلد اختیار کند و تحقیقاً کلمات فقها و روایات مضطرب است و بهتر همان است که ما ذکر کردیم.<sup>5</sup>

<sup>1</sup> - محقق حلی، مختلف الشیعه، جلد 3، مکتبه نینوا، ص 779

<sup>2</sup> - شهید اول، لمعه دمشقیه، ص 263

<sup>3</sup> - شهید ثانی، روضه البهیة، جلد 9، ص 295

<sup>4</sup> - نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، جلد 41، ص 573

<sup>5</sup> - موسوی الخمینی، روح الامم، تحریر الوسیله، جلد 4، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1368، ص 241

## ج) تعزیرات :

با بررسی انطباق جرم گروگان گیری در موضوع محاربه و افساد فی الارض به عنوان جرمی حدی، اینک وارد بحث تعزیرات شده و این موضوع را تشریح می نمایم که اگر عمل گروگان گیر در به اسارت گرفتن عده ای و اسلحه کشیدن بر آنها و ایجاد خوف و وحشت در آنها و گرو قرار دادن جان این انسانها برای رسیدن به اهداف خاص اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... مشمول شرایط جرم حدی محاربه و افساد فی الارض نباشد مسلماً مشمول قواعد کلی تعزیرات شرعی خواهد بود. با این توضیح که احکام جزایی اسلام همانطور که می دانیم یا به صورت تعیین شده هستند یا مثل قصاص و دیات و ... یا نسبت به اعمال نادرست و مجرمانه، مجازات خاصی تعیین نشده است. که در این موارد حاکم شرع با تشخیص این که عمل مرتکب بر ضرر فرد یا جامعه است (و یا حتی در مواردی بدون در نظر گرفتن این ملاک و رعایت مصلحت) اقدام به مجازات خاطی می کند. به این گونه مجازاتها «تعزیرات» اطلاق می شود. در تعزیرات نوع و میزان مجازات در اختیار حاکم شرع بوده و وی بر اساس مصلحت، حکم صادر می کند.

در مورد افرادی که بدون ربودن افراد آنها را با استفاده از زور و توسل به اسلحه در مکانی محبوس کرده و اجازه رفت و آمد را از آنها سلب کرده و از نظر روانی آنها را تحت اعمال خشونت قرار داده و جان و تمامیت جسمانی آنها را وثیقه رسیدن به خواسته های خود می کند و از این طریق از مقامات محلی یا دولتی و یا بستگان گروگان ها مطالبه مال یا انجام عمل یا عدم انجام عملی را می کند و البته اگر در این موقعیت مرتکب جرم یا قتل یک یا چند تن از گروگانان نشود، به عنوان این که از منظر قواعد شرعی اسلام مرتکب عملی شده است که تجاوز به حقوق دیگران محسوب شده، آنان را مورد آزار جسمی و روحی قرار داده و محبوس نموده است و یا حتی از این طرق مالی را بدست آورده یا دیگران را برخلاف میلشان مجبور به انجام یا عدم انجام کاری کرده است، مسلماً مستوجب عقوبت و سرزنش بوده و با توجه به این که در نصوص شرعی مجازات خاصی برای این عمل (گروگان گیری) تعیین نشده است، حاکم شرع می تواند با استفاده از قاعده «التعزیر بما یراه الحاکم» مرتکب یا مرتکبین را به تشخیص خود و رعایت مصلحت بر نوع و میزان مجازات خاصی محکوم کند تا این مجازات نیز مانع از تکرار تجاوز توسط دیگران نسبت به افراد جامعه گردد. اما راجع به در نظر گرفتن جرم آدم ربایی

بعنوان افساد فی الارض نیز باید گفت بسیاری از فقها شمول عنوان سرقت را در مورد آدم ربایی ممکن نمی دانند اما با استناد به روایات شرعی<sup>1</sup> مجازات سرقت را برای این جرم هم برقرار کرده اند و در توجیه آن به نظریه افساد فی الارض، استناد می جویند. عنوان «افساد فی الارض» یک عنوان عامی است که اطلاق آن شامل هر فساد، گناه و جرمی می شود. اما توجه به این که برخی از این گناهان عنوان مجرمانه خاصی دارند باید آن را متصرف به گناهانی دانست که عنوان خاص دارند و آدم ربایی هم یکی از آنهاست.

اما در مورد اینکه مجازات افساد فی الارض همان مجازات محاربه است یا مجازات دیگری دارد، اختلاف نظر وجود دارد.<sup>2</sup> حق آن است که نمی توان هر عمل ناشایست و گناهی را که عنوان خاص مجرمانه ای ندارد، تحت عنوان «افساد فی الارض» قرار داد و برای آن مجازات محاربه و افساد فی الارض را برقرار ساخت و نیازی هم به این کار نیست. زیرا فقها به صورت خاص مصادیق افساد فی الارض را مشخص کرده اند و عنوان آدم ربایی یکی از همین مصادیق است. شیخ طوسی در این خصوص می فرماید: «هر کس انسان آزادی را بر باید و بفروشد، باید دستش قطع شود زیرا چنین شخصی مفسد فی الارض است.»<sup>3</sup>

محقق حلی میان حالت فروش شخص ربوده شده و عدم آن فرق می گذارد و صرف بودن را فقط مستوجب تعزیر می داند. «شرط موضوع سرقت آن است که مال باشد. بنابراین اگر کسی، انسان صغیر آزاد را بر باید و بفروشد، دستش از باب حد سرقت قطع نمی شود، بلکه از باب افساد فی الارض قطع می شود و اگر مجنی علیه را نفروشد، فقط تادیب و تعزیر می شود و اگر اموالی با او باشد که به حد نصاب برسد، دست سارق قطع نمی شود زیرا در تصرف مجنی علیه می باشد. اگر مجنی علیه شخص بالغی باشد که بر سر مال خود خوابیده است و به همراه مالش ربوده شود، دست سارق قطع می شود و شخص مست و بی هوش و دیوانه نیز همین حکم را دارد.»<sup>4</sup>

همچنین بیشتر فقها، مجازات آدم ربایی را در این جا مانند سرقت دانسته و حکم به قطع دست کرده اند و حتی صاحب جواهر، هر مجازات دیگری را اجتهاد در مقابل نص

<sup>1</sup> - حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ص 65

<sup>2</sup> - مرعشی، محمدحسن، «افساد فی الارض»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره 2، ص 4

<sup>3</sup> - شیخ طوسی، النهایه، ینابیع الفهییه، جلد حدود، ص 101

<sup>4</sup> - محقق حلی، شرایع الاسلام، جلد 4، انتشارات استقلال، 1371، چاپ اول، ص 180

می‌داند.<sup>1</sup> اما توجیهی که برای آن شده است (مبنی بر این که قطع دست سارق به خاطر محافظت از اموال مردم است و محافظت از جسم انسان به طریق اولی مستوجب قطع است) توجیه محکمی نیست. زیرا نمی‌توان این دو را با یکدیگر مقایسه نمود و به همین دلیل شهید ثانی، حکم به قطع دست آدم ربا را تقبیح نموده و قائل شده است، اگر هم آدم ربایی را افساد فی الارض بدانیم، لازم است همان مجازات افساد فی الارض و محاربه را که در قرآن بیان شده است، مورد حکم قرار دهیم. ایشان می‌فرماید «حکم به قطع دست آدم ربا مشکل است زیرا آدم ربا اگر مفسد باشد، لازم است که حاکم مخیر باشد میان کشتن و قطع دست و پا و اجرای بقیه احکام افساد فی الارض، نه اینکه تنها مجازات قطع دست را اجرا کند.»<sup>2</sup> همچنین توجیه در این زمینه مناسب نیست، زیرا گفته شده است که وجوب قطع دست آدم ربا اولی است. در حالی که حکم قطع دست فقط برای ربودن مال با شرایط خاصی است و نمی‌توان آن را در مورد ربودن انسان هم بیان کرد و فلسفه قطع دست سارق، تنها حراست از مال نمی‌باشد. اما در مورد این پرسش اساسی که آیا ربودن و فروختن انسان، افساد فی الارض محسوب می‌شود، بسیاری از فقهای گذشته در ضمن بحث در فروع مربوط به سرقت در رابطه با کسی که انسانی را دزدیده و او را به عنوان برده بفروشد، نظر به قطع ید داده و دلیل آن را مفسد بودن مرتکب دانسته اند.

در این قسمت نظر فقهای معاصر را در این زمینه مورد مطالعه قرار می‌دهیم تا ضمن روشن شدن کیفیت ارتباط بین مجازات قطع ید با جرم افساد، گامی در مسیر تبیین مفهوم افساد فی الارض برداشته شود. از بررسی مجموع کلمات فقها در این زمینه بدست می‌آید که در مورد این مساله چهار قول وجود دارد.

<sup>1</sup> - نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، مکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، 1367، ص 81

<sup>2</sup> - نجفی، محمدحسن، همان منبع، ص 82

## نظریه اول - آدم ربایی مجازات تعزیری دارد

حضرت امام خمینی (ره) می فرماید: «لو سرق حراً کبیراً او صغیراً ذکراً أو انثی لم یقطع حدّاً فهل یقطع دفعاً للفساد؟ قیل نعم و به روایه، و الاحوط ترک القطع و تعزیره بمایراه الحاکم» یعنی اگر کسی انسان آزادی را بر باید (کوچک باشد یا بزرگ، مرد باشد یا زن) به عنوان حد سرقت دستش بریده نمی شود. اما این که آیا به عنوان دفع فساد دستش بریده می شود یا خیر؟ برخی از فقها چنین نظر داده اند در این مورد روایتی هم وجود دارد. لکن احتیاط این است که در مورد چنین کسی مجازات قطع ید اجرا نشود بلکه حاکم بر طبق تشخیص خود او را تعزیر نماید.<sup>1</sup>

نظر آیت ا... محمدی گیلانی نیز همین نظر امام است. بیان ایشان چنین است: «و اما سارق حرّ یا حرّه کبیر یا صغیر، یقیناً به عنوان سرقت مال کیفر قطع ندارد... ولی برای دفع فساد آیا جایز است دستش را قطع کرد یا نه؟ سکونی از امیرالمومنین علی (ع) نقل می کند که «اتی بر جل قد باع حراً فقطع یده»<sup>2</sup> یعنی مردی را خدمتشان بردند که انسان حری را فروخته بود، دستش را قطع کرد. «روایت دیگری نیز در این باب وجود دارد که قریب الدلاله به روایت مذکور است. شیخ طوسی در «النهایه» طبق روایت مذکور فتوی داده و فاضل مقداد در «تنقیح» این فتوی را به مشهور نسبت داده است ولی امام خمینی (ره) در تحریر الوسيله می فرماید: احوط عدم قطع است و حاکم چنین کسی را طبق مصلحتی که می بیند، تعزیر می کند.»<sup>3</sup>

## نظریه دوم - مجازات آدم ربایی قطع ید به عنوان جرم مستقل است

مرحوم آیت ا... خویی در کتاب «تکمله المنهاج» فروش انسان آزاد را به عنوان مورد چهاردهم از جرائمی که دارای حد است در فصل مستقل مطرح کرده و در ذیل آن می فرماید: «من باع انساناً حراً صغیراً او کبیراً ذکراً کان اوانثی، قطع یده»، یعنی کسی که انسان آزادی اعم از کودک یا نابالغ، مرد یا زن را بفروشد، دستش قطع می شود. ایشان در «مبانی تکمله المنهاج» در ضمن استدلال برای مسأله فوق می فرمایند: این فتوای بسیاری از علماست و دلیل

<sup>1</sup> - موسوی خمینی، روح ا...، تحریر الوسيله، کتاب الحدود، حد سرقت، القول فی المسروق، مساله 13، جلد 2، ص 483

<sup>2</sup> - حر عاملی، وسایل الشیعه، کتاب الحدود و ابواب حد السرقة، باب 20، حدیث 2، جلد 18، ص 514

<sup>3</sup> - محمدی گیلانی، محمد، حقوق کیفری در اسلام، انتشارات حوزه علمیه قم، 1378، ص 210

آن روایت معتبر از سکونی است و دو روایت دیگر نیز موید آن می باشد.<sup>1</sup> ایشان متن احادیث را نقل کرده اند ولی در مورد اینکه قطع دست مرتکب به عنوان مجازات سرقت است یا به دلیل صدق عنوان افساد فی الارض، اشاره ای نمی کنند.<sup>2</sup>

آیت ا... فاضل لنکرانی نیز پس از طرح این مساله در ذیل عبارت تحریر الوسیله پس از انتقال روایات وارد، ابتدا در مورد اعتبار و عدم اعتبار روایات و ثبوت مساله قطع ید بحث نموده و نتیجه می گیرند که از روایات، لزوم اجرای مجازات قطع ید استفاده می شود. سپس در مرحله دوم راجع به علت اجرای این مجازات بحث نموده و این نظر را که چنین عملی از مصادیق سرقت باشد، رد می کنند و در پایان این بخش این احتمال را که این عمل جرم مستقلی باشد را مطرح و تقویت می کند. عبارت ایشان چنین است، «و یمکن ان یقال، بل لعله الظاهر، ان نفس عنوان بیع الحرّ یترتب علیه الحکم بقطع الید فی الشریعه فی ردیف السرتة من دون ان یکون من مصادق الفساد الذی رتب علیه فی الآیه الشریعه احکام اربعه علی الحقیق»<sup>3</sup> یعنی ممکن است چنین گفت، بلکه ظاهر ادله هم همین است که خود عنوان فروش انسان آزاد، همانند سرقت موضوع مجازات قطع ید است و نه این که این عمل از مصادیق افساد موضوع مجازات های چهارگانه مذکور در آیه می باشد.

### نظریه سوم - مجازات آدم ربایی قطع ید به عنوان سرقت است

آیت ا... موسوی اردبیلی در کتاب فقه خود پس از نقل عبارت «شرايع» مبنی بر عدم قطع ید فروشنده انسان آزاد به عنوان سرقت و احتمال قطع آن به عنوان فساد و نیز نقل نظر صاحب جواهر و برخی دیگر از فقها، می فرمایند: محل بحث موردی است که مقصود از ربودن، خود انسان باشد و نه ربودن فردی برای گرفتن اموال وی و در ادامه می گوید. در این زمینه چند مساله قابل بحث است.

1- آیا عرفاً بر این عمل سرقت صدق می کند 2- بر فرض صدق عرفی آیا شرایط اجرای حد سرقت در این مساله وجود دارد 3- بر فرض مثبت بودن پاسخ دو سوال قبل، آیا صدق

<sup>1</sup> - روایت سکونی همان روایت منقول در عبارت آیت ا... محمد گیلانی است و هر سه روایت در وسایل الشیعه، ابواب حد السرقة، باب 20، حدیث 1 و 2 و 3 نقل شده است.

<sup>2</sup> - آیت ا... خویی، مبانی تکمله المنهاج، جلد اول، ص 317

<sup>3</sup> - فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، چاپخانه علمیه، 1374، چاپ اول، ص 435

سرقت با وجود شرایط آن منوط به قیودی از قبیل صغیر بودن یا کبیر بودن یا ممیز بودن می‌باشد یا خیر 4- آیا دلایلی از قبیل اجماع یا حدیث معتبر مبنی بر ضرورت قطع ید ولو به عنوان دیگر، وجود دارد یا خیر؟ 5- آیا مجازات قطع ید بر سرقت انسان است یا فروش آن 6- بر فرض عدم صدق عنوان سرقت و عدم تمامیت ادله، آیا این عمل مصداق عنوان دیگری از قبیل افساد می‌باشد یا از جرائم معین نبوده و مشمول قاعده کلی تعزیر است؟

در مورد مسأله اول می‌فرماید: «شیخ در مبسوط به آیه سرقت استناد کرده است و از این جا معلوم می‌شود که ایشان آن را مصداق سرقت می‌دانند ولی صاحب جواهر این نظر را رد نموده است و حق این است که عرفاً، سرقت بر آدم دزدی صدق می‌کند. ادعای انصراف سرقت از این مورد هم قابل اعتنا نیست. در مورد مسأله دوم که آیا شرایط معتبر شرعی برای اجرای حد سرقت موجود است یا خیر؟ پس از نقل اشکال فقها در مورد لزوم رعایت نصاب، چنین پاسخ داده است که این شرط بر فرض مالی بودن مسروق است اما اگر مسروق غیرمالی داشته باشیم. بخصوص اگر مسروق چیزی باشد که ارزش آن فوق ارزش مالی است، دلیلی بر اعتبار نصاب در مورد آن نداریم، پس اجرای حد سرقت هم وجود دارد.

در بحث سوم اظهارنظر نموده اند که بر فرض صدق سرقت فرقی بین صغیر و کبیر و زن و مرد نیست. در بحث چهارم نیز اظهارنظر نموده اند که دلیل خاصی بر لزوم قطع ید داریم و سه حدیث در این مورد نقل کرده اند. پاسخ سوال پنجم هم باید با توجه به مطلب فوق روشن شود که موضوع مجازات سرقت، انسان حر است و فروش ممنوعیت دارد. اما مسأله ششم که آیا این عمل مصداق عنوان خاص دیگری هست یا خیر؟ این عمل مسلماً مصداق افساد نیست، زیرا مجازات افساد فی الارض قطع ید نمی‌باشد.<sup>1</sup>

بعضی از فقها این نظر را که قطع ید به عنوان فساد می‌باشد، رد کرده اند و کلام آنان قابل حمل بر نظر دوم یا سوم می‌باشد مثلاً مرحوم آیت ا... خوانساری در ذیل این عبارت مختصر النافع «ویقطع من سوق مملوکاً و لو کان حرّاً فباعه قطع لفساده لاحداً» می‌فرمایند: «و اما بیع الحر فقطع ید السارق لدفع الفساد و لروایه السکونی... و روایه نسان ابن ظریف... و اما ما ذکر من ان القطع لیس حداً بل للفساد، فلم یظهر له اثر عملی، مضافاً الی انه یحتاج الی

<sup>1</sup> - رک. موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه الحدود و التعزیرات، انتشارات علمیه اسلامی، چاپ اول، 1370، ص 696



کبری کلیه و هو: کان الفساد و موجباً للقطع، و لم يظهر عليه دليل، فلامانع من كون البيع المذكور منزله السرقة»<sup>1</sup>

یعنی: و اما فروش انسان آزاد در این مورد دست مرتکب به عنوان فساد بریده می شود به دلیل روایت سکونی و روایت نسان بن ظریف اما این که در متن می گوید قطع ید به عنوان فساد است نه به عنوان سرقت، به نظر ما اولاً این مطلب ثمره عملی ندارد. ثانیاً: لازمه این ادعا وجود یک کبری کلی است که مجازات فساد قطع ید است. در صورتی که دلیلی بر این ادعا نیست، بنابراین مانعی نیست در این که بگوییم مجازات این عمل قطع ید است به این جهت که در حکم سرقت می باشد.

عبارت «بمنزله السرقة» دو پهلو است و می توان احتمال داد مرحوم خوانساری این عمل را از مصادیق سرقت می دانند ولو تعبداً و حکماً و یا این که آن را مصداق سرقت ندانسته و جرم مستقل یا مجازات قطع ید محسوب می کند. بنابراین نظر ایشان بر قول دوم یا سوم منطبق می شود.

### نظر به چهارم - مجازات آدم ربایی قطع ید، بعنوان فساد است

آیت ... فاضل لنکرانی در این زمینه بیان و استدلالی دارند که آن را نقل می کنیم. «بحث دوم این که آیا مجازات قطع ید بر فرض ثابت شدن آن، به دلیل سرقت است یا مشمول عنوان دیگری از قبیل فساد می باشد؟ ممکن است گفته شود از آنجا که ظاهر روایات این مجازات را مستند به سرقت نموده اند و حتی در روایات عبدا... بن طلحه بالسان به تحلیل صحبت کرده است، استفاده می شود که این عمل مصداق سرقت است و از طرفی چون انسان آزاد مال نیست و سرقت به معنی ربودن مال غیر می باشد باید بگوییم سرقت به عنوان عمل یک مسأله تعبدی است. ولی از طرفی تعبدی بودن با تحلیل مذکور در روایت عبدا... بن طلحه نمی سازد زیرا تحلیل این است که شمول سرقت نسبت به این عمل، مقبول مخاطب بوده و صرف توجه دادن وی به این مسأله در پذیرش حکم قطع ید برای این عمل کافی بوده است. پس این عمل مصداق واقعی سرقت است نه مصداق تعبدی. اما حقیقت این است که قطع ید در مورد این جرم نمی تواند به عنوان سرقت باشد. زیرا ظاهر روایات دلالت دارد که حکم، مترتب بر بیع انسان شده و نه سرقت که مقدمه آن است و روشن است که اگر قطع ید به خاطر

<sup>1</sup> - آیت ... خوانساری، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، جلد 6، ص 147

سرقتمی بود بایستی حکم به مجرد سرقتم جاری شود و نیازی به اعتبار تحقق بیع نبود مویده این نظر این است که در روایات سکونی به طور کلی متعرض سرقتم نشده و تنها صحبت از بیع شده است... پس انصاف این است که هر چند در اغلب روایات تعبیر سرقتم شده است لکن مستند حکم به مجازات قطع ید، سرقتم نمی باشد بلکه باید پذیرفت که مبنا و دلیل کیفر قطع ید، مفسد بودن مرتکب می باشد.<sup>1</sup>

البته ایشان در پایان بحث از این نظر عدول کرده و نظریه دوم یعنی مجازات قطع ید به عنوان جرم مستقل را پذیرفته اند. در نهایت خلاصه ای از نظر و استدلال مرحوم صاحب جواهر را ملاحظه می کنیم: ایشان چهار حدیث در زمینه فروش انسان آزاد و قطع دست مرتکب را نقل نموده و می فرمایند: روشن است که در این احادیث این عمل، سرقتم محسوب شده و بین این که مسروق صغیر یا کبیر باشد فرقی نگذاشته اند... مرحوم شیخ طوسی نیز در کتاب «مبسوط» در این مورد به آیه سرقتم استناد کرده است ولی این سخن درست نیست و لذا خود شیخ در کتاب «خلاف» فرموده: فروشنده انسان مجازات قطع ید ندارد. زیرا این مسأله اجماعی است که مجازات قطع ید مربوط به ربودن چیزی است که بیش از ربع دینار ارزش داشته باشد و انسان آزاد ارزش مالی ندارد.

این نظر شیخ طوسی قابل ایراد به نظر می رسد، زیرا ممکن است بگوییم مجازات قطع ید به خاطر دلالت نص است نه به جهت صدق عنوان سرقتم. البته برخی گفته اند قطع ید در مورد سرقتم به دلیل حراست از مال است و ضرورت حراست از جان نسبت به حراست از مال بیشتر است و به طریق اولی مجازات قطع ید در مورد آن جاری خواهد بود. که این استدلال مبتنی بر قیاس است و با مذهب شیعه سازگار نیست. بخصوص نظر به این که حکم اجرای حد قطع ید در مورد سرقتم منوط به شرایطی است که در سرقتم انسان فراهم نمی گردد و در نتیجه اولویت ادعا شده، تحقق پیدا نمی کند تا در جریان حکم مورد استناد قرار گیرد. از طرفی این مطلب نیز گفته شده: «نصوص وارده ضعیف هستند و شهرت نیز جبران کننده آن نیست، چون مستند آن کلام شیخ در مبسوط است و او خود در کتاب خلاف از این نظر عدول نموده، قابل پذیرش نیست. زیرا صرف نظر از کلام شیخ در «نهایه» وجود شهرت در این مسأله مسلم است و اما این مطلب که گفته اند، اگر این عمل مصداق افساد باشد بایستی حکم مسأله

<sup>1</sup> - آیت ا... فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه، کتاب الحدود، ص 435

اجرای مجازاتهای چهارگانه باشد و نه قطع ید. این استدلال نیز مردود است. چون این اجتهاد در مقابل نص است زیرا ما در مورد جریان حد قطع ید، دلیل معتبر داریم و حتی ممکن است کسی بگوید که این نصوص اطلاق ادله مربوط به مجازات محاربه و افساد را تقیید می نماید (یعنی تغییر بین مجازاتهای چهارگانه، مربوط به سایر موارد افساد است و این مورد با این که مصداق افساد می باشد، دارای مجازات قطع ید است). بنابراین تردید مرحوم حلی و امثال او در جریان حکم قطع ید به دلیل افساد بی مورد است.<sup>1</sup>

از مجموع مطلب فوق دو نکته قابل استنباط است. نکته اول: این که اگر بر حسب نظریه چهارم که مبنای صاحب جواهر و بسیاری از فقها می باشد، سرقت انسان و فروش آن را مصداق افساد بدانیم، مسلماً نمی توانیم دامنه جرم محاربه و افساد را بر برهنه کردن سلاح برای اخافه مردم، که تعریف مشهور است، محدود نماییم. بنابراین یا باید از تعریف مشهور محاربه عدول نموده و بر طبق نظر مرحوم علامه طباطبایی و آیت ا... موسوی اردبیلی محاربه را به معنی مطلق «سلب امنیت» بدانیم و یا اگر بر تعریف مزبور اصرار داشتیم بر طبق نظر آیت ا... فاضل لنکرانی و آیت ا... گیلانی نفس عنوان افساد را در جریان مجازاتهای مربوط به محاربه کافی دانسته و صدق عنوان محاربه را شرط ندانیم که در هر صورت محدوده این جرم یا کیفر آن از حد مذکور در تعریف مشهود، توسعه پیدا خواهد کرد.

نکته دوم این که بر فرض ما نظریه چهارم را نپذیرفته و کیفر قطع ید برای آدم ربایی را به عنوان مستقل یا مصداق سرقت بپذیریم یا برای این عمل قائل به مجازات تعزیری شویم. از همین مسأله بسیاری از قداما و متأخرین این عمل را مصداق افساد دانسته اند، استفاده می نماییم که در فرهنگ فقه جزایی اسلام افساد و فساد دامنه وسیعی داشته و امکان صدق آن بر این گونه مصادیق وجود داشته است.

پس با در نظر گرفتن تمام مباحث فوق نتیجه می گیریم که جرائم گروگان گیری و آدم ربایی را می توان تحت عناوین سرقت، محاربه و افساد فی الارض و همچنین مجازاتهای تعزیری مورد بحث و بررسی قرار داد.

<sup>1</sup> - نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، جلد 41، مکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، 1374، ص 51

## مبحث دوم : مجازات گروگان گیری با توجه به فقه جزایی اسلام

قانونگذار اسلام در مورد ربودن انسان و توقیف، حبس غیرمجاز و برخلاف میل فرد، احکامی را بیان نموده است که البته این احکام در باب های مختلف کتب فقهی آمده است و عده ای هم کوشیده اند آن را تحت عناوین عام «تعزیرات» و «محرابه و افساد فی الارض» و «سرقه» مورد بررسی قرار دهند.

همانطور که می دانیم اعمال ناپسند و حرام بسیار زیاد هستند و قانونگذار اسلام برای همه آنها مجازات تعیین نکرده است. بلکه تعداد محدودی از آنها مانند قتل، سرقه، شرب خمر، محاربه، قذف، زنا و ... مورد حکم قرار گرفته اند و بقیه به صورت کلی به عهده حاکم شرع گذاشته شده است که به تشخیص خود برای آنها مجازات متناسب تعیین کند. مانند استمناء، از بین بردن بکارت، نبش قبر، شهادت دروغ و ... اما در مورد سایر کارهای حرام فقط یک قاعده کلی بیان کرده اند که مقرر می دارد: «هر کس عالماً و عامداً کار حرامی را انجام دهد یا واجبی را ترک کند، حاکم به مقداری که مصلحت بداند او را تعزیر می کند.»<sup>1</sup>

بنابراین حکم گروگان گیری و آدم ربایی هم مشمول این قاعده می باشد و حاکم می تواند بر حسب مصلحت جامعه، مجازات تعزیری مناسبی را برای گروگان گیری برقرار کند. «همانطور که بسیاری از فقها در مورد جرم آدم ربایی به همین صورت فتوی داده اند.»<sup>2</sup>

قانون مجازات اسلامی میان تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده تفکیک نموده (ماده 16 و 17). اما ملاک تفکیک را بیان نکرده است. یکی از ملاک هایی که برای تفکیک بیان می شود آن است که تعزیر، مجازات جرمی است که در منابع شرعی، سابقه قانونگذاری دارد مانند اهانت به دیگری و مجازات بازدارنده، مجازات جرمی است که در منابع شرعی، سابقه قانونگذاری ندارد مانند جعل اسکناس .

یکی از آثاری که بر این تفکیک مترتب می شود، شمول مرور زمان نسبت به مجازاتهای بازدارنده و عدم شمول آن نسبت به تعزیرات است. (ماده 173 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری). حال چنانچه این تفکیک درست باشد، جرم گروگان گیری مشمول مقررات مرور زمان نخواهد بود، زیرا در متون شرعی سابقه قانونگذاری دارد.

<sup>1</sup> - خوبی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، جلد دوم، چاپ مرتضوی، تهران، چاپ اول، 1369، ص 407

<sup>2</sup> - برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به: نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، جلد 41، مکتبه الاسلامیه، 1367، ص 511

در رابطه با جرم گروگان گیری همانطور که گفتیم، با توجه به اینکه سابقه فتوی یا حکمی در فقه اسلام به طور مستقیم راجع به آن یافت نشده می توان با استفاده از قاعده کلی ذکر شده مبنی بر اینکه حاکم جامعه اسلامی حق دارد، بنابر مصلحت نسبت به کسانی که مرتکب حرام یا ترک واجبی شوند، مجازات تعزیری قرار دهد، این جرم را نیز مشمول مقررات احکام تعزیری قرار داد و دست حاکم شرع را در رابطه با تعیین نوع و میزان مجازات نسبت به مرتکبان این جرائم آزاد قرار داد، البته به شرط اینکه شرایط تحقق این جرم و اوضاع و احوال آن به گونه ای نباشد که مشمول جرم «محرابه و افساد فی الارض» مطابق با احکام جزایی اسلام قرار بگیرد.

## فصل دوم : بررسی جرم گروگان گیری در اسناد بین المللی

پیشرفت تکنولوژی هر چند به نفع رفاه و آسایش بشر بوده ، اما مشکلاتی را نیز ایجاد کرده است. پیشرفت وسایل حمل و نقل و گسترش ارتباطات باعث ارتباط گسترده بین خیانتکاران در داخل و خارج از مرزها گردیده و خود به خود گروه های تبهکار را به وجود آورده است و جرم سازمان یافته آن هم با اهداف کلان اقتصادی و سیاسی شکل گرفته است. سیاست جنایی حاکم بر کشورهای غربی بر این است که هم این پدیده شوم و خطرناک سرکوب شود و هم پیشگیری های لازم انجام گیرد. بنابراین با قانونگذاران است تا با پیش بینی تدابیر لازم راه را بر این جنایتکاران ببندند.

یکی از وسایل و ابزارهایی که توسط این جنایتکاران استفاده می شود، گروگان گیری است. این مسأله به طور گسترده ای در کشورهای مختلف دیده می شود. سازمان ملل با دعوت از کشورها و تصویب و تدوین پروتکل و کنوانسیون جرائم سازمان یافته، گام مهمی در این مورد برداشته و از جمله آدم ربایی و گروگان گیری این گروهها را ممنوع کرده و از کشورها برای همکاری و معاونت دعوت نموده اند.

آدم ربایی امروزه اکثراً منجر به گروگان گیری می گردند که طی آن ربایندگان، مجنی علیه را به عنوان یک گروگان و برای دسترسی به خواسته های خود نگه می دارند و از والدین یا اطرافیان و یا مقامات مربوطه، بسته به انگیزه ربایندگان و گروگان گیران، درخواست وجه یا انجام امری را می نمایند. این موضوع در حقوق بین الملل بسیار مطرح است و یکی از روش

های مرسوم گروههای تروریستی می باشد که باید این امر در کنوانسیون های مربوط به گروگان گیری محکوم شده و قابل مجازات دانسته شود.

در حقوق بین الملل همانطور که اشاره نمودیم، گروگان گیری در زمره جرائم تروریستی به شمار می آیند که به همین علت واکنش جامعه بین الملل نسبت به آن شدید بوده و در کنوانسیون های متعدد محکوم شده و از کشورها خواسته شده تا این جرم را که با انگیزه تروریستی صورت می گیرد، جرم انگاری و مجازات نمایند. در حقوق ایران اشاره ای به این موارد نشده است ولی در حقوق کیفری فرانسه و در ماده 1-421 قانونگذار فرانسه با یک ابتکار جالب و بدیع در تیترا دوم از کتاب چهارم، موضوع تروریسم را بیان کرده و جرائم تروریستی و اعمال تروریستی را بر شمرده است که یکی از این اعمال ربودن انسان می باشد. تروریستی بودن عمل در این قانون موجب تشدید مجازات بر شمرده شده است. اعمال مذکور در این بند، زمانی تروریستی هستند که عمداً و در رابطه با یک اقدام فردی یا جمعی که هدف از آن بر هم زدن نظم عمومی است که به وسیله ارباب، تهدید و ترور صورت می گیرد. در بند یک این ماده به ربودن هم اشاره شده است. مجازات آدم ربایی که با اهداف تروریستی باشد، اشد مجازات را در پی دارد.

برای مبارزه با تروریسم بین المللی کنوانسیون های مختلفی تدوین شده است و سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه های خود تدابیری برای مبارزه با این پدیده اندیشیده است. تروریسم بین المللی یک جرم بین المللی است و راه کارهای مبارزه با آن باید همه جوانب یک جرم را مدنظر قرار دهد. تروریسم در حقیقت مجموعه ای از جرائم تروریستی است. در دهه های اخیر، شمار زیادی از اسناد حقوقی مفتوح برای مشارکت جهانی، که جنبه های معین از معضل تروریسم بین المللی را مورد توجه قرار داده است، در داخل نظام ملل متحد تنظیم و تصویب شده است. اینک نه کنوانسیون چندجانبه بین المللی و دو پروتکل ذریبط درباره انواع خاص جرائم بین المللی که جرائم تروریستی شایع است، وجود دارد. هر کدام از این اسناد، مشتمل بر فهرست یا توصیفی عینی از جرائم ممنوعه است و اقداماتی مشخص جهت سرکوبی و مجازات آنها تبیین کرده است در اینجا جهت بررسی اسناد بین المللی در مورد تروریسم که به طور مستقیم یا غیرمستقیم مبارزه با گروگان گیری در سطح بین المللی را جزء اهداف خود قرار داده اند را بطور مختصر مورد بررسی قرار می دهیم.

## مبحث اول : کنوانسیون ها و پروتکل های در ارتباط با گروگان گیری

1- «اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب اول دسامبر 1948 مجمع عمومی سازمان ملل

متحد»

اصولاً در اعلامیه های حقوق بشر بر حقوق اساسی بشر اشاره می شود که از جمله مهمترین آنها حق آزادی است که همین اعلامیه ها زیربنای شکل گیری کنوانسیون ها و معاهدات ضد جرائم حقوق بشر و تروریسم می باشند. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی بر تروریسم و انواع آن اشاره شده است. آزادی تن در مواد یک و نه و سیزده اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948) مورد حمایت قرار گرفته اند. «مواد نه، یازده و بیست میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هم ناظر بر همین امر می باشد.»<sup>1</sup>

2- قرارداد راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ مورخ 12 اوت 1949

در ماده 3 قرارداد فوق عمل «گروگان گرفتن» نسبت به کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام افراد نیروهای مسلح که اسلحه به زمین گذاشته باشند یا کسانی که به علت بیماری، زخم یا بازداشت یا به هر علتی دیگر قادر به جنگ نباشد... ممنوع شده است. در ماده 34 این قرارداد نیز «گروگان گرفتن» ممنوع شده است.

3- کنوانسیون جرائم دیگر اعمال ارتكابی در هواپیما (توکیو 1963)<sup>2</sup>

این کنوانسیون که به منظور تأمین امنیت هواپیما تدوین شده است، ناظر بر جرائم مغایر قوانین کیفری داخلی و نیز اعمالی است که به امنیت هواپیما صدمه می زند، اعم از این که جرم باشد یا نباشد. هدف اصلی کنوانسیون استمرار صلاحیت دولت صاحب پرچم نسبت به جنایات داخل هواپیما است. بر اساس این کنوانسیون دولت های متعهد ملزم به توقیف مرتکبین و بازگرداندن کنترل هواپیما به دست فرماندهی قانونی آن می باشند. تا سال 1999، چهل و یک کشور این سند را امضاء و 99 کشور آن را تصویب کردند.

4- کنوانسیون مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما (لاسه 1970)

---

<sup>1</sup> - معارفی، مهرداد، بررسی مسأله گروگان گیری در حقوق بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، 1138، ص 47

<sup>2</sup> - (Montral convention for the suppression of unlawful acts against the safety of civil aviation.” convention, agreed 9/71)

از نظر این کنوانسیون که برای مقابله با هواپیما ربایی تدوین شده است هر اقدامی در هواپیما به هنگام پرواز توسط هر کس «به طور غیرقانونی به وسیله زور یا تهدید و یا هر اقدام دیگر در جهت تصرف و کنترل هواپیما» صورت گیرد و یا هر گونه معاونتی در ارتکاب یا شروع به آن نماید، جرم محسوب می گردد. بر اساس این کنوانسیون دولت ها متعهد می گردند مجازاتهای سنگین برای هواپیما ربایی قائل شوند. همچنین ضروری است دولت هایی که مجرمان را در اختیار دارند نسبت به استرداد آنها به دولت متبوع و یا ارائه مورد، جهت پیگرد قانونی اقدام نمایند. به علاوه دولت ها ملزم می باشند در مورد مقابله با جرائمی که مورد توجه کنوانسیون قرار گرفته به یکدیگر مساعدت نمایند و تا سال 1999، 79 کشور این کنوانسیون را امضاء نموده اند و 167 کشور آن را تصویب کرده اند.

#### 5- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری (مونتروال 1970)<sup>1</sup>

بر اساس موارد این کنوانسیون که برای مقابله با خرابکاری در هواپیما از جمله بمب گذاری تدوین شده است. هرگونه اقدامی به طور غیرقانونی و به طور عمد به شرح زیر در صورتی که امنیت هواپیما را با خطر مواجه سازد، جرم محسوب می گردد: 1- اقدام علیه افراد داخل هواپیما 2- تخریب هواپیمای در حال پرواز یا ایجاد خسارت در آن 3- وارد نمودن آلات و مواد انفجاری به داخل هواپیما و یا مبادرت به اقدامی که موجب تخریب یا ایجاد خسارت گردد. 4- انهدام تأسیسات یا سرویس های هوانوردی، آسیب رساندن به آنها یا اختلال در کار آنها 5- ارائه اطلاعات خلاف.

کسانی که به انجام اقدامات فوق مساعدت نمایند یا حتی شروع به ارتکاب آن نمایند، مجرم محسوب می گردند. کنوانسیون، دولت های متعهد را ملزم می سازد تا مجازاتی سخت برای جرائم مورد اشاره در نظر بگیرند و نیز مجرمان را به دولت متبوع آنها تسلیم نموده و یا اینکه مورد را به مراجع قانونی ارجاع نمایند. همچنین دولت ها ملزم می باشند در موارد جرائمی که مورد توجه کنوانسیون قرار گرفته، به یکدیگر مساعدت نمایند.

#### 6- کنوانسیون سازمان کشورهای آمریکایی برای مقابله با گروگان گیری (2 فوریه 1971)

این کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات اعمال تروریستی جرائم علیه افراد مرتبط باجگیری که جنبه بین المللی دارد، می باشد. این کنوانسیون از نظر اعتبار در حقوق بین

<sup>1</sup> - convention of offenses and certain other acts committed on board aircraft, (Tokyo convention, agreed 9.63)



المللی حائز اهمیت فراوان نمی باشد، چون اعضاء آن بسیار اندک می باشند و فقط از این نظر که مقدمه ای بوده است برای کنوانسیون جرائم علیه افراد تحت حمایت بین المللی، دارای اهمیت می باشد. در این کنوانسیون جرائم علیه بشریت و اعمال تروریسم به ویژه ربودن افراد و ... ممنوع شده است.

7- کنوانسیون ممانعت و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی از جمله مأموران دیپلماتیک، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد سال 1973.<sup>1</sup>

این کنوانسیون که برای حفظ امنیت دیپلماتیک ها و مقامات عالی رتبه دولتی تدوین گردید درابتدا شخصیت هایی هم چون رئیس دولت، وزیر امور خارجه، نمایندگان یا مقامات رسمی یک کشور و سازمان بین المللی که بر اساس حقوق بین الملل با عنوان اشخاص تحت حمایت ویژه نام برده شده اند، را تعریف نموده است.

کنوانسیون دولت ها را ملزم می نماید تا اقداماتی از قبیل قتل، آدم ربایی، دیگر گروگان گیری، دیگر حملات به فرد یا محدوده یک فرد تحت حمایت بین المللی، حمله علیه اماکن رسمی، اماکن خصوصی یا وسایل حمل و نقل آنها در زمره موارد جنایی قابل مجازات محسوب نمایند. هم چنین تهدید یا شروع به ارتکاب، به عنوان مشارکت یا هم دستی در جرم محسوب می گردد. به علاوه کنوانسیون، دولت های عضو را ملزم می نماید تا مجرمان را به دولت متبوع آنها مسترد نموده و یا این که مورد را به مراجع قانونی ارجاع نمایند. همچنین دولت ها ملزم می باشند در زمینه جرائمی که مورد توجه کنوانسیون قرار گرفته به یکدیگر مساعدت نمایند.

8- کنوانسیون شورای اروپا علیه گروگان گیری (مصوب 1976)

این کنوانسیون در تاریخ دهم نوامبر 1976 به تصویب وزرای شورای اروپا رسید که شامل یک مقدمه و 16 ماده می باشد.

«در مقدمه اهمیت استرداد مجرمین به عنوان وسیله ای برای مبارزه علیه تروریسم ذکر گردیده و در ماده یک، جرائمی بر شمرده شده است که از شمول صفت سیاسی خارج گردیده است. طبق این ماده حملات علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی، جزء جرائم غیرسیاسی ذکر شده است. مواد 3 و 4 بر لزوم انطباق معاهدات موجود راجع به استرداد مجرمین با این

<sup>1</sup> - "Convention on the prevention and punishment of crime against internationally protected persons including diplomatic agents". (agreed 12/73)

کنوانسیون پرداخته شده است. این کنوانسیون توسط 17 دولت از 19 دولت عضو در 28 ژانویه 1977 به امضاء رسیده است و از تاریخ 14 اوت 1978 لازم الاجرا گردیده است.<sup>1</sup>

9- اعلامیه بن در مورد هواپیمارمایی مصوب 1978

«در 17 ژوئیه 1978 رؤسای کشورهای کانادا، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلستان و آمریکا در اجلاس اقتصادی بن در مورد قطعنامه ای به توافق رسیدند که این قطعنامه تحت عنوان اعلامیه بن راجع به هواپیمارمایی معروف شده است.»<sup>2</sup>

اعلامیه بن به هواپیمارمایی اشاره ننموده است این اعلامیه زمانی به کار می رود که یک کشور از استرداد هواپیماربایان و هواپیمای ربوده و یا تعقیب متخلف خودداری کند. در این مورد کشورهای درخواست کننده، کلیه پروازهای خود را از کشوری که در اجرای اعلامیه کوتاهی ورزیده، متوقف خواهند نمود. اعلامیه بن در حقیقت مجازات هایی را که کنوانسیون توکیو و لاهه برای جرم تصرف غیرقانونی پیش بینی نشده است، بیان می دارد.

البته قابل ذکر است که این اعلامیه با معدود کشورهای امضاء کننده و با توجه به اصول مسلم حقوق بین المللی عرفی قابلیت التزام و اجرا نسبت به کشورهای متخلف ثالث که این اعلامیه را امضاء ننموده اند، ندارد. اعلامیه بن تنها جنبه تبلیغاتی دارد و فاقد ضمانت اجرای موثر است.

10- کنفرانس اقتصادی و نیز با شرکت سران کشورها (بیانیه گروگان گیری دیپلماتهای خارجی)، 22 ژوئن 1980

در بیانیه گروگان گیری دیپلمات های خارجی، مورخ 22 ژوئن 1980 رؤسای دولت ها با نگرانی شدید از بروز حادثه تروریستی اخیر آن زمان من جمله گروگان گیری و حمله به دیپلمات ها و ساختمان ها و پرسنل کنسولی، عزم خود را در جلوگیری و مبارزه با این اعمال و اقدامات شررات بار مجدداً اعلام نموده و تکمیل کارها را در این موارد، طبق کنوانسیون بین المللی خواستار شده اند.

<sup>1</sup> - معارفی، مهرزاد، بررسی مسأله گروگان گیری در حقوق بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق بین المللی، دانشگاه آزاداسلامی، واحد تهران مرکز، 1381، ص 94

<sup>2</sup> - تقی زاده، انصاری، مصطفی، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات قومس، چاپ اول، 1379، ص 48

رؤسای دولت ها قویاً گروگان گیری و ... را که نقض آشکار هنجارهای حقوقی در عرصه بین المللی است، محکوم می نمایند. این اعلامیه ارزش اجرایی در حقوق بین الملل ندارد و به عنوان بیانیه مطبوعاتی کاخ سفید صادر شده است.

11- کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری، سازمان ملل متحد 1979<sup>1</sup>  
کثرت اعمال خشونت بار علیه دیپلمات ها و نقض مصونیت آنها قبلاً نیز منجر به تهیه و تصویب کنوانسیون سازمان های دولتی آمریکایی مورخ 1971 شده بود. به دنبال افزایش گروگان گیری و به ویژه ماجرای گروگان گیری سفارت آمریکا در تهران، مجمع عمومی با اجماع کنوانسیون گروگان گیری را تصویب نمود.

بر اساس مفاد این کنوانسیون هر فردی که نسبت به در اختیار گرفتن و یا نگه داشتن، تهدید به قتل، جراحت و یا تداوم در اختیار نگه داشتن یک فرد دیگر، اقدام نماید و به منظور مجبور نمودن یک طرف ثالث، آزادی گروگان ها را به عنوان یک شرط صریح یا ضمنی منوط به انجام یک عمل یا عدم انجام یک عمل نماید، مجرم محسوب می گردد. در ضمن هر کسی که شروع به ارتکاب جرم نماید یا به عنوان معاون جرم در ارتکاب آن مشارکت نماید، مجرم شناخته می شود.

12- پروتکل مقابله با اقدامات غیرقانونی خشونت آمیز در پروازهای غیرنظامی بین المللی، به عنوان مکمل کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی هواپیمایی کشوری. (مونترال 1988)<sup>2</sup>

این پروتکل که به منظور تعمیم مصوبات مندرج در کنوانسیون مونترال به حیطة پروازهایی که در خدمت حمل و نقل بین الملل غیرنظامی می باشند، تهیه شده است.

13- کنوانسیون مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه امنیت دریانوردی (رم 1988)<sup>3</sup>  
این کنوانسیون که به مقابله با اقدامات تروریستی بر روی کشتی ها اختصاص دارد. یک نظام حقوقی قابل تطبیق با اقدامات غیرقانونی علیه امنیت دریانوردی بین المللی را ایجاد می نماید.

<sup>1</sup> - "international convention against the taking of hostage" (hostage convention, agreed 12/79)

<sup>2</sup> - "protocol for suppression of unlawful acts of violence at airports caring international civil aviation, supplementary to the convention for the suppression of unlawful acts against the safety of civil aviation", (agreed 2.88)

<sup>3</sup> - convention for the suppression of unlawful acts against the safety of maritime noviation agreed 3.88 .

#### 14- اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی (مصوب 5 اوت 1990)

در ماده یازدهم این اعلامیه به آزادی انسان اشاره شده و بردگی ممنوع اعلام گردیده است. در ماده 20 دستگیری و محدود ساختن آزادی افراد، غیرمجاز شمرده است در ماده 21، گروگان گیری به هر شکلی و به خاطر هر هدفی، ممنوع اعلام شده است.

15- پروتکل مقابله با اقدامات غیرقانونی علیه امنیت سکوه‌های ثابت واقع در فلات قاره (م 1998)<sup>1</sup>

#### 16- کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی در مقابله با تروریسم بین المللی<sup>2</sup>

این کنوانسیون در تیرماه 1378 مورد تصویب اجلاس وزرای خارجه آن سازمان در بورکینا فاسو قرار گرفت. کنوانسیون مذکور دارای یک مقدمه و 43 ماده می باشد که بر اساس مفاد آن کشورهای عضو دو دسته تعهدات را پذیرا می گردند که اول اقدامات پیشگیرانه و دوم تدابیر مربوط به مبارزه با تروریسم است.

در قسمت اقدامات پیشگیرانه موردی چون ممانعت از استفاده از قلمرو دولت های عضو برای طراحی، سازماندهی و یا اجرای جرائم تروریستی، توسعه و تقویت سیستم کشف، نقل و انتقال، انبارسازی و ... مورد توجه قرار گرفته است. در بحث مربوط به تدابیر مبارزه با تروریسم، به اقداماتی چون دستگیری مرتکبین جرائم تروریستی و تعقیب آنان بر طبق قوانین ملی کشورهای عضو و یا استرداد آنها، تضمین محافظت واقعی از افراد شاغل در امر رسیدگی کیفری و هم چنین شهود و عوامل تحقیق کمک به قربانیان و برقراری همکاری موثر بین نهادهای ذیربط و شهروندان اشاره شده است.<sup>3</sup>

اقدامات بین المللی علیه تروریسم تنها محدود به کنوانسیون ها و پروتکل های فوق نمی باشد بلکه اقدامات متعددی را سازمان ملل متحد و بخصوص شورای امنیت در قطعنامه های خود انجام داده اند. همچنین در کنوانسیون جرائم سازمان یافته و نیز اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اقدامات موثری در این زمینه صورت گرفته است. در نهایت ذکر این مطلب نیز خالی از فایده نخواهد بود که بیان نمائیم آدم ربایی نیز جرمی تروریستی می باشد و در حقیقت به عنوان یک ابزار برای تروریست هاست، تا به اهداف شوم مجرمانه خود برسند. آدم

<sup>1</sup> - protocol for the suppression on lawful acts against the safety of fixed platforms located on the contineral shet, (agreed, 3.88)

<sup>2</sup> - convention of the ofganisation of the Islamic conference on combating international terrorism

<sup>3</sup> - رک. هاشمی، کامران، «کنوانسیون های بین المللی در مورد تروریسم»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره 4، 1379، ص 55

ربایی های گروههای مافیایی و قاچاقچیان مواد مخدر در دنیا معروف اند. اما این گونه آدم ربایی ها را نمی توان در صلاحیت حقوق جزای بین الملل دانست. به عبارت دیگر آدم ربایی هایی که جنبه داخلی دارند و مجرمین برای کسب پول و یا انتقام دست به ربودن اشخاص می زنند، نمی توان موضوع بحث در حقوق بین الملل باشد.

مساله دیگر این است که در حقوق بین الملل با جرم هواپیما ربایی مواجه هستیم و از آنجا که هواپیما ربایی مستلزم ربودن افراد داخل هواپیماست. پس به نحوی بررسی جرم هواپیما ربایی به این بحث مربوط می شود و می توان اسناد مربوط به هواپیما ربایی را هم در ذیل همان موضوع، بررسی نمود. چون چه شخص مقصودش از ربودن هواپیما، خود هواپیما باشد و یا منظورش اقدام یک درخواست از دولتی باشد و چه قصدش ربودن افراد خاصی از داخل هواپیما باشد. (گروگان گیری) به هر حال وی مرتکب جرم آدم ربایی و گروگان گیری شده است. از طرف دیگر هواپیما به عنوان یک وسیله نقلیه می تواند به وسیله ربودن و حمل و نقل افراد باشد و با توجه به وضعیت خاص هواپیما، ربودن انسان همراه با هواپیما می تواند از علل مشدده مجازات باشد که اتفاقاً همین مساله مورد توجه قانونگذاران بین المللی و داخلی قرار گرفته و برای ربودن هواپیما مجازات های سنگینی حتی اعدام در نظر گرفته شده است.

## **مبحث دوم : قطعنامه های سازمان ملل متحد در ارتباط با گروگان گیری**

1- قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد شماره 40/62 (مصوب 1985) به منظور جلوگیری از تروریسم بین المللی<sup>1</sup>.

این قطعنامه تحت عنوان، اقدامات جلوگیری از تروریسم بین المللی که زندگی انسان های بیگناه را به خطر می اندازد و یا حقوق اساسی را به مخاطره می افکند و نیز مطالعه علل اساسی اشکال تروریسم و اعمال خشونت و اعمال خشونت آمیزی که ریشه در بدبختی، ظلم و ... داشته و باعث از دست رفتن انسان ها و همچنین عاملان آن در تلاش جهت تغییرات اساسی می گردد، می باشد و نگرانی عمیق خود را از افزایش اعمال تروریستی بیان می کند. در این قطعنامه به لزوم توسعه و ارتقاء همکاری بین المللی در سطوح دو جانبه و چندجانبه در امحاء تروریسم بین الملل و ... پرداخته است.

<sup>1</sup> - U.N.Resolution de l'assemblee general 40.61

2- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به شماره 579 (مصوب 1985) به منظور محکومیت گروگان گیری.<sup>1</sup>

شورای امنیت در 18 دسامبر 1985، بنا به درخواست ایالات متحده برای بررسی وضعیت بحرانی که ناشی از گروگان گیری و آدم ربایی ایجاد گردیده بود، تشکیل جلسه داد و قطعنامه (1985) 579 را مورد تصویب قرار داد. در این قطعنامه شورای امنیت، نگرانی عمیق خود را از بروز وقایعی چون گروگان گیری که از جرائمی هستند که باعث نگرانی شدید جامعه بین الملل می شوند و عواقب آن مغایرت با حقوق قربانیان و نیز ترویج روابط دوستانه و همکاری بین کشورها دارند و با توجه به بیانیه 9 اکتبر 1985 رئیس شورای امنیت، تمامی اقدامات تروریسم بین المللی به انضمام گروگان گیری را شدیداً محکوم نموده و خواهان اجرای قطعنامه 4/61 مورخ 9 دسامبر مجمع عمومی بود.

در این قطعنامه علاوه بر کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری : کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرائم علیه امنیت اشخاص مورد حمایت بین المللی...، کنوانسیون منع و جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری و دیگر کنوانسیون های مربوطه، تاکید و یادآوری شده است.

این قطعنامه، تمامی اقدامات گروگان گیری را صریحاً محکوم نموده و خواهان رهایی تمامی گروگان ها و اشخاص ربوده شد در هر جا و به وسیله هر مرتکبی، گردیده است. این قطعنامه از تمامی کشورها خواسته است که در صورتی که در قلمرو آنها اعمال گروگان گیری و آدم ربایی به وقوع پیوسته باشد، تدابیر لازم را اتخاذ نمایند و اعمال پیشگیرانه نیز اعمال نمایند. از تمامی کشورهایی که به کنوانسیون های مربوطه ملحق نشده اند، درخواست شده که این اسناد را امضاء نمایند و برای جلوگیری از این جرائم، همکاری های لازم را با سایر کشورها انجام دهند.<sup>2</sup>

3- قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به شماره 42/154 مصوب 1987 به منظور مبارزه با تروریسم.<sup>3</sup>

<sup>1</sup> - U.N.Resolution de conscille de securite 357 (1985) a prise hostage.

<sup>2</sup> - هاشمی، کامران، «کنوانسیون های بین المللی در مورد تروریسم»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره 4، 1379، ص 45

<sup>3</sup> - Documents de international relatif a terrorism. P:663-666

این قطعنامه به پیشنهاد کمیته ششم مجمع عمومی در تاریخ 7 دسامبر 1987 بدون رأی گیری و جهت بررسی اقدامات موثر برای حمایت، امنیت، ایمنی مأموریت و نمایندگی های سیاسی و کنسولی تصویب گردیده است.

4- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به شماره 638 (مصوب 1989) به منظور محکومیت گروگان گیری<sup>1</sup>.

در تاریخ 31 ژوئیه سال 1989 شورای امنیت در جلسه 2872 خود تحت عنوان «مسأله گروگان گیری و آدم ربایی» راجع به موضوع گروگان گیری بحث کرده است. در همین جلسه شورای امنیت قبل از تصویب قطعنامه اظهارات زیر را بیان نموده است:

«چون موضوع پیش نویس قطعنامه درباره گروگان گیری و آدم ربایی را مورد بحث قرار می دهیم، به خاطر وقوع رویدادهای اخیر و ... مایلیم پشتیبانی کامل شورای امنیت در مورد بیانیه دیروز دبیر کل را در این رابطه اعلام نمایم.

... شورای امنیت عمیقاً نگران شیوع حوادث گروگان گیری و آدم ربایی در جهان را ادامه توقیف های طولانی بسیاری از گروگان ها می باشد. با توجه به اینکه گروگان گیری و آدم ربایی جرم های بسیار نگران کننده ای برای همه کشورها و تخلف شدید از قانون بشر دوستانه بین المللی است و با یادآوری این مطلب که در قطعنامه 579 و 618 همه اعمال گروگان گیری، کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص تحت حمایت بین المللی، شامل نمایندگان دیپلماتیک و سایر کنوانسیون های مربوطه اعلام می نمایند:

1- بدون شک و شبهه همه اعمال گروگان گیری و آدم ربایی باید محکوم گردند.

2- آزادی بدون قید و شرط و فوری همه گروگان ها و اشخاص ربوده شده را در هر کجا و نزد هر کس که باشد خواستار می باشند.

3- در همه کشورها استفاده از نفوذ سیاسی خود به موجب منشور ملل متحد و اصول حقوقی بین المللی در آزادی همه گروگان ها و اشخاص ربوده شده و جلوگیری از ارتکاب اعمال فوق، دعوت می نمایند.

<sup>1</sup> - Document de international relative a terrorism, Ibid, P:612

4- ... 5.... 6- اصرار دارند که همکاری های بین المللی در میان کشورها در انجام اقدامات موثر طبق اصول حقوقی بین المللی را سهل و آسان کرده و امور پیشگیری ، تعقیب و مجازات همه اعمال گروگان گیری و آدم ربایی به عنوان مظاهر تروریسم را توسعه نمایند.

5- قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به شماره 674 (مصوب 1990) به منظور محکومیت گروگان گیری<sup>1</sup> .

این قطعنامه در راستای اقدامات مقامات عراقی در گروگان گیری اتباع کشورهای ثالث و بدرفتاری نسبت به آنها، تصویب شده است که این اقدامات را محکوم نموده و از مقامات عراقی درخواست می نماید که از گروگان گیری و بدرفتاری نسبت به کشور کویت و اتباع ثالث یا ... دست بکشند و رفتار بشر دوستانه نسبت به گروگان ها داشته باشد و امکانات رفاهی آنها را تأمین نماید...

6- نتایج پنجاه و ششمین اجلاسیه کمیسیون حقوق بشر در خصوص منع گروگان گیری مورخ 13 آوریل 2000، پنجاه و ششمین اجلاسیه کمیسیون حقوق بشر مورخ 13 آوریل سال 2000 شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، صورتجلسه شماره 11 در خصوص حقوق سیاسی و مدنی شامل مساله شکنجه و بازداشت غیرقانونی و گروگان گیری پیش نویس قطعنامه سال 2000 بیان می دارد:

کمیسیون حقوق بشر یادآور اعلامیه جهانی حقوق بشر، تضمین کننده حقوق زندگی، کار ، آزادی، امنیت... و سلب آزادی رفت و آمد و محفوظ ماندن از تعقیب و حبس و توقیف است و با توجه به کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری که در مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه به شماره 34/146 مورخ 17 دسامبر 1979 وضع گردیده و نظر به این که گروگان گیری جرم بزرگی از نظر جامعه بین المللی است و نیز مغایر با کنوانسیون در امور پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص تحت الحفظ در سطح بین المللی است و با توجه به قطعنامه های شورای امنیت در محکومیت همه موارد گروگان گیری است و با نگرانی از این موضوع که علی رغم تلاش های جوامع بین المللی، عمل گروگان گیری در قالب های مختلف کماکان به وقوع می پیوندد و حتی در برخی از نقاط جهان افزایش یافته و با توجه به این امر که دفع گروگان گیری مستلزم اقدامات و تلاش های دسته جمعی قطعی و قاطع از جانب همه

<sup>1</sup> - Documents de Droit international. Relatif a terrorism, Ibid PG 14.



جوامع بین المللی، در راستای دقیق استانداردهای بین المللی حقوق بشر است لذا برای خاتمه دادن به این اعمال زشت و مذموم لازم است:

1- بدین وسیله اعلام می گردد که گروگان گیری در هر کجا و توسط هر کس که انجام شود یک عمل غیر قانونی به هدف از بین بردن حقوق انسانی محسوب شده و به هیچ وجه من الوجود توجیه بردار نیست.

2- همه اعمال گروگان گیری در هر کجای جهان محکوم می باشد.

3- ایجاب می کند که کلیه گروگان ها بلافاصله و بدون پیش شرط آزاد شوند.

4- از کشورها دعوت می شود کلیه اقدامات لازم را بر طبق ضوابط حقوق بین الملل و ... به عمل آورند.

5- کلیه خبرنگاران مخصوص، گزارشگران و گروه های کار را وادار نمایند تا نتایج گروگان گیری را در گزارشات آینده، در کمیسیون گزارش نمایند.

6- کماکان و به طور دائم با موضوع مرتبط باشند.

در پایان این مبحث لازم به یادآوری است که در کنوانسیون جرائم سازمان یافته هم، به آدم ربایی و گروگان گیری اشاراتی شده است.

## بخش سوم : بررسی جرم گروگان گیری در نظام حقوق کیفری ایران

با توجه به اینکه در دو بخش قبل، جرم گروگان گیری بیشتر از جنبه تبیین و بررسی ماهیت و مبنای آن بررسی شد و همچنین مطالعات فقهی و اسناد بین المللی مرتبط با این جرم نیز به تفصیل مورد تحقیق قرار گرفت. در این بخش تلاش می شود تا این جرم را از جهت عناصر خاص تشکیل دهنده آن که شامل عنصر قانونی، مادی و روانی خواهد بود، مورد مطالعه قرار داده و همچنین با کشف این موضوع، سیاست کیفری قانونگذار ایران را نسبت به جرم گروگان گیری بیان نماییم.

## فصل اول : اجزاء تشکیل دهنده جرم گروگان گیری و جرائم مرتبط با آن

برای آنکه عملی جرم محسوب شود، جمع عناصری ضرورت دارد. «از نظر حقوق جزا نمی توان عملی را جرم و قابل کیفر دانست مگر آن که: الف) به وسیله مقنن، پیش بینی و برای آن مجازات تعیین شده باشد (عنصر قانونی)، ب) در خارج فعلیت یافته و یا لاقلاً اجرای آن شروع شده باشد (عنصر مادی) و ج) توسط انسانی که دارای اراده آزاد و آگاه است، ارتکاب یافته باشد (عنصر روانی).»<sup>1</sup>

از طرفی جرم گروگان گیری برگرفته از جرائم متعددی از جمله آدم ربایی، توقیف غیرقانونی، حبس غیرقانونی و ... می باشد که در این فصل این جرائم را به عنوان جرائم مشابه جرم گروگان گیری مورد بررسی قرار می دهیم.

## مبحث اول : عناصر سه گانه جرم گروگان گیری

همانطور که کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری (1979 میلادی) در تعریف گروگان گیری بیان نموده است: «هر شخص که به توقیف یا بازداشت و تهدید به کشتن، مصدوم کردن یا ادامه توقیف شخص دیگر به منظور وادار کردن شخص ثالثی - یعنی یک

<sup>1</sup> - افراسیابی، محمداسماعیل، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات فردوسی، 1376، ص 168

کشور، سازمان بین‌الدولی بین‌المللی، شخص حقیقی یا حقوقی یا گروهی از افراد جهت انجام یا پرهیز از انجام اقدامی به عنوان شرط صریح یا ضمنی برای آزادی گروگان مبادرت نماید، مرتکب جرم گروگان‌گیری شده است.» برای این جرم می‌توان عناصر سه‌گانه ذیل را به ترتیب برشمرد.

### **الف) عنصر قانونی :**

در مجموعه قوانین جزایی کشور، نسبت به عنوان خاص جرم گروگان‌گیری با شرایط و ارکان خاص آن جرم انگاری تقنینی صورت نگرفته است. بدین معنی که نه در قانون مجازات اسلامی و نه در هیچ قانون خاص دیگر نسبت به عملی با عنوان گروگان‌گیری مجازاتی در نظر گرفته نشده است و همانطور که می‌دانیم عنصر قانونی یک جرم، عبارت است از قانونی که عمل مورد نظر را جرم اعلام کرده و علاوه بر این، نسبت بدان مجازات تعیین کند. البته هر چند اخیراً (در سال 1385)، قانونگذار اقدام به تصویب قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون بین‌المللی علیه گروگان‌گیری 1979 میلادی را از تصویب گذرانید و به موجب ماده 9 قانون مدنی جزء مجموعه مقررات لازم‌الاجرا در کشورمان قرار داد و در این کنوانسیون عمل گروگان‌گیری را جرم و مرتکب آن را قابل تعقیب و مجازات می‌داند ولی نوع و میزان مجازات خاصی برای آن عمل تعیین نشده است. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون در جای خود مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

با وجود این همانطور که می‌دانیم در قانون مجازات اسلامی کشورمان مصوب 1375، جرائمی از جمله آدم‌ربایی، حبس و توقیف و دستور توقیف غیرقانونی، جرم انگاری و تعیین مجازات شده است (مواد 621، 575، 583 قانون مذکور). هر چند گروگان‌گیری ممکن است در مواردی همراه با آدم‌ربایی ارتکاب یابد و مجنی علیه ربوده شده، به واسطه انگیزه‌های مالی، سیاسی و ... به گروگان نگه داشته شود. با این حال مفهوم اصطلاحی جرم گروگان‌گیری مشمول آدم‌ربایی نخواهد شد و همچنین در جرم توقیف و حبس غیرقانونی نیز هر چند با ماهیت جرم گروگان‌گیری که در آن قربانیان جرم، به اجبار در محلی توسط گروگان‌گیر محبوس و توقیف می‌شوند، با این وجود این که ایراد حقوقی ای در اینکه گروگان‌گیری را مصداقی از جرم توقیف غیرقانونی بدانیم و با استفاده از ماده 583 قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی

از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون، جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»، آن را مجازات کنیم، وجود ندارد. چون فرد گروگان گیر عملاً مجنی علیه را برخلاف قانون «... توقیف یا حبس می کند یا عنفاً در محلی مخفی می نماید.»

ولی همانطور که محرز به نظر می رسد، اینکه اگر بخواهیم یک اقدام مجرمانه شدید را که ضربه بسیار بزرگی به پیکره امنیت جامعه می زند را با یک جرم بسیار خفیف تری که مجازات آن حداکثر تا سه سال حبس است را مورد مجازات قرار دهیم، نقص مجموعه مقررات کیفری را به وضوح آشکار خواهد ساخت. هر چند جرم دیگری مثل «تهدید» نیز در کنار آن قرار گیرد (ماده 669 قانون مجازات اسلامی). «از آنجا که بر مبنای اصول تقنینی، نوع و میزان مجازات تعیین شده از طرف قانونگذار باید با نوع و شدت جرم ارتكابی، تناسب و هماهنگی داشته باشد»<sup>1</sup> و با احتراز از جرم انگاری های عناوین متعدد مجرمانه، در جهت رعایت این تناسب و تعیین عنوان مجرمانه مناسب اقدام شود.

از این رو مجرمی که با به گروگان گرفتن یک یا چند قربانی بی گناه و با اعمال خشونت و تهدید علیه جان و حیثیت و عوض و ... آنها، مطالبه وجه یا موقعیت خاص یا انجام یا عدم انجام کاری را می کند و از این طریق وحشت را در جامعه گسترش می دهد، شایسته توجه خاص و تعیین مشخصات، شرایط و مجازات آن به عنوان جرم «گروگان گیری» خواهد بود. به جهت اهمیت جرم توقیف و حبس غیرقانونی و ارتباط و شباهت این جرم با گروگان گیری، در مبحث جداگانه ای به تفصیل آن خواهیم پرداخت. با این وجود خاطر نشان می سازیم که در قانون مجازات اسلامی و در ماده 621، نامی از گروگان و گروگان گیری برده نشده است. اما در این ماده مواردی مانند درخواست وجه یا غیره آمده است که دال بر این امر می باشد. ولی آنچه مسلم است این است که قانونگذار ما توجهی به این مساله نداشته است اما قانونگذار فرانسه به این مساله توجه کرده و آن را جزء اوضاع و احوال لازم برای تحقق آدم ربایی مشدد دانسته است. در ماده 4-224 قانون فرانسه که تا حدودی جانشین ماده 343 قانون جزای قدیم فرانسه می باشد، آمده است: «اگر شخص توقیف شده یا ربوده شده مانند یک گروگان باشد. برای

<sup>1</sup> - حاجی ده آبادی، احمد، بایسته های تقنین (با نگاهی انتقادی به قانون مجازات اسلامی)، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، 1383، ص 202

تسهیل ارتکاب جرم یا جنحه یا برای ممکن ساختن فرار یا مطمئن ساختن مجرم یا شریکش برای عدم مجازات باشد و یا برای مهیا ساختن یک مجوز و شرایطی بخصوص پرداخت یک مبلغ فدیة (گرویی) باشد، جرم مذکور در ماده 1-224 مجازاتش سی سال حبس جنایی است ... به غیر از موارد پیش بینی شده در ماده 2-224، اگر شخص گروگان گرفته شده در شرایط مذکور در بند اول، قبل از پایان مدت 7 روز آزاد شود، مجازات مجرم 10 سال حبس است. البته بدون اینکه سفارش با درخواست و یا شرط خواسته شده اجرا شده باشد.»

دیوان عالی کشور فرانسه در رأی خود بیان داشته که در موارد مذکور در این ماده که قبلاً در ماده 343 آمده بود، صوری نمی باشد. مواردی مانند درخواست یک ماشین یا وسیله نقلیه و گرفتن آن توسط رباینده و گروگان گیر در مقابل آزادی گروگان یا گروگان ها و یا در مقابل انتشار یک پیام تلویزیونی و یا ابطال و جلوگیری از تعقیب و ... نیز بشود.

#### **(ب) عنصر مادی:**

جرم گروگان گیری عبارت است از توقیف و محبوس کردن فرد یا افرادی که معمولاً همراه با تهدید و اعمال فشار بر آن ها می باشد به منظور گرو و وثیقه قرار دادن جان، تمامیت جسمانی و حیثیت و ... آنها به عنوان ضمانت اجرای انجام یا عدم انجام یک امر با تحقق یک خواسته توسط شخص ثالث که با اهداف مختلف مالی، سیاسی و ... صورت می گیرد. این تعریف عنصر مادی جرم گروگان گیری را به وضوح نمایان می سازد. از این رو می توان گفت عنصر مادی این جرم عبارتست از توقیف و حبس نمودن فرد یا افرادی به منظور مجبور نمودن شخص ثالثی به تحقق خواسته های گروگان گیر.

به عبارت دیگر رو می توان گفت در عنصر مادی جرم گروگان گیری، رفتار مجرمانه عبارت است از عمل به گرو گرفتن قربانی توسط مرتکب و طرح درخواست مبنی بر انجام یا عدم انجام کاری و نیز موضوع این جرم عبارت است از سلب آزادی مجنی علیه و به خطر انداختن تمامیت جسمانی، حیثیت مجنی علیه در قبال اجابت درخواست مرتکب.

لازم به ذکر است که در جرم گروگان گیری توسل به وسیله خاصی شرط نبوده و همچنین در تحقق این جرم نتیجه خاصی شرط نبوده و به محض توقیف کردن مجنی علیه و گرو گرفتن وی و درخواست از ثالث مبنی بر انجام یا عدم انجام کاری، به طور کامل محقق خواهد شد و از این رو این جرم از جرائم مطلق، محسوب خواهد شد.

پس عمل توقیف غیرقانونی افراد در این جرم از شرایط و اجزاء اصلی تحقق آن است. هر چند عنوان خاص مجرمانه برای این عمل ارتكابی (حبس و توقیف غیرقانونی در ماده 583 قانون مجازات اسلامی) وجود دارد، با این حال همانطور که شرح دادیم چون این توقیف غیرقانونی مقدمه و شرط ابتدایی برای اعلام درخواست و مطالبه خواسته گروگان گیر می باشد، با جرم توقیف غیرقانونی ساده متفاوت بوده و به مراتب دارای شدت بیشتر است و بالتبع مرتکب آن نیز دارای حالت خطرناک شدیدتری بوده و عمل گروگان گیری تأثیر مخرب تری بر امنیت جامعه و افکار عمومی مردم می گذارد تا صرف توقیف غیرقانونی، از طرفی باید خاطرنشان کرد که در گروگان گیری در این مفهوم و (نه در معنی وسیع آن)، گروگان در واقع نقل مکان داده نمی شود و در همان جایی که قرار دارد، توقیف و حبس شده و اسیر خواسته های گروگان گیران قرار می گیرد. از این رو با جرم آدم ربایی که مستلزم نقل مکان و در واقع ربایش فرد ربوده شده است، متفاوت می باشد. با وجود وجه تشابه و مبنای مشترک دو جرم گروگان گیری و آدم ربایی و سلب آزادی مجنی علیه به طور غیرقانونی این دو جرم از جهات مختلفی با یکدیگر دارای جهات افتراق هستند که در مبحث مربوط به خود بدان خواهیم پرداخت.

### ج) عنصر معنوی :

گروگان گیری را می توان از جهت عنصر روانی به مانند بسیاری از جرائم به دو بخش سوء نیت عام و سوء نیت خاص مورد تفکیک قرار داد. سوء نیت عام در گروگان گیری شامل قصد مرتکب به توقیف و حبس نمودن مجنی علیه است و سوء نیت خاص شامل قصد به نتیجه رسیدن این هدف.

در صورتی که مرتکب، این سوء نیت خاص را در مطالبه انجام خواسته خود (اعم از مالی، سیاسی و ...) را نداشته باشد و فقط صرفاً فرد را توقیف و حبس نموده باشد، فقط مرتکب جرم توقیف و حبس غیرقانونی شده است و هر جرم دیگری که حین توقیف انجام دهد با جرم مذکور جمع می شود. از این رو مشخص می شود که گروگان گیری از جرائمی است که دارای سوء نیت خاص (در قصد مجبور نمودن شخص ثالثی به انجام یا عدم انجام کاری) است. با این وجود تحقق نتیجه در این جرم (دستیابی به مال مورد درخواست یا انجام فعل مورد تقاضای گروگان گیر)، شرط کامل شدن این جرم نمی باشد و در صورتی که گروگان گیر بعد از توقیف

و حبس نمودن گروگان ها، خواسته خود را مطالبه کند و جان و امنیت گروگان یا گروگانها را وثیقه انجام درخواست خود اعلام کند ولی به وسیله عوامل خارجی، نتواند به خواسته خود برسد و مثلاً در حین ارتکاب این عمل، شناسایی و دستگیر شود و در رسیدن به هدف خود ناکام بماند، با این وجود جرم گروگان گیری به طور کامل تحقق پیدا کرده است و گروگان گیر مستوجب مجازات کامل خواهد بود.

از این رو مشخص می شود که خصوصیت جرم گروگان گیری این است که دارای سه طرف می باشد. در صورتی که در جرائم دیگر دو طرف در آن وجود دارد مجرم و مجنی علیه. در جنایت اخذ گروگان یا به عبارت دیگر گروگان گیری، هدف نهایی جانی شخص مجنی علیه نیست، بلکه جنایت دیده فقط وسیله ای است که از طریق او افراد یا اشخاص ثالثی زیر فشار قرار می گیرند تا با اکراه و اضطرار، نظر مجرم عملی گردد و او به خواسته اصلی خود برسد. وقتی هواپیمایی را می ربایند و مسافرین را به گروگان نگاه می دارند، منظور بزهکار، مسافرین گروگان گرفته شده یا کارکنان هواپیما نیست بلکه هدف بزهکار شخص یا مقام سومی است که با بوجود آوردن این شرایط اضطراری می خواهد به نتیجه برسد، سوابق مؤید آن است که موضوع گروگان گیری به درستی مورد دقت و بررسی قرار نمی گیرد و هم به لحاظ اجتماعی - امنیتی، به دلیل فقدان تعریف جامع و مشخصی از آن در زمره جرائم بحث های کارشناسی و تحلیل های جرم شناختی و روان شناختی پیرامون آن منظور اعمال فشار برای تأمین هدف های سیاسی از قبیل هواپیماربایی، تسخیر سفارتخانه ها، آدم ربایی و نظایر اینها.

به همین دلیل عملاً در مواجهه با گروگان گیری ها از یک واقعه غافل می مانیم و آن اینکه در چنین وقایعی افراد مرتکب عموماً دست به اعتراض عصیان گرانه می زنند و اعتراض آنها بر خلاف تعریف آدم ربایی که مخفیانه است، کاملاً آشکار است. همین وضع بر نگرانی حاصل از امکان تکرار موضوع می افزاید زیرا در شرایطی که جامعه از بیماریهای روحی - روانی رنج می برد و فشارهای اجتماعی - اقتصادی بر دوش مردم سنگینی میکند و در عمل همراه فراری برای آن یا راه حلی برای دفع آن نیست، بروز وقایع مشابه گریز ناپذیر است.

در نهایت پس از ذکر عناصر سه گانه جرم گروگان گیری ذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که شاید به عقیده برخی، از آنجا که اصل جرم گروگان گیری در قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری (مصوب 1385) مورد پذیرش قرار گرفته و

نسبت به مرتکبین این اعمال مقرراتی را وضع نموده است، می بایست مطابق با اصل 167 قانون اساسی و ماده 214 قانون آیین دادرسی کیفری، «حکم قضیه را با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر صادر نماید...» ، بدین معنی که احکام مربوط به سرقت انسان و محاربه و افساد فی الارض نسبت به آنان اعمال گردد. اما در پاسخ باید گفت اولاً همانطور که تقریباً همگی حقوقدانان بدان معتقدند اصل 167 قانون اساسی و ماده 214 قانون آیین دادرسی کیفری در رجوع به منابع فقهی صرفاً راجع به تبیین حکم قضیه حقوقی و یا در پرونده کیفری در موارد غیر از تعیین عنوان مجرمانه جدید است زیرا در غیر اینصورت این عملکرد مخالف دیگر اصول قانون اساسی و اصل مسلم «قبح عقاب بلا بیان» و دیگر اصول حقوق جزا خواهد بود. ثانیاً وقتی بتوان با عناوین مجرمانه ای از قوانین کیفری موضوعه از قبیل آدم ربایی، حبس و توقیف غیرقانونی و مخفی نمودن دیگری، عمل مجرمانه مرتکب گروگان گیر را به مجازات قانونی رساند، دیگر موردی برای رجوع به فتاوی معتبر و منابع فقهی باقی نخواهد ماند.

### **مبحث دوم : بررسی جرائم مرتبط با گروگان گیری**

با توجه به ماهیت جرم گروگان گیری که در آن آزادی تن قربانی جرم سلب شده و مجنی علیه مورد توقیف و حبس قرار می گیرد، جرائم دیگری نیز قابل ذکر است که با جرم گروگان شباهت دارند که در ذیل به توضیح آن می پردازیم.

#### **الف) توقیف غیرقانونی**

«توقیف در لغت به معنی بازداشتن، بازداشت کردن ، در جایی واداشتن، از حرکت بازداشتن، واقف گردانیدن است.»<sup>1</sup> از نظر کیفری «توقیف عبارت است از عمل مادی دستگیر کردن شخص و جلوگیری از ادامه طریق و بالجمله محروم ساختن او از اختیار رفتن و آمدن است و در مدت نسبتاً کوتاه که معمولاً از 24 ساعت تجاوز نمی کند.»<sup>2</sup> توقیف غیرقانونی همراه با آن بازداشت افراد نیز مانند گروگان گیری منجر به سلب آزادی تن می شود.

عنصر قانونی جرم توقیف و حبس غیرقانونی در ماده 583 قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است. این ماده مقرر می دارد: «هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیرآنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون ، جلب یا

<sup>1</sup> - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات ابن سینا، چاپ اول، 1346، ص 181

<sup>2</sup> - یاد، ابراهیم، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، 1352، ص 224



توقیف اشخاص را تجویز نموده است، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.»

موضوع جرم این ماده، شباهت زیادی با جرم گروگان گیری دارد، بنابراین ممکن است در مواردی میان آنها اشتباه شود، اما تفاوت هایی میان آنها وجود دارد که در ذیل توضیح داده می شود.

اولاً: ماده 583 مرتکب جرم را «مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح» دانسته است که اگر چنین باشد، تفاوت آن با جرم گروگان گیری که معمولاً از سوی افراد عادی صورت می گیرد، روشن است اما عبارت «یا غیر آنها» که به دنبال «مأمورین دولتی» آمده است. مشمول این ماده را نسبت به افراد عادی تقویت می کند. سابقه وضع این ماده نشان می دهد که اختصاص به کارمندان دولت داشته است زیرا ماده 193 قانون مجازات عمومی که در مورد این جرم بود به توقیف دانش آموزان توسط معلمان اشاره داشت و ماده 71 قانون تعزیرات هم آورده بود: «اولیاء قانونی اطفال از قبیل پدر نسبت به اولاد و ولی نسبت به مجنون از مفاد این ماده مستثنی می باشند، مشروط بر این که اقدام اولیاء، از حد قانونی تجاوز ننماید.» قرینه ای که برای اختصاص این جرم به کارمندان دولت وجود دارد، ذکر این ماده در فصل مربوط به تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی است که حذف افراد عادی در اصطلاحات بعدی نیز آن را تقویت می کند.

ثانیاً: به فرض آنکه ماده 583 را شامل افراد عادی نیز بدانیم، می توان از نظر مادی، میان این دو جرم تفکیک کرد، بدین صورت که ماده 583 مخصوص موردی باشد که سلب آزادی تن، به عنوان قانون صورت گیرد ولی در واقع غیرقانونی باشد، برخلاف گروگان گیری که بدون هدف اجرای قانون صورت گیرد، بلکه هدف نامشروعی همچون اخاذی، مسائلی سیاسی و یا نظایر اینها در پس آن نهفته است و مرتکب، ادعای قانونی بودن عمل خود را ندارد. برخلاف ماده 583 که مرتکب با سوء استفاده از موقعیت خود اقدام به چنین عملی می کند.

ثالثاً: جرم گروگان گیری با اهداف وسیع تر و تعداد قربانیان بیشتر نسبت به جرم توقیف و حبس غیرقانونی ساده صورت گرفته و از این رو نتایج زیان بار آن در جامعه بیشتر خواهد بود. در جرم گروگان گیری، مرتکب جرم به عنوان گروگان گیری جان، تمامیت جسمانی،

ناموس و ... گروگان یا گروگانان خود را وثیقه تحقق خواسته های خود قرار دارد و از طریق قربانی نمودن گروگان خود به خواسته های پلید و غیرقانونی خود در وصول پول یا انجام یا عدم انجام کار خاصی می رسد. که از این طریق اثرات جبران ناپذیری به گروگان مذکور، خانواده وی و جامعه خواهد زد.

## ب) آدم ربایی

«با توجه به اینکه جرم آدم ربایی از جرائم عمدی به شمار می رود که اثرات آن خیلی سریع جامعه را در بر می گیرد و مقنن لازم است جهت مقابله با مجرمان و افرادی که خطرناک به شمار می روند، محدودیت ها و اقدامات ضروری را جهت مقابله و مجازات مجرمان تعیین و به موقع اجرا نماید تا اثرات آن به جامعه از نظر ایجاد امنیت تسری یابد.»<sup>1</sup> جرم مذکور موضوع ماده 621 قانون مجازات اسلامی بوده که مقرر می دارد: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد ... و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد.

با وجود این ربودن انسان موضوع جرمی است که به حکم قانون اصطلاحاً آن را آدم ربایی می نامند. ماهیت جرم آدم ربایی، سلب آزادی از شخص مجنی علیه است و لذا با جرائم حبس و توقیف غیرقانونی موضوع ماده 583 قانون مجازات اسلامی وجه اشتراک دارد. بدین ترتیب «با فقدان شرایط لازم از برای تحقق جرم آدم ربایی، سلب آزادی مشمول ماده 583 قانون فوق الذکر، توقیف یا حبس غیرقانونی و مخفی کردن عادی است.»<sup>2</sup>

رفتار مجرمانه در آدم ربایی واژه «ربودن که در ماده 621 قانون مجازات اسلامی دوبار مورد استفاده قرار گرفته با توجه به معنای لغوی و حقوقی آن (ربودن در ماده 197 مجازات عمومی) ظاهراً ملازمه با جابجایی دارد و لذا صرف بازداشت یا سلب آزادی تن از اشخاص را نمی توان آدم ربایی دانست. با این حال جابجایی باید به گونه ای باشد که مفهوم عرفی ربودن را متبادر نماید و لذا اگر کسی، شخص بازداشت شده را از طبقه اول به منزل خود در طبقه دوم آن منتقل کند، نمی توان عمل او را آدم ربایی دانست. در تعامل آدم ربایی و سلب آزادی تن باید به نکات ذیل توجه داشت. نخست این که لازمه قطعی آدم ربایی و به عبارت دیگر مقدمه

<sup>1</sup> - شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر پازنگ، 1371، ص 338

<sup>2</sup> - گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، 1383، ص 225

لازم آدم ربایی آن است که از طرف، ابتدا، سلب آزادی تن شود و سپس در چنین وضعی جابجایی صورت گیرد. گاهی هر دو عنوان ممکن است همزمان محقق گردند. مانند این که راننده اتومبیل در جریان رانندگی مبادرت به ربودن سرنشین آن نماید. با این حال هرگز نمی توان تصور کرد که بازداشت موخر بر ربودن باشد یا به عبارت دیگر نباید سلب آزادی تن را نتیجه ربودن داشت. ویژگی های بزه دیده، در جرم آدم ربایی ساده، بزه دیده باید حداقل پانزده سال سن داشته باشد و در غیر اینصورت و بر حسب مورد ممکن است مشمول آدم ربایی با مجازات شدید شود (قسمت اخیر ماده 621) و یا دزدیدن طفل تازه متولد شده (ماده 631) گردد. جنسیت، دین، ملیت و امثال این ها موثر در تحقق جرم نخواهد بود.

شکل ارتکاب - در ماده 621 قانون مجازات اسلامی، آدم ربایی و اخفاء به دو شکل مطرح گردیده است. نخست، مباشرت که قانونگذار این مصداق را با جمله «شخصاً بر باید...» مشخص نموده و منظور موردی است که آدم ربایی توسط مرتکب مستقیماً و بدون واسطه انجام گیرد. مانند آن که فرد یا افرادی به محل کار دیگری مراجعه و او را به عنف و تهدید به داخل اتومبیل انداخته و برابند. دوم، مداخله غیرمستقیم و در مصداقی که بیش از یک نفر در آدم ربایی دخالت کنند. «هر کس توسط دیگر شخصی را بر باید و یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد...» از فحوائی این جمله چنین بر می آید که موضوع صرف شرکت در آدم ربایی و مباشرت محکوم علیه منتفی است و موضوع معاونت در آدم ربایی نیز مورد نظر مقنن بوده است. بنابراین جمله مذکور ناظر بر موردی است که در وقوع آدم ربایی یک سبب و یک مباشر مداخله دارند و سبب، اقوی از مباشر است. مانند آن که مباشر به دلایلی از قبیل جهل به موضوع یا فقدان سایر شرایط لازم بتوان سبب را مسئول شناخت.

در بیان تفاوت گروگان گیری و آدم ربایی می توان به ماده 1 کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری در سال 1979 اشاره کرد که منظور از گروگان گیری را چنین بیان می کند: «هر شخصی که نسبت به در اختیار گرفتن و یا نگه داشتن فرد دیگری اقدام نماید و به منظور مجبور نمودن یک طرف ثالث (اعم از یک دولت، یا یک سازمان بین المللی، یک شخصیت حقیقی یا حقوقی و یا گروه از افراد) ازادی گروگان ها را به عنوان یک شرط صریح یا ضمنی، منوط به انجام عمل و یا عدم انجام یک عمل نماید، مجرم محسوب می گردد. در ضمن

هر کسی که شروع به ارتکاب این جرم نماید یا به عنوان معاون جرم در ارتکاب آن مشارکت نماید، مجرم شناخته می شود.<sup>1</sup>

با توجه به مقررات این کنوانسیون و کنوانسیون های دیگر بین المللی و خصوصاً بر اساس بند 8 از قسمت (الف) ماده 8 اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، گروگان گیری اصولاً ناظر به روابط میان دولت ها بوده و در حالی که جرم آدم ربایی چنین نیست. گروگان گیری شامل انواع زیادی از روش های اجرایی بوده و می تواند ناشی از هواپیما ربایی، حمله به تأسیسات عمومی یا خصوصی، ربودن یک شخص با نفوذ یا یک نماینده باشد. همچنین می تواند اهداف سیاسی و بنایی داشته باشد.

علاوه بر این جرم گروگان گیری غالباً در حین جنگ و مخاصمات مسلحانه ارتکاب می یابد، در حالی که جرم آدم ربایی مقید به زمان خاصی نیست. مرتکب یا مرتکبان جرم گروگان گیری اصولاً نظامیان و یا سایر گروههای مبارز سیاسی هستند ولی در جرم آدم ربایی مرتکب اعم است از نظامی و غیر نظامی. برابر بند (ب) ماده 3 قرارداد ژنو، راجع به بهبود سرنوشت زخم داران و بیماران در نیروهای مسلح در هنگام اردو کشی مورخ 12 اوت 1949 میلادی که در تاریخ 1343/9/30 هجری شمسی به تصویب دولت ایران رسیده است، اخذ گروگان در مورد کسانی که مستقیماً در جنگ و نزاع مسلحانه (چه داخلی و چه بین المللی) شرکت ندارند و نیروهای مسلحی که اسلحه زمین گذاشته اند، در هر زمان و مکان ممنوع است و ممنوع خواهد بود و برابر ماده 34 قرار دارد ژنو راجع به حمایت افراد کشور در زمان جنگ مورخ 12 اوت 1949 میلادی اخذ گروگان ممنوع است.

موضوع جرم گروگان گیری، غیر نظامیان هستند اما در آدم ربایی موضوع جرم اطلاق دارد و شامل تمام اشخاص اعم از نظامی و غیر نظامی می شود. بر اساس ماده 5 پیش نویس اعلامیه راجع به حمایت از افراد در مقابل سر به نیست شدن که به مجمع عمومی سازمان ملل تسلیم شده است. رویه سیستماتیک آدم ربایی را به عنوان جرمی نسبت به بشریت محکوم می نماید. افزون بر مجازات های کیفری مناسب، آدم ربایی متضمن مسئولیت مدنی مباشرین و دولت و یا مقامات حکومتی است که این رویه را سازماندهی یا با آن موافقت می کنند یا در

<sup>1</sup> - International convention against the taking of hostage (1979)

مورد آن مسامحه روا می دارند. این مسئولیت نافی مسئولیت بین المللی که دولت ذریبط طبق اصول حقوق بین الملل به عهده دارد، نخواهد بود.

همچنین گروگان گیری همیشه به عنوان یک تضمین جهت تأمین خواسته های گروگان گیران صورت می گیرد و گروگان گیران همواره قصد آزادی گروگان ها را ولو به صورت مشروط دارند، در حالی که در جرم آدم ربایی مرتکب همواره چنین قصدی ندارد. برابر بند (الف) قسمت (1) ماده 2 قانون مربوط به کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی از جمله مأمورین سیاسی مصوب 14 دسامبر 1973 مشتمل بر یک مقدمه و 20 ماده که ایران نیز به موجب ماده واحده مصوب 1375/2/26 آن را تصویب کرده و به آن ملحق شده است. «قتل و ربودن یا هر نوع دیگر حمله به شخص یا آزادی شخصی مورد حمایت بین المللی، جرم بوده و قابل مجازات است. همچنین تهدید به ارتکاب چنین حمله یا شروع به آن و معاونت در چنین حمله ای نیز جرم است.»

عدم رضایت ، شرط لازم ، لازمه جرم آدم ربایی و اخفاء ، عدم رضایت طرف مقابل است و لذا رضای او مانع تحقق جرم خواهد بود. اشکال زوال رضایت و مشروط بر نفوذ آن موثر نیست و قانونگذار با تصریح به «... به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصی را برباید یا مخفی نماید...» بر ضرورت عدم رضایت و بی تأثیری شکل زوال آن مهر تایید نهاده است. عنف ممکن است به صورت مادی از قبیل بستن دست و پا، مضراب و مجروح کردن، دست و پای کسی را گرفتن و امثال آن انجام گیرد و گاهی به شکل عنف معنوی انجام شود مانند آنکه تهدید نسبت به طرف یا خانواده او صورت پذیرد در این شکل از عنف، هر چند بزه دیده شخصاً و با اراده خود مثلاً وارد اتومبیل می شود و یا حتی خود به محل اخفاء می رود ولی چون اقدامی به لحاظ فقدان اختیار ، نافذ نیست، عدم رضایت تلقی می گردد.

آدم ربایی ممکن است با توسل به حيله و تقلب و نیرنگ واقع شود مانند آن که مرتکب با استفاده از تاکسی یا مسافرکشی، طرف را فریب دهد و یا برعکس به عنوان مسافر سوار تاکسی شود و با دادن آدرس، راننده را به جهتی که قصد آدم ربایی دارد، دلالت نماید که در صورت تحقق سایر شرایط ، آدم ربایی محقق خواهد بود.

قانونگذار به مصادیق فوق اکتفا نکرده و با اضافه کردن جمله «... یا به هر نحو دیگر...» بر ضرورت عدم رضایت بزه دیده تاکید بیشتری می نماید تا امکان سوء استفاده مرتکب را منتفی

سازد. عنف، تهدید و فریب در صورتی جزئی از عمل مرتکب محسوب می شود که نسبت به ربه شده نیز اعمال شده باشد، اعم از این که شخص ربه شده قادر به درک باشد یا نباشد. مانند آن کسی که با شکستن درب منزل وارد و دیگری را که در حال کما است، برآید. با این توضیح می توان گفت که جرم آدم ربایی یا اخفاء با رضایت بزه دیده قابل تحقق نیست و لذا صرف سوء نیت مرتکب و داشتن انگیزه های سوء و انجام عنصر مادی جرم آدم ربایی و اخفاء کافی برای تحقق جرم نخواهد بود.

پس در ماده 621 قانون مجازات اسلامی در حقیقت دو جرم بیان می شود، آدم ربایی و مخفی کردن دیگری، که گرچه در بسیاری موارد یک جرم، نتیجه جرم دیگری است، اما این دو جرم ممکن است بصورت جداگانه ای هم محقق شوند. بنابراین نباید این دو جرم را یک جرم پنداشت. مثلاً ممکن است شخصی بدون قصد آدم ربایی دیگری را با خود به محلی ببرد و در آنجا مدتی بدون هیچ گونه قصد مجرمانه ای بماند، اما ناگهان به ذهن وی خطور کند که همراه خود را به انگیزه هایی همچون اخاذی و انتقام، در آن محل مخفی نماید.

آدم ربایی از نظر مادی شباهت زیادی به ربودن دارد و تفاوت اساسی این دو در موضوعی است که ربه شده می شود. (مال و انسان) پس ربودن انسان بدین معنی است که انسانی بدون اراده و رضای واقعی وی توسط دیگری از محلی به محل دیگر انتقال داده می شود و آزادی تن او بدین وسیله سلب می گردد. برای تحقق این عنصر، نحوه ربودن تأثیری ندارد. گاهی ممکن است رباینده با قهر و غلبه و خشونت، دست و پای شخصی را گرفته و با زور همراه خود ببرد، گاهی ممکن است با تهدید و اجبار او را وادار کند که همراه با او برود و گاهی ممکن است مجنی علیه را فریب دهد و همراه خود ببرد.

«پس برای تحقق عنصر مادی آدم ربایی دو چیز لازم است. یکی اینکه جسم مجنی علیه از محلی به محل دیگر انتقال داده شود و دیگری اینکه شخص ربه شده، اراده ای از خود نداشته باشد، به گونه ای که آزادی تن او محدود گردد.»<sup>1</sup>

آنچه که در اینجا مهم است، سلب آزادی تن است که مورد حمایت جدی قانونگذار می باشد. پس هر چند ربودن در واقع عنصر مادی جرم سرقت است ولی در آدم ربایی ربودن و مخفی کردن شخص مطرح است که به عنف یا تهدید حیل یا به هر نحو دیگر ممکن است

<sup>1</sup> - زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، جلد دوم، نشر فیض، 1371، ص 84

انجام شود. نهایتاً «ربودن انسان ماهیتاً موجب سلب آزادی موقتی از مجنی علیه می گردد که جرمی آنی است. در حالی که مخفی کردن جرمی است مستمر و ممکن است آن جا مقفل، محفوظ و دور از انظار باشد.»<sup>1</sup>

مخفی کردن به معنی مستور کردن و پوشاندن است. بدین معنی که مجنی علیه بدون اراده خود در محلی که رفت و آمد در آن صورت نمی گیرد و امکان خارج شدن از آن وجود ندارد، نگهداری شود که البته در این خصوص هم باید توجه داشت که مخفی کردن، یک معنی عرفی دارد و ممکن است در محلی که مجنی علیه در آن نگهداری می شود، افراد زیادی باشند، اما عنوان مخفی کردن صدق کند. مانند اینکه چند نفر برای کار کردن در محلی همچنین معدن یا مزرعه محصور شده و در آنجا نگهداری شوند.

ممکن است آدم ربایی منتهی به مخفی کردن شود یعنی رباینده برای اینکه بر عمل خود سرپوش بگذارد، مجنی علیه را در محلی مخفی کند. در این صورت دو جرم محقق نشده است تا بتوان دو مجازات نسبت به آن اعمال کرد بلکه در اینجا مخفی کردن، نتیجه منطقی آدم ربایی است و یک جرم محسوب می شود. محل مخفی کردن لازم نیست محلی متعلق به مخفی کننده یا شخص دیگری باشد بلکه اگر مرتکب، صاحبخانه ای را در خانه خودش هم مخفی نماید، مشمول این عنوان مجرمانه خواهد بود.

از نظر عنصر مادی، تفکیک دیگری میان جرم آدم ربایی و مخفی کردن دیگری به عمل آمده است، و مستمر بودن تحقق آنهاست. دکتر گلدوزیان معتقد است: «ربودن انسان ماهیتاً موجب سلب آزادی موقتی از مجنی علیه می گردد که جرمی آنی است، در حالی که مخفی کردن جرمی مستمر است.»<sup>2</sup> اشکالی که به این تفکیک می توان وارد نمود آن است که نحوه ارتکاب جرم از این نظر، در هر دو مورد یکسان است. زمانی که شخص ربوده شده از مکانی به مکان دیگر منتقل گردیده جرم آدم ربایی محقق می شود و تفاوتی ندارد که این ربودن ادامه پیدا کند یا بلافاصله قطع گردد این خصوصیات در مخفی کردن هم وجود دارد. یعنی وقتی شخصی دیگری را مخفی کرد، جرم مخفی کردن محقق می شود اعم از این که مخفی کردن ادامه یابد یا پس از مدت کوتاهی قطع گردد. فلسفه ممنوعیت این جرم که همان جلوگیری از سلب آزادی تن دیگری است، در هر دو جرم به نحو یکسان وجود دارد. پس دو جرم یا باید

<sup>1</sup> - گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ دهم، انتشارات دانشگاه تهران، 1383، ص 226

<sup>2</sup> - همان، ص 226

جرم آنی و یا مستمر باشند. در پاسخ به این ایراد ممکن است گفته شود، ملاک تمایز جرم آنی و جرم مستمر، زمان لازم برای تحقق عنصر مادی جرم است. یعنی در جرم آنی، زمانی کوتاه برای تحقق جرم کافی است اما برای تحقق جرم مستمر، زمانی طولانی لازم است و جرم آدم ربایی و مخفی کردن، این تفاوت را با هم دارند، زیرا جرم آدم ربایی به محض اینکه شخصی ربوده شد، محقق می‌گردد. هر چند طی زمانی کوتاه باشد. اما اگر شخص دیگری را برای چند دقیقه در محلی مخفی کند و سپس او را آزاد نماید عنوان «مخفی کردن دیگری» بر عمل او صدق نمی‌کند. انتقادی که بر این دیدگاه وارد است، این است که در تفکیک میان جرائم آنی و مستمر، عنصر معنوی و قصد مجرم تأثیری ندارد، بلکه باید به عنصر مادی جرم توجه داشت. عنصر مادی جرم آدم ربایی و مخفی کردن دیگری معمولاً به صورت فعل مادی مثبت رخ می‌دهد بلکه احتمال تحقق آن با ترک فعل منتفی نیست.

همچنین باید خاطر نشان ساخت که جرم آدم ربایی از جرائم عمدی است و لذا باید قصد مجرمانه یا سوء نیت مرتکب جرم در دادگاه احراز شود. بدین ترتیب علاوه بر وجود شرط قانونی مبتنی بر پیش بینی رفتار مجرمانه توسط قانونگذار و بروز خارجی رفتار مجرمانه، باید عملیات مجرمانه ناشی از اراده و خواست مرتکب باشد یعنی باید بین عمل ارتكابی و عامل، رابطه روانی یا ارادی وجود داشته باشد که آن را عنصر روانی یا معنوی می‌نامند. قانونگذار در ماده 621 قانون مجازات اسلامی صراحتاً به قصد مرتکب بر مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر یا به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر، اشاره نموده است که تماماً حاکی از عمدی بودن جرم مورد بحث است.

پس آدم ربایی و اخفاء از جرائم عمدی هستند که مرتکب علاوه بر علم به موضوع جرم و وصف آن یعنی انسان زنده باید انجام رفتار مجرمانه ربودن و اخفاء محقق شود جهل به اینکه آنچه می‌رباید انسان زنده است و یا این که اگر در طفل تازه متولد شده یا مرده یا زنده بودن چنین طفلی مرتکب اشتباه شود و آن را با «انسان دیگری» موضوع ماده 621 اشتباه نماید، حسب مورد عنوان جرم ارتكابی متفاوت خواهد بود. موضوع ماده 621 انسان زنده ای است که طفل تازه متولد شده نباشد. اشتباه مرتکب در هویت بزه دیده موجب برای تغییر وصف عمدی بودن و به طریق اولی وصف مجرمانه نخواهد بود. علم و آگاهی مرتکب به عدم رضایت بزه دیده شریط نیست. اثبات عدم رضایت بزه دیده و اثبات سوء نیت عام مرتکب کافی به مقصود به نظر



نمی رسد و البته جرم آدم ربایی جزء جرائم مقید به شمار رفته و محبوس شدن و اسیر شدن مجنی علیه در دست آدم ربا به طوری که نسبت به آن تسلط پیدا کند. جزء شرط اصلی تحقق آدم ربایی است و سوء نیت خاص این جرم نیز بر همین نتیجه استوار است با این وجود بعضی از اساتید حقوق<sup>1</sup> عقیده بر مطلق بودن جرم آدم ربایی و عدم نیاز به وجود سوء نیت خاص در آن دارند.

نکته مهم دیگری که باید بدان اشاره کرد این است که قانونگذار با تصریح به «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا قصد انتقام یا به هر منظور دیگر...» ظاهراً به ضرورت وجود انگیزه در آدم ربایی و اخفاء در ماده 621 قانون مجازات اسلامی تاکید داشته است. با این حال قسمت اخیر جمله (... یا به هر منظور دیگری) تردیدهایی را در خصوص ضرورت و یا نوع انگیزه مطرح می نماید. در راستای رفع چنین تردیدهایی، دلایل زیر کارساز است. نخست: از جمله «یا به هر منظور دیگری...» نمی توان به نتیجه عدم ضرورت انگیزه در آدم ربایی یا اخفاء رسید. نظر مقنن از این جمله خارج ساختن انگیزه از مصادیق حصری صدر جمله و تمثیلی نمودن آن است. اگر چنین استدلالی را نپذیریم و انگیزه را موثر در وقوع آدم ربایی و اخفاء موضوع ماده 621 ندانیم چگونه باید به اخفاء موضوع این ماده و ماده 583 قائل به تفصیل گردید؟ دو عنوان مشابه با دو مجازات کاملاً متفاوت ولی با ساختاری یکسان؟

دوم: جمله «... یا به هر منظور دیگری» پس از تصریح مقنن به انگیزه های سوء مانند قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام می تواند متضمن دو معنا باشد. یکی این که در ماده 621 هر چند وجود انگیزه ضروری است ولی نوع آن اعم از نیک یا بد، موثر در وقوع جرم نیست. چنین برداشتی ما را دوباره با همان مشکل قسمت اخیر بند نخست در مورد اخفاء مواجه می سازد. معنای دومی که از جمله «به هر منظور دیگری» قابل استنباط است، اراده قانونگذار به خروج انگیزه های سوء از محدوده «مطالبه وجه یا مال یا انتقام و تمثیلی کردن انگیزه مرتکب در محدوده انگیزه های سوء است. به عبارت دیگر نتیجه این تفسیر آن است که اولاً انگیزه، شرط لازم برای آدم ربایی و اخفاء در ماده 621 می باشد و ثانیاً چنانچه سوء باشد، مصداق آن موثر در وقوع جرم نخواهد بود و لذا انگیزه تجاوزز به عنف، برداشتن عضو و پیوند به دیگری، بد نام کردن خانواده شخص ربوده شده، ایجاد فضای فاقد امنیت در منطقه امثال آنها

<sup>1</sup> - آقای نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، نشر میزان، چاپ اول، 1385، ص 167

هم می توانند از انگیزه هایی باشند که جزئی از رکن معنوی جرم را تشکیل می دهند. با این حال باید در تفسیر مفهوم «سوء» معیار عرف را ملاک قرار داد. در این صورت بسیاری از انگیزه ها که ظاهر نامشروعی هم ندارند به لحاظ عرفی و قانونی فاقد چین وصفی خواهند بود. بنابراین اگر کسی به منظور طلب قانونی خود، بدهکارش را برباید، به اتهام آدم ربایی همراه با انگیزه سوء قابل مجازات است.

**در هر صورت به واسطه تشابه فراوان جرائم حبس و توقیف غیرقانونی و آدم ربایی با جرم گروگان گیری به بررسی طبیعت و ماهیت گروگان گیری از این منظر و راجع به آنی یا مستمر بودن آن یا مطلق یا مقید بودن و همچنین شروع به جرم و مشارکت و معاونت در آن می پردازیم.**

در مورد آنی بودن جرم آدم ربایی و مستمر بودن جرم توقیف غیرقانونی قبلاً بحث شد.<sup>1</sup> اما در جرم گروگان گیری از آنجایی که عمل به گروگان گرفتن و توقیف و محبوس نمودن گروگان ها و گرو قرار دادن جان و آزادی آنها در برابر خواسته مرتکب تا پایان عملیات گروگان گیری ادامه داشته و در طول زمان در جریان است از این رو جرم مذکور جزء جرائم مستمر محسوب می شود نه آنی.

در مورد مطلق یا مقید بودن جرائم مذکور نیز باید گفت، در گروگان گیری با توجه به اینکه در آن مرتکب، مجنی علیه را به اجبار و بر خلاف رضایت، او را محبوس و توقیف نموده و از شخص ثالثی درخواست می کند و ممکن است اقدام مجرمانه به گروگان گیر به نتیجه مورد نظر او یعنی انجام یا عدم انجام فعلی مثل پرداخت وجه و... منجر شود و نیز بتواند بعد از محقق شدن خواسته اش و رسیدن به نتیجه، از محل وقوع جرم بگریزد و در واقع گروگان گیری خود را با موفقیت انجام دهد و یا بر عکس ممکن است، گروگان گیر بعد از محبوس کردن قربانیان و به اسارت در آوردن آنها و اعلام درخواست خود به واسطه عوامل خارجی، خارج از اختیار خود مثلاً پلیس، دستگیر شود و در اقدام خود ناکام بماند. در هر صورت عمل گروگان گیری انجام شده است و گروگان گیر افرادی را به طور غیرقانونی برخلاف میل و اراده آنها، توقیف و

---

<sup>1</sup> - برای بررسی بیشتر مراجعه کنید به: آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1378، ص 219، «جرم مستمر عبارت است از بزه هایی است که برای مدتی دوام یابد و مرتکب قصد ادامه آن را داشته باشد مانند توقیف غیرقانونی اشخاص و اخفای مال مسروقه، در این نوع جرائم مرور زمان از تاریخ عمل مجرمانه شروع می شود... ابتدای مرور زمان جرائم مستمر تاریخ قطع استمرار تعیین شده است.»

محبوس نموده است و جان، سلامتی، حیثیت و آزادی تن آنها را منوط به انجام تقاضای خود نموده است. از این رو جرم گروگان گیری جزء جرائم مطلق به شمار می رود نه مقید و تحقق هیچ نتیجه ای در این جرم ضروری و لازم به نظر نمی رسد.

جرم توقیف غیرقانونی نیز همانند جرم گروگان گیری و با توجه به شباهت بسیار نزدیکی که در ماهیت آن دارد، جزء جرائم مطلق به شمار رفته و بعد از توقیف و حبس شدن مجنی علیه، هیچ شرط یا نتیجه خاصی در تحقق کامل جرم حبس و توقیف غیرقانونی لازم نخواهد بود. در آدم ربایی نیز با توجه به این که در آن، مرتکب اقدام به ربودن مجنی علیه نموده و او را به محلی جهت مخفی کردن می برد. پس با وجود این که عنصر مادی جرم آدم ربایی در ربودن و نقل مکان دادن مجنی علیه به اجبار و برخلاف میل و اراده او صورت می گیرد با این وجود لازم است که مجنی علیه حداقل برای مدت کوتاهی توسط فرد آدم ربا در محلی محبوس شود، به نحوی که رباینده بر مجنی علیه کاملاً تسلط یابد از این رو با این توصیفات به نظر می رسد جرم آدم ربایی جرمی مقید بوده و شرط تحقق آن این است که مجنی علیه بعد از عمل ربایش در محلی بسته، توقیف و حبس شود. از این رو در صورتی که مرتکب به زور، اجبار و خشونت، فردی را ربوده و او را سوار اتومبیل نماید و به سمت مخفیگاه خود حرکت کرده تا در آنجا مجنی علیه را محبوس نماید، ولی در بین راه توسط پلیس دستگیر شود، می توان گفت که در اینجا جرم آدم ربایی کاملاً محقق نشده و در نتیجه آدم ربایی که همان محبوس نمودن مجنی علیه است. کاملاً محقق نشده است و مرتکب را فقط می توان به عنوان شروع به آدم ربایی تعقیب و مجازات شود.

به هر حال آدم ربایی از جرائمی است که نیاز به نتیجه خاص دارد که عبارت است از سلب آزادی تن از فرد ربوده شده و اگر این آزادی تن سلب نشود، در حد شروع به جرم و یا حتی عدم تحقق شروع به جرم می باشد. چون شروع به جرم احتیاجی به تحقق نتیجه ندارد و در واقع شروع به جرم حاصل تحقق عدم نتیجه است برای این که سلب آزادی که نتیجه جرم آدم ربایی است محقق شود، لازم است مدتی از نظر عرفی بگذرد که بتوانیم بگوییم، آزادی فرد سلب شده است و رباینده تسلط کامل بر فرد ربوده شده دارد و می تواند به هر طرف که بخواهد او را ببرد. نکته دیگری که قابل ذکر می باشد این است که میان عمل مادی فیزیکی و نتیجه، باید رابطه علیت و سببیت وجود داشته باشد یعنی همین عمل مادی و فیزیکی منتج

به این نتیجه گردد و نه چیز دیگر. مثلاً تهدید مجنی علیه توسط رباینده باعث ترس و تحت تأثیر قرار گرفتن وی شود و او مجبور به همراهی رباینده گردد، البته در اینجا وجود یک رابطه مستقیم، ضروری نیست.

به هر حال این رابطه باید به گونه ای باشد که صرفاً بتوان گفت نتیجه سلب آزادی و ربوده شدن شخص، عمل مادی مرتکب بوده است. مثلاً فاصله زمانی بین عمل مادی فیزیکی مرتکب و نتیجه نباید به صورتی زیاد باشد که نتوان گفت سلب آزادی در نتیجه عمل مادی مرتکب بوده است.

در مورد شروع به جرم نیز باید تصریح کرد. در جرم گروگان گیری همانطور که گفته شد، گروگان گیر با محبوس کردن گروگان ها و اعلام خواسته های خود، جرم گروگان گیری را به صورت کامل انجام داده است، هر چند به نتیجه و خواسته های نهایی خود در انجام مورد درخواست، مثلاً اخذ وجوه خواسته شده، نرسد. از طرفی شروع به جرم گروگان گیری کمی مشکل به نظر می رسد. بدین معنی که مرتکب از مرحله عملیات مقدماتی گذشته و وارد مرحله اجرایی جرم شده باشد. مثلاً قربانیان را به گروگان گرفته باشد ولی هنوز فرصتی برای طرح خواسته خود پیدا نکند و یا هنوز به گروگانان مسلط نشده و عملیات توقیف و به گروگان گرفتن را نیز به طور کامل انجام نداده باشد که بعد نوبت به مرحله طرح خواسته برسد. از این رو، این اقدامات مشمول جرم گروگان گیری نبوده و می توان مصداقی از جرم حبس و توقیف غیرقانونی به عنوان جرمی مستقل محسوب شود.

در مورد شروع به جرم آدم ربایی نیز باید گفت به هر حال این جرم از جرائمی است که نیاز به نتیجه خاص دارد که عبارت است از سلب آزادی تن از افراد ربوده شده و اگر این آزادی تن، سلب نشود، در حد شروع به جرم آدم ربایی خواهد بود. مجازات شروع به این جرم طبق تبصره ماده 621 قانون مجازات اسلامی سه تا پنج سال حبس در نظر گرفته شده است. در قانون فرانسه در مواد 1-224 الی 5-224 قانون جزای این کشور مجازاتی برای شروع به جرم در نظر گرفته نشده است. در ماده 1-421 هم که در مورد تروریسم و آدم ربایی تروریستی است، ذکری از شروع به این اعمال به میان نیامده است اما در ماده 11-227 قانون جزا<sup>1</sup> شروع

<sup>1</sup> - Art 227- “Latentative des infractions aux prevux aux articies 2277 et 8 est pume de memes peines”

به ربودن اطفال که در مواد 7-227 و 8-227 آمده، همان جرم تام است که این مساله به خاطر حمایت از اطفال و به خاطر مهم بودن جرم فوق می باشد.

در حقوق بین الملل نیز شروع به گروگان گیری و آدم ربایی قابل مجازات دانسته شده است که تشخیص ضوابط آن معمولاً به عهده دادگاه رسیدگی کننده به شکایت می باشد. از جمله بند (د) ماده 2 کنوانسیون راجع به جلوگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی من جمله مأموران دیپلماتیک (1973) شروع به جرم آدم ربایی، جزء جرائم این کنوانسیون آمده و قابل مجازات دانسته شده است.

ماده 1- کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری مصوب 17 دسامبر 1979 میلادی در بند (الف) شروع به جرم گروگان گیری را جرم و قابل مجازات دانسته و در ماده 2 از کشورهای عضو می خواهد این عمل را جرم انگاری نمایند.

در ماده 621 قانون مجازات اسلامی از دو جرم آدم ربایی و مخفی کردن به عنف نام برده شده، اما در تبصره این ماده که حکم شروع به جرم آمده، ذکر از شروع به مخفی کردن، نشده و لفظ شروع به ربودن مورد حکم قرار گرفته است و با توجه به تصریح قانونگذار، شروع به جرم تنها در مورد آدم ربایی صدق می کند و برای شروع به مخفی نمودن - اگر قابل تصور باشد - باید به مقررات کلی شروع به جرم مراجعه نمود. تبصره ماده 621 قانون مجازات اسلامی در مورد شروع به جرم آدم ربایی مقرر می دارد: «مجازات شروع به ربودن، سه تا پنج سال حبس است.» شروع در آدم ربایی، تابع احکام عمومی مربوط به شروع به سایر جرائم است و مربوط به بحث حقوق جزای عمومی است. در اینجا ذکر چند نکته بسنده می کنیم، همانطور که گفتیم بر اساس ظاهر تبصره موصوف، شروع در مخفی کردن دیگری مجازات ندارد، زیرا مخفی کردن، عنوان مجرمانه ای است که با آدم ربایی تفاوت دارد و شاید قانونگذار به عمد شروع در مخفی کردن را بیان نکرده است. زیرا جرم مخفی کردن، جرمی مطلق است که به محض شروع، پایان می یابد و جرم به صورت کامل محقق می شود. اما این احتمال قابل رد است. زیرا شروع در مخفی کردن بدون این که منتهی به مخفی کردن شود، قابل تصور است. مانند این که شخصی شروع به مخفی کردن دیگری کند و در حال قفل کردن درب باشد که دستگیر شود. به علاوه این که اگر جرم مخفی کردن را جرم مستمر بدانیم، لحظات آغازین مخفی کردن، شروع در مخفی کردن به حساب خواهد آمد. زیرا برای تحقق کامل این جرم

باید زمانی نسبتاً طولانی سپری شود. همچنین این احتمال که قانونگذار، عبارت «شروع به آدم ربایی» را برای شروع در مخفی کردن نیز بکار برده باشد، احتمال ضعیفی است، هر چند تبصره را ناظر بر متن ماده بدانیم که به هر دو جرم اشاره دارد، زیرا حکم به چنین مجازات سنگینی نیاز به تصریح قانونگذار دارد.

چنانچه شخصی که دیگری را ربوده است، هر گاه از کرده خود پشیمان شود و مجنی علیه را آزاد کند، در مسئولیت کیفری او تأثیری ندارد، اما اگر پس از شروع به آدم ربایی با میل خود اقدام به ترک آدم ربایی نماید، مشمول تبصره دوم ماده 41 قانون مجازات اسلامی خواهد بود: «کسی که شروع به جرمی کرده است» به میل خود آن را ترک کند و اقدام انجام شده، جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد.»

در مورد مشارکت و معاونت در این جرائم نیز قابل ذکر است که در گروگان گیری مانند جرائم دیگر امکان تحقق مشارکت و معاونت، هر دو قابل تصور است. و ممکن است گروگان گیر در ارتکاب عمل گروگان گیری و محبوس کردن گروگانان دارای شریک و یا شرکایی باشد که او را در انجام این کار همراهی می کنند. معمولاً گروگان گیری هایی که مرتکبان جرم چند نفر باشند، اثرات مخرب بیشتری داشته و در ایجاد رعب و وحشت و سلب امنیت و آرامش عمومی بیشتر موثر است. مسلم است که بر مبنای اصول پذیرفته شده حقوق کیفری هر یک از این شرکاء، مجازات مستقل مباشر جرم گروگان گیری را خواهند داشت.

همین طور ممکن است فرد یا افرادی در عمل گروگان گیری به طور مستقیم مباشرت و مشارکت نداشته باشند ولی از طریق مختلف و با آگاهی و اراده، گروگان گیران را در جهت رسیدن به اهداف مجرمانه خود کمک و مساعدت نمایند. مثلاً برای گروگان گیران اسلحه فراهم کنند یا راجع به قربانیان یا خانواده و اطرافیان آنها به مرتکبان اطلاعات بدهند و... مسلم است که نحوه عکس العمل و مجازات معاون جرم و همین طور شریک جرم در گروگان گیری مستلزم وجود یک عنصر قانونی در جهت تعیین مجازات برای خود جرم گروگان گیری و معاونت نسبت بدان می باشد. البته واضح است که با عدم وجود یک عنصر قانونی خاص جهت جرم انگاری عمل گروگان گیری، به اجبار به سراغ عناوین مجرمانه دیگر برای مجازات مرتکبان (اعم از مباشر، شریک یا معاون) می رویم.

در رابطه با مشارکت و معاونت در جرم آدم ربایی نیز می توان گفت، در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص که توسط ماده 621 قانون مجازات اسلامی (مصوب 1375)، منسوخ گردیده است، از آنجا که قانون خاصی بوده و فلسفه آن مبارزه با مجرمین و تبهکارانی بود که در اثر ارتکاب اعمال بسیار خطرناک خود، امنیت و آسایش کل جامعه را به خطر می انداختند، معاون و مباشر جرم را یکی دانسته و در ماده 7 مقرر می داشت: «هر کس اعمال مذکور در ماده 1 را توسط دیگری انجام دهد به همان مجازات مباشر جرم محکوم می شود و در این مورد تخفیف مجازات همان است که درباره مباشر مقرر گردیده است.» اما در حال حاضر بر اساس ماده 43 قانون مجازات اسلامی، مجازات شریک، مجازات فاعل جرم است و از آنجا که مجازات فاعل جرم آدم ربایی در ماده 621 تعیین گردیده است، بنابراین بر اساس آن مجازات شریک، معین خواهد شد.

در مورد معاونت نیز ماده 726 قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هر کس در جرائم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می شود.» بنابراین با عنایت به اینکه ماده مزبور تکلیف مجازات معاونت در جرائم تعزیری را مشخص کرده، لذا مجازات معاونت در جرم آدم ربایی، حداقل مجازات ماده 621 یعنی پنج سال حبس و مجازات معاونت در جرم توقیف غیرقانونی نیز مطابق ماده 583 یکسال حبس خواهد بود.

با تصریح ویژگی های فوق در مورد ماهیت جرم گروگان گیری و جرائم مشابه آن، در ذیل به دو تفاوت دیگر گروگان گیری با آدم ربایی اشاره می کنیم.

جرم آدم ربایی همانطور که گفتیم مستلزم این است که مرتکب جرم، مجنی علیه را به اصطلاح برباید. یعنی از محلی که قرار دارد به اجبار، اکراه یا فریب به مکان دیگری که برای نگهداشتن مجنی علیه در نظر دارد، منتقل کند و او را در آنجا محبوس گرداند پس انتقال مجنی علیه از مکانی به مکان دیگر در جرم آدم ربایی از ارکان اصلی تحقق آن است ولی در جرم گروگان گیری، گروگان در واقع در همان جایی که قرار دارد، به اجبار توسط گروگان گیر یا گروگان گیران مورد توقیف و حبس به طور غیرقانونی قرار گرفته و اجازه رفت و آمد، نخواهد شد. با این وجود در خارج از حوزه مفاهیم حقوق جزایی در رابطه با حقوق بین الملل، هر گاه مقامات سیاسی توسط افراد با اهداف سیاسی رבוده و به مکان مخفی ای برده و در آنجا

محبوس می شود و از این طریق این افراد آدم ربا و گروگان گیر، خواسته های عمدتاً سیاسی را در قبال سلامت، جان یا آزادی گروگان ها مطالبه کننده این عمل با عنوان «گروگان گیری» تعبیر می شود. گو اینکه در حقوق کیفری مصداق جرم «آدم ربایی» خواهد بود. از این رو تفاوت حقوق کیفری و حقوق بین الملل در رابطه با مفهوم گروگان گیری مشخص می شود.

از تفاوت های دیگر جرم گروگان گیری و آدم ربایی همانطور که در بالا اشاره ی به آن شد این است که گروگان گیری عمدتاً به واسطه اهداف سیاسی محقق می شود که در واقع در آن، افراد یا گروهی که در صدد تحقق خواسته های سیاسی خود و مجبور کردن گروه یا طرف سیاسی مقابل و مخالف در مورد به اجرا گذاشتن خواسته های تعیین شده، می نماید اما در جرم آدم ربایی بیشتر، اهداف مالی گنجانده شده است و آدم ربا اقدام به ربودن فردی (مثلاً کودک یک خانواده) می کند تا از این طریق خانواده را مجبور به فراهم کردن مبلغ قابل توجهی پول در قبال جان و آزادی گروگان کند. البته همانطور که می دانیم آدم ربایی با اهداف جرائم جنسی، سرقت اموال و انتقام گیری و بسیاری اهداف دیگر نیز امکان تحقق دارد.

در انتهای بحث آدم ربایی اشاره به قوانین تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا که در تاریخ 1368/6/10 به تصویب رسید، خالی از فایده نخواهد بود. این ماده واحد مقرر می دارد: «به منظور مقابله به مثل در برابر اقدامات دولت آمریکا، رئیس جمهوری موظف است برای دستگیری و مجازات آمریکایی ها و عوامل مستقیم و غیرمستقیم آنها که در محاکم قضایی ایران محکوم شده اند، اقدامات لازم را به عمل آورد.

تبصره 1- کلیه کشورهایی که مستقیم یا غیرمستقیم با آمریکا در ربودن اتباع ایرانی و یا توطئه علیه جان آنها همکاری نمایند، مشمول این ماده واحده می باشند.

تبصره 2- اتباع و عوامل آمریکا و کشورهایی که با آمریکا و آدم ربایی و توطئه علیه جان ایرانی و منافع جمهوری اسلامی همکاری نمایند، در دادگاههای داخل کشور بر مبنای قضای اسلامی محاکمه خواهند شد....»

### ج) نوزاد ربایی

ماده 631 قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است را بدزدد و یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل



مزبور مرده بوده، مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.» در مقایسه با ماده 621 همین قانون بررسی تحلیلی این ماده شامل دو بخش خواهد بود. بخش نخست، وجود اشتراک با ماده 621 و بخش دوم، ویژگی های ماده 631 است که در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد.

1- موضوع این جرم، طفل تازه متولد شده است که سلب آزادی تن و یا عدم رضایت مجنی علیه به لحاظ شرایط ویژه سنی منتفی است و شاید به همین دلایل و نیز انتفای آسیب های حیثیتی باشد که مجازات نوزاد ربایی و اخفای آن اخف از آدم ربایی و اخفای شخص، تعیین شده است.

2- جرائم دزدیدن و یا اخفای طفل تازه متولد شده از ناحیه هر کس حتی پرستاری که اطفال در اختیار آنها هستند امکان پذیر است، مگر والدین، ولی قلمداد کردن طفل به جای طفل دیگری و یا متعلق به زن دیگری از سوی والدین طفل نیز متصور است.

3- عناوین مجرمانه دزدیدن، اخفاء و یا قلمداد کردن در مورد طفل مرده نیز امکان پذیر است ولی مجازات مرتکب به جای شش ماه تا سه سال حبس، جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال خواهد بود.

4- برخلاف ماده 621 در جرم طفل ربایی یا اخفاء طفل انگیزه شرط نیست.

#### د) قاچاق انسان

جرم قاچاق انسان نیز با توجه به ماهیت آن به جرم موضوع تحقیق قرابت زیادی دارد که به آن می پردازیم. تعریفی که مجمع عمومی ملل متحد در سال 1994 ارائه داد و تا پیش از تعریف پروتکل مصوب سال 2000 از قاچاق انسان به صورت گسترده مورد پذیرش قرار داشت، چنین بود، «حرکت دادن غیرقانونی و مخفیانه اشخاص در عرض مرزهای ملی، عمدتاً از کشورهای در حال توسعه و کشورهای دارای اقتصاد در حال گذار با هدف نهایی واداشتن زنان و دختران به وضعیت های بهره کشی و ستمگرانه از لحاظ جنسی و اقتصادی به منظور سود بکار گیرندگان، قاچاقچیان و سندیکاهای جنایتکار و نیز دیگر فعالیت های مرتبط با قاچاق همچون کارخانگی اجباری، ازدواج دروغین، استخدام مخفیانه و فرزند خواندگی دروغین»<sup>1</sup>

<sup>1</sup> - "Trafficking in woman and children : mekong sub-region", P.z Quoted in <http://www.unifem-eseasia.org/Resource/traffic.z.html-8/5/2001>

«در پروتکل پیشگیری، سرکوب و مجازات قاچاق اشخاص، به ویژه زنان و کودکان مصوب سال 2000 در ماده سوم، قاچاق زنان بدین شرح تعریف شده است: «استخدام، انتقال، حمل و نقل و پناه دادن یا دریافت اشخاص به وسیله تهدید یا بکارگیری زور، یا دیگر اشکال تحمیل، آدم ربایی، تقلب، فریب، سوء استفاده از قدرت یا موقعیت آسیب پذیری یا دادن یا دریافت و پرداخت ها یا منافع جهت کسب رضایت به فردی که بر شخص دیگری کنترل دارد به منظور بهره کشی.» «بهره کشی باید حداقل بهره کشی از روسپی گری دیگران یا دیگر اشکال بهره کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری بردگی یا رویه های مشابه بردگی، بیکاری یا برداشتن اندام های بدن را دربرگیرد.» «همچنین رضایت قربانی قاچاق اشخاص برای بهره کشی مورد نظر هیچ مناسبت و اهمیتی ندارد و این در جایی است که وسایل مطروحه بالا مورد استفاده قرار گرفته باشد.»<sup>1</sup>

توسل به زور و آدم ربایی به عنوان یکی از طرق شایع قاچاق انسان ها، زنان، کودکان و دختران کم سن و سال است. موارد ناپدید شدگی در این گونه موارد زیاد است. در جهت مبارزه با این اقدامات در کشورمان، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب 83/4/28 به تصویب رسید. این قانون در مواد 1، 3، 6 خود مقرر می دارد:

ماده 1- قاچاق انسان عبارت است از: الف) خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه و تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا سوء استفاده از قدرت یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج. ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود.

ماده 3- چنانچه عمل مرتکب «قاچاق انسان» از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازاتهای مقرر در قانون یاد شده و در غیر اینصورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجود اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می شود.

<sup>1</sup> - اشتری، بهناز، قاچاق زنان، بردگی معاصر، نشر میزان، چاپ اول، 1385، ص 18

تبصره 1- چنانچه فرد قاچاق شده، کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد مرتكب به حداكثر مجازات مقرر در این ماده محكوم می شود.

ماده 6- چنانچه «قاچاق انسان» توأم با ارتكاب جرائم دیگری تحقق یابد مرتكب یا مرتكبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون به مجازاتهای مربوط به آن عناوین نیز محكوم خواهد شد.

## **فصل دوم : سیاست کیفری قانونگذار ایران نسبت به جرم گروگان گیری**

گروگان گیری جزء جرائم شدیدی است که با سلب آزادی تن افراد جامعه، امنیت و آرامش مردم را به طور جدی مورد تهدید قرار می دهد. از همین رو نظام حقوق کیفری ایران نیز همانند نظام های کیفری دیگر در جهت مقابله با مرتكبان جرائم علیه آزادی تن و صیانت از جامعه در قبال خطر این اعمال مجرمانه، اقدام به وضع قوانین و مقرراتی جهت جرم انگاری و مجازات متجاوزان به آزادی افراد در نظر گرفته و در طول دوره های مختلف بر حسب اقتضای خود، مقرراتی را به مورد اجرا گذاشته است. که اگرچه صراحتاً راجع به جرم گروگان گیری بحث نشده، ولی بسیار مرتبط با آن بوده و می توان عنصر قانونی این جرم با توجه به وحدت ملاک فرض شود. در مباحث این فصل تلاش می شود تا به شرح مقررات فوق الذکر بپردازیم.

### **مبحث اول : بررسی قوانین قبل از انقلاب**

#### **گفتار اول) قوانین ماهوی :**

#### **الف) قانون جزای عرفی**

«قبل از تصویب قانون مجازات عمومی مصوب 1304 در تاریخ پنجم جمادی الاولی سال 1335 هجری قمری، طرحی به عنوان قانون جزای عرفی تدوین و به وسیله نصرت الدوله وزیر وقت دادگستری پیشنهاد شده بود که به علت تعطیل مجلس به تصویب نرسید.<sup>1</sup> ماده 270 این قانون به ربودن اطفال اختصاص داشت که در این ماده آمده است :

<sup>1</sup> - یاد ابراهیم، حقوق جزای اختصاصی، جلد اول، انتشارات دانشگاه تهران، 1352، ص 38

«کسی که طفلی یا صغیری یا دختری را که زیاده از 15 سال نداشته باشد به حیله و یا به عنف برباید یا بدزدد یا مخفی یا ناپدید کند، یا طفلی را به جای دیگری قلمداد دهد یا زنی را که دارای طفل نشده به اشتباه دارای طفل به خرج دهد محکوم به حبس مجرد خواهد شد. هر گاه طفلی که موضوع تقلبات مذکور واقع شده، زنده بودنش مسلم نشده باشد مجازات مقصر از یک ماه الی سه سال حبس و اگر مسلم شود طفل مزبور متوفی بوده، مجازات مقصر زیاده از دو ماه حبس نخواهد بود. کسی که مأمور به حفظ و حضانت طفلی بوده و در قبال مطالبه اولیاء طفل از رد طفل امتناع کند و نتوان طفل را از او دریافت کرد محکوم به حبس مجرد خواهد گردید.»

بنابراین باید گفت در نظام حقوقی ایران از زمان مشروطیت جرم آدم ربایی مورد توجه بوده و به عنوان یک پدیده جنایی مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته است.

#### **ب) قانون مجازات عمومی مصوب 1304 و اصلاحات و الحاقات بعدی**

در فصل سوم قانون مجازات عمومی تحت عنوان جنحه و جنایت نسبت به اطفال مواد 195 و 196 آن، ربودن و اخفاء اطفال تازه متولد شده را مورد حکم قرار داده است. در ماده 195 آمده بود، «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد و یا مخفی کند و یا او را به جای طفل دیگر متعلق به زن دیگر غیر از مادر طفل قلمداد کند به شش ماه الی سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.» و در ماده 196 بیان می داشت: «هرگاه طفلی که موضوع تقلبات مذکور واقع شده، زنده بودنش مسلم نباشد مجازات مقصر از یک ماه الی شش ماه حبس تأدیبی است و اگر مسلم شود که طفل مذکور متوفی بوده مجازات مقصر از هشت روز تا دو ماه حبس تأدیبی خواهد بود.»

به طوری که ملاحظه می شود ماده 196 دو مجازات خفیف تر نسبت به ماده 195 در دو حالت جداگانه به شرح ذیل مقرر کرده بود: چنانچه طفل تازه متولد شده که مورد ربودن واقع شده زنده بودنش مسلم نبوده باشد، مجازات مرتکب عبارت بود از حبس تأدیبی از یک ماه الی شش ماه. دوم: چنانچه به اثبات می رسید که طفل تازه متولد شده، متوفی بوده است مجازات مجرم عبارت است از هشت روز تا دو ماه حبس تأدیبی.

اینک هر یک از دو جزء فوق به تفکیک مورد بررسی قرار می گیرد: جزء اول - چنانچه طفل تازه متولد شده، زنده بودنش مسلم باشد. در جزء اول چند نکته مهم قابل توجه به نظر

می رسد. اولاً؛ منظور از ماده 196 از «تقلبات مذکور» مندرج در صدر ماده یاد شده، جرائمی است که در ماده 195 قانون مجازات عمومی بدان اشاره گردیده، که از جمله این تقلبات، ربودن طفل تازه متولد شده می باشد. ثانیاً؛ برابر تبصره ماده 9 قانون مجازات عمومی اصلاحی سال 1352 «از تاریخ اجرای این قانون حبس جنحه ای جانشین حبس تأدیبی» گردیده بود و مطابق بند 1 ماده فوق الذکر حداقل حبس جنحه ای شصت و یک روز و حداکثر آن سه سال در نظر گرفته شده بود و با توجه به ماده 11 همین قانون در هر مورد که حداکثر مجازات بیش از شصت و یک روز و حداقل کمتر از این باشد، دادگاه مخیر به حکم بیش از دو ماه حبس یا جزای نقدی از 5001 ریال تا 30000 ریال بود. بنابراین چون حداقل مجازات جزء اول کمتر از شصت و یک روز و حداکثر آن بیش از این است، دادگاه مخیر می باشد طبق ماده 11 به شرح فوق عمل نماید.

جزء دوم: چنانچه به اثبات می رسید که طفل تازه متولد شده، متوفی بوده است. مجازات مجرم عبارت بود از هشت روز تا دو ماه حبس تأدیبی. نکات قابل توجه در جزء دوم بدین شرح است. اولاً؛ موضوع جرم در خصوص این جزء جسد طفل است. مع الوصف برای ارتکاب چنین عملی نیز مقنن مجازات در نظر گرفته بود. با این تفاوت که چون حداکثر مجازات مقرر کمتر از شصت و یک روز حبس می باشد، لذا برابر قسمت اول ماده 11 قانون یاد شده به جای حبس باید حکم به جزای نقدی از 5001 ریال تا 30000 ریال داده شود.

ماده 202 قانون مجازات عمومی نیز مقرر می داشت: «هر کس شخصاً یا توسط دیگری طفلی را که به سن شانزده سال نرسیده است بدزدد یا به حيله یا اکره برآید یا مخفی کند جزای او حبس تأدیبی از یک تا سه سال خواهد بود و اگر آن طفل دختر باشد جزای مرتکب حبس مجرد از دو تا پنج سال خواهد بود و اگر ربودن طفل مذکور بدون حيله و اکره بوده است مجازات مرتکب از شش ماه تا دو سال حبس تأدیبی است.»

در ماده فوق الذکر ربودن اطفالی که به سن شانزده سال تمام نرسیده بودند دارای سه مجازات متفاوت بود که عبارتند از: 1- حبس تأدیبی از یک تا سه سال برای دزدیدن یا با حيله یا با اکره ربودن طفل پسر 2- حبس مجرد از دو تا پنج سال برای دزدیدن یا با حيله یا با اکره ربودن طفل دختر 3- حبس مجرد از شش ماه تا دو سال برای ربودن طفل بدون حيله و اکره.

مواد 202 و 203 قانون مجازات عمومی در سال 1337 مورد اصلاح قرار گرفتند و در نتیجه تغییراتی در این مواد صورت گرفت به عنوان مثال، مجنی علیه ماده 202 قانون یاد شده بر حسب جنس مجنی علیه متفاوت بود اما در ماده 202 اصلاحی چنین تمایزی دیده نمی شود. مهمترین تغییر در میزان و نوع مجازات مرتکب صورت گرفت به طوری که تحت شرایطی مجازات رباینده یا مخفی کننده به حبس دائم با اعمال شاقه و حتی اعدام در نظر گرفته شده بود. این در حالی است که حداکثر مجازات در مواد 202 و 203 سابق، پنج سال حبس تادیبی تعیین شده بود. ماده 202 اصلاحی قانون مجازات عمومی مشعر بر این بود که: «هر کس شخصاً یا توسط دیگری طفلی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده به قصد انتقام یا فروش یا مطالبه وجه یا به هر منظور سوء دیگری بدزدد یا به حيله و اکراه برباید یا مخفی کند به حبس مجرد از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد و در این حالت اگر مرتکب شخصاً یا توسط دیگری به مجنی علیه آزار یا آسیب جسمانی یا حیثیتی برساند، مجازات مرتکب حبس با اعمال شاقه از پنج سال تا پانزده سال خواهد بود و هر گاه آسیب وارد شده منتهی به یکی از نتایج مندرج در ماده 172 قانون کیفری عمومی گردد. مرتکب به حبس دائم با اعمال شاقه محکوم خواهد شد و در صورتی که مجنی علیه به سبب ربوده شدن یا اخفاء یا آسیب های وارد شده فوت کند، مجازات مرتکب اعدام است.»

برابر این ماده قانونی، چهار میزان مجازات برای ربودن طفلی که به سن پانزده سال تمام نرسیده باشد مقرر گردیده بود:

- 1- ربودن مستحق مجازات اعدام: این مجازات زمانی اعمال می شد که مجنی علیه به سبب ربوده شدن یا اخفاء یا آسیب های وارده فوت کند، بنابراین فقط ربودنی که منتهی به فوت شود، موجب مجازات اعدام در مرتکب بود.
- 2- ربودن مستحق مجازات حبس موقت با اعمال شاقه: این مجازات در مورد جرمی اعمال می شد که به مجنی علیه آزار یا آسیب جسمانی یا حیثیتی وارد نماید.
- 3- ربودن مستحق مجازات حبس ابد با اعمال شاقه: و آن زمانی بود که آسیب های وارده منتهی به یکی از نتایج مندرج در ماده 172 قانون مجازات عمومی می شد.

4- ربودن مستحق مجازات حبس مجرد: هنگامی اعمال می گردید که کسی طفلی را که به سن پانزده سال تمام نرسیده بود به قصد انتقال یا فروش یا مطالبه وجه یا هر منظور سوء دیگری می دزدید.

ماده 203 قانون فوق الذکر نیز بیان می داشت: «هر کس به حيله یا اکراه پسر یا دختری را که سنش از پانزده سال بیشتر و از بیست سال کمتر است برباید یا مخفی کند اعم از اینکه شخصاً برباید یا به واسطه غیر، از شش ماه تا سه سال به حبس تادیبی محکوم خواهد شد.» در ماده 203 اصلاحی در خصوص ربودن مجنی علیه مذکور در ماده 202 که بیش از پانزده سال داشته حداقل مجازاتهای مقرر در ماده 202 را وضع نموده بود مگر در صورتی که آسیب های وارده موجب فوت مجنی علیه می گردید که در این صورت مجازات مرتکب همان اعدام بود. نکات قابل توجه در خصوص ماده 203 قانون مذکور عبارتند از : اولاً- مطابق ماده 44 قانون کیفر عمومی نحوه تخفیف مجازاتهای جنایی، حداقل این مجازاتها تعیین شده بود. بدین ترتیب حداقل مجازاتهای حبس مجرد، شش ماه حبس تادیبی و حداقل مجازات حبس موقت با اعمال شاقه از دو سال حبس تادیبی و حداقل مجازات حبس دائم با اعمال شاقه، حبس مجرد و حداقل مجازات اعدام، عبارت بود از حبس موقت با اعمال شاقه. ثانیاً- به موجب ماده 203 تنها در صورتی مرتکب مستحق مجازات اعدام بود که مجنی علیه در اثر آسیب وارده فوت کرده باشد. بنابراین اگر مجنی علیه به سبب ربوده شدن فوت شده باشد مجازات مرتکب برابر ماده 44 قانون کیفر عمومی عبارت بود از حداقل مجازات اعدام یعنی حبس موقت با اعمال شاقه.

همچنین تبصره ماده 203 قانون فوق الذکر مقرر می داشت : «در مورد دو ماده فوق الذکر در فوق دادگاه در صورتی می تواند طبق ماده 44 قانون کیفر عمومی مجازات را تخفیف دهد که مرتکب مجنی علیه را قبل از صدور کیفرخواست به اولیاء او یا ضابطین دادگستری تسلیم و رضایت مجنی علیه و یا در مورد اطفال رضایت ولی او را فراهم نماید و در مورد مجازات اعدام دادگاه در صورت گذشت مدعی خصوصی مجازات را فقط یک درجه تخفیف خواهد داد.

با توجه به آنچه که در مواد 203 و 202 اصلاحی آمده است می توان مقایسه ای با مواد 202 و 203 سابق نمود : مجنی علیه ماده 202 سابق طفلی است که به سن 16 سال نرسیده در حالی که مجنی علیه ماده 202 اصلاحی طفلی است که به سن 15 سال تمام نرسیده است.

از طرف دیگر ماده 203 سابق به ربودن طفلی اختصاص داشت که سنش زیاده بر 15 سال و کمتر از 20 سال بود، در حالی که در ماده 203 اصلاحی به طور مطلق مجنی علیه بیش از 15 سال تمام نرسیده است. از طرف دیگر ماده 203 سابق به ربودن طفلی اختصاص داشت که سنش زیاده بر 15 سال و کمتر از 20 سال بود، در حالی که در ماده 203 اصلاحی به طور مطلق مجنی علیه بیش از 15 سال سن مورد حکم قرار می گرفت، به عبارتی در این ماده حداکثر سن معین نشده است. همچنین میزان مجازات در ماده 202 سابق بر حسب جنس مجنی علیه تفاوت می نمود به طوری که اگر مجنی علیه، پسر بود یک تا سه سال مجازات و اگر دختر بود تا 5 سال حبس تعیین می شد. اما در ماده 202 و 203 اصلاحی چنین تمایزی دیده نمی شود. به عبارت دیگر تفاوتی در میزان مجازات در موردی که مجنی علیه پسر یا دختر باشد، وجود ندارد. از طرف دیگر مجازات در ماده 202 و 203 سابق ثابت است در حالی که در موارد اصلاحی تحت شرایطی، مجازات حبس دائم و اعدام در نظر گرفته شده بود. به طوری که اگر رباینده یا شخص دیگر به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد می کرد، بر حسب نتایج حاصله مجازات مرتکب تشدید می شد. چنانچه اگر آسیب وارده یکی از نتایج مندرج در ماده 172 قانون کیفر عمومی را به همراه داشت به تصریح ذیل ماده 202 اصلاحی مجازات مرتکب حبس دائم با اعمال شاقه بود و در صورت فوت مجنی علیه، مجازات اعدام در نظر گرفته شده بود.

مطابق ماده 202 سابق اگر ربودن بدون حيله و اکراه اتفاق می افتاد، مجازات مرتکب خفیف تر از زمانی بود که ربودن با حيله و اکراه می بود. در حالی که در ماده 202 اصلاحی چنین تفکیکی دیده نمی شود. همچنین در تبصره ماده 203 اصلاحی شرایط تخفیف مجازات و میزان آن دقیقاً تعیین شده و این در حالی است که در مواد سابق چنین مطلبی وجود نداشت.

راجع به جرم آدم ربایی ماده 209 قانون مجازات عمومی مقرر می داشت: «الف- هر کس به عنف یا تهدید و یا حيله کسی را برای عمل منافی عفت یا برای وادار کردن بعمل مزبور برباید یا مخفی کند به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد مگر اینکه به میل خود و قبل از صدور قرار مجرمیت و بدون اینکه نسبت به مجنی علیه مرتکب عمل منافی عفت شده باشد، او را به منزلی که در آنجا ربوده و یا به منزل کسان او یا به محل مطمئنی که در دسترس



کسان او باشد برساند که در این صورت به یک ماه الی شش ماه حبس تادیبی محکوم می شود. در صورت وجود یکی از علل مشدده مذکور در فقره 1 و 2 و 3 و 4 و 5 و 6 بند (الف) ماده 207 مرتکب به حداکثر مجازات فوق محکوم می شود.

(ب) هر کس به عنف یا تهدید و حيله شخصاً یا به وسیله دیگری زنی را برای ازدواج با او برباید یا مخفی کند به حبس تادیبی از یک تا سه سال محکوم خواهد شد مگر اینکه مرتکب به میل خود و قبل از صدور قرار مجرمیت بدون اینکه نسبت به مجنی علیها مرتکب عمل منافی عفتی شده باشد او را به منزلی که در آنجا ربوده و یا به منزل کسان او یا به محل مطمئنی که در دسترس کسان او باشد برساند که در این صورت به حبس تادیبی از یازده روز تا دو ماه محکوم می شود. در صورت وجود یکی از علل مشدده مذکور در فقره 1 و 2 و 3 و 4 و 5 و 6 بند (الف) ماده 207 مرتکب به حداکثر مجازات فوق محکوم خواهد شد.

(ج) اگر کسی شخصی را که بیش از پانزده سال سن داشته ولی به سن هجده سال تمام نرسیده است با رضایت او برای عمل منافی عفت برباید به حبس تادیبی از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

(د) هر کس شخصاً یا به وسیله دیگری زنی را که بیش از پانزده سال داشته ولی به سن 18 سال تمام نرسیده است با رضایت او برای ازدواج با او برباید یا مخفی کند به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. هرگاه جرم های مذکور در رتبه های (ج) و (د) این ماده در مورد کسی واقع شود که پانزده سال یا کمتر دارد، مجازات مرتکب همان است که برای ارتکاب بعنف مقرر است. در مورد بند (ب) و (د) این ماده اگر مجنی علیها راضی به ازدواج گشته و قبل از صدور قرار مجرمیت ازدواج به عمل آمده باشد دیگر مرتکب تعقیب نخواهد شد مگر اینکه مطابق مقررات قانون ازدواج قابل تعقیب باشد که در این صورت به مجازات مقرر در آن قانون محکوم می شود.

در موارد مذکور در این ماده اگر عمل مرتکب مشمول یکی از مواد دیگر این بخش باشد که مستلزم مجازات سخت تر است که مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد. این قانون که بعداً به موجب قوانین دیگر منسوخ گردید فقط به آدم ربایی برای منظور خاصی (عمل منافی

عفت یا ازدواج) اشاره داشت و شامل سایر اقسام آدم ربایی نمی شد. «در قوانین کشورهای خارجی این صورت از آدم ربایی معمولاً دارای مقررات جداگانه ای است.»<sup>1</sup> قابل ذکر است که قانون مجازات عمومی مصوب 1304 و اصلاحات و الحاقات بعدی آن به وسیله قانون اصلاح دو ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی<sup>2</sup> مصوب 1377/2/27 ملغی می باشد.

### ج) قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب 1335/11/10

با توجه به رشد روزافزون آدم ربایی به طور گسترده و توجه به جنبه های جدید این جرم که برای کسب پول یا امتیازاتی صورت می گرفت و با توجه به اینکه تمهیدات پیش بینی شده در قانون مجازات عمومی برای تقلیل میزان ارتکاب این جرم کافی نبوده و نتوانسته در جلوگیری از آن موثر باشد و از آنجایی که قانون کیفری عمومی در مواد مختلف خود همه انواع آدم ربایی را شامل نمی شد، از جمله عدم شمول آدم ربایی های افراد بالاتر از پانزده سال و غیر اطفال، قانونگذار ایران مجبور شد با تصویب مواد و قوانین خاص این نقص را جبران نماید زیرا تدبیری که برای این موضوع اندیشیده شده طرح قانونی مربوط به تشدید مجازات رانندگان متخلف بود که در تاریخ دهم بهمن ماه 1335 به تصویب رسید. این ماده واحده هر چند در مورد رانندگان است اما شامل جرائم خلافی نیست بلکه جرائم عمومی را شامل می شود که توسط رانندگان ارتکاب می یابد، قانونگذار در این ماده واحده جرم آدم ربایی را مدنظر قرار داده است. این ماده واحده با توجه به مقتضیات زمان و با توجه به این که ربودن افراد بخصوص زنان توسط اتومبیل زیاد شده بود، تصویب گردید.

دو نوع مجازات در این قانون پیش بینی شده است: 1- مجازات حبس دائم: برابر ماده واحده، هر راننده ای اعم از آنکه شغل او راننده باشد یا نباشد چنانچه شخصاً یا با شرکت دیگری به قصد قتل یا سرقت اموال یا هتک ناموس، مرتکب ربودن شخص یا اشخاص که در آن وسیله نقلیه بودند، می شد. در صورتی که قتلی واقع می گردید، مجازات مرتکب اعدام بود.

2- مجازات حبس دائم: هر راننده ای اعم از آنکه شغل او رانندگی باشد یا نباشد چنانچه شخصاً یا با شرکت دیگری به قصد قتل یا سرقت یا هتک ناموس، مرتکب ربودن شخص

<sup>1</sup> - نجم، محمد صیحي، الجرائم علی الاشخاص، ص 184، به نقل از زراعت، عباس، حقوق جزای اختصاصی (1)، جرائم علیه اشخاص، انتشارات فکرسازان، چاپ سوم، 1385، ص 327  
<sup>2</sup> - نقل از روزنامه رسمی شماره 15525 مورخ 1377/3/28

یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه بودند می شد در صورت وقوع سرقت یا هتک ناموس به حبس دائم محکوم می گردید.

نظر دادستان وقت، دکتر عبدالحسین علی آبادی در خصوص این ماده در یکی از آراء اصراری چنین است:

- الف) هر کس اعم از راننده یا غیرراننده به قصد عمل منافی عفت کسی را بر باید.
- ب) هر کس اعم از راننده یا غیرراننده کسی را به قصد قتل و یا سرقت اموال بر باید.
- ج) اشخاص ربوده شده از اشخاصی باشند که در وسیله نقلیه سوار شده باشند.
- د) مقنن از لحاظ اهمیت اجتماعی قضیه و آثار ناهنجار آن، مرتکبین را به تفاوت به مجازات اعدام و یا حبس دائم محکوم نموده است.

و) شخص یا اشخاص مزبور مرتکب قتل یا سرقت یا هتک ناموس شوند.

طبق این ماده واحده، نفس عمل آدم ربایی جرم نمی باشد. به عبارتی اگر راننده مسافرش را در مسیر مورد نظر پیاده ننماید و هیچ یک از موارد مذکور در ماده واحده یعنی قتل، تجاوز و سرقت را انجام ندهد طبق این ماده واحده قابل مجازات نمی باشد و در صورت امکان ربودن طبق قانون مجازات عمومی قابل کیفری می باشد. اما اگر موارد فوق صورت گیرد، چون این ماده واحده به صورت خاص و موردی تصویب شده است، این ماده واحده و مجازاتهای مقرر در آن قابل اعمال است. در مورد اینکه این ماده واحده هنوز معتبر است یا خیر اختلاف نظر وجود دارد. در شعب دیوان عالی کشور هم عده ای قائل به اعتبار این ماده واحده در مواردی هستند.<sup>1</sup> ولی عده ای قائل به نسخ این ماده واحد شده اند.

#### د) قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب 1353/12/27

از آنجایی که ماده واحده راجع به تشدید مجازات رانندگان متخلف فقط در مورد رانندگان و آدم ربایی با وسیله نقلیه بود، تصویب قانونی جامع تر که دربرگیرنده همه موارد باشد، ضروری به نظر می رسید. به همین خاطر در مورخ 53/12/27 قانون فوق الذکر از تصویب مجلس گذشت. این قانون به طور محسوس ملهم از قوانین جزایی فرانسه و قانون جزای 1810 این کشور بود.

<sup>1</sup> - سپهوند، امیر، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، ص 43

این قانون شامل 11 ماده می باشد. در ابتدا ممکن است به نظر برسد که نسخ این قانون خاص به موجب ماده 621 قانون مجازات اسلامی بدیهی و روشن است. زیرا این قانون زمانی معتبر بود که قانون مجازات عمومی و قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقررات خاصی را در مورد آدم ربایی بیان نکرده بودند (یعنی تا سال 1375) اما زمانی که قانونگذار در اصلاحات 1375 قانون مجازات اسلامی، این جرم را پیش بینی کرد، مقررات دیگر و از جمله قانون موصوف نسخ گردید. این ادعا به طور مطلق قابل قبول نیست، بلکه باید به بررسی تک تک مواد این قانون پرداخت تا رابطه آن با ماده 621 قانون مجازات اسلامی آشکار گردد و نیز لازم است قبل از بیان متن آن قانون، ماده 621 قانون مجازات اسلامی هم بیان گردد: «هر کس به قصد مطالبه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد.» با بررسی این ماده و مذاقه در مواد تشدید مجازات ربایندگان اشخاص چند نکته وجود دارد که با تصریح قانون اخیر الذکر به آن پرداخته می شود.

ماده 1- «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور سوء دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد، مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال خواهد بود.» مفاد این ماده در ماده 621 قانون مجازات اسلامی نیز بیان شده است و در نتیجه این ماده منسوخ می باشد و تفاوت های عبارتی (مانند منظور سوء) که در ماده 621 نیامده است. موجب تفاوت محتوایی این دو ماده نیست.

ماده 2- «هرگاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیب وارده فوت کند یا ناپدید شود یا به او صدمه جسمی یا روانی برسد که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کارافتادن یکی از اعضای بدن او گردد، مجازات مرتکب اعدام است.» در مورد نسخ این ماده به وسیله ماده 621 قانون مجازات اسلامی

ابهام جدی وجود دارد زیرا ماده 621 مقرر می‌داد: «... و در صورت ارتکاب جرائم دیگر، به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.» این عبارت اطلاق دارد و شامل جرم قتل و صدمه جسمی یا روانی مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن هم می‌شود، که اگر به صورت عمدی باشد، قصاص صورت می‌گیرد و اگر هم عمدی نباشد و یا در صورت عمدی بودن، قصاص امکان نداشته باشد، دیه پرداخت می‌شود و مجازات تعزیری مذکور در ماده 612 و 614 قانون مجازات اسلامی نیز ممکن است اعمال گردد اما این ادعا از چند جهت مخدوش می‌باشد. زیرا: اولاً- ماده 2 مذکور برای اعمال مجازات اعدام، صرف برقراری رابطه سببیت میان آدم ربایی و فوت مجنی علیه را کافی می‌داند اما مجازات قصاص شرایط خاص دارد که باید آن شرایط نیز فراهم گردد، مثلاً قاتل باید پدر مقتول نباشد. حال آنکه در اینجا چنین شرایطی وجود ندارد. در مورد رابطه سببیت باید توجه داشت که این رابطه باید عرفاً قابل پذیرش باشد و سبب بعید به حساب نیاید. مثلاً چنانچه شخص ربوده شده دچار بیماری قلبی باشد و این مطلب را به آدم ربا بگوید و خطر سگته را گوشزد نماید، اما آدم ربا به آن توجهی نکند و مجنی علیه بر اثر ترسی که از ربودن خود پیدا کرده است، سگته نموده و فوت کند می‌توان این فوت را به سبب آدم ربایی دانست. اما اگر شخص ربوده شده برای فرار از قتل که به آن تهدید شده است اقدام به خودکشی نمود یا برای رهایی از دست آدم ربا، فرار کرده و بر اثر سقوط از بلندی فوت نمود، نمی‌توان آدم ربایی را سبب این فوت و قتل به حساب آورد.

ثانیاً- اطلاق ماده 2 شامل قتل غیرعمدی هم می‌شود یعنی قتل غیرعمد نیز مستوجب اعدام است. اما مجازات قصاص فقط برای قتل عمدی اعمال می‌گردد. ممکن است گفته شود این مجازات زمانی قابل اعمال بود که مجازات قصاص وجود نداشت. اما این ادعا مردود است زیرا در آن زمان نیز قانون مجازات عمومی، مجازات اعدام را تنها برای قتل عمد و در حکم عمد برقرار کرده بود و صرف تحقق رابطه سببیت کافی نبود.

ثالثاً- ماده 621 اشاره ای به ناپدید شدن مجنی علیه ندارد و مقررات خاص دیگری هم در این خصوص وجود ندارد. بنابراین از این جهت، تعارض میان دو ماده موصوف نیست. البته ماده 338 قانون مجازات اسلامی مورد مشابهی را بیان می‌کند که عین مساله مورد بحث ما نیست. «هرگاه شخصی را که شبانه از منزل خوانده و بیرون برده اند مفقود شود، دعوت کننده

ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دیگری او را کشته است و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته، چیزی بر عهده دعوت کننده نیست» مستند شرعی این ماده روایات صادره از ائمه معصومین است.<sup>1</sup> و مشهور فقها نیز مطابق آن فتوی داده اند.<sup>2</sup> اما عده ای هم دعوت کننده را در صورتی مسئول می دانند که رابطه خصومت و دشمنی با مجنی علیه داشته باشد.

رایعاً- مجازات ایراد صدمات مذکور در ماده 2 به موجب مقررات قانون مجازات اسلامی، هرگز اعدام و قصاص نیست بنابراین ماده 2 بصورت خاص آن را بیان کرده است و دلیلی هم بر نسخ آن وجود ندارد.

خامساً- مجازات اعدام و قصاص، دو مجازاتی متفاوت هستند که یکی جنبه حدی و دیگری جنبه تعزیری دارد و یکی قابل گذشت و دیگری غیرقابل گذشت است. بنابراین هر کدام را می توان در محل خود اعمال کرد. البته ادعایی را که در اینجا می توان مطرح کرد و قابل دفاع نیز می باشد این است که چنانچه شخصی، دیگری را برباید و عمداً او را بکشد، مجازات او قصاص است اما اگر عمدی بودن قتل معلوم نباشد بلکه رابطه سببیت میان آدم ربایی و قتل وجود داشته باشد، حکم به مجازات اعدام داده می شود.

ماده 3- «هرگاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و با او لواط شده یا هتک ناموس او شده باشد، مجازات مرتکب حبس دائم است و اگر سن مجنی علیه کمتر از دوازده سال تمام باشد مجازات مرتکب اعدام است.»

اگر منظور از لواط در اینجا همان معنای اصطلاحی شرعی باشد (و طی انسان مذکر به صورت دخول و تفریخ) و اگر منظور از هتک ناموس، زنا به معنی مصطلح شرعی آن باشد، (جماع مرد با زنی که ذاتاً بر او حرام است اگرچه در دبر باشد در غیر موارد و طی به شبهه)، مقررات خاصی برای این دو جرم که از جرائم حدی هستند در قانون مجازات اسلامی بیان شده است. اما مجازات تفریخ، اعدام نیست بلکه یکصد تازیانه است. (ماده 121 قانون مجازات اسلامی) و منظور از هتک ناموس نیز چنانچه رابطه نامشروع یا عمل منافی عفت مانند تقبیل یا مضاجعه باشد، مجازات آن اعدام یا قتل یا سنگسار نیست بلکه تا 99 ضربه شلاق است (ماده 637 قانون مجازات اسلامی). بنابراین در چنین مواردی شبهه به وجود می آید که آیا باید به

<sup>1</sup> - حرعاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تاریخ، ص 41

<sup>2</sup> - نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، المکتبه، تهران، چاپ سوم، 1367، ص 98

حکم ماده 3 موصوف حکم به مجازات اعدام یا حبس ابد داده شود یا اینکه باید به مجازاتهای حدی یا تعزیری اکتفا نمود؟ به نظر می رسد در این موارد باید گفت که ماده 3 به موجب ماده 621 قانون مجازات اسلامی منسوخ گردیده است و مضمون عبارت «... و در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد»، خواهد بود.

ممکن است گفته شود که ارتکاب لواط و هتک ناموس، هر گاه از راه آدم ربایی صورت گیرد و سن مجنی علیه هم کمتر از دوازده سال یا پانزده سال باشد، مضمون ماده 3 می باشد و ماده 3 قانون مجازات عمومی مقررات لواط و زنا را تخصیص می دهد و اشکالی ندارد که خاص مقدم، عام مؤخر را تخصیص بزند. این ادعا با توجه به اینکه قانونگذار اسلامی تفکیکی میان صورت های مختلف لواط و زنا به عمل نیاورده است، قابل قبول نمی باشد بلکه عموم مقررات لواط و زنا شامل مورد مذکور در ماده 3 نیز می شود و ناسخ آن است.

ممکن است آدم ربا قصد خاص برای عمل خود داشته باشد اما قبل از این که عمل مورد نظر را انجام دهد، دستگیر شود. مثلاً بخواهد مرتکب لواط شود. در اینجا هم قواعد تعدد جرم حاکم است و اگر عملیات شروع در آن جرم دارای مجازات باشد، مجازات آن اعمال می گردد. اما ظاهراً دیوان عالی کشور در رأی اصراری شماره 172 مورخ 1348/4/11 که در این زمینه صادر کرده است خلاف آن را پذیرفته است. «دادگاه جنایی، مجرد ربودن طفل و مخفی نمودن وی را از مصادیق ماده 207 و ماده 20 قانون مجازات عمومی دانسته است در صورتی که بر اعمال انتسابی به متهم به کیفیتی که دادگاه احراز کرده، عنوان شروع به بزه لواط به عنف صادق نیست و با توجه به ماده 209 قانون مجازات عمومی که ربودن طفل را به قصد عمل منافی عفت جرم مستقلی شناخته، بزه انتسابی به متهم به تقدیر ثبوت از مصادیق مواد مزبور می باشد.»<sup>1</sup> این رأی را باید با توجه به مقررات حاکم در آن زمان توجیه کرد. ظاهراً منظور از «مرتکب» در ماده 3، همان آدم رباست که عمل لواط یا هتک ناموس را نیز انجام می دهد. بنابراین اگر شخصی غیر از آدم ربا مرتکب لواط یا هتک ناموس گردد، احکام خاص این دو جرم را خواهد داشت.

ماده 4- «هر گاه سن مجنی علیه، پانزده سال تمام یا بیشتر باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیب های وارده فوت کند یا ناپدید شود، مجازات مرتکب اعدام است و اگر به او

<sup>1</sup>- رأی شماره 172 مورخ 1348/4/11 شعبه سوم دیوان عالی کشور

صدمه جسمانی یا روانی وارد شود که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد و یا با او لواط شده یا هتک ناموس او شده باشد، مجازات مرتکب حبس دائم است.»

تفاوت اساسی ماده 4 با ماده 621 قانون مجازات اسلامی آن است که ماده 621 به ناپدید شدن مجنی علیه اشاره ای ندارد. بنابراین ماده 4 در این خصوص به اعتبار خود باقی است و به نظر نمی رسد که ماده 338 قانون مجازات اسلامی حاکم بر این مورد باشد زیرا دعوت کردن از منزل، الزاماً به شکل آدم ربایی محقق نمی شود. در مورد لواط یا زنا یا شخص ربوده شده یا فوت ناشی از ربودن یا اخفاء یا آسیب های وارده یا صدمات جسمانی و روانی، همان مطالبی که در ذیل ماده 2 و 3 گفته شد، در اینجا هم قابل بیان است. از جمله اینکه هرگاه شخصی غیر از آدم ربا صدمه جسمانی یا روحی به مجنی علیه وارد کند یا سبب فوت او شود، مجازات این جرائم نسبت به مرتکب اعمال می گردد و آدم ربا در این خصوص مسئولیتی ندارد و در مورد وی مجازات آدم ربایی ساده اعمال می شود.

ماده 5- «هر گاه به مجنی علیه صدمه جسمی یا حیثیتی وارد شود، در صورتی که سن او کمتر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب، حبس دائم است و اگر سن او پانزده سال تمام یا بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال است.»

وارد کردن صدمه جسمانی یا حیثیتی به مجنی علیه در ماه 621 بیان شده است. اما در این ماده تفکیکی میان صغر و کبر سن به عمل نیامده است. بنابراین ممکن است گفته شود هر گاه به مجنی علیه که سن او کمتر از پانزده سال است آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مجازات مرتکب به حکم ماده 5، حبس ابد است و این مورد مشمول ماده 621 نمی شود. زیرا در آن ماده عامل صغرسن و آسیب به مجنی علیه به طور اجتماع بیان نشده است بلکه صورتی را بیان می کند که هر یک از این دو عامل به تنهایی اتفاق بیفتد. این احتمال قابل توجیه و دفاع است اما بعید است که مورد نظر قانونگذار بوده باشد.

ماده 6- «در مورد ناپدید شدن مجنی علیه، حکم اعدام تا احراز این موضوع که مجنی علیه در اثر جرم ارتكابی، فوت نموده است اجرا نخواهد شد و محکوم علیه در حبس باقی می ماند و هر گاه پس از صدور حکم قطعی دلیلی بر زنده بودن مجنی علیه بدست آید اعاده دادرسی به عمل خواهد آمد.»



این حکم در ماده 621 قانون مجازات اسلامی وجود ندارد. بنابراین چنانچه حکم اعدام را در صورت مفقود شدن مجنی علیه ممکن بدانیم این ماده به اعتبار خود باقی خواهد ماند.

ماده 7- «هر کس اعمال مذکور در ماده یک را توسط دیگری انجام دهد به همان مجازات مباشر جرم محکوم می شود و در این مورد ترتیب تخفیف مجازات همان است که درباره مباشر مقرر گردیده است.» مفاد این ماده در ماده 621 بیان شده است: (شخصاً یا توسط دیگری). اما هر گاه مجازات یا احکام خاص مذکور در قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص اعمال گردد نسبت به آمر نیز اجرا خواهد شد. اعمال مجازات آدم ربایی نسبت به آمر، سبب سلب مسئولیت مباشر نمی شود. بنابراین شخصی که آدم ربایی را مباشرتاً انجام داده است به مجازات آدم ربایی محکوم می گردد مگر اینکه علل رافع مسئولیت کیفری وجود داشته باشد مانند اینکه آمر، دیگری را مجبور یا اکراه نماید که شخصی را بر باید که در این صورت به حکم ماده 54 قانون مجازات اسلامی، مجازات فقط متوجه اکراه کننده خواهد بود.

ماده 8- «در صورتی که مرتکب قبل از دستگیری، مجنی علیه را به کسانش یا ضابطین دادگستری تحویل نماید و یا موجبات تسلیم او را فراهم کند دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا دو درجه تخفیف دهد و هرگاه مرتکب تا قبل از صدور حکم قطعی، مجنی علیه را تحویل دهد و یا موجبات تسلیم را فراهم نماید و یا شاکی خصوصی گذشت نماید، دادگاه می تواند فقط یک درجه مجازات را تخفیف دهد.»

ماده 8 در مواردی که به قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، عمل می شود قابل اعمال است اما در خصوص مجازات قصاص یا دیه یا تعزیرات نمی توان به آن عمل کرد بلکه باید مقررات عمومی جرائم فوق را اعمال نمود. بنابراین اگر صدمه بدنی به مجنی علیه منجر به مرض دائم شود و مرتکب، مجنی علیه را تحویل ضابطان دادگستری بدهد و دادگاه بخواهد بر اساس ماده 2 قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، حکم بدهد. مجازات را به مقدار پیش بینی شده در این ماده تخفیف میدهد.

همچنین ممکن است که گفته شود که تخفیف مجازات جرم آدم ربایی تابع مقررات خاص ماده 8 می باشد بنابراین عموم مقررات ماده 22 قانون مجازات اسلامی را تخصیص می زند اما این ادعا چندان منطقی به نظر نمی رسد. شاکی خصوصی در جرم آدم ربایی معمولاً همان شخصی است که ربوده شده است. مگر اینکه محجور باشد که در این صورت ولی یا قیم

او، شاکی خصوصی به حساب می آیند. اگر در صورت فوت مجنی علیه، ورثه را شاکی خصوصی بدانیم، به نظر می رسد که رضایت همگی آنان برای اعمال تخفیف مجازات لازم نیست بلکه رضایت یک یا چند نفر نیز کفایت می کند و این مطلب در مورد اعمال ماده 277 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز صادق است.

ماده 9- «در صورتی مرتکب جرائم مندرج در این قانون، بیش از پانزده سال و کمتر از هجده سال تمام داشته باشد، دادگاه می تواند او را با رعایت ماده 33 قانون مجازات عمومی تا پانزده سال حبس محکوم نماید.»

این ماده به موجب مقررات عمومی مربوط به مسئولیت کیفری منسوخ شده است. هر چند ممکن است گفته شود قانونگذار، زمانی این ماده را وضع کرده که مقررات خاصی در مورد سن مجرم برای مسئولیت کیفری وجود داشته است. بنابراین ماده 9 یک حکم خاص است که صرفاً در مورد آدم ربایی حاکمیت دارد. این ادعا اگرچه قابل تأمل است اما با توجه به اینکه سن مسئولیت کیفری و مقررات آن پس از تصویب قانون مجازات اسلامی، تغییرات اساسی را به خود دیده است، اعتقاد به منسوخ بودن این ماده موجه تر به نظر می رسد.

ماده 10- «وزارت دادگستری مجاز است محکومین به اعدام یا حبس در کانون اصلاح و تربیت را که سن آنان در موقع اجرای حکم یا در حین آن از هجده سال تجاوز نماید برای اجرای تمام یا باقیمانده مدت محکومیت به زندان های عمومی منتقل نماید.»

ماده 11- «در صورتی که برای اعمال مذکور در ماده یک این قانون، به موجب قوانین دیگری مجازات مقدر شده باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.» این دو ماده هم در حال حاضر کاربردی ندارد و در عداد مواد منسوخه قرار گرفته است.

### **گفتار دوم) قوانین شکلی :**

از آنجا که مطابق با مقررات پیش از انقلاب اسلامی جرائم به سه دسته خلاف، جنحه و جنایت تقسیم می شد. (ماده 181 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1290) و قانون حاکم بر تشریفات رسیدگی کیفری نیز قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1290 و قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب 1337 بود و راجع به جرم گروگان گیری از طریق جرم انگاری به وسیله جرائم مشابهی چون آدم ربایی، توقیف و حبس غیرقانونی و مخفی نمودن دیگری مطابق با قانون مجازات عمومی و اصلاحات بعدی آن، تعیین مجازات می گردید. لذا

می‌توان گفت مطابق با ماده 182 قانون آیین دادرسی کیفری 1290 جرائم عمدی ای چون آدم ربایی، توقیف و حبس غیرقانونی که جزء جنایات محسوب می‌شدند در دادگاه جنایی مورد رسیدگی و تعیین مجازات قرار می‌گرفت و مرتکب عمل گروگان‌گیری نیز از این طریق شیوه دادرسی محاکمه می‌گردید.

مطابق با ماده 185 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1290 شیوه دادرسی در دادگاه جنایی نسبت به جرائمی که مستلزم مجازات اعدام یا حبس ابد (همانند آدم ربایی و گروگان‌گیری ای که همراه با قتل مجنی علیه یا هتک ناموس او باشد) با حضور 5 نفر از قضات محکمه قابل رسیدگی بوده است و این محاکم مطابق با ماده 2 قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب 1337 به دادرسی می‌پرداختند.

## **مبحث دوم : بررسی قوانین پس از پیروزی انقلاب اسلامی**

### **کفتار اول) قوانین ماهوی :**

#### **الف) قانون تعزیرات مصوب 1362**

این قانون در شرایطی تهیه گردید که موج انقلاب سخت بالا گرفته بود و لزوم تغییر و تحول چشمگیر می‌نمود. قانون راجع به مجازات اسلامی قبلاً در سال 1361 به شکل آزمایشی و با توجه به دیدگاه‌های شرعی به تصویب رسید و طبیعی بود که قانون تعزیرات فعلی نیز باید به سرعت جانشین قوانین قبلی گردد تا در انطباق قانون راجع به مجازات اسلامی و قانون تعزیرات فعلی مشکلی ایجاد نشود. مسلم است وقتی قانون با شتاب تهیه و تصویب شود مشکلات و خلل‌هایی را به همراه خواهد داشت که یکی از خلل‌های عمده این قانون عدم تنظیم ماده قانونی در زمینه آدم ربایی، گروگان‌گیری و تطبیق آن با موازین شرعی می‌باشد. در قانون تعزیرات تنها ماده قانونی در ارتباط با آدم ربایی ماده 97 این قانون بود که در زمینه ربودن طفل تازه متولد شده می‌باشد و دو نوع مجازات برای آن در نظر گرفته بود.

۱- هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد به شش ماه الی سه سال حبس محکوم می‌گردد.

۲- هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد، اگر مسلم شود که طفل مزبور مرده بوده، مجازات مقصر تا 74 ضربه شلاق می‌باشد.

ملاحظه می شود که ماده 97 قانون مذکور فقط دزدیدن طفل تازه متولد شده را در بر می گرفت که با کمی تغییر جانشین ماده 196 قانون مجازات عمومی شده بود و حکمی دیگر در مورد ربودن انسان بالغ نداشت. البته به نظر می رسد این ماده در راستای هدف اسلامی نمودن قوانین وضع شده است. زیرا در متون فقهی ما فقط ربودن اطفال را مشاهده می نماییم و اکثر فقها دزدیدن صغیر و یا بنده را مدنظر قرارداده اند که امروز با نفی برده داری، دزدیدن بنده و برده موضوعیت خود را از دست داده است.

در زمان حکومت ماده 97 قانون تعزیرات سال 1362 این سوال مطرح بود که آیا قواعد موجود در قانون مجازات عمومی در ماده 209 با وجود این ماده نسخ شده یا خیر؟ نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه در این باره اینگونه است: «در قوانین مجازات اسلامی حدود و قصاص و دیات و تعزیرات، موادی که به طور صریح یا ضمنی مفاد و مندرجات ماده 209 قانون مجازات عمومی را نسخ کرده باشند، وجود ندارد و ماده مذکور کماکان به قوت خود باقی است مگر آنکه قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، مجازات مرتکب را تغییر داده باشد که قانون مذکور باید مورد نظر قرار گیرد.»<sup>1</sup>

و چون قانون عام مؤخر (قانون تعزیرات) نمی تواند قانون خاص مقدم (قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص) را نسخ کند. به همین دلیل قانون تشدید مجازات ربایندگان اجرا می شود.

### **ب) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات بازدارنده) مصوب 1375**

این قانون در تاریخ 1375/3/2 به تصویب رسید. قانون مذکور نسبت به قانون تعزیرات سال 1362 کامل تر است. موادی از قانون مجازات عمومی و سایر قوانین خاص با کمی تغییر در این قانون ذکر شده است. یکی از موضوعات این قانون جرم ربودن اشخاص می باشد. ماده 621 این قانون با الهام از قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب 1353 و قانون مجازات عمومی مصوب 1304، که البته به دلایل شرعی تغییراتی در زمینه جرم مزبور داده شد، مورد تصویب قرار گرفت. قانونگذار، مجازات ربودن اشخاص را در این ماده در دو حالت تصور کرده است:

<sup>1</sup> - شهری، غلامرضا و ستوده جهری، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در مسائل کیفری، نظریه شماره 7/3082 مورخ 1365/4/22، جلد اول و دوم، نظریه شماره 7/6820 مورخ 1372/9/22

1- آدم ربایی ساده- قانونگذار، آدم ربایی ساده را اینگونه مورد حکم قرار داده است :  
«هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد...». بنابراین حبس از پنج تا پانزده سال برای هر کسی است که به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید.

1- آدم ربایی با کیفیت مشدده- قانونگذار در شرایطی مرتکب را مستحق حداکثر مجازات مزبور می داند که الف- پانزده سال حبس برای مرتکبین اقدام به ربودن شخصی کرده باشد که کمتر از پانزده سال تمام دارد. ب- پانزده سال حبس برای مرتکبی که به وسیله نقلیه اقدام به ربودن افراد می کند. ج- پانزده سال حبس برای مرتکبی که به همراه آدم ربایی، آسیب جسمی یا حیثیتی به مجنی علیه وارد می نماید.

در قسمت اخیر ماده فوق الذکر آمده است: «در صورت ارتکاب جرائم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد» البته لازم به توضیح است که در صورت تحقق جرائم دیگر بایستی بین آدم ربایی و جرم مذکور رابطه علیت برقرار باشد. همچنین در قانون مجازات اسلامی ماده 631 نیز برای ربودن اطفال تازه متولد شده مجازات خاصی در نظر گرفته شده است، ماده مذکور مقرر می دارد: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

لازم به ذکر است که با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 و با وجود ماده 621 آن، همانطور که گفتیم ماده واحده تشدید مجازات ربایندگان اشخاص فسخ ضمنی شده است. چون در ماده 621 به وسیله نقلیه به عنوان وسیله ای برای ربودن اشخاص اشاره شده است. همچنین در مورد قانون مجازات اسلامی تشدید مجازات ربایندگان اشخاص و در مورد نفس آدم ربایی یا اخفاء که در ماده یک این قانون مورد حکم قرار گرفته باید گفت که این قانون با تصویب ماده 621 نسخ شده است. ولی در خصوص مواد دیگر این قانون که اختصاص به ارتکاب جرائم دیگری دارد که متعاقب و یا به سبب ربودن حاصل می شود، نمی توان صراحتاً نظر به

نسخ آنها داد و می شود گفت که مواد قانون تشدید در مورد عدم مغایرت با ماده 621 قانون مجازات اسلامی و در مواردی که در قانون تعزیرات مطلبی در آن مورد بیان نشده، قابل اجرا است.

هر چند شاید بتوان در مواردی با استفاده از عناوین مجرمانه آدم ربایی و توقیف غیرقانونی از قوانین لازم الاجرای فعلی از جمله قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 نسبت به تعیین مجازات گروگان گیری اقدام نمود با این وجود همانطور که قبلاً اشاره شده قانونگذار ایران در هیچ متنی ذکری از جرم گروگان گیری ننموده است و با جرم انگاری و توجه به جرم آدم ربایی و مخفی کردن اشخاص و همچنین توقیف و حبس غیرقانونی سعی در ارائه قانونی در جهت تأمین تمام مصادیق سلب آزادی تن نموده است. البته این امر با توجه به گسترش نوظهور گروگان گیری در دهه های اخیر و آن هم بیشتر با اهداف سیاسی، طبیعی به نظر می رسد.

و همچنین این موضوع که می توان اعمالی را که یک گروگان گیر و در حین عمل گروگان گیری خود انجام می دهد را مشمول عناوین مجرمانه مرتبط با سلب آزادی تن نموده و گروگان گیری را با عناوین مجرمانه ای از قبیل توقیف و حبس غیرقانونی و حتی در مواردی آدم ربایی به مجازات رساند ولی از آنجا که تفاوت جرم گروگان گیری با آدم ربایی در بسیار موارد علی الخصوص عنصر مادی آن متفاوت می باشد، قانونگذار ایران می بایست همانند بسیاری از قانونگذاران کشورهای دنیا با پذیرش واقعیتی به نام گروگان گیری و تروریسم به طور جدی و دقیق نسبت به جرم گروگان گیری و مجازات آن به تدوین قانون مناسب بپردازد. البته در همین راستاست که قانونگذار ایران، قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مبارزه علیه گروگان گیری را در سال 1385 به تصویب رساند.

**قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری مصوب 1385:**

قانونگذار ماده واحده قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری (1979 میلادی) را که مشتمل بر مقدمه و بیست ماده بود را در تاریخ سوم خرداد 1385 به تصویب رساند. متن ماده واحده بدین شرح است:

ماده واحده - به دولت اجازه داده می شود که با رعایت شرط زیر (راجع به ارجاع اختلاف میان کشورهای عضو به داوری یا دیوان بین المللی دادگستری) و درج اعلامیه تفسیری ذیل به «کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری» مصوب هفدهم دسامبر 1979 میلادی برابر با بیست و ششم آذر ماه 1358 هجری شمسی مجمع عمومی سازمان ملل متحد ملحق شده و اسناد آن را نزد امین اسناد کنوانسیون تودیع نماید.

شرط - جمهوری اسلامی ایران مقید به رعایت بند (1) ماده 16 کنوانسیون نمی باشد با این وجود دولت می تواند حسب مورد بند (3) ماده 16 را اجرا نماید.

اعلامیه تفسیری : دولت جمهوری اسلامی ایران، همچون همیشه مخالفت قاطع خود را با کلیه اعمال تروریستی از جمله گروگان گیری افراد بی گناه که ناقض حقوق و آزادی های اساسی بشر و مخل ثبات و آرامش جوامع انسانی و مانع توسعه و پیشرفت کشورهاست، اعلام نموده و بر این باور است که مبارزه موثر علیه تروریسم مستلزم تلاش همه جانبه بین المللی برای شناسایی و از بین بردن ریشه ها و علل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بین المللی این پدیده ناهنجار می باشد. از نظر جمهوری اسلامی ایران ، مبارزه با اعمال تروریستی، خدشه ای به حق مشروع و پذیرفته شده ملت های تحت سلطه استعمار و اشغال خارجی برای مبارزه با تجاوز و اشغال گری و کسب حق تعیین سرنوشت، مندرج در اسناد مختلف تروریستی از جمله بند (4) ماده 1 پروتکل شماره یک الحاقی (مصوب 1977 میلادی برابر 1356 هجری شمسی) به کنوانسیون های 1949 میلادی (1328 هجری شمسی) ژنو در خصوص حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه وارد نخواهد کرد.

در کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری تصریح شده است:

کشورهای عضو این کنوانسیون با در نظر گرفتن اهداف و اصول منشور سازمان ملل در خصوص حفظ صلح و امنیت بین المللی و ارتقاء روابط دوستانه و همکاری میان کشورها، به ویژه با شناسایی این امر که هر فردی حق حیات، آزادی و امنیت شخصی دارد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی گنجانده شده است. با تاکید بر اصل حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت مردم که در منشور سازمان ملل و نیز دیگر قطعنامه های مجمع عمومی مربوط تبلور یافته است.

با عنایت به اینکه گروگان گیری جرمی است که موجب نگرانی عمیق جامعه بین المللی می گردد و این که بر اساس مفاد این کنوانسیون، هر شخصی که مرتکب عمل گروگان گیری گردد باید یا تعقیب و یا مسترد گردد، با اعتقاد به این مطلب که توسعه همکاری های بین المللی این کشورها در طراحی و اتخاذ تدابیر موثر برای ممانعت، تعقیب و مجازات تمام اعمال گروگان گیری که در تروریسم بین المللی متجلی است، ضرورت مبرم دارد، در موارد ذیل به توافق رسید.

#### ماده (1)

1- هر شخص که به توقیف یا بازداشت و تهدید به کشتن، مصدوم کردن یا ادامه توقیف شخص دیگر (که از این پس به عنوان «گروگان» نامیده می شود) به منظور وادار کردن شخص ثالثی - یعنی یک کشور، سازمان بین الدولی بین المللی، شخص حقیقی یا حقوقی یا گروهی افراد- جهت انجام یا پرهیز از انجام اقدامی به عنوان شرط صریح یا ضمنی برای آزادی گروگان مبادرت نماید در چهارچوب مفهوم این کنوانسیون مرتکب جرم گروگان گیری شده است .

2- هر شخصی که : الف) مبادرت به عمل گروگان گیری کند یا ، ب) به عنوان همدست شخصی که مرتکب با مبادرت به ارتکاب عمل گروگان گیری کرده باشد، مشارکت داشته باشد، از نظر این کنوانسیون مرتکب جرم شده است.

#### ماده (2)

هر کشور عضو کنوانسیون با توجه به ماهیت و شدت جرائم مندرج در ماده 1 مجازاتهای مناسبی را باید وضع نماید.

#### ماده (3)

1- کشور عضو کنوانسیون، که قلمرو آن گروگان توسط گروگان گیر نگاه داشته شده، باید تمام تدابیر مقتضی جهت تسهیل وضعیت گروگان و به ویژه تضمین آزادی وی و پس از آزادی، تسهیل خروج وی را در زمان مناسب اتخاذ و فراهم آورد.

2- در هر صورتی که مجرم در نتیجه گروگان گیری در یک کشور عضو، شیئی یا چیزی را بدست آورده باشد که تحت توقیف آن کشور است، کشور عضو باید آن را در اسرع وقت به گروگان یا طرف ثالث مندرج در ماده 1 و در مواد مقتضی به مقامات ذیصلاح عودت دهد.

#### ماده (4)



کشورهای عضو این کنوانسیون در پیشگیری از جرائم مندرج در ماده 1 به ویژه در موارد ذیل همکاری خواهد کرد :

الف) تمام تدابیر اجرایی را جهت جلوگیری از مقدمات اجرایی آن جرائم در قلمرو متبوعه خود برای ممانعت از ارتکاب جرائم مذکور در قلمرو خود یا خارج از قلمرو متبوعه خود اتخاذ خواهند کرد. از جمله تدابیری را جهت جلوگیری از فعالیت های غیرقانونی افراد، گروهها و سازمانها جهت تشویق، تحریک و سازماندهی یا مبادرت به ارتکاب اعمال گروگان گیری در قلمرو خود به عمل خواهند آورد.

ب) به تبادل اطلاعات و هماهنگی در جهت اتخاذ تدابیر اداری و سایر تدابیر مقتضی جهت جلوگیری از ارتکاب این جرائم مبادرت خواهد کرد.

ماده (5)

1- هر کشور عضو کنوانسیون در صورت لزوم باید تدابیری را برای احراز صلاحیت خود بر هر یک از جرائم مندرج در ماده 1 که در موارد ذیل رخ داده، اتخاذ کند: الف- در قلمرو کشورش یا بر روی یک کشتی یا هواپیما که در آن کشور به ثبت رسیده باشد. ب- توسط هر یک از اتباعش یا در صورتی که آن کشور مقتضی بداند، توسط افراد بی تابعیتی که معمولاً اقامتشان در قلمرو آن کشور است. ج- به منظور وادار ساختن آن کشور به انجام یا اجتناب از انجام هر اقدامی یا د- در خصوص گروگان هایی که تبعه آن کشور هستند، در صورت صلاحدید آن کشور.

2- هر کشور عضو بدین وسیله تدابیری را در صورت لزوم برای احراز صلاحیت خود به جرائم مندرج در ماده 1 در مواردی که متهم به گروگان گیری در قلمرو آن کشور حضور داشته باشد و وی را به هر کشور مذکور در بند (1) این ماده، مسترد نکرده باشد، اتخاذ خواهد کرد.

3- این کنوانسیون هیچ گونه صلاحیت جنایی اعمال شده، مطابق حقوق داخلی را مستثنی نمی کند.

ماده (6)

1- در صورت ایجاد شرایط ، هر کشور عضو که متهم به گروگان گیری در قلمرو آن حضور دارد مطابق قوانین کشورش می تواند وی را توقیف کند یا تدابیر دیگری برای تضمین حضور متهم برای مدت مقتضی اتخاذ کند تا بتواند اقامه دادرسی جنائی نماید یا مذاکرات

استرداد وی را انجام دهد. کشور عضو کنوانسیون باید فوراً تحقیقات مقدماتی را نسبت به این امر به عمل آورد.

2- حبس یا تدابیر دیگر مندرج در بند (1) این ماده بدون درنگ باید مستقیماً یا از طریق دبیر کل سازمان ملل به اطلاع کشورهای ذیل برسد. الف- کشوری که جرم در آنجا رخ داده است. ب- کشور که علیه آن زور اعمال می شود یا تلاش می شود که علیه آن زور اعمال شود. ج- کشوری که علیه اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه آن کشور زور اعمال می شود یا تلاش می شود علیه آنها زور اعمال شود. د- کشوری که گروگان تبعه آن کشور است یا در قلمرو آن کشور اقامتگاه عادی داشته باشد. و- سازمان بین المللی بین الدولی که علیه آن زور اعمال شده یا تلاش می شود زور علیه آن اعمال شود. ز- تمام کشورهای ذیربط دیگر.

3- در صورتی که تدابیر مندرج در بند (1) این ماده در مورد هر شخصی اتخاذ شود وی حق خواهد داشت: الف- بدون درنگ با نزدیک ترین نمایندگان ذیصلاح کشوری که وی تبعه آن محسوب می شود تماس بگیرد یا این که حق برقراری چنین تماسی را دارد. یا در صورتی که وی شخص بی تابعیتی محسوب شود می تواند با مقامات ذیصلاح آن کشور در قلمرو کشور که شخص اقامتگاه عادی دارد، تماس حاصل نماید. ب- مورد ملاقات نماینده ای از آن کشور قرار گیرد.

4- حقوق مورد اشاره در بند (3) این ماده مطابق قوانین و مقررات آن کشور که متهم به گروگان گیری در قلمرو آن بر اساس آن تبصره حاضر است اعمال خواهد شد، توجه نماید.

5- مفاد بندهای (3) و (4) این ماده خدشه ای به حقوق هر کشور عضو که مطابق بند (1-ب) ماده 5 ادعای صلاحیت جهت دعوت از کمیته بین المللی صلیب سرخ برای تماس و بازدید از متهم به گروگان گیری را دارد، وارد نمی آورد.

6- کشوری که تحقیقات مقدماتی در نظر گرفته شده در بند (1) این ماده را انجام می دهد باید سریعاً نتایج یافته های خود را به کشورها یا سازمان مذکور در بند (2) این ماده گزارش دهد و معین نماید که آیا این کشور در نظر دارد صلاحیت خود را اعمال کند.

ماده (7)

کشور عضوی که متهم به گروگان گیری مطابق قوانین آن کشور تعقیب می شود باید نتایج نهایی آیین دادرسی آن را به اطلاع دبیر کل سازمان ملل برساند، دبیر کل سازمان نیز اطلاعات را به کشورهای دیگر و سازمان های بین المللی بین الدولی ارسال خواهد کرد. (ماده 8)

1- کشور عضو کنوانسیون که متهم به گروگان گیری در قلمرو آن یافت شود، موظف است در صورت عدم استرداد متهم، بدون هیچ گونه استثنائی، خواه جرم در قلمرو کشور رخ داده باشد یا رخ نداده باشد، پرونده را به منظور تعقیب از طریق دادرسی مطابق قوانین آن کشور به مقامات ذیصلاح تحویل دهد. مقامات ذیصلاح باید به همان نحو در مورد هر جرم عادی که ماهیت شدیدی دارد مطابق قوانین آن کشور تصمیم خودشان را اتخاذ کنند.

2- هر شخصی که در خصوص وی آیین دادرسی در مورد هر گونه جرائم مندرج در ماده 1- در جریان است باید با وی رفتار عادلانه و منصفانه ای در تمام مراحل دادرسی از جمله برخورداری از تمام حقوق و تضمین های مقرر شده در قانون کشوری که در قلمرو آن وی حضور داشته، صورت پذیرد. (ماده 9)

به تقاضای استرداد متهم به گروگان گیری، پیرو این کنوانسیون پاسخ داده نخواهد شد. در صورتی که کشور تقاضا شونده عضو این کنوانسیون دلایل معتبر و قابل توجهی جهت اثبات این امر داشته باشد که : الف- تقاضای استرداد به خاطر جرم مندرج در ماده 1، به منظور تعقیب یا مجازات شخصی به دلایل نژاد، مذهب، ملیت، قومیت یا عقاید سیاسی و صورت گرفته است یا ب- موقعیت آن شخص ممکن است به خاطر موارد ذیل به مخاطره افتد: 1- به خاطر دلایل مذکور در بند فرعی (الف) این بند یا 2- به خاطر دلایلی که ارتباط با این شخص از سوی مقامات ذیربط کشور که مجاز به اجرای حقوق حفاظت از وی، امکان پذیر نگردد. 2- با توجه به جرائمی که در این کنوانسیون تعریف شده ، مفاد تمام معاهدات استرداد و ترتیبات قابل اجرا بین کشورهای عضو کنوانسیون به میزانی که مغایر این کنوانسیون می باشد بین کشورهای عضو، تعدیل و تصحیح می گردد.

(ماده 12)

از آنجایی که کنوانسیون 1949 ژنو جهت حمایت از قربانیان جنگ یا پروتکل‌های الحاقی به آن کنوانسیون‌ها در خصوص عمل‌گروگان‌گیری قابل اجراست و تا آنجایی که کشورهای عضو کنوانسیون بر اساس آن کنوانسیون‌ها به تعقیب یا تحویل‌گروگان‌گیر در جریان مناقشات مسلحانه به گونه‌ای که در کنوانسیون 1949 ژنو و پروتکل‌های آن آمده، اعمال نخواهد شد. از جمله مناقشات مسلحانه تصحیح شده در بند (4) ماده 1 پروتکل الحاقی شماره 1 سال 1977 میلادی که در آن احاد ملت علیه استیلای استعمارگران و بیگانگان رژیم‌های نژادپرست در جهت اعمال حق تعیین سرنوشت خود به نحو مندرج در منشور سازمان ملل و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل، در خصوص روابط دوستانه و همکاری میان کشورهای مطابق منشور سازمان ملل متحد مبارزه می‌کنند.

(ماده 13)

این کنوانسیون در صورتی که جرائم مذکور در حوزه یک کشور رخ دهد، گروگان و متهم به گروگان‌گیری اتباع آن کشور باشند و متهم گروگان‌گیر در قلمرو آن کشور یافت شده باشد، اعمال نخواهد شد.

#### **گفتار دوم) قوانین شکلی :**

با بیان قوانین ماهوی مرتبط با گروگان‌گیری و تشخیص جرم مذکور، قانون حاکم آن و مجازات قانونی تعیین شده برای مرتکبین این اعمال، این سوال مطرح می‌شود که چه قوانین شکلی بر این جرم حاکم بوده و دادگاه صالح به رسیدگی بدان کجاست و اساساً دادرسی این جرم چگونه خواهد بود.

در پاسخ به این سوالات باید قائل به تفکیک شد :

1- در صورتی که جرم گروگان‌گیری با چنان شرایطی تحقق یابد که مطابق با تعریف مذکور در قانون مجازات اسلامی و فتاوی فقها، عمل گروگان‌گیری مشمول جرم «محرابه و افساد فی الارض» قرار گیرد بدین معنی که یا مرتکب به قصد ایجاد خوف و وحشت در بین مردم دست به اسلحه برده (مواد 183 و 184 قانون مجازات اسلامی مصوب 1370) و فرد یا افرادی را در محلی به گروگان نگه داشته و جان و تمامیت جسمانی، حیثیت و آزادی آنان را وثیقه خواسته‌های خود قرار داده و طرف ثالث (اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی از جمله دولت) را وادار به انجام یا عدم انجام کار خاص نماید و یا اینکه به قصد مقابله به مبارزه با

حکومت و با هدف براندازی آن (مطابق با مواد 186 الی 188 قانون مجازات اسلامی) اقدام به گروگان گرفتن فرد یا افرادی نماید: «محارب و مفسد فی الارض» محسوب شده و مطابق با ماده 189 قانون فوق الذکر مجازات وی جزء جرائم حدی و «یکی از موارد ذیل خواهد بود:

«1- قتل 2- آویختن به دار 3- اول قطع دست راست و سپس پای چپ 4- نفی بلد» .

البته مستنبط از تبصره 2 ماده 183 قانون مجازات اسلامی در صورتی که فرد یا افراد گروگان گیر با اقدام مسلحانه خود در ارتکاب جرم گروگان گیری در ملأ عام عملاً موجب خوف و وحشت مردم گردند هر چند چنین قصدی نداشته باشند عمل گروگان گیری ایشان باز هم می تواند مشمول جرم محاربه و افساد فی الارض قرار گرفته و جزء جرائم حدی قرار گیرد.

از جهت دادگاه صالح در رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط گروگان گیرانی که عمل آنها مشمول جرم «محاربه و افساد فی الارض» قرار گرفته است باید خاطر نشان ساخت که مطابق با بند 1 ماده 5 قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب 1373 ، کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه و افساد فی الارض در صلاحیت دادگاههای انقلاب خواهد بود. راجع به شیوه دادرسی در این محاکم و نسبت به این جرائم باید اضافه کرد که جرائم مذکور مطابق با تشریفات دادرسی مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378 مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

2- در سایر موارد گروگان گیری یعنی زمانی که عمل گروگان گیری یا گروگان گیران مشمول تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض قرار نگیرد، مجازاتهای تعزیری قابل اعمال خواهد بود. بدین توضیح که همانطور که قبلاً هم تصریح شد در حال حاضر در مجموعه مقررات جزایی کشورمان و با وجود قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری مصوب 1385 ، عنوان مجرمانه مشخصی با نام « گروگان گیری» نبوده و مجازات معینی برای این عمل با شرایط خاص آن در نظر گرفته نشده و به ناچار با استفاده از عناوین مجرمانه شبیه به آن از قبیل آدم ربایی (ماده 621 قانون مجازات اسلامی) ، توقیف و حبس غیر قانونی و مخفی نمودن افراد (ماده 583 قانون مجازات اسلامی) مرتکب را به مجازات خود رساند.

دادگاه صالح در رسیدگی به این جرم از منظر فوق دادگاههای عمومی خواهد بود. (ماده 51 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی انقلاب در امور کیفری مصوب 1378) و قانون حاکم بر شیوه دادرسی رسیدگی به این جرم نیز قانون مذکور خواهد بود.

از جهت بررسی این موضوع در سطح بین المللی نیز باید گفت با توجه به اینکه جرم گروگان گیری در بسیاری از موارد در سطح بین المللی و چند کشوری صورت می گیرد. علاوه بر اینکه مطابق با اساسنامه دیوان بین المللی کیفری این جرم در صلاحیت دیوان مذکور می باشد. هر کشور می تواند در صورت اعمال صلاحیت شخصی و سرزمینی و در صورت وجود توافق نامه ها و معاهدات دو یا چند جانبه نسبت به محاکمه و مجازات مرتکبین جرم گروگان گیری اقدام کند.

درايران نیز همانطور که در این موارد از گروگان گیری هایی که در سطح بین المللی صورت می گیرد، محاکم صالحه جمهوری اسلامی ایران می توانند مطابق با توافق نامه ها و معاهداتی که دولت به امضاء و الحاق آن اقدام نموده و بر مبنای اصل صلاحیت سرزمینی (ماده 3 قانون مجازات اسلامی) و اصل صلاحیت شخصی (ماده 7 قانون مجازات اسلامی)، گروگان گیری را مطابق با قوانین جزایی (از جمله قانون مجازات اسلامی) مجازات نماید.

## نتیجه :

آزادی نعمتی است از طرف خداوند که قرآن کریم در آیه 70 سوره مبارکه اسراء بر آن تاکید دارد و آزادی تن حق طبیعی تمام انسانهاست که هیچ کس حق تجاوز و تعدی بدان را ندارد. این حق در مواد 1 و 9 و 13 اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین المللی مورد تایید قرار گرفته است. قانون اساسی کشورما نیز در اصول مختلف خود از جمله 22 و 23 و ... به صراحت بر این موضوع اشاره دارد. با وجود این آزادی تن افراد ملت گاهی توسط خاطیان، مورد تعدی قرار گرفته و سلب می شود.

جرم گروگان گیری از مهمترین جرائم علیه اشخاص محسوب می شود که توأم با اجبار و تهدید مادی و معنوی و علیه تمامیت جسمانی و حیثیتی و شخصیت معنوی قربانیان صورت می گیرد.

در حقوق بین الملل مطابق با اسناد و کنوانسیون های مختلف بین المللی، این عمل و جرائم مرتبط با آن جرم قابل مجازات شناخته شده است. جرم گروگان گیری به عنوان یکی از جرائم شدید ارتكابی علیه اشخاص و از مصادیق تروریسم شناخته شده است، یکی از مهمترین اسناد بین المللی علیه این جرم کنوانسیون بین المللی علیه گروگان گیری سال 1979 میلادی می باشد. بر اساس مفاد این کنوانسیون «هر فردی که نسبت به در اختیار گرفتن و یا نگه داشت، تهدید به قتل، جراحت و یا تداوم در اختیار نگه داشتن فرد دیگر اقدام نماید و به منظور مجبور نمودن یک طرف ثالث، آزادی گروگان ها را به خاطر یک شرط صریح یا ضمنی منوط به انجام یک عمل یا عدم انجام یک عمل نماید، مجرم محسوب می شود.» همچنین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد به شماره 579 (سال 1985 میلادی) به منظور محکومیت گروگان گیری، نیز قابل ذکر است که در آن تمامی اقدامات گروگان گیری را صریحاً محکوم نموده و خواهان رهایی تمامی گروگان ها و اشخاص ربوده شده، در هر جا و به وسیله هر مرتکبی گردیده است.

با بررسی حقوق کیفری ایران و سوابق قانونگذاری آن، در می یابیم که جرم گروگان گیری در هیچ قانونی مورد تصریح قرار نگرفته و به طور خاص جرم انگاری نشده است و شاید علت آن گسترش گروگان گیری در دهه های اخیر و مشخص نبودن خطر شدت آن در گذشته است. هر چند عقیده بر این است که جرم گروگان گیری از آنجا که جزء جرائم علیه آزادی تن به شمار می رود، می تواند یکی از مصادیق توقیف و حبس غیرقانونی و علی الخصوص جرم آدم ربایی باشد. اما این توجیه به دلایل مختلف نمی تواند صحیح فرض شود. از جمله این که در جرم توقیف و حبس غیرقانونی مجنی علیه صرفاً در محلی بسته، محبوس شده و آزادی رفت و آمد از او سلب می شود و هدف اصلی مجرم از ارتکاب این جرم صرفاً همین سلب آزادی قربانی است ولی در جرم گروگان گیری که معمولاً در سطحی وسیع تر و با تعداد مرتکبان و قربانیان بیشتری صورت می گیرد، سلب آزادی گروگان ها و توقیف و حبس آنها، تنها هدف ابتدایی و مقدمه ای برای رسیدن به نتیجه و هدف نهایی گروگان گیران است و آن می تواند مواردی از جمله رسیدن به اهداف سیاسی و یا اخاذی و غیره باشد. همین تفاوت در جرم آدم ربایی نیز می تواند مصداق داشته باشد. ذکر این نکته ضروری است که از مهمترین عواملی که باعث تفکیک جرم گروگان گیری از آدم ربایی می شود در همین هدف مجرمانه نهفته است.

همانطور که گفتیم گروگان گیری عمدتاً با اهداف سیاسی ارتکاب یافته و گروگان گیر در پی ایجاد بازتابی وسیع در سطح ملی و بین المللی و توجه اذهان و افکار عمومی به او و عمل ارتكابی او می باشد در حالی که برخلاف آن، فرد آدم ربا سعی در مخفی نگه داشتن عمل ارتكابی خود و رسیدن به هدفش بدون توجه به دیگران علی الخصوص مقامات دولتی، دارد. تفاوت مهم دیگر این دو جرم از جهت فعل ارتكابی و عنصر مادی نیز بر این است که در معنی اصطلاحی حقوق کیفری از جرم گروگان گیری مرتکب، مجنی علیه را نقل مکان نداده و در همان مکانی که قرار دارد، توقیف و حبس نموده و آزادی و تمامیت جسمانی و حیثیتی او را گرو وثیقه تحقق خواسته خود قرار می دهد. در حالی که آدم ربایی مستلزم ربودن شخص و سپس انتقال دادن آن به محلی است که در آن قربانی محسوب می شود تا از این طریق آدم ربا به اهداف خود نایل گردد.

این موضوع لازم به ذکر است که در حقوق بین الملل، گروگان گیری هم ردیف با آدم ربایی و در شباهت کامل با آن دانسته شده است. همانطور که در اسناد بین المللی عنصر



قانونی گروگان گیری و آدم ربایی را به طور یکسان بیان نموده اند و کنوانسیون ها و قطع نامه های بین المللی در جهت مبارزه با اقدامات تروریستی و گروگان گیری و آدم ربایی، اقدامات و دستورالعملهای واحدی را ارائه می دهند. فارغ از بحث حقوق بین الملل، در فقه جزایی اسلام نیز هر چند عنوانی به نام گروگان گیری در مباحث فقها یافت نمی شود، با این وجود ربودن انسان، موضوع نظرات و اختلاف عقیده های فراوان را میان دانشمندان علم فقه به دنبال داشته است. خلاصه اینکه موضوع ربودن انسان (اعم از حر و بنده) در دو عنوان سرقت، محاربه و افساد فی الارض مورد بررسی قرار گرفته است و عده ای آدم ربایی را مشمول جرم سرقت دانسته و مرتکب را مشمول مجازات آن (حد سرقت) می دانند ولی با این وجود نظر غالب بر این است که مجازات ربودن انسان به واسطه فساد است که بر آن مترتب است در جرم گروگان گیری نیز می توان گفت با توجه به قاعده کلی ای که در فقه اسلام در مورد تعزیرات وجود دارد و همچنین با استفاده از معیار جرم محاربه و افساد فی الارض که در آن کسی که برای وحشت مردم دست به اسلحه برده قابل مجازات حدی است، می توان مجازات مرتکب جرم گروگان گیری را توجیه نمود.

در مورد ذکر خصوصیات جرم گروگان گیری باید اظهار داشت که هر چند عنصر قانونی ای جهت تعیین مجازات برای جرم گروگان گیری در مجموعه قوانین فعلی کشور ما وجود ندارد. اما عنصر مادی این جرم عبارت است از توقیف و حبس نمودن فرد یا افرادی و وثیقه قرار دادن آزادی، جان، تمامیت جسمانی و حیثیتی گروگانان به منظور مجبور نمودن شخص یا اشخاص ثالثی برای تحقق خواسته های گروگان گیر (اعم از سیاسی، مالی و ...) که معمولاً همراه با اعمال فشار و تهدید بر گروگان ها خواهد بود و همچنین این جرم از جرائم عمدی به شمار رفته و دارای سوء نیت عام در ارتکاب عمل توقیف نمودن گروگان ها و سوء نیت خاص در تحقق نتیجه و خواسته گروگان گیر در اجبار شخص ثالث به انجام یا عدم انجام عملی خاص است.

قابل توجه است در هیچ یک از قوانین کیفری ایران جهت صیانت از آزادی تن اشخاص (از جمله قانون مجازات عمومی مصوب 1304، قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب 1335، قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب 1353، قانون تعزیرات 1362 و در نهایت قانون مجازات اسلامی مصوب 1375، نامی از گروگان گیری برده نشده و همچنان برای

جرم گروگان گیری با وجود تفاوت های مشخصی که از جنبه حقوق کیفری با جرائم آدم ربایی، توقیف و حبس غیرقانونی دارد، عنصر قانونی مجزایی وضع نگردیده است. البته هر چند گسترش و شدت تاثیر و ظهور این جرم در دهه های اخیر بیشتر نمایان گشته و نظام های کیفری مختلف دنیا در جهت مبارزه با این اقدامات گام های تازه ای را برداشته اند ولی انتظار می رود که قانونگذار، جرم گروگان گیری را فراتر از جرائم آدم ربایی، توقیف و حبس غیرقانونی در نظر گرفته و با تصدیق تفاوت آشکار میان این جرائم در جهت جرم انگاری مجزا و تعیین عنصر قانونی خاصی راجع بدان گام بردارد.

البته لازم به ذکر است که هر چند قانونگذار، قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون مبارزه علیه گروگان گیری 1979 میلادی در سال 1385 به تصویب رسانده و مطابق با ماده 9 قانون مدنی آن را لازم الاجرا می داند. با این وجود همانطور که می دانیم این کنوانسیون صرفاً یک توافقنامه میان کشورهای عضو، جهت مبارزه با گروگان گیری و اقدامات تروریستی ناشی از آن و محکوم نمودن اعمال مرتکبین این اقدام و البته یک سند همکاری میان آنها در این زمینه است و علیرغم ماده 2 آن، به هیچ وجه نسبت به جرم گروگان گیری، مجازات خاصی تعیین نکرده است که از این رو وقت آن است که قانونگذار ایران بعد از تصویب این کنوانسیون و اعلام محکوم نمودن این اقدامات و قابل تعقیب بودن مرتکبان آن با تهیه و تصویب قانونی مجزا نسبت به تعیین مجازات و شرایط این جرم نیز گام موثری بر دارد که از ضروریات است.

## فهرست منابع:

### الف) کتب

- 1- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1368.
- 2- ام اسچب، جان، گزیده متون حقوقی «حقوق جزای امریکا»، ترجمه، پیروز امیرسماواتی.
- 3- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت، 1380.
- 4- آقایی نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اشخاص، شخصیت معنوی، نشر میزان، چاپ اول، 1385.
- 5- ابن قدامه، الکافی فی الفقه، کتاب الحدود، چاپخانه علمیه، تهران، 1369.
- 6- آلن بوئر، اگزویه روفر، خشونت و ناامنی شهری، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی، انتشارات مجد، چاپ اول، 1382.
- 7- ایمانی، عباس، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، نشر آریان، چاپ اول، 1382.
- 8- ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه نظرهای مشورتی (جزای)، 1342-1383، انتشارات مجد، چاپ اول، 1384.
- 9- احمدی، عبدا...، جرم قاچاق، نشر میزان، چاپ دوم، 1382.
- 10- ابادری خومنش، منصور، مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوق در زمینه مسائل جزایی، انتشارات خط سوم، چاپ اول، 1386.
- 11- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ پنجم، نشر میزان، 1382.
- 12- ابادری فومنشی، منصور، شرح قانون مجازات اسلامی، انتشارات خط سوم، چاپ اول، 1379.
- 13- اشتری، بهناز، قاچاق زنان (بردگی معاصر)، نشر میزان، چاپ اول، 1385.
- 14- افراسیابی، محمداسماعیل، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات فردوسی، چاپ اول، 1376.
- 15- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1368.

- 16- آقایی نیا، حسین تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی (1)، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، 1378 .
- 17- بازگیر، یدا...، آراء ماهوی دیوان عالی کشور در امور حقوقی و جزایی، انتشارات دانش نگار، 1380 .
- 18- باقی، عماد الدین، انقلاب و تنازع بقا، (پژوهشی در زمینه ها و پیامدهای اشغال سفارت آمریکا در تهران، نشر عروج، 1376)
- 19- بکویت، چارلی، حادثه طبس، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، 1367 .
- 20- پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، 1352 .
- 21- پیمانی، ضیاء الدین، حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ سوم، نشر میزان، 1377 .
- 22- پرس بورگر، امریک، گروگان، نشر زوار، چاپ اول، 1344 .
- 23- تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات قومس، چاپ اول، 1379 .
- 24- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ 11، انتشارات گنج دانش، 1380 .
- 25- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد 1، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، 1378 .
- 26- چتر عنبرین، غلامرضا، گزیده رویه قضایی آراء اصراری هیات عمومی دیوان عالی کشور (کیفری)، 1352-1341، انتشارات گل مریم درخشان، جلد دوم، چاپ اول، 1383 .
- 27- حسینجانی، بهمن، حقوق جزای اختصاصی (1)، انتشارات نسل نیکان، چاپ اول، 1382 .
- 28- حاجی ده آبادی، احمد، بایسته های تقنین (با نگاهی انتقادی به قانون مجازات اسلامی)، نشر پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی، چاپ اول، 1383 .
- 29- حسینی، محمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه تهران و سمت، چاپ اول، 1383 .

- 30- حسینی، محمدرضا، قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی، انتشارات مجد، چاپ اول، 1382.
- 31- حر عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه الی التحصیل مسائل الشریعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تاریخ.
- 32- حبیبی، حمید، گروگان گیری و آغاز جنگ ایران و عراق، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، 1382.
- 33- حلبی، ابوصلاح، الکافی فی الفقه، دارالتراث العربی، بیروت، بدون تاریخ.
- 34- خلعتبری، عبدالحسین، گروگان گیری، موسسه انتشاراتی جام جم، چاپ اول، 1384.
- 35- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح مختصرالنافع، جلد 7، باب سرقت.
- 36- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، زیر نظر دکتر معین، جلد سوم، چاپخانه ارشاد، تهران، 1361.
- 37- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد 2، چاپخانه مجلس، 1325.
- 38- رحیمی، مصطفی، ترجمه المنجد، جلد اول و دوم، چاپ دوم، انتشارات بعثت، 1380.
- 39- رهامی، محسن، حقوق جزای اختصاصی (1)، جزوه درسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، 1380.
- 40- ب) رایش، والتر، ریشه های تروریسم، ترجمه حسین محمدی نجم، انتشارات سپاه پاسداران، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، چاپ اول، 1381.
- 41- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد 1 و 2 و 3، انتشارات ققنوس، 1382.
- 42- زراعت، عباس، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ دوم، انتشارات ققنوس، 1381.
- 43- زراعت، عباس، حقوق جزای اختصاصی (1)، جرائم علیه اشخاص، انتشارات فکرسازان، چاپ سوم، 1385.
- 44- سپهوند، امیر، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
- 45- سروری، اسدا...، پاکسازی منطقه و رهایی گروگان، نشر جهان جام جم، چاپ اول، 1384.

- 46- سالیانجر، پی یر، گروگان گیری در ایران و مذاکرات محرمانه تهران، نشر نوین، چاپ اول، 1362 .
- 47- ستوده، امیر رضا، بحران 444 روزه در تهران و ناگفته هایی از تصرف سفارت آمریکا، موسسه ذکر، 1379.
- 48- شاهرودی، سیدمحمود، بایسته های فقه جزاء، نشر میزان، چاپ اول، 1382 .
- 49- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی (جرائم علیه اشخاص) ، چاپ چهارم، انتشارات ژوبین، 1377 .
- 50- شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول از سال 1358 تا 1371 ، انتشارات روزنامه رسمی کشور، 1373.
- 51- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر پاژنگ، چاپ اول، 1371 .
- 52- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد، المبسوط فی الفقه الامامیه، چاپ مرتضوی، تهران، جلد 8، 1371 .
- 53- شوارتز، دیوید ارون، مقاله «تروریسم و حقوق بین الملل اسلامی»، ترجمه زهرا کسمتی، مجموعه «تروریسم...».
- 54- شاه علی، احمدرضا، انقلاب دوم، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، آثار و پیامدها، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1385.
- 55- شهید ثانی، شرح لمعه، جلد دوم.
- 56- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، 1372 .
- 57- صبری، نورمحمد، گزیده آراء دادگاههای کیفری، چاپ اول، انتشارات فردوسی، 1378.
- 58- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هفتم، انتشارات کتابخانه گنج دانش، 1376 .
- 59- صادقی، محمدهادی، حقوق جزای اختصاصی (1)، جرائم علیه اشخاص و صدمات جسمانی، چاپ چهارم، نشر میزان، 1380.
- 60- طوسی، ابوجعفرمحمد، المبسوط فی الفقه امامیه، چاپ مرتضوی، جلد 8 .
- 61- طوسی، ابوجعفرمحمد، النهایه، جلد 2، چاپ مکتبه نینوا، تهران، 1369، چاپ اول.

- 62- طوسی، ابوجعفر محمد، تهذیب الاحکام، جلد 1، چاپ مرتضوی، تهران، چاپ اول، 1371.
- 63- طوسی، ابوجعفر محمد، الخلاف، جلد 3، انتشارات مکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ سوم.
- 64- طباطبائی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، انتشارات تهران، 1370 .
- 65- علی آبادی، عبدالحسین، موازین قضایی، انتشارات حسینیه ارشاد، 1363 .
- 66- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، 1381 .
- 67- عمید، حسین، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات ابن سینا، چاپ اول، 1343 .
- 68- عمید، حسین، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، جلد 1، چاپ 23، 1381.
- 69- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، جلد اول، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1364 .
- 70- فاضل لنکرانی، آیت ا... محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، چاپخانه علمیه، 1374 .
- 71- فیض کاشانی، مفاتیح الشرایح، جزء ثانی، مکتبه الاسلامیه، تهران، چاپ اول، 1369 .
- 72- فرهنگ حقوقی بهمن، بر اساس Black's Law Dictionary چاپ دوم، 2003 .
- 73- قربانی، زین العابدین، اسلام و حقوق بشر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، 1366.
- 74- قربانی، فرج ا...، مجموعه آراء وحدت رویه دیوان عالی کشور، (جزایی، 1372-1328)، چاپ سوم، انتشارات فردوسی، 1372 .
- 75- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، 1370 .
- 76- کارتر، جیمی، 444 روز خاطرات کارتر رئیس جمهور پیشین آمریکا، ماجرای گروگان های آمریکایی در ایران، نشر هفته، چاپ اول، 1361 .
- 77- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ نهم، انتشارات دانشگاه تهران، 1382 .
- 78- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ ششم، نشر میزان، 1381 .
- 79- گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، چاپ ششم، 1384.
- 80- گارسیا مارکز، گابریل، گزارش یک آدم ربایی، نشر آگاه، 1378 .

- 81- مدنی، جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نشر همراه، 1370 .
- 82- مهاجری، علی، جرائم خاص کارکنان دولت، انتشارات کیهان، 1379 .
- 83- مصلائی، علیرضا، قانون مجازات در آراء دیوان عالی کشور، چاپ دوم، نشر ادبستان، 1381 .
- 84- موسوی خمینی، روح ا...، تحریر الوسيله، ترجمه علی اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1368 .
- 85- مهرپور، حسین، مجموعه نظریات شورای نگهبان، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات کیهان، 1371 .
- 86- محمد نسل، غلامرضا، مجموعه مقررات دیوان بین المللی کیفری، نشر دادگستر، چاپ اول، 1385.
- 87- معظمی، شهلا، جرم سازمان یافته و راهکارهای جهانی مقابله با آن، نشر دادگستر، چاپ اول، 1384 .
- 88- مصلائی، علیرضا، قانون مجازات اسلامی در نظام جزایی کنونی (حقوق جزای عمومی)، نشر آیلا، چاپ اول، 1380 .
- 89- موسوی، عباس، فهرست الفبایی عناوین کیفری و حقوقی، ناشر روزنامه رسمی کشور، 1377 .
- 90- مرتضوی، سعید، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات مجد، چاپ اول، 1385.
- 91- مجموعه قانون مجازات اسلامی، ریاست جمهوری، چاپ پنجم، ناشر معاونت پژوهش و تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، 1383 .
- 92- میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ چهارم، نشر میزان، 1383 .
- 93- محقق حلی، مختلف الشیعه، جلد3، مکتبه نینوی، تهران، 1369 .
- 94- محمدی گیلانی، محمد، حقوق کیفری در اسلام، انتشارات حوزه علمیه قم، 1378.
- 95- مطیعی، منوچهر، گروگان درباره قاجار، نشر مجرد، چاپ اول، 1374 .
- 96- مهدی نیا، جعفر، معمای اشغال سفارت امریکا در ایران، نشر امید فردا، چاپ اول، 1383 .



- 97- محقق حلی، مختصر المنافع.
- 98- محقق حلی، شرایح الاسلام، جلد 4، انتشارات اسماعیلیان، قم، چاپ دوم، 1371 .
- 99- منتسکیو، روح القوانین، انتشارات تهران، 1352 .
- 100- ناصرزاده، هوشنگ، اعلامیه های حقوق بشر، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، 1372 .
- 101- نوربها، رضا، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، نشر میزان، چاپ دوم، 1383.
- 102- الف) نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر دادآفرین و کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم، 1382 .
- 103- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایح الاسلام، المكتبه الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، 1367 .
- 104- نعناکار، مهدی، افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، انتشارات مرسل، چاپ اول، 1377 .
- 105- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایح الاسلام، مكتبه الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، 1367 .
- 106- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای اختصاصی، جرائم علیه اشخاص، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، 1369.
- 107- ویلیام ا. شبت، مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ترجمه دکتر سید باقر میرعباسی و حمید الهوئی نظری، انتشارات جنگل، چاپ اول، 1384 .
- 108- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر داد، چاپ اول، 1372 .
- 109- هاشمی، سیدمحمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، 1372 .

## ب) مقالات :

- 110- الهام، غلامحسین، «بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه قوانین موضوعه»، مجله دادگستری، شماره 80، سال سوم، 1373 .
- 111- افلاطونی، ارسطو، «دزدیدن دختر بچه ها...»، مجله کانون وکلای دادگستری، شماره 8، 1373 .

- 112- ابوالفتحی، ابوالفتح، «سوء قصد نسبت به آزادی فردی»، مجله کانون وکلای آذربایجان، شماره 2، سال 10، 1356 .
- 113- اردبیلی، دکتر محمدعلی، مقاله «مفهوم تروریسم»، در مجموعه تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 34، 1380 .
- 114- توماس جی بری، «تعریف تروریسم بین المللی، نگرش عملی»، ترجمه سیدرضا میرطاهر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 1، 1382 .
- 115- حبیب زاده، محمدجعفر، «آدم ربایی در حقوق ایران»، ماهنامه دادرسی، شماره 43، سال 8، 1383 .
- 116- حبیب زاده، محمدجعفر، «آدم ربایی در حقوق ایران»، ماهنامه دادرسی، شماره 25، سال 5، 1380 .
- 117- روزنامه رسمی، شماره 385932، مورخ 1285/26
- 118- زراعت، عباس، «بررسی جرم آدم ربایی و مخفی کردن دیگران»، نامه مفید، شماره 33، سال 8، 1381 .
- 119- صبری، نورمحمد، «بررسی جرم آدم ربایی در حقوق کیفری ایران و اسلام»، مجله دادرسی، شماره 24، 1379 .
- 120- قانونی، یدا...، «بررسی ماده واحده قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب 1335»، مجله کانون وکلای دادگستری، شماره 102، سال 18، 1345 .
- 121- گرامی، محمود، «آدم دزدی»، مهنامه قضایی، شماره 14، 1346 .
- 122- میرمحمد صادقی، حسین، «ملاحظات در باب تروریسم»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره 34، سال 33، 1380 .
- 123- ملک اسماعیلی، عزیز...، «دزدیدن یا مخفی کردن طفل»، مجله شهربانی، شماره 314 و 315، سال 24، 1346 .
- 124- ملک اسماعیلی، عزیز...، «آدم ربایی»، مهنامه شهربانی، شماره 498، 1355 .
- 125- مرعشی، سیدمحمدحسن، «افساد فی الارض»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره 2، 1376 .

- 126- مرعشی، سیدمحمدحسن، «افساد فی الارض»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره 2، 1372 .
- 127- ناصرزاده، هوشنگ، «حبس و توقیف غیرقانونی»، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره 6، 1371 .
- 128- هاشمی، کامران، «حقوق اسلامی در تقابل با تروریسم بین المللی»، مجله راهبرد، شماره 21، 1380 .
- 129- هاشمی، کامران، «کنوانسیون های بین المللی در مورد تروریسم»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره 4، 1379 .

### ج) پایان نامه ها :

- 130- رازینی، علی، محاربه و افساد فی الارض در قرآن، حدیث و فقه اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، 1379 .
- 131- زنگویی، فرشید، آدم ربایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، 1380 .
- 132- غفاری، همایون ، آدم ربایی در حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، 1377.
- 133- کریمی، حسین، آدم ربایی در حقوق جزای ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، 1378 .
- 134- معارفی، مهرزاد، بررسی مسأله گروگان گیری در حقوق بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، 1381.
- 135- محمدی فیروزجائی، رسول، مطالعه تطبیقی جرم آدم ربایی در حقوق کیفری ایران و فرانسه و حقوق بین الملل، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه امام صادق، 1381 .

## د) منابع لاتین :

- 136- Criminal law, John M.Scheb and John M.Scheb II, Second edition, west/weds worth.
- 137- Dictionary of law, Curzon Leslie basil, sixth edition, longman.
- 138- David A. Baldwin, "Bargaining with Airline Hijackers," in The 50% Solution, edited by William I.Azrtman, 404-29 (Garden City, N.Y.: Doubleday, 1976), argues that promises have been sufficiently stresse, Analysts tend to emphasize threats instead, surely because of the latent violence implicit in hostage taking regardless of outcome.
- 139- Daniel Ellsburg, The theory and practice of Blackmail (santa Monica: Rand corporati on, 1968).
- 140- dictionary of law, Elizabeth A.Martin, 1998. Qxford.
- 141- 119-Herny, Campbell, Black, M.A.Black Slaw Dictionary.
- 142- Interoduction to criminal law, cross jones and card, Eleventh edition, Butter worths.
- 143- International Convention against the taking of hostage (1979).
- 144- 120- Lagueur, Walter, the Age of Terrorism, printed in the U.S.A. 1987.
- 145- 124- Mohammd- UN- Nasir, Muslim conduct of state (As Exponded by Dr. H.UK kah). 12-14 (1973).
- 146- (Maryam- Webster's Collegiate Dictionary, Tenth Edition, 2003).
- 147- Oxford Advanced Learners' Dictionary, Seventh Edition, 2005).
- 148- 122- Paul gilbert: terrorism, security and Nationalaity, west/ weds worth, 1995.
- 149- Principles of criminal law, and rew Ashworth, 1992, Oxford University.
- 150- 123- R.M.Pearistein, the mind of the political terrorist-Wilmgton:SR book.

- 151- Schelling, Arms and Influence (New Haven, conn.: Yale University press, 1966),6.
- 152- - See Roberta Wohlstetter's case study of Castro's seizure of American marines in Cuba: "Kidnapping to Win Friends an Influence People," *Survry* 20 (1974):1-40.
- 153- - Scott E. Atkinson, Todd Sandler, and John Tschirhart, "Terrorism in a Bargain ing Framework," *Journal of Law and Economics* 30 (1987):1-21 .
- 154- 121- Schmid, Alex, political terrorism: aresearch Guid to consepts, teories, Data Bases and literature, 1999.
- 155- “Traffiking in women and children: Mekong sub-region”, Quoted in [http://www.Unifem-eseasia. Ogr/resources/traffic](http://www.Unifem-eseasia.Ogr/resources/traffic).